ایران

• پنجشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۵
• ۸ صفر ۱۴۴۸
• ۲۳ جولای ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۸۱
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

در نشست معاون اول رئیس جمهور با جامعه‌شناسان تأکید شد

بازسازی اعتماد عمومی لازمه عبور از شرایط کنونی

۱

چالش‌های ناترازی انرژی صنایع با حضور رئیس جمهوری بررسی شد

۷ پیشنهاد برای تأمین برق صنعت

رئیس جمهوری در پی گزارش مربوط به حاشیه‌های فیلتر شدن یک برنامه فوتبالی در جلسه هیأت دولت، دستور پیگیری جدی موضوع را صادر کرد

۳ ۷

پیکرهای تازه شناسایی‌شده شهدای مدرسه «شجره طیبه» میناب روی دوش مردم تشییع شد

وداع آخر در آغوش مادر

۶۷ قطعه پیکر شناسایی شده متعلق به ۳۲ شهید بوده است

عکس: shahrwandnews.com

۱۴

نخست وزیر عراق امروز در رأس هیأتی به ایران سفر می‌کند

تهران؛ مقصد کلیدی «الزیدی»

پزشکیان: سفر الزیدی می‌تواند زمینه‌ساز فصل جدیدی از مناسبات راهبردی دو کشور باشد

همراه با یادداشتی از مدیر کل خلیج فارس وزارت امور خارجه

۱ ۴

گزارش «ایران» از رویداد هنری «مشق ناتمام»

وقتی پل طبیعت به صحنه روایت تبدیل می‌شود

مدیر عامل ایرنا: مشق ناتمام، پلی میان خاطره جمعی و یک فاجعه انسانی است

۱۶

راهکارهایی برای آشنایی کودکان با دنیای کتاب

مطالعه عادتی که از خانه آغاز می‌شود

۹

معاون وزارت بهداشت به «ایران» خبر داد

اجرای طرح «پرستار پیگیر» در هزار بیمارستان

۶

گفت و گو با ریچارد فالک، گزارشگر پیشین سازمان ملل

حملات آمریکا به ایران مصداق جنایت علیه بشریت است

محمدرضا دهشیری: پیروزی دیپلماسی، محصول تصمیم‌گیری به‌موقع است

۴ ۵

رئیس جمهوری در نشست بررسی همکاری اقتصادی ایران و عراق:

سفر الزیدی می‌تواند زمینه‌ساز فصل جدیدی از مناسبات راهبردی دو کشور باشد

در آستانه سفر رسمی نخست‌وزیر عراق و هیأت عالی‌رتبه همراه به جمهوری اسلامی ایران، نشست ویژه پرونده روابط اقتصادی ایران و عراق در چارچوب کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی دو کشور به ریاست مسعود پزشکیان و با حضور اعضای اقتصادی دولت، وزیر امور خارجه، رئیس کل بانک مرکزی، مسئولان دستگاه‌های ذی‌ربط و نمایندگان بخش خصوصی برگزار شد.

رئیس جمهوری در این نشست، سفر پیش‌روی فالح الزیدی نخست‌وزیر عراق و هیأت عالی‌رتبه را رویداد بسیار مهمی توصیف و اظهار کرد: «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، روابطی ممتاز، عمیق و مبتنی بر پیوندهای تاریخی، فرهنگی، دینی و منافع مشترک است و این سفر می‌تواند نقطه عطفی در ارتقای همکاری‌های همه‌جانبه و گشودن فصل جدیدی از مناسبات راهبردی دو کشور باشد.» پزشکیان با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های موجود در جریان این سفر، تصریح کرد: «همه دستگاه‌های اجرایی باید با هماهنگی کامل، زمینه تحقق توافقات و توسعه همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و زیرساختی را فراهم کنند تا نتایج این سفر در ارتقای سطح روابط دو کشور ملموس و ماندگار باشد.»

رئیس جمهوری همچنین با اشاره به مراسم باشکوه تشییع رهبر شهید در عراق، این حضور گسترده مردمی را جلوه‌ای از پیوندهای عمیق دینی، مذهبی، فرهنگی و عاطفی میان ملت‌های ایران و عراق دانست و افزود: «این سرمایه ارزشمند اجتماعی، مسئولیت دولت‌های دو کشور را برای تعمیق و توسعه روابط در همه عرصه‌ها دوچندان می‌کند و باید از این ظرفیت کم‌نظیر در جهت تقویت همگرایی، همکاری و منافع مشترک بهره گرفت.»

پزشکیان در ادامه، بر نقش‌آفرینی فعال بخش خصوصی در توسعه روابط اقتصادی دو کشور تأکید کرد و گفت: «ضروری است زمینه‌های گسترش همکاری میان فعالان اقتصادی و بخش خصوصی ایران و عراق در تمامی حوزه‌های دارای ظرفیت، در دستور کار این سفر قرار گیرد؛ چرا که توسعه روابط پایدار اقتصادی، بدون مشارکت مؤثر بخش خصوصی امکان‌پذیر نخواهد بود.»

در پایان این نشست، رئیس جمهوری بر آمادگی کامل دستگاه‌های اجرایی برای برگزاری شایسته این سفر و پیگیری دقیق اجرای توافقات و اسناد همکاری میان دو کشور تأکید کرد.

گفتنی است در این نشست اسناد همکاری مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق که طی ماه‌های گذشته در کمیته‌های تخصصی دو کشور تدوین و نهایی شده است، مورد ارزیابی و جمع‌بندی نهایی قرار گرفت تا برای امضا و تبادل در نشست‌های رسمی مقامات عالی‌رتبه دو کشور آماده شود. همچنین ظرفیت‌های موجود برای توسعه همکاری‌های راهبردی ایران و عراق در حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت و چشم‌انداز روابط دو کشور در افق پیش‌رو، از جمله تعریف پروژه‌های مشترک، ارتقای سطح همکاری‌های اقتصادی، تعمیق تعاملات منطقه‌ای و گشودن عرصه‌های جدید همکاری، برای طرح در نشست‌های هیأت‌های عالی‌رتبه دو کشور ترسیم و بررسی شد.

در نشست معاون اول رئیس جمهور با جامعه‌شناسان تأکید شد

بازسازی اعتماد عمومی لازمه عبور از شرایط کنونی

نشست معاون اول رئیس جمهور با جمعی از جامعه‌شناسان و استادان دانشگاه، به بررسی ابعاد اجتماعی و اقتصادی بحران‌های اجتماعی یک دهه گذشته اختصاص یافت؛ نشستی که در آن هم بر نقش دانشگاه‌ها در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی تأکید شد و هم استادان، بازسازی اعتماد عمومی، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و اصلاح سیاست‌های دولت را لازمه عبور از شرایط کنونی دانستند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، محمدرضا عارف در این نشست با اشاره به برخی بحران‌های اجتماعی دهه گذشته از جمله حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ گفت: «این رخداد که از آن به‌عنوان «شبه‌کودتا» یاد می‌شود، هزینه‌های سنگین انسانی و مادی برای کشور به همراه داشت. با این حال، برخی اقدامات دولت از جمله اعلام فهرست جان‌باختگان، برگزاری مراسم یادبود برای آنان و شهید اعلام کردن جان‌باختگان، نقش مهمی در مدیریت و کنترل این تهدید امنیتی ایفا کرد.»

وی با بیان اینکه این حوادث در شرایطی رخ داد که مردم در جنگ ۱۲ روزه همراهی خوبی با دولت و حاکمیت داشتند و همین همراهی موجب شد کمبودی در بازار ایجاد نشود، افزود: «در جنگ رمضان نیز نقش اثرگذار مردم به‌خوبی مشاهده شد. این حضور، وفاق و اجماع ملی در برابر دشمنان را تقویت کرد و راهبرد آنان برای به میدان کشیدن مردم علیه نظام را با شکست مواجه ساخت. مردم حتی پس از آتش‌بس جنگ رمضان نیز در صحنه حضور داشتند. همچنین زمانی که از مردم خواسته شد برای کمک به مردم جنوب کشور در مصرف برق صرفه‌جویی کنند، تنها در یک شب حدود ۲ هزار مگاوات از مصرف برق کاسته شد.» به گفته عارف، مطالبه اصلی مردم، حل مشکلات اقتصادی و معیشتی است.

معاون اول رئیس جمهور با اشاره به مشکلات اقتصادی ناشی از تورم و جنگ بر ضرورت جلوگیری از تکرار برخی بحران‌های اجتماعی قبلی تأکید کرد و گفت: «دانشگاه‌ها و مراکز علمی با ریشه‌یابی علل بروز چنین بحران‌هایی و ارائه راهکارهای علمی، نقش مهمی در پیشگیری از تکرار این رخدادها دارند. دانشگاه باید به‌عنوان یک اتاق فکر واقعی، حضوری جدی‌تر در مسائل اجتماعی داشته باشد. رویکرد رئیس جمهوری نیز بر نقش‌آفرینی دانشگاه‌ها در حل مسائل کشور، بویژه مسائل اجتماعی، استوار است و همه ارکان دولت باید گوش شنوایی برای دیدگاه‌های دانشگاهیان داشته باشند.»

نظرات اساتید دانشگاه درباره تقویت تاب‌آوری اجتماعی

در ادامه این نشست تعدادی از اساتید دانشگاه نیز به بیان دیدگاه‌های خود پیرامون مسائل اجتماعی مبتلابه کشور پرداختند. از جمله حسین میرزایی با اشاره به اولویت بازسازی فرهنگی و اجتماعی در دوره پساجنگ گفت: «بر اساس پیمایش‌های میدانی، مهم‌ترین مطالبه جوانان، اشتغال با درآمد مناسب، رفاه و برخورداری از زندگی بهتر است و باید به این مطالبات توجه جدی شود.»

غلامرضا ظریفیان نیز در سخنان خود تأکید کرد: «دولت باید روایت حرفه‌ای و قابل اتکایی از وقایع کشور به مردم ارائه دهد. مردم با وجود همراهی در بزنگاه‌های مختلف، همچنان با نااطمینانی جدی روبه‌رو هستند و دولت باید برای بازسازی این اطمینان عمومی اقدام کند.» محمدرضا جلایی‌پور نیز با تأکید بر ضرورت مدیریت هماهنگ ستادهای اقتصادی، اجتماعی و تبلیغات جنگ گفت: «ستاد اجتماعی دولت باید تحولات اجتماعی را به‌صورت مستمر رصد کند.» وی افزود: «طرح‌های اقتصادی مناسب دوران صلح نباید در شرایط جنگی در دستور کار دولت قرار گیرد.»

مجید فولادیان نیز با تأکید بر اهمیت تاب‌آوری اجتماعی پس از جنگ و ضرورت شنیدن صدای اقشار خاموش جامعه اظهار کرد: «کاهش قدرت خرید مردم، شکاف میان دولت و ملت را افزایش می‌دهد و لازم است دولت برای کاهش این فاصله، اقدامات مؤثری انجام دهد.»

هادی خانیکی نیز با اشاره به وجود اختلال در ارتباط میان دولت، حاکمیت و جامعه گفت: «رفع این مشکل نیازمند اقدامات فوری، کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است.» وی افزود: «بی‌اعتمادی و نگرانی نسبت به آینده در میان مردم افزایش یافته است و دولت باید بر پایه داده‌های واقعی با جامعه سخن بگوید.» به گفته او، زمانی که داده‌ها نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از مردم در زمان جنگ خواهان دسترسی به اینترنت هستند، دولت باید به این مطالبه پاسخ دهد. همچنین حاکم شدن نگاه امنیتی در آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بروز یک بحران اجتماعی شود. حسام‌الدین آشنا نیز با بیان اینکه در سال‌های اخیر اختیارات دولت کاهش یافته است بر ضرورت بازگرداندن اقتدار دولت تأکید کرد و گفت: «دولت به یک تقویت ارتباطات راهبردی با مردم نیاز دارد. همچنین عملکرد مدیران باید به‌صورت مستمر ارزیابی و آسیب‌شناسی شود.»

در پایان این نشست علی ربیعی با اشاره به ضرورت بازگشت اقتدار دولت اظهار کرد: «برای جلوگیری از تکرار حوادث دی‌ماه، باید سیاست‌ها و کنش‌های جدیدی در پیش گرفته شود و از تکرار برخی رویکردهای گذشته پرهیز شود.» وی همچنین بر حمایت دولت از انجمن‌های علمی و نهادهای مدنی، ساماندهی ستاد تبلیغات جنگ و اجرای سیاست‌های حمایتی برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی مردم تأکید کرد.

هشدار صریح قرارگاه خاتم‌الانبیا به آمریکا

حمله به تأسیسات هسته‌ای به معنای توسعه جنگ در منطقه است

قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا با صدور اطلاعیه‌ای هشدار داد که حمله آمریکا به مراکز هسته‌ای کشورمان به معنای توسعه جنگ تلقی خواهد شد.

این هشدار قرارگاه خاتم‌الانبیا پس از آن صادر شد که دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، مراکز هسته‌ای و حساس ایران را تهدید به حمله کرد.

در اطلاعیه قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا آمده است: «اعلام می‌گردد چنانچه ارتش متجاوز و تروریست آن کشور وارد چنین مرحله‌ای بشود، آن را به عنوان توسعه جنگ در منطقه می‌دانیم و همه منافع آمریکا، هم‌پیمانان و حامیان آن کشور یاغی و شرور، هدف هجوم قدرتمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار خواهند گرفت.» همزمان با انتشار این اطلاعیه، پاسخ‌های متقابل ایران به حملات تجاوزکارانه آمریکا به کشورمان نیز ادامه داشت. در همین راستا، نیروی هوافضای سپاه پاسداران در ادامه موج ۲۴ عملیات نصر۲ و در ادامه پاکسازی منطقه از رادارهای آمریکا، با تهاجم به یک رادار هشدار اولیه، یک مجموعه رادار تاکتیکی در اطراف پایگاه علی السالم و یک سامانه راداری دیگر در جزیره بوبیان کویت، آنها را منهدم کرده و از رده عملیات خارج کرد. نیروی هوافضای سپاه در موج ۲۵ عملیات نصر ۲ نیز پایگاه‌های آمریکا در اردن را برای چندمین‌بار در روزهای اخیر مورد حمله قرار داد. در میان پایگاه‌های آمریکا در منطقه، پایگاه‌های نظامی این کشور در اردن متحمل بیشترین حملات ایران و خسارات وارد شده بوده‌اند. گفتنی است که از چهار سرباز کشته شده آمریکا در روزهای اخیر نیز ۳ سرباز در پایگاه موفق السلطی اردن حضور داشتند.

در اولین مرحله موج ۲۵ عملیات و در حمله موشکی و پهپادی به پایگاه‌های ملک فیصل و شاهزاده حسن، یک سوله آماده‌سازی اف ۱۵ هدف قرار گرفت و همچنین در حمله به یک سوله آماده‌سازی پهپادها، هشت پهپاد MQ۹ نو و آکبند در بسته‌های خود قبل از آماده‌سازی، به طور کامل منهدم شد و به دو فروند از آنها که در محوطه بودند، خسارت سنگین وارد آمد. در حمله بعدی به سوله نگهداری بالگردها خسارت اساسی به دو فروند بالگرد سنگین آمریکایی وارد آمد. همچنین در حمله به یک مرکز اسکان نیروهای آمریکایی نیز تعدادی از آنها کشته و زخمی شدند.

سپاه پاسداران در اطلاعیه شماره ۴۲ خود که روز گذشته منتشر شد، تصریح کرده است: «اگر این پاسخ‌ها اکتفا نکند و تجاوزات ادامه یابد، آماده عملیات پشیمان‌کننده‌ای می‌شویم که اعلام عزای عمومی در آمریکا را به دنبال خواهد داشت.»

در همین حال ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در مرحله بیست‌ویکم عملیات صاعقه، انبارهای مهمات و تجهیزات لجستیکی مرکز فرماندهی نیروهای زمینی ارتش آمریکا در پادگان الدوحه در غرب کویت را هدف پرحجم پهپادهای انهدامی خود قرار داد.

سردار ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارشد نیروهای مسلح نیز در نشست تبیینی فعالان تجمعات شبانه مردمی در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، اظهار کرد: «چه در جریان ۴۰ روز جنگ و چه پس از جنگ و امضای تفاهمنامه، هیچ وقت تولید موشک‌های راهبردی مان متوقف نشد. به قول معروف از تولید به مصرف و ذخایر ما تأمین می‌شد.» سخنگوی ارشد نیروهای مسلح در ادامه سخنان خود یادآور شد: «حتی بخشی از مراکز تولید موشک ما را دشمن با همه ابزارهای کشف اطلاعاتی که در اختیار دارد و فناوری‌هایی که دارد، نمی‌داند کجا است و سردرگم است.»

پیام تسلیت رهبر انقلاب به مناسبت درگذشت مادر شهیدان مظفر

آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت مادر گرانقدر و پرهیزکار شهیدان مظفر را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

جناب آقای حسین مظفر

سلام علیکم

درگذشت والده مکرمه و مادر فداکار و صبور شهیدان سرافراز حسن، علی و رضا مظفر (رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم) را به جنابعالی و سایر بازماندگان محترم و خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران تسلیت می‌گویم. این بانوی گرانقدر و پرهیزکار با پرورش فرزندانی مؤمن و متعهد به دفاع از حریم انقلاب اسلامی به مقام رفیع قرب الهی نائل آمده است. امید است روح مطهر ایشان درکنار ارواح طیبه فرزندان شهیدش، غریق رحمت و رضوان الهی گردد.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

وزیر نیرو اعلام کرد

معافیت ۴ استان جنوبی درگیر جنگ از قطعی برق

عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو پس از حضور در نشست مشترک با اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، به تشریح آخرین وضعیت تأمین برق کشور در شرایط اضطرار کنونی پرداخت. وزیر نیرو با اشاره به روند موفق تأمین برق در ماه‌های گذشته گفت: «تا بیستم تیرماه مشکل خاصی در شبکه وجود نداشت و برنامه‌ها به‌خوبی پیش می‌رفت. فداکاری مردم در مدیریت مصرف و تلاش همکاران ما در وزارت نیرو موجب شد تا ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی را به شکلی آبرومندانه و تقریباً به مرز صفر برسانیم.»

علی‌آبادی با اشاره به شرایط جنگی کشور و تأثیر آن بر زیرساخت‌های انرژی تصریح کرد: «به دلیل شرایط جنگی، مقدار زیادی از تأسیسات ما آسیب دیده است که امکان طرح تمام جزئیات آن در رسانه‌ها وجود ندارد؛ اما خوشبختانه با تلاش جهادی، این آسیب‌ها به سرعت در حال برطرف شدن است.» وی افزود: «به دلیل بسته شدن تنگه هرمز، برنامه‌ریزی برخی از نیروگاه‌ها نیازمند بازنگری بود که این تجدید برنامه‌ها انجام شده است. با استفاده از مسیرهای جایگزین، نگرانی‌ها در این بخش رفع شده و به اهداف تعیین‌شده دست خواهیم یافت.» وزیر نیرو با دادن وعده‌ای مهم به مردم و نمایندگان اظهار کرد: «امیدوارم تا نیمه شهریورماه، بساط خاموشی‌ها برای همیشه جمع شود. این وعده تنها مختص به مقطع کنونی نیست، بلکه برنامه‌ریزی‌ها به نحوی انجام شده که با اقدامات کلان مجلس و پیگیری تعهدات در وزارت نیرو، اقتصاد برق اصلاح شده و صنعت برق بتواند روی پای خود بایستد، بدون آنکه فشاری به مردم وارد شود.» وی با مقایسه وضعیت برق ایران با کشورهای همسایه یادآور شد: «در حال حاضر برخی کشورهای همسایه در شرق کشور با قطعی برق ۱۲ ساعته مواجه‌اند و در برخی مناطق دیگر تنها ۲ تا ۳ ساعت برق متفرقه برای تأمین نیازهای ضروری وجود دارد. اما به لطف خدا در ایران اکثریت نیاز شبکه در حال تأمین است و کسری موجود نیز به‌زودی برطرف خواهد شد.»

خاموشی‌ها نباید بیش از ۲ ساعت باشد

علی‌آبادی با تشکر از صبوری مردم تأکید کرد: «مدت زمان خاموشی‌ها نباید بیشتر از دو ساعت باشد. اگر شهروندان با قطعی برق بیش از این زمان مواجه شدند، احتمالاً ناشی از مشکلات فنی است و تقاضا داریم مراتب را فوراً از طریق درگاه‌های ارتباطی وزارت نیرو و یا تماس با خط ۱۲۱ اطلاع‌رسانی کنند تا همکاران ما در اسرع وقت به آن رسیدگی کنند.»

هیچ ماینر قانونی در کشور نداریم

عضو کابینه دولت با اشاره به دستور ویژه رئیس جمهوری برای برخورد با استخراج‌کنندگان غیرمجاز رمزارز گفت: «متأسفانه در این شرایط حساس، عده‌ای با استفاده از برق صنعتی و کشاورزی دست به سوداگری می‌زنند که این کار ظلم و بی‌انصافی در حق ملت است. ما قاطعانه در مقابل این افراد خواهیم ایستاد و این برخوردها محدود به فصل تابستان نخواهد بود.»

وی با بیان اینکه پاداش‌هایی برای معرفی استفاده‌کنندگان از ماینر در نظر گرفته شده است، افزود: «در حال حاضر مطلقاً هیچ ماینر قانونی در کشور وجود ندارد و اگر کسی ادعای داشتن مجوز یا تولید ماینر داخلی دارد، مربوط به گذشته است. مردم فریب این ادعاها را نخورند. در شرایط جنگی که رزمندگان ما در حال نبرد هستند و مردم جنوب گرمای طاقت‌فرسایی را تحمل می‌کنند، استفاده از برق برای سوداگری عده‌ای خاص، دست‌اندازی به حق‌الناس است و وزارت نیرو با استفاده از ظرفیت‌های قانونی بشدت با آن برخورد خواهد کرد.»

وزیر نیرو در پایان با اشاره به سفر اخیر خود به استان‌های جنوبی خاطرنشان کرد: «استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان اخیراً درگیر جنگ با آمریکا و اسرائیل شده‌اند. مردم سایر نقاط ایران با صرفه‌جویی در مصرف برق، این هدیه را به هموطنان خود در این مناطق می‌دهند تا این ۴ استان از اعمال خاموشی معاف شوند. در سفر اخیر به این استان‌ها به مردم شریف جنوب قول دادیم که تمام تلاش خود را به کار گیریم تا در این شرایط گرمای شدید و جنگی، دچار سختی مضاعف نشوند.»

خبر

معاون اجرایی رئیس جمهور:

دولت همه ظرفیت‌ها را برای برگزاری باشکوه و ایمن اربعین به کار می‌گیرد

معـاون اجرایـی رئیس‌جمهور گفـت: «دولت وفاق ملـی خود را موظف می‌داند برای برگزاری ایمن، روان و باشـکوه اربعین، همه ظرفیت‌هـای اجرایی را به میدان بیاورد؛ تسـهیل عبـور زائران از مرزها، سـاماندهی حمل‌ونقل، خدمات درمانی و امدادی، تأمین اقلام مـورد نیاز و هماهنگی مسـتمر با دولت عراق در دسـتورکار دستگاه‌های مسـئول قرار دارد.»

بـه گـزارش ایرنـا، محمدجعفر قائم‌پناه در نشسـت سـتاد توسـعه و بازسـازی عتبـات عالیـات، افزود: «قـدرت هـر فرهنگ را می‌تـوان از میزان توان آن در دگرگون‌کردن انسان و سازمان‌دادن جامعه سنجید. فرهنگی کـه بتواند میلیون‌ها انسـان را از خانه و آسـایش خود بیرون بیـاورد، آنـان را در مسـیری واحد گرد هـم آورد، حس مسـئولیت را بر خودخواهـی غلبـه دهد و از دل مردم، شـبکه‌ای عظیـم از ایثار، نظم، اعتمـاد و همیاری پدید آورد، از سـرمایه تمدنی بزرگی برخوردار اسـت. بـا چنین معیاری، اربعین حسـینی یکـی از باشـکوه‌ترین نمایش‌های قـدرت فرهنگـی و اجتماعی در جهان معاصر اسـت.»

وی افـزود: «قـدرت اربعیـن را می‌تـوان در قدم‌هـای میلیون‌ها زائر دید؛ در خانه‌ای که درِ آن به روی مسـافری ناشـناس گشوده می‌شـود؛ در سـفره‌ای که میزبـان، بهترین دارایی خـود را بر آن می‌گـذارد؛ در جوانی که روزها و شـب‌ها بی‌نام و نشـان خدمت می‌کنـد؛ در پیرمـردی عراقی کـه کنار جـاده می‌ایسـتد و از زائر

امام حسـین خواهش می‌کند میهمان سـفره کوچک او باشـد. ایـن قـدرت، از ایمان سرچشـمه می‌گیـرد، با محبت گسـترش می‌یابـد و در خدمت به انسـان جلـوه می‌کند.»

معـاون اجرایی رئیس‌جمهـور افزود: «در کنار این ریشـه تاریخی و مردمی، سـهم راهبردی رهبر شـهید، حضـرت آیت‌الله‌العظمی خامنـه‌ای، در بازشناسـی و تقویـت ظرفیـت جهانـی اربعیـن فراموش‌نشـدنی اسـت. بـه گمـان مـن، در شـمار بزرگ‌ترین ابتکارهای فرهنگـی و تمدنی دوران رهبری ایشـان باید از تقویت راهپیمایـی اربعیـن و تبدیـل آن بـه یـک موضوع مهـم در افکار عمومی جهان اسـلام یـاد کرد.»

قائم‌پنـاه با تأکیـد بر اینکه بـرای اسـتمرار این شـکوه، توجه به چنـد اصل ضروری اسـت، گفت: «اصل اول، پاسداشـت ماهیت مردمی اربعین اسـت. دولـت وظیفه دارد مسـیر را همـوار کند، امنیـت و سـلامت را تأمین کند، زیرسـاخت‌ها را توسـعه دهد و موانـع را از پیش پـای خادمان و زائـران بردارد. امـا روح اربعین از دل مردم می‌جوشـد و میـدان ابتکار، ایثـار و خلاقیت مردمی بایـد همـواره گشـوده بمانـد. تجربه اربعیـن نشـان می‌دهد که اعتماد بـه مردم، چه ظرفیت شـگفت‌انگیزی برای حل مسـائل بزرگ ایجـاد می‌کند.»

قائم‌پناه ادامه داد: «اصل دوم، تکریم ملت و دولت عراق اسـت. موکب‌هـای ایرانـی در عراق، میهمـان و سـفیران فرهنگی ملت ایران هسـتند. دشـمن بارها کوشـیده اسـت میان ایران و عراق فاصله بیندازد. اربعین هر سـال این طراحـی را با صحنه‌ای عظیم از بـرادری و همدلی خنثی می‌کند. حضور موکـب‌داران عراقی در روزهای شـهادت و وداع با رهبر شـهید و تشـییع باشکوه پیکر آن شـهید در کشـور عراق، جلوه‌ای فراموش‌نشـدنی از همین پیوند بـود. مـردم عـراق در اندوه ملت ایران شـریک شـدند و نشـان دادنـد که خـون شـهیدان و محبـت اهل‌بیـت، دو ملـت را به یکدیگر پیوند داده اسـت.»

معاون اجرایـی رئیس‌جمهور اضافه کرد: «اصل سـوم، روایتگری هوشـمندانه اسـت. امروز چشـم‌های جهان به اربعیـن دوخته شـده اسـت. هر موکب می‌توانـد رسـانه‌ای برای معرفـی منطق امام حسـین، فرهنـگ ایرانی ـ اسـلامی، مقاومت ملـت ایران و همبسـتگی ملت‌هـای مسـلمان باشـد. این پیـام باید بـا زبان حکمت، اخلاق و رفتار شایسـته منتقل شـود. دامنه سـفره امام حسـین از مرزبندی‌های جناحی و سـلیقه‌ای بسـیار گسـترده‌تر اسـت و همه دلـدادگان اهل‌بیت در آن جـای دارند.»

قائم‌پنـاه بـا بیـان اینکـه اصـل چهـارم، تـداوم کنشـگری در سـایر ایام سـال اسـت، گفت: «موکب‌هـا ظرفیت بزرگـی برای یاری‌رسـانی در حوادث طبیعـی، کمک به محرومان، پشـتیبانی از خانواده‌هـای آسـیب‌دیده و تقویت سـرمایه اجتماعی کشـور دارنـد. تجربه حـاج قاسـم در به‌کارگیری مواکب هنگام سـیل و بحران‌ها، الگویی ارزشـمند پیش روی ما گذاشـته اسـت. موکب اربعیـن می‌تواند در همه روزهای سـخت، خانه امیـد و پناه مردم و سـفیر همدلی باشد.»

وی گفـت: «نمونـه درخشـان همدلـی مـردم و ایـن روحیـه مسـئولیت‌پذیر را در همین روزهای دشوار شاهد بودیم. هنگامی که وزیر نیرو از مردم خواسـت با کاهش مصـرف، به پایداری برق خانگـی در اسـتان‌های جنوبی درگیـر جنگ و عبـور خانواده‌ها از گرمای طاقت‌فرسـای تابسـتان کمـک کنند، مـردم بزرگوار با صرفه‌جویـی نزدیک بـه دو هزار مـگاوات به این فراخوان پاسـخ دادند. این همراهی شـگفت‌انگیز نشـان داد که فرهنگ مواسات و همدلـی، در جـان مـردم ما ریشـه دارد؛ همان فرهنگـی که در مسـیر اربعین سـفره می‌گسـتراند، در روز بحران نیز از آسـایش خـود می‌کاهد تـا چراغ خانـه هموطنش روشـن بمانـد. چنین جامعه‌ای، بزرگ‌ترین سـرمایه ایران و اسـتوارترین پشتوانه کشور در روزهای سـخت است.»

امیر شکوری، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات نیروی پدافند هوایی ارتش در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

داستان تولد سپر بومی ایران

گفت و گو

در جنـگ ۴۰ روزه آمریـکا و رژیم صهیونیسـتی علیـه جمهوری اسـلامی ایـران، همزمـان بـا حمـلات تجاوزکارانـه گسـترده دشـمن، شـبکه پدافنـد هوایی کشـور نیـز در حـد امکانات و ظرفیت‌هـای موجـود، مأموریـت سـنگین دفاع از آسـمان ایـران را برعهده داشـت و با رهگیـری و مقابله بـا جنگنده‌ها، پهپادهـا و موشـک‌های متخاصـم، نقـش مؤثـری در کاهش محـدود کـردن دامنـه حملات ایفـا کـرد. هرچنـد در چنین نبرد پیچیـده و بی‌سـابقه‌ای، برخی سـامانه‌های پدافندی نیز آسیب دیدند و دشـمن آمریکایی-صهیونیستی توانست برخی شـهرهای کشـور را مورد حمله قرار دهـد، اما ایـن واقعیت به هیچ وجـه از ارزش و اهمیت نبرد مسـتمر و شـجاعانه پدافند هوایی کشـور نمی‌کاهد. چه آنکه در پاسـخ‌های متقابل ایران، تعداد قابل توجهی از سـامانه‌های دفاعی پیشـرفته دشمن نیز مورد اصابت موفق موشـک هـا و پهپادهای ایران قـرار گرفت. همچنین تمـام پایگاه‌های نظامی و تأسیسـات مرتبط با آمریکا در سراسـر منطقـه نیز مـورد اصابت‌هـای دقیق قـرار گرفت و خسـارات قابل توجهی به دشمن وارد شـد. به همه این دلایل، ارزیابی عملکرد پدافندی کشـور، تنها با اسـتناد به اصابت‌های دشـمن ممکن نیسـت، بلکه باید آن را در چارچـوب یک نبرد چندلایـه و پیچیـده تحلیل کـرد. نکتـه دیگری که بایـد مورد توجه قرار داد، این اسـت کـه برخلاف پدافنـد چندلایه آمریکا و رژیـم صهیونیسـتی در منطقه، ایـران با اتکا به قـدرت بومی خـود پـای در این نبرد گذاشـت و اولین‌هایی را هـم رقم زد. از جملـه شناسـایی و رهگیری جنگنـده اف-۳۵ بـرای اولین بار در تاریـخ دنیـا، انهدام جنگنـده اف-۱۵ آمریکا بـرای اولین بار در سـال‌های پـس از جنگ جهانـی دوم و انهدام تعـداد قابل توجهـی از پهپادهای پیشـرفته جاسوسـی و عملیاتی دشـمن آمریکایی-صهیونیستی.

در همیـن بسـتر، برای بررسـی روند شـکل‌گیری تـوان بومی پدافند هوایی جمهوری اسـلامی ایـران، الزامات خودکفایی در شـرایط تحریم و همچنین نقش راهبردی رهبر شـهید انقلاب در توسـعه فناوری‌های دفاعی که اکنون گوشه‌ای از ثمرات آن را می‌بینیم، با امیر سـرتیپ علی شـکوری، رئیس مرکز مطالعات و تحقیقات نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسـلامی ایران به گفت‌وگـو نشسـتیم. در این گفت‌وگو، مسـیر شـکل‌گیری فناوری‌هـای بومـی پدافنـدی، مهم‌تریـن دسـتاوردهای این حـوزه و تجربه‌های حاصـل از نبردهای اخیر مـورد واکاوی قرار گرفته است.

استقلال پدافند هوایی همزمان شد با تشدید تحریم‌های نظامی و محدودیت در تأمین تجهیزات دفاعی. از سوی دیگر، رهبر شهید انقلاب همواره بر خودکفایی و بومی‌سازی توان دفاعی تأکید داشته‌اند. در چنین شرایطی، چه عواملی باعث شد بومی‌سازی سامانه‌های پدافندی به یک ضرورت راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود؟

بومی‌سـازی تجهیـزات دفاعـی را نباید یـک تصمیـم مقطعـی یـا واکنشـی به تحریم‌ها دانسـت. این راهبرد، محصول تجربه‌هـای میدانـی، شـناخت دقیـق تهدیـدات و درک ایـن واقعیـت بود که امنیـت یـک کشـور را نمی‌توان بـر پایه وابسـتگی بـه دیگران بنـا کرد.

پیش از انقـلاب اسـلامی، بخش عمده نیازهـای دفاعی کشـور از خـارج تأمین می‌شـد. سـاختار نیروهای مسـلح نیز بر همیـن مبنا شـکل گرفته بـود؛ یعنی طراحی، تولیـد، تعمیر، تأمیـن قطعات و حتـی ارتقـای بسـیاری از تجهیـزات، بـه شـرکت‌ها و دولت‌هـای خارجـی وابسـته بود. شـاید ایـن وابسـتگی در شـرایط عادی چندان محسـوس نبود، امـا بـا پیـروزی انقـلاب اسـلامی و آغاز تحریم‌های گسـترده، آسـیب‌پذیری این مـدل به‌خوبی آشـکار شـد.

دفـاع مقدس نقطـه عطف ایـن تجربه بـود. در طـول جنـگ تحمیلـی، ایران بارهـا بـا ایـن واقعیـت مواجه شـد که حتـی بـرای تأمیـن سـاده‌ترین اقـلام دفاعی نیز بـا محدودیت روبه‌رو اسـت. در بسـیاری از مـوارد، کشـورهای مدعی حقوق بشـر حاضر نبودنـد ابتدایی‌ترین نیازهـای دفاعی ایـران را تأمیـن کنند. ایـن تجربـه نشـان داد کـه در شـرایط بحران، هیچ کشـوری امنیت خـود را بر پایـه واردات تجهیزات نظامـی نمی‌تواند تضمیـن کند.

از همیـن جا بـود که خودکفایـی از یک «انتخـاب» بـه یـک «ضـرورت» تبدیـل شـد. اگر کشـوری نتواند تجهیزات مورد نیاز خـود را تولیـد یا دسـت‌کم بازتولید کنـد، در زمـان جنگ یا بحـران، با قطع زنجیـره تأمیـن عمـلاً بخشـی از تـوان دفاعـی خـود را از دسـت خواهـد داد. بنابرایـن، بومی‌سـازی بـرای جمهـوری اسـلامی ایران صرفـاً به معنای سـاخت یک سـامانه یا یک موشـک نبـود؛ بلکه بـه معنـای ایجـاد یـک چرخه کامـل از دانـش، طراحی، تولیـد، تعمیـر، ارتقا و پشـتیبانی بود؛ چرخه‌ای که کشـور را از وابسـتگی راهبردی خـارج کند.

عامـل مهم دیگـر، تحریم فنـاوری بود. بسـیاری تصور می‌کنند تحریـم صرفاً به معنای نفروختن سـلاح است، در حالی کـه بخش مهم‌تـر تحریم‌هـا، جلوگیری از انتقال فناوری، نرم‌افزارهای تخصصی، تجهیـزات آزمایشـگاهی، مـواد اولیـه و دانش فنـی بود. هدف دشـمن این بود که ایـران حتـی تـوان تولیـد تجهیزات مـورد نیاز خـود را نیز به دسـت نیاورد. در چنین شـرایطی، اگر کشـور به سمت توسـعه دانش بومـی حرکـت نمی‌کرد، هـر روز فاصلـه فنـاوری مـا بـا رقبـای منطقـه‌ای بیشـتر می‌شـد. بنابرایـن، سـرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی در واقع سـرمایه‌گذاری بـرای حفـظ اسـتقلال کشـور بود.

مسـأله مهـم دیگـر، ایجـاد بازدارندگی متناسـب بـا تـوان اقتصـادی کشـور اسـت. جمهوری اسـلامی ایران هیچ‌گاه نمی‌توانسـت وارد رقابـت تسـلیحاتی با قدرت‌هایی شـود که صدهـا میلیارد دلار بودجـه نظامی دارند. اگر قـرار بود صرفاً از طریق خرید تجهیـزات، موازنه قدرت برقرار شـود، طبیعتاً این مسـیر نه از نظر اقتصـادی امکان‌پذیـر بـود و نـه از نظر راهبـردی منطقی.

راهـکار جمهـوری اسـلامی، حرکـت به سـمت تولید تجهیزات بومی، هوشـمند و متناسـب با نیازهـای عملیاتی کشـور بـود؛ تجهیزاتـی که ضمن هزینـه کمتر، اثربخشی بالایی داشـته باشند و بتوانند هزینـه هرگونـه تجـاوز را برای دشـمن به شـکل محسوسـی افزایش دهند. در واقـع، فلسـفه بسـیاری از سـامانه‌های بومی ایـران، ایجـاد بازدارندگی از طریق نـوآوری و اتـکا به دانـش داخلـی بوده اسـت، نـه رقابـت در خرید تسـلیحات گران‌قیمـت.

نکته مهم دیگر، استقلال در بهره‌برداری از تجهیزات دفاعی اسـت. هر سامانه‌ای کـه از خارج خریداری شـود، تا سـال‌ها به کشـور سـازنده وابسـته می‌مانـد؛ از تأمیـن قطعـات گرفته تـا به‌روزرسـانی نرم‌افزار، تعمیرات اساسـی و حتی نحوه اسـتفاده عملیاتـی. این وابسـتگی، در شـرایط بحـران می‌توانـد به یـک نقطه ضعف تبدیل شـود.

تجربـه برخـی کشـورهای منطقـه نیـز نشـان داده اسـت که صرف برخورداری از تجهیزات پیشـرفته، به معنای داشتن قدرت دفاعی مسـتقل نیسـت. بسیاری از این کشـورها بدون حضور مستشاران خارجـی یـا پشـتیبانی شـرکت‌های سـازنده، امـکان بهره‌بـرداری کامـل از سـامانه‌های خـود را ندارنـد. در مقابل، کشـوری که فناوری طراحـی و تولید را در اختیار داشته باشـد، می‌تواند تجهیزات خود را متناسـب با تهدیدات جدید ارتقا دهـد، نسـخه‌های جدیـد تولیـد کند و بدون وابسـتگی، چرخه دفاعـی خود را ادامـه دهد.

از سـوی دیگـر، توسـعه صنایـع دفاعی تنهـا بـه تقویـت تـوان نظامـی محدود نمی‌شـود. تجربه کشـورهای پیشـرفته نشـان داده اسـت کـه فناوری‌هـای دفاعـی، موتـور محـرک بسـیاری از فناوری‌هـای غیرنظامـی نیـز هسـتند. بسـیاری از دسـتاوردهای امـروز در حوزه‌هـای الکترونیک، مخابرات، هوش مصنوعی، مواد پیشرفته و هوافضا، ریشه در تحقیقات دفاعـی دارند. از این منظر، سـرمایه‌گذاری در خودکفایـی دفاعـی، همزمـان بـه رشـد علمـی، صنعتـی و فناورانـه کشـور نیـز کمـک می‌کند.

بـه همیـن دلیـل، بومی‌سـازی در جمهوری اسـلامی ایران صرفـاً یک پروژه صنعتـی نبـود، بلکه به یـک راهبرد ملی برای حفظ اسـتقلال، تقویت بازدارندگی و تضمیـن امنیـت کشـور تبدیل شـد. راهبـردی کـه پایه‌هـای آن بـر اعتمـاد بـه تـوان داخلـی، اسـتفاده از ظرفیت نخبـگان و پرورش فناوری بومی اسـتوار شـد و زمینـه را برای جهش‌هـای بعدی صنایـع دفاعی کشـور فراهـم کرد.

مشخصاً اگر حمایت‌ها و راهبری رهبر شهید نبود، صنعت نظامی-دفاعی ایران هرگز به جایگاه امروز نمی‌رسید. از نگاه شما، مهم‌ترین ابتکارات و راهبردهای ایشان در مسیر بومی‌سازی توان دفاعی کشور چه بوده است؟

اگـر بخواهیـم نقش رهبـر شـهید را در مسـیر خودکفایی دفاعی توصیف کنیم، نبایـد آن را صرفـاً در حـد صـدور چند دسـتور یا حمایت از چند پـروژه صنعتی خلاصـه کنیم. مهم‌ترین اقدام ایشـان، شـکل دادن به یک تفکر راهبـردی بود؛ تفکـری که خودکفایـی را از یـک برنامه مقطعـی بـه یـک فرهنگ و یـک مکتب مدیریتـی تبدیل کـرد. به همیـن دلیل اسـت کـه امـروز پیشـرفت‌های دفاعی کشـور را نمی‌تـوان صرفـاً حاصل تلاش یـک سـازمان یا یـک صنعت دانسـت؛ بلکـه نتیجه شـکل‌گیری یـک منظومه فکری اسـت کـه طـی سـال‌ها در بدنه نیروهای مسـلح و صنایع دفاعی نهادینه شـده است.

نخسـتین و شـاید مهم‌تریـن محور این راهبـرد، نهادینه‌سـازی فرهنـگ «مـا می‌توانیـم» بـود. در سـال‌های ابتدایی پس از انقلاب، بسـیاری تصور می‌کردند سـاخت تجهیزات پیشـرفته نظامی تنها در انحصـار قدرت‌هـای بـزرگ اسـت و ایـران ناگزیـر بایـد نیازهـای خـود را از خارج تأمیـن کند. رهبر شـهید با تأکید مسـتمر بر اعتماد به تـوان داخلی، این نـگاه را تغییر دادند. ایشـان همـواره بر ایـن باور بودنـد که اگر فرصـت، اعتماد و میـدان عمـل در اختیـار متخصصان ایرانـی قـرار گیرد، آنـان قـادر خواهند بـود پیچیده‌تریـن فناوری‌هـا را نیـز بومی‌سـازی کنند.

این تغییـر نگاه، شـاید مهم‌تـر از تولید هـر سـامانه‌ای بود؛ زیـرا پیـش از آنکه یـک موشـک، یـک رادار یا یک سـامانه پدافندی سـاخته شـود، باید این باور در مدیران، فرماندهان و متخصصان شـکل می‌گرفت که «ما می‌توانیم». بسـیاری از دستاوردهای امروز، در حقیقت محصول همین تحول ذهنی اسـت.

راهبرد مهم دیگر، اتصال میان دانشـگاه، صنعـت و نیروهـای مسـلح بـود. رهبر انقلاب بارهـا تأکید کرده‌اند که مسـائل دفاعـی کشـور باید بـا اتکا بـه ظرفیت علمـی دانشـگاه‌ها و نخبـگان داخلـی حل شـود. نتیجه این نگاه، شـکل‌گیری شـبکه‌ای از همکاری میان مراکز علمی، صنایع دفاعی، شـرکت‌های دانش‌بنیان و مجموعه‌هـای عملیاتی بود.

از سـوی دیگر، رهبـر انقلاب همـواره بر اعتمـاد بـه جوانـان تأکید داشـته‌اند. بخش قابـل توجهـی از پروژه‌های بزرگ دفاعی کشور توسـط متخصصان جوانی اجرا شـده که در آغاز راه، تجربه چندانی نداشـتند، اما با اعتماد بـه آنها و فراهم شـدن فرصـت فعالیـت، توانسـتند به نتایجی دسـت یابند که در گذشـته دور از دسـترس تصور می‌شـد.

یکی دیگـر از ویژگی‌هـای ایـن رویکرد، تبدیـل شکسـت بـه بخشـی از فرآیند پیشـرفت بود. در فناوری‌های پیشرفته، دسـتیابی به موفقیـت بـدون آزمون و خطـا امکان‌پذیر نیسـت. رهبـر انقلاب همـواره بر این نکتـه تأکید داشـتند که نبایـد از شکسـت‌های مقطعـی هراس داشـت؛ بلکـه هـر تجربـه، حتـی اگـر بـه نتیجـه مطلـوب نرسـد، می‌توانـد زمینه‌سـاز موفقیت‌هـای بعدی باشـد. همین نگاه باعث شـد جسارت طراحی، نـوآوری و حرکت به سـمت فناوری‌های پیچیـده در صنایع دفاعی کشـور تقویت شود.

از دیگـر اقدامـات راهبـردی، تقویـت ساختارهای تحقیق و توسعه و جهادهای خودکفایـی در نیروهـای مسـلح بـود. ایـن مراکـز به‌تدریج بـه موتـور محرک نـوآوری در حـوزه دفاعی تبدیل شـدند. بسـیاری از سـامانه‌هایی کـه امـروز در اختیـار نیروهـای مسـلح قـرار دارد، حاصل فعالیت همین مجموعه‌هاسـت؛ مجموعه‌هایـی کـه مأموریت آنهـا تنها تعمیـر یـا مهندسـی معکـوس نبـود، بلکـه طراحی، توسـعه و ارتقای مسـتمر فناوری‌هـای دفاعی را دنبـال می‌کردند.

نکتـه مهـم دیگـر این اسـت کـه رهبر انقـلاب هیچ‌گاه خودکفایـی را به معنای انزوا یـا بی‌نیازی از علـم روز دنیا تعریف نکرده‌انـد. مقصـود از خودکفایـی، دسـتیابی بـه تـوان طراحـی، تولیـد و تصمیم‌گیری مسـتقل اسـت؛ به‌گونه‌ای که کشـور در مسـائل حیاتی و راهبردی، وابسته به اراده دیگران نباشد. بر همین اسـاس، هرجا امکان اسـتفاده از دانش جهانی وجـود داشـته، بایـد از آن بهره برد؛ اما این اسـتفاده نباید به وابسـتگی راهبردی منجر شـود.

در مجمـوع، بزرگ‌تریـن میـراث رهبـر انقـلاب در حـوزه دفاعـی را بایـد ایجاد یـک زیسـت‌بوم پایـدار خودکفایـی دانسـت؛ زیست‌بومی که در آن دانشگاه، صنعت، نیروهای مسـلح، شـرکت‌های دانش‌بنیـان و نخبـگان علمـی در یک مسـیر مشـترک حرکـت می‌کننـد. اگـر امـروز جمهوری اسـلامی ایـران در حوزه‌هایـی ماننـد موشـکی، پدافندی، پهپـادی و بسـیاری از فناوری‌هـای پیشـرفته بـه جایگاهـی قابـل توجـه رسـیده اسـت، ایـن دسـتاورد پیش از آنکـه محصول یـک پروژه خاص باشـد، نتیجـه شـکل‌گیری همین زیسـت‌بوم و نـگاه راهبردی اسـت که طی سـال‌ها با هدایت و حمایت رهبر شـهید شـکل گرفتـه و به بلوغ رسـیده اسـت.

اگر بخواهیم میراث فنی و راهبردی رهبر انقلاب را در چند دستاورد شاخص خلاصه کنیم، کدام پروژه‌ها بیش از همه بازتاب‌دهنده این نگاه هستند؟ این راهبرد در عمل چه تغییری در توان دفاعی کشور ایجاد کرد؟

اگـر بخواهیـم میـراث رهبر انقـلاب را صرفاً در چند سـامانه یا محصول دفاعی خلاصـه کنیـم، در واقع حـق مطلب را ادا نکرده‌ایـم. ارزش اصلی ایـن راهبرد، تولیـد یـک موشـک، یـک رادار یـا یک سـامانه پدافندی نبود؛ بلکه ایجاد توان طراحی، توسـعه و ارتقای مستمر فناوری در داخل کشـور بـود. امروز اگـر صنایع دفاعـی ایـران قادرنـد به سـرعت خود را بـا تهدیـدات جدیـد تطبیـق دهند، این نتیجه همان زیرسـاختی اسـت که طی سـال‌ها شـکل گرفته اسـت. با این حـال، برخـی پروژه‌ها به‌دلیـل اهمیت راهبردی خود، نماد این مسـیر هسـتند کـه یکـی از برجسـته‌ترین آنها سـامانه پدافنـد هوایی «باور ۳۷۳» اسـت.

رهبـر انقلاب بر یک نکته اساسـی تأکید کردنـد؛ اگـر دیگـران نیـاز دفاعـی مـا را تأمیـن نمی‌کننـد، بایـد ایـن نیـاز را خودمـان برطـرف کنیم.

همیـن نـگاه، موتـور محـرک طراحی و ساخت سـامانه «باور ۳۷۳» شد. امروز، همیـن سـامانه بـه یکـی از نمادهـای خودبـاوری و تـوان مهندسـی دفاعـی کشـور تبدیل شـده اسـت.

البته در جریان جنگ اخیر، درباره عملکرد برخی سامانه‌های پدافندی نیز پرسش‌هایی مطرح شد. گاهی این سؤال مطرح می‌شود که اگر سامانه‌ای مانند «باور ۳۷۳» از توانمندی بالایی برخوردار است، چرا در برخی حملات آسیب دید؟

پاسـخ ایـن پرسـش، در ماهیـت پدافنـد هوایـی نهفتـه اسـت. پدافند یـک تجهیـز منفـرد نیسـت؛ بلکه یک شـبکه چندلایه اسـت که همـه اجزای آن بایـد در کنـار یکدیگر عمـل کنند. هـر سـامانه بـرای مأموریت مشـخصی طراحی می‌شود. سـامانه‌ای مانند «باور ۳۷۳» بـرای مقابله با اهـداف راهبردی در بردهای بلند سـاخته شـده اسـت، اما هماننـد نمونه‌های مشـابه در دنیا، بـرای حفاظت از خـود نیز بـه لایه‌های مکمـل دفاع نزدیـک نیـاز دارد. اگر هر یـک از این لایه‌ها کامل نباشـد، طبیعی اسـت که امـکان آسـیب‌پذیری وجود داشـته باشد.

بنابرایـن، ارزیابـی یک سـامانه صرفاً بر اسـاس اصابت یا عـدم اصابـت به آن، تحلیـل دقیقـی نیسـت. معیـار اصلی، عملکرد کل شـبکه پدافنـدی و توان آن در کشـف، رهگیـری، درگیـری و حفظ پایـداری عملیاتی اسـت.

نکته‌ای کـه اهمیت بیشـتری دارد، این اسـت که امروز فناوری طراحـی و تولید ایـن سـامانه به‌طـور کامـل در اختیـار متخصصـان داخلی قـرار دارد. به همین دلیـل، هـر تجربـه عملیاتی بـه فرصتی بـرای ارتقـای سـامانه تبدیل می‌شـود. ایـن مزیت، دقیقـاً همان تفـاوت میان یک فنـاوری بومی و یک تجهیـز وارداتی اسـت؛ تجهیـز وارداتـی را تنهـا می‌توان اسـتفاده کـرد، امـا فنـاوری بومـی را می‌تـوان اصـلاح، تکمیل و متناسـب با تهدیدات جدیـد بازطراحـی کرد.

نمونه دیگر این مسـیر، پیشرفت صنعت پهپادی کشـور اسـت. جمهوری اسلامی ایران امـروز در زمره معدود کشـورهایی قـرار دارد که توان طراحـی و تولید طیف گسـترده‌ای از پهپادهـای شناسـایی، رزمی و پشـتیبانی را در اختیـار دارد. این موفقیـت صرفـاً بـه تولیـد یـک پرنده بـدون سرنشـین محـدود نمی‌شـود، بلکـه حاصل دسـتیابی بـه مجموعه‌ای از فناوری‌هـای پیشـرفته در حـوزه موتـور، سـامانه‌های هدایـت و کنترل، الکترونیک، مخابـرات، هوش مصنوعی و مواد پیشـرفته اسـت.

ویژگی مهم این دسـتاوردها آن است که هزینـه دفاع را بـرای جمهوری اسـلامی ایـران کاهـش داده و در مقابـل، هزینه تهاجـم را بـرای دشـمن به شـکل قابل توجهـی افزایـش داده اسـت. در واقع، فلسـفه خودکفایـی دفاعی تنهـا تولید تجهیـزات بیشـتر نبـود؛ بلکـه طراحی سـامانه‌هایی بود که بـا کمترین هزینه، بیشـترین بازدارندگی را ایجـاد کنند.

تجربـه جنـگ اخیر نیـز اهمیـت این راهبرد را بیش از گذشـته آشـکار کرد. در هـر جنگـی، همـه طرف‌ها آسـیب می‌بینند و هیـچ سـامانه‌ای در جهان مصونیـت مطلق نـدارد. همان‌گونه که سـامانه‌های دفاعی جمهوری اسـلامی ایـران هـدف حمـلات قـرار گرفتند، سـامانه‌های چندلایه و پیشرفته دشمن نیـز در برابـر حمـلات موشـکی ایران آسـیب‌پذیر بودنـد. آنچـه اهمیـت دارد، تـوان بازسـازی و بازیابـی قدرت است.

کشـوری کـه دانـش طراحـی و تولید را در اختیـار دارد، می‌توانـد در کوتاه‌ترین زمـان، خسـارت‌ها را جبـران کنـد، سـامانه‌های خود را ارتقا دهد و متناسب بـا تجربیـات میـدان، نسـخه‌های جدیـدی را وارد چرخـه عملیاتـی کند. امـا کشـوری کـه صرفـاً مصرف‌کننـده تجهیـزات خارجی باشـد، ناچار اسـت برای هر قطعه، هـر ارتقا و هر جایگزینی، چشـم‌انتظار تصمیـم و اراده دیگـران بماند.

از همیـن منظر، مهم‌تریـن میراث رهبر انقـلاب در حـوزه دفاعی، سـاخت یک سـامانه یـا دسـتیابی بـه یک فنـاوری خاص نیسـت؛ بلکه تبدیـل خودکفایی بـه یـک ظرفیـت پایـدار ملـی اسـت. ظرفیتـی کـه باعـث شـده جمهـوری اسـلامی ایـران امـروز بتوانـد نیازهای راهبـردی خـود را بـا اتـکا بـه دانـش، صنعت و نیروی انسـانی داخلـی تأمین کنـد و در برابـر فشـارها، تحریم‌هـا و تهدیـدات، قـدرت بازیابـی و اسـتمرار تـوان دفاعـی خـود را حفـظ کند.

> رهبر شهید هیچ‌گاه خودکفایی را به معنای انزوا یا بی‌نیازی از علم روز دنیا تعریف نکرده‌اند. مقصود از خودکفایی، دستیابی به توان طراحی، تولید و تصمیم‌گیری مستقل است؛ به‌گونه‌ای که کشور در مسائل حیاتی و راهبردی، وابسته به اراده دیگران نباشد. بر همین اساس، هرجا امکان استفاده از دانش جهانی وجود داشته، باید از آن بهره برد؛ اما این استفاده نباید به وابستگی راهبردی منجر شود

در جلسه هیأت دولت گزارشی از اتفاقات و حواشی مربوط به فیلترشدن یک برنامه فوتبالی ارائه شد

پزشکیان دستور پیگیری جدی داد

دولت

گروه سیاسی

ماجرای از دسترس خارج شدن برنامه فوتبالی «۳۶۰ درجه» به تهیه‌کنندگی و اجرای عادل فردوسی‌پور به جلسه دیروز هیأت دولت کشیده شد. از دوشنبه‌شب که این برنامه ورزشی از دسترس خارج شد، اظهارنظرها، گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌های مختلف درباره آن بازتاب زیادی در فضای مجازی و رسانه‌های کشور داشته است. با این حال هنوز توضیح رسمی درباره دلایل این اتفاق ارائه نشده است. سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) که بر برنامه‌های اینترنتی نظارت دارد، اعلام کرده که از سوی این سازمان هیچ اقدامی برای فیلتر شدن برنامه یادشده انجام نشده است. مرکز رسانه قوه قضائیه هم در پاسخ به پرسش یک روزنامه گفته که این اتفاق ربطی به قوه قضائیه ندارد. خبرگزاری ایرنا در گزارشی با اشاره به اختلافات امیرقلعه‌نوعی سرمربی تیم ملی فوتبال و عادل فردوسی‌پور و حاشیه‌های ایجادشده بر سر عملکرد تیم ملی فوتبال در جام جهانی، نوشته است: «شنیده‌ها حاکی از آن است که با شکایت صداوسیما به دلیل مصاحبه فردوسی‌پور با علیرضا فغانی، از داوران ایرانی که در جام جهانی ۲۰۲۶ از طرف کشور استرالیا حاضر بود، سایت فوتبال ۳۶۰ درجه فیلتر شده است. البته صداوسیما در این باره واکنشی نشان نداده است.»

همین موضوع روز گذشته در جلسه هیأت دولت هم مطرح شد. سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گزارشی از حادثه اخیر مربوط به دو سایت «فردوسی‌پور» (برنامه ۳۶۰ درجه) و اقدامات انجام‌شده ارائه کرد و چندصدایی در حوزه فضای مجازی را همچنان از مشکلات اساسی کشور برشمرد. رئیس جمهوری در این خصوص دستور پیگیری جدی موضوع و جلوگیری از بروز مسائل بدون هماهنگی را صادر کرد.

تصویب لایحه کنوانسیون دریای خزر

در ابتدای نشست دیروز هیأت دولت، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، با قدردانی از مردم زحمتکش استان‌های جنوبی، مدیران محلی و تمامی مسئولان دستگاه‌های اجرایی که برای همراهی با مردم به این مناطق سفر کرده بودند، بر ضرورت توجه ویژه به مشکلات زیرساختی این استان‌ها تأکید کرد.

در ادامه نیز محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور، گزارشی از سفر استانی ارائه کرد و با بیان اینکه علی‌رغم پرواز پهپادهای دشمن در آسمان، نیروهای وزارت راه و شهرسازی بدون وقفه به احداث راه‌های فرعی مشغول بودند تا مردم و رانندگان با مشکل تردد مواجه نشوند، بر ضرورت انجام اقدامات اساسی برای ترمیم خسارت‌ها تأکید کرد.

قائم پناه با اشاره به تلاش‌های بی‌وقفه کارکنان وزارت نیرو افزود: «در گرمای ۵۴ درجه، پرسنل وزارت نیرو با تلاش شبانه‌روزی پست‌های برق آسیب‌دیده را در کمترین زمان ممکن اصلاح کردند. همچنین دیدار با خانواده‌های شهدا و جانبازان، تأثیر بسزایی در روحیه آنان داشت. همچنین مدیران منطقه عسلویه و پارس جنوبی در طول ۴۰ روز جنگ، در حالی که موشک‌های دشمن در هوا بود، با مدیریت سریع، آتش‌سوزی را مهار کرده و در آواربرداری، تمامی قطعات و لوله‌ها را با دقت بیرون آورده و کدگذاری کردند تا هزینه بازسازی به پایین‌ترین سطح ممکن برسد.»

معاون اجرایی رئیس جمهور همچنین به درخواست صرفه‌جویی در مصرف برق از مردم اهواز اشاره کرد و گفت: «با همراهی مردم، در یک شب دو هزار مگاوات صرفه‌جویی صورت گرفت که نشان از ظرفیت بالای همکاری مردم دارد.»

در بخش دیگر این جلسه فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، در گزارشی از سفر به استان‌های جنوبی، همدلی بی‌نظیر میان مردم و مسئولان استانی را غیرقابل‌توصیف خواند و با اشاره به آسیب‌های وارده از سوی دشمن به زیرساخت‌ها بویژه تونل‌ها و پل‌ها، هشدار داد که با آغاز فصل بارندگی، ضرورت ترمیم، اصلاح و حتی بازسازی برخی از این سازه‌ها به صورت عاجل بیش از پیش احساس می‌شود.

وزیر راه و شهرسازی در ادامه به موضوع میناب و حادثه مدرسه شجره طیبه اشاره کرد و گفت: «این منطقه نیازمند توجه همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است؛ خوشبختانه ستاد ملی میناب در دولت به تصویب رسیده و زمینه اقدامات بخش خصوصی و خیرین نیز فراهم شده است. همچنین لنج‌های مردم آسیب دیده‌اند که باید برای جبران خسارت آنان نیز چاره‌اندیشی شود.» وزیر نیرو نیز در گزارشی با تأیید ترمیم پست‌های برق آسیب‌دیده در کمتر از ۲۴ ساعت، صرفه‌جویی دو هزار مگاواتی را نشانه توانمندی و همبستگی ملی دانست.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، هم گزارشی از آخرین مباحث و تحولات مرتبط با جنگ آمریکا علیه کشورمان به هیأت دولت ارائه داد. در بخش دیگری از جلسه، هیأت دولت با فوریت، لایحه معاهده (کنوانسیون) وضعیت حقوقی دریای خزر را به تصویب رساند. با توجه به اینکه تعیین حدود و ثغور بستر دریای خزر، محل اختلاف ایران با سایر طرف‌ها بود و این بند از معاهده خارج شده است، سایر مواد مورد تأیید قرار گرفت و این لایحه برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد. همچنین موضوع وضعیت نیروهای شرکتی که پیش‌تر در جلسات هیأت دولت مطرح شده بود، دیروز به تصویب نهایی رسید.

> وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات گزارشی از حادثه اخیر مربوط به دو سایت «فردوسی‌پور» (برنامه ۳۶۰ درجه) و اقدامات انجام‌شده ارائه کرد و چندصدایی در حوزه فضای مجازی را همچنان از مشکلات اساسی کشور برشمرد

جابری انصاری در دیدار دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی:

رویکرد ایرنا این است که رسانه ملی ایران باشد

خبر

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی با بیان اینکه احیای جایگاه ملی خبرگزاری ایرنا را مهم‌ترین وظیفه خود می‌دانیم، گفت: «رویکرد ما این است که ایرنا با نگاه جامع و فراگیر به همه حوزه‌ها و مسائل، رسانه ملی ایران باشد.»

به گزارش ایرنا، حسین جابری انصاری در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین حمید شهریاری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با تشریح رویکردهای ایرنا گفت: «تلاش ما این است که ایرنا رسانه ملی ایران باشد؛ رسانه‌ای که نگاه جامع و فراگیر به همه حوزه‌ها و مسائل دارد و در سیاست عالی کشور از نظام و دولت مستقر حمایت می‌کند و وارد سوگیری در دعواهای روزمره میان جناح‌های سیاسی نمی‌شود.»

جابری انصاری افزود: «رویکرد دوم ما این است که یک رسانه حرفه‌ای باشیم؛ به گونه‌ای که با داشتن نگاه ملی به مسائل در کنار کارهای رسمی، تولیدات حرفه‌ای در حوزه‌های مختلف داشته باشیم.»

مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی با نقد رویه‌های مرسوم در رسانه‌ها، بر ضرورت تحول در شیوه‌های تبلیغی تأکید کرد و گفت: «چالش اساسی رسانه‌های حاکمیتی، اتکای بیش از حد به تبلیغات مستقیم است؛ در حالی که دانش ارتباطات نشان می‌دهد تبلیغات مستقیم، کم‌اثرترین نوع اطلاع‌رسانی است.» وی با اعلام آمادگی برای همکاری با مجمع تقریب مذاهب اسلامی ادامه داد: «در این چارچوب تسهیل رابطه با همه مؤسسات و نهادهای کشور در دستور کار است و ما با این نگاه ملی و مسئولیت سازمانی، شأن ایرنا را در این می‌دانیم که نگاه جامع و فراگیر داشته باشیم و میان همه قوا یک نسبت متوازن و فراگیر از نظر خبری برقرار کنیم.»

حجت‌الاسلام والمسلمین شهریاری هم در این دیدار با ارائه توضیحاتی درباره مجمع تقریب مذاهب و برگزاری کنفرانس وحدت در ۳۹ سال گذشته گفت: «این مجمع در سال ۱۳۶۹ با فرمان امام شهید به این منظور تأسیس شد تا جامعه اهل سنت و جامعه شیعه را از تفرقه و تنازع به دور نگه دارد و اگر بتواند به سطح همکاری و هم‌افزایی و در نهایت آرمان قرآنی امت واحده برساند.»

وی با بیان اینکه وظیفه اصلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی فعالیت در حوزه بین‌الملل است، افزود: «مرحوم آیت‌الله محمد واعظ‌زاده مؤسس مجمع بود. پس از وی مرحوم آیت‌الله محمدعلی تسخیری و آیت‌الله محسن اراکی مسئولیت مجمع را به عهده گرفتند و من هم زمانی که معاونت فناوری قوه قضائیه را به عهده داشتم، به فرموده رهبر شهید به مجمع منتقل شدم.»

حجت‌الاسلام والمسلمین شهریاری با اشاره به فعالیت‌های خبرگزاری تقریب گفت: «خبرگزاری تقریب یک خبرگزاری نهادی است و ایرنا می‌تواند تفاهم و همکاری‌هایی با خبرگزاری‌های نهادی داشته باشد.»

وی یادآورشد: «ما معتقدیم خدمات متقابل باعث کاهش منابع انسانی و هزینه‌ها می‌شود و می‌توان با هم‌افزایی از دارایی‌های یکدیگر استفاده کرده و ارزش‌های افزوده خود را بیشتر کنیم.»

دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی با بیان اینکه فعالیت‌های مجمع تقریب مذاهب، اغلب رویدادمحور است، افزود: «انتشار خبرهای این رویدادها در آرمان مجمع تأثیرگذار است و ضریب دادن به این رویدادها از سوی ایرنا می‌تواند در تحقق اهداف کلان مجمع تأثیرگذار باشد.»

شهریاری همچنین با اشاره به فعالیت‌های پژوهشگاه تقریب مذاهب اسلامی گفت: «این پژوهشگاه در قم فعالیت می‌کند و بیشتر به تولید کتاب و مجلات علمی - پژوهشی و ترویجی می‌پردازد.»

حجت‌الاسلام والمسلمین شهریاری که ریاست سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی) را نیز به عهده دارد گفت: «وظیفه اصلی این سازمان، نگاشت علوم دانشگاهی است. تاکنون در سازمان سمت دو هزار و ۷۰۰ جلد کتاب در زمینه‌های آموزشی و کمک آموزشی دانشگاهی تاکنون منتشر شده که بیش از ۵۰ جلد در سال گذشته به چاپ رسیده است.»

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: «این سازمان، هاب (نقطه اتصال مشترک دستگاه‌ها) دانشگاه‌های کشور برای تولید کتاب درسی شده است. در واقع با این برنامه، کتاب‌ها را زنده می‌کنیم و به ترازی می‌رسانیم که به یک کتاب درسی و کمک‌درسی یا کمک‌پژوهشی ارتقا یابد.»

وی از «صمیم نور» به عنوان طرح مشابهت‌یاب و از «نورلایب» به عنوان طرح کتابخانه‌های دیجیتال یاد کرد و گفت: «قرار است کتابخانه دیجیتال احمد نیز به عنوان طرحی جدید راه‌اندازی شود و مجموعه کتاب‌های دانشگاهی روی این کتابخانه قرار می‌گیرد.»

سخنگوی وزارت کشور در پاسخ به سؤال خبرنگار «ایران»:

از سیستان تا آذربایجان؛ راهبرد وزارت کشور تقویت وحدت ملی است

گزارش

الهام یوسفی
گروه سیاسی

علی زینی‌وند، سخنگوی وزارت کشور، در پاسخ به سؤال روزنامه ایران درباره سیاست‌های این وزارتخانه برای حفظ انسجام ملی و مقابله با پروژه اختلاف‌افکنی قومی و مذهبی دشمنان پس از جنگ اخیر، گفت: «پیام اخیر مقام معظم رهبری، مبنای اصلی رویکردها و دستورالعمل‌های وزارت کشور است» و بر همین اساس، حفظ و تقویت انسجام ملی در دستور کار استانداران، شوراهای تأمین و کمیسیون‌های اقوام و مذاهب قرار دارد.» معاون سیاسی وزارت کشور در ادامه افزود: «همین رویکرد، محور تقویت انسجام ملی خواهد بود. در استان‌هایی که دارای تنوع قومی و مذهبی هستند، کمیسیون‌های اقوام و مذاهب فعال‌اند و بر اساس قانون، تفاهم، تعامل و جلوگیری از هرگونه قطبی‌سازی یا اختلاف‌افکنی قومی و مذهبی فعالیت می‌کنند. اصل حاکم بر این کمیسیون‌ها، حفظ همبستگی اجتماعی و تقویت وحدت ملی است. در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان و آذربایجان غربی که از تنوع قومی و مذهبی بیشتری برخوردارند، از گذشته تدابیر مناسبی اتخاذ شده است. یکی از این تدابیر، انتخاب مدیرانی است که شناخت کافی از ویژگی‌های فرهنگی، قومی و مذهبی آن مناطق داشته باشند و رفتار حاکمیتی خود را کاملاً بر مبنای قانون و عدالت تنظیم کنند. بدیهی است که هیچ مسئولی نباید میان شهروندان بر اساس قومیت یا مذهب تبعیض قائل شود؛ زیرا چنین رویکردی زمینه‌ساز ایجاد مسائل و آسیب‌های اجتماعی خواهد بود.»

وی تصریح کرد: «مردم باید حاکمیت را مظهر عدالت بدانند و هیچ‌گونه احساس تبعیض نداشته باشند. بر همین اساس، در برخی از این استان‌ها از ظرفیت نیروهای بومی نیز استفاده شده است. برای نمونه، استانداران سیستان و بلوچستان، کردستان و خوزستان از میان نیروهای همان استان‌ها انتخاب شده‌اند. البته ما اساساً قائل به تقسیم مردم به اقلیت و اکثریت نیستیم و همه مردم ایران را متعلق به یک خانواده می‌دانیم، اما بهره‌گیری از مدیران آشنا با فرهنگ و شرایط بومی، به تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند. در استان آذربایجان غربی نیز استانداری منصوب شده که سال‌ها سابقه وزارت، معاونت استانداری و نمایندگی مجلس را در کارنامه خود دارد و با مسائل منطقه آشنایی کامل دارد. در سطح ملی نیز کمیسیون اقوام و مذاهب به‌صورت مستمر تشکیل جلسه می‌دهد و هماهنگی خوبی میان دستگاه‌های مسئول وجود دارد. از این منظر، در حوزه مدیریت تنوع قومی و مذهبی، مشکل خاصی وجود ندارد.» معاون سیاسی وزارت کشور با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین محورهای تمرکز دشمنان و برخی سرویس‌های خارجی، دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و برجسته‌سازی این شکاف‌هاست، خاطرنشان کرد: «یکی از اولویت‌های وزارت کشور، پیشگیری از هرگونه اختلاف‌افکنی و اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ وحدت، انسجام و همدلی میان همه اقوام و مذاهب کشور است.»

موضع رسمی وزارت کشور استقبال از نقد سازنده است

معاون سیاسی و سخنگوی وزارت کشور، روز گذشته در نشست خبری با اصحاب رسانه با تأکید بر رویکرد فراجناحی این وزارتخانه گفت: «موضع رسمی وزارت کشور، استقبال و به رسمیت شناختن اختلاف‌نظرها و نقد سازنده است. ما به عنوان یک نهاد حاکمیتی، هیچ‌گونه تفاوتی میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی قائل نیستیم و از تعامل با همه جریان‌ها استقبال می‌کنیم.»

زینی‌وند افزود: «وظیفه ذاتی وزارت کشور در چارچوب شوراهای تأمین و شورای امنیت کشور، حفظ انسجام و آرامش عمومی است؛ بنابراین با هرگونه اقدام یا برنامه‌ریزی که وحدت ملی را مخدوش کند، ابتدا با تذکر و در صورت لزوم از طریق مراجع قانونی برخورد خواهد شد. ما با روایت‌سازی دقیق در تقویت این اتحاد مؤثر هستیم. هر حرکتی که به دوقطبی‌سازی و برهم زدن انسجام و تخریب مسئولانی که دوشادوش میدان عمل، میدان دیپلماسی را پیش می‌برند منجر شود، قابل قبول نیست.»

سخنگوی وزارت کشور با اشاره به تنوع اجتماعی و فرهنگی کشور اظهار کرد: «در کشوری با بیش از ۹۰ میلیون نفر جمعیت، وجود دیدگاه‌های متفاوت امری طبیعی و نشانه پویایی جامعه است. به‌رسمیت شناخته شدن جناح‌ها و سلایق مختلف و نقش‌آفرینی آنها در دولت‌ها و مجالس مختلف، بیانگر ظرفیت و عمق فرهنگی کشور است و باید آن را نقطه قوت دانست.»

وی همچنین تأکید کرد: «بیان دیدگاه‌های متفاوت از سوی مردم در تجمعات، نوشته‌ها و مقالات طبیعی است و نباید صرف تفاوت نظر، افراد را به تندروی یا کندروی متهم کرد. این اعتقاد وزارت کشور و دولت وفاق است.»

معاون سیاسی وزیر کشور درباره تجمعات شبانه نیز اظهار کرد: «فعلاً هیچ ابلاغیه‌ای برای پایان تجمعات شبانه دریافت نکرده‌ایم و مردم به اخبار غیررسمی توجه نکنند.»

زینی‌وند با اشاره به شرایط کشور گفت: «در ماه‌های اخیر مردم در حمایت از امنیت ملی و دفاع از کشور نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.» وی همچنین شورای عالی امنیت ملی را یکی از مهم‌ترین ارکان تصمیم‌گیری در شرایط کنونی دانست و تأکید کرد: «امروز بحث دفاع از میهن مطرح است و طرح دوگانه‌هایی مانند صلح و جنگ یا تفاهم و تقابل، با منافع ملی و شرایط فعلی کشور سازگار نیست.» او همچنین از احزاب، گروه‌های سیاسی، خانواده‌های شهدا و همه دلسوزان کشور خواست از دامن زدن به موضوعات اختلاف‌برانگیز که می‌تواند مورد سوءاستفاده دشمن قرار گیرد، پرهیز کنند. زینی‌وند درباره تأمین کالاهای اساسی اظهار کرد: «کشور تمام ظرفیت خود را به کار گرفته است؛ ۱۶ استان مرزی و ۱۵ کشور همسایه داریم، اختیارات لازم به استانداران اعطا شده و برای ذخایر کالاهای اساسی و نیازمندی‌های کشور تدبیر شده است و هیچ نگرانی وجود ندارد. نمی‌گوییم که مشکل نیست، ۴۷ سال است که تحت تحریم هستیم و با مشکلات انباشته اقتصادی، معیشتی، تورم و گرانی مواجه هستیم و یک سال است که وارد جنگ مستقیم نیز شده‌ایم اما بی‌نظیر است که یک کشور، یک سال درگیر جنگ باشد و این‌گونه با پشتوانه مردم اداره شود.»

بازسازی سریع زیرساخت‌های آسیب‌دیده

معاون سیاسی وزیر کشور با اشاره به اقدامات دولت در استان‌های آسیب‌دیده گفت: «یکی از محورهای اصلی کار وزارت کشور، رسیدگی به استان‌های مورد تهاجم است و هیأتی از دولت در کنار مردم این مناطق حضور دارد. راه‌ها، پل‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، تأسیسات برق و آب‌شیرین‌کن‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن ترمیم می‌شوند تا روند خدمات‌رسانی و حمل‌ونقل بدون وقفه ادامه یابد.» زینی‌وند همچنین با اشاره به اجرای طرح‌های عمرانی تصریح کرد: «در کنار بازسازی، پروژه‌های توسعه‌ای از جمله آزادراه‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر و نهضت مدرسه‌سازی نیز با جدیت در حال اجراست.» سخنگوی وزارت کشور درباره تمهیدات اربعین نیز گفت: «تا این لحظه هیچ تهدید امنیتی یا مانعی برای برگزاری باشکوه اربعین وجود ندارد و همه زیرساخت‌ها و هماهنگی‌های لازم با کشور عراق انجام شده است.» زینی‌وند درباره سفر وزیر کشور به پاکستان اظهار کرد: «این سفر از پیش برنامه‌ریزی شده بود و با هدف توسعه همکاری‌های دوجانبه، بویژه در حوزه حمل‌ونقل، کشاورزی، نفت و مبادلات اقتصادی انجام شده است.»

شرکت پتروشیمی جم
مزایده عمومی فروش ۳۶۰ تن هگزان ضایعاتی واحد HDPE مجتمع پتروشیمی جم
نوبت دوم
(شماره مزایده B1405-06)

شرکت پتروشیمی جم واقع در عسلویه در نظر دارد حدود ۳۶۰ تن هگزان ضایعاتی واحد HDPE مجتمع پتروشیمی جم واقع در عسلویه طی مدت یک‌سال را از طریق مزایده به‌فروش برساند.
- **دریافت اسناد:** اسناد مزایده از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ و از طریق وب‌سایت شرکت پتروشیمی جم به آدرس www.jpcomplex.ir/fa/tender (بخش مناقصه و مزایده) قابل دریافت می‌باشد.
- **مبلغ تضمین شرکت در مزایده** ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (چهارمیلیارد) ریال و واریز به‌صورت نقد به‌حساب شماره ۵۵۴۳۱۲۸۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی جم و یا ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر ثبت شده در سامانه سپام با دوره اعتبار سه ماه تقویمی و قابلیت تمدید تا سه ماه شمسی به‌نام شرکت پتروشیمی جم(سهامی عام) می‌باشد.
- تمامی مکاتبات و هماهنگی‌های لازم درخصوص این مزایده از طریق پست الکترونیک شرکت به نشانی: tender@jpcomplex.com می‌باشد، فلذا اعلام رسمی نشانی پست الکترونیک مزایده‌گر، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
- **آخرین زمان تسلیم پیشنهادات** تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.
- بدیهی است شرکت پتروشیمی جم در رد یا قبول کلیه پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار است.
تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵
روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

شرکت پتروشیمی نوری (سهامی عام) NOPC
آگهی شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران (دو مرحله‌ای)
تجدید مناقصه شماره: ۱۴۰۴/۱۱
نوبت دوم

ردیف	عنوان	شرح
۱	نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار	استان بوشهر، عسلویه، شرکت پتروشیمی نوری، صندوق پستی: ۷۵۳۹۱-۱۱۵ / تلفن‌های تماس: ۰۷۷-۳۷۳۲۳۲۵-۰۴ داخلی ۲۲۵۸-۲۲۵۱ دورنگار: ۰۷۷-۳۷۳۲۴۷۷۵/ سایت اینترنتی: www.nopc.co
۲	موضوع مناقصه	خرید ۱ عدد تجهیز Electrical KLOPPER Heater (ساخت شرکت klopper آلمان) مربوط به شرکت پتروشیمی نوری
۳	مبلغ برآورد	۱۱۰،۰۰۰ (یکصد و ده هزار) یورو
۴	تاریخ، مهلت، نشانی دریافت و تحویل اسناد استعلام کیفی مناقصه‌گران	مناقصه‌گران می‌توانند فرم‌های ارزیابی کیفی را از طریق مراجعه به سامانه الکترونیکی معاملات شرکت پتروشیمی نوری به نشانی tender.nopc.co مشاهده یا از طریق سایت اینترنتی شرکت به نشانی www.nopc.co دریافت نموده و بعد از تکمیل آن‌ها به‌همراه مدارک مربوطه، حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ در سامانه گفته شده در بالا، بارگذاری و همچنین به‌صورت الکترونیکی به آدرس پست الکترونیکی tec@nopc.co که فقط عنوان و شماره مناقصه و نام شرکت متقاضی در قسمت موضوع ایمیل قید شده باشد؛ ارسال نمایند.
۵	مدت اعتبار پیشنهادها	در اسناد مناقصه آورده خواهد شد.
۶	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (پس از مرحله ارزیابی کیفی و دعوت از مناقصه‌گران احراز صلاحیت شده؛ همراه پیشنهاد قیمت ارائه گردد)	به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفت میلیارد ریال) و یا واریز وجه نقد به‌حساب جاری شماره ۲۶۶۱۰۲۶۶۱۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی نوری به‌نام شرکت پتروشیمی نوری

شرایط متقاضی:
۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره شناسه ملی و شماره اقتصادی مؤدیان مالیاتی.
۲- داشتن تجربه و دانش فنی کافی مرتبط با موضوع مناقصه و حسن سابقه درکارهای قبلی.
۳- داشتن توانایی مالی و ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی معتبر.
۴- ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهی‌نامه‌های مرتبط با سیستم‌های مدیریتی متناسب با موضوع مناقصه درصورت وجود.
۵- دارا بودن تأییدیه‌های مورد نیاز کسب و کار از مراجع ذیصلاح.
۶- ارائه صورتحساب‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مربوط به آخرین سال مالی.
۷- تکمیل فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی و ارسال مدارک مربوط.
شرکت پس از بررسی اسناد و مدارک دریافت شده و ارزیابی توانمندی متقاضیان درچارچوب ضوابط و مقررات، نسبت به توزیع اسناد مناقصه بین شرکت‌های واجد شرایط اقدام خواهد نمود. ارائه مدارک و سوابق مذکور هیچ حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. در ضمن به درخواست‌ها و مدارک ارسالی بعد از مدت گفته شده ترتیب اثر داده نخواهد شد و سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه آمده است.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی نوری

نخست‌وزیر عراق امروز در رأس هیأتی به ایران سفر می‌کند

تهران؛ مقصد کلیدی «الزیدی»

گزارش

تهران امروز میزبان علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر عراق است. این سفر در حالی انجام می‌شود که همزمان با تشدید تنش‌های منطقه‌ای، تحولات امنیتی خاورمیانه وارد مرحله‌ای تازه شده است. «الزیدی» که پس از پایان سفر خود به واشنگتن و حضور در دوحه در چارچوب یک سفر منطقه‌ای راهی تهران شده، قرار است با مقامات کشورمان درباره توسعه روابط دوجانبه و همچنین آخرین تحولات سیاسی و امنیتی منطقه گفت‌وگو و رایزنی کند. پس از نقض تفاهم تهران و واشنگتن از سوی آمریکا دور تازه‌ای از تنش میان دو کشور آغاز و با برقراری دوباره محاصره دریایی ایران از ۲۳ تیرماه، وارد مرحله‌ای جدید شد. همزمان، نگرانی کشورهای منطقه از گسترش بحران افزایش یافته و بسیاری از بازیگران منطقه‌ای با دعوت طرف‌های درگیر به خویشتنداری در پی جلوگیری از سرایت بی‌ثباتی به خاورمیانه هستند. در چنین فضایی، سفر نخست‌وزیر عراق به تهران و دیگر پایتخت‌های منطقه را باید در چارچوب تلاش بغداد برای ایفای نقشی فعال‌تر در کاهش تنش‌ها ارزیابی کرد. عراق که طی سال‌های اخیر روابط متوازنی با بازیگران مختلف منطقه و فرامنطقه برقرار کرده است، اکنون می‌کوشد از این ظرفیت برای تقویت گفت‌وگو و مدیریت بحران بهره بگیرد. «حیدر العبودی»، سخنگوی دولت عراق نیز تأکید کرده است که بغداد به دلیل روابط متوازن خود از جایگاه مناسبی برای کمک به کاهش تنش‌های منطقه‌ای برخوردار است و این ظرفیت مورد توجه بازیگران مختلف قرار گرفته است.

پیوندهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی

ایران و عراق به عنوان دو همسایه از پیوندهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی عمیقی برخوردارند؛ پیوندهایی که طی سال‌های اخیر در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی نیز گسترش یافته است. با وجود ظرفیت‌های قابل توجه برای توسعه همکاری‌های دوجانبه، بسیاری از این ظرفیت‌ها همچنان نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی بیشتر میان دو کشور است. «یاسر عبدالزهرا الحجاج»، سفیر جدید عراق در ایران که به تازگی رونوشت استوارنامه خود را به سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه تحویل داده است، در یادداشتی بر چشم‌انداز توسعه روابط دو کشور تأکید و تصریح کرده است: «روابط عراق و ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر پایه میراث تاریخی و پیوندهای عمیق مردمی، رشد و توسعه قابل توجهی داشته است. امروز نیز این روابط ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ورود به مرحله‌ای پیشرفته‌تر دارد؛ مرحله‌ای که بر گسترش مشارکت‌های اقتصادی، تشویق سرمایه‌گذاری، توسعه مبادلات تجاری و تقویت پروژه‌های اتصال، حمل‌ونقل و انرژی استوار بوده و منافع متقابل دو کشور را تأمین کند.»

در چنین فضایی است که مسائل اقتصادی جایگاه مهمی در مذاکرات تهران و بغداد خواهد داشت. در همین راستا سخنگوی دولت عراق در آستانه سفر «الزیدی» به تهران اعلام کرد که موضوع صادرات گاز طبیعی ایران، متناسب با نیازها و منافع عراق، یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای دوجانبه خواهد بود. خبرگزاری شفق‌نیوز عراق نیز با تأیید این موضوع گزارش داد که «تأمین گاز نیروگاه‌های برق عراق از طریق صادرات گاز ایران، از مهم‌ترین پرونده‌های مورد بررسی در دیدارهای الزیدی با مقامات ایرانی خواهد بود.»

این در حالی است که بخش بزرگی از روابط اقتصادی دو کشور در حوزه انرژی است و ایران از مهم‌ترین صادرکنندگان گاز و برق به عراق است. دو کشور در حوزه خدمات فنی و مهندسی، ریلی و ترانزیتی همکاری‌های نزدیکی دارند. اما در همین زمینه ویژگی‌های شخصی و سوابق اجرایی «الزیدی» نیز می‌تواند بر پیگیری و تقویت همکاری‌های اقتصادی مشترک تأثیرگذار باشد. این سیاستمدار جوان عراقی پیش از ورود به عرصه سیاست، سابقه فعالیت در حوزه‌های اقتصادی و بانکی را داشته و به عنوان چهره‌ای با رویکردی عمل‌گرایانه و توسعه‌محور شناخته می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود توسعه همکاری‌های اقتصادی و تسهیل مناسبات تجاری، یکی از محورهای مورد توجه او در رایزنی‌های تهران باشد.

همکاری‌های امنیتی محور مهم رایزنی

با این حال، تحقق اهداف اقتصادی و گسترش مبادلات تجاری، همکاری‌های انرژی و اجرای پروژه‌های مشترک بیش از هر چیز به درک مشترک تهران و بغداد از الزامات امنیت منطقه و تداوم همکاری‌های دو کشور برای کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات در محیط پیرامونی وابسته خواهد بود. چه آنکه تحولات اخیر منطقه، بویژه افزایش حضور نظامی آمریکا در جنوب خلیج فارس و استفاده از خاک برخی کشورهای همسایه برای اقدام علیه ایران، این موضوع را به یکی از اولویت‌های اصلی تهران تبدیل کرده است. این حساسیت، تنها به تحولات میدانی اخیر محدود نمی‌شود. مقام‌های آمریکایی در ماه‌های گذشته بارها از برنامه‌های خود برای افزایش فشار بر ایران سخن گفته‌اند و برخی اظهارات آنها نیز به نقش گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی اشاره کرده است. این گروه‌ها که در بخش‌هایی از مرز ایران و عراق حضور دارند، سال‌هاست یکی از تهدیدات امنیت ملی کشور محسوب می‌شوند و هرگونه بهره‌برداری قدرت‌های متخاصم از این گروهک‌ها علیه ایران می‌تواند امنیت مرزهای مشترک را با مخاطره روبه‌رو کند. بر همین اساس، ایران طی سال‌های گذشته همواره از دولت عراق خواسته است با اعمال حاکمیت کامل بر مناطق مرزی، مانع فعالیت این گروه‌ها و دور شدن آنها از مرزهای مشترک شود. این مطالبه در قالب مجموعه‌ای از رایزنی‌ها و توافقات امنیتی نیز پیگیری شده است که مهم‌ترین نمونه آن، توافق امنیتی تهران و بغداد است که اسفندماه ۱۴۰۱ با امضای دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران و همتای عراقی‌اش به امضا رسید. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود همکاری‌های امنیتی نیز در کنار پرونده‌های سیاسی و اقتصادی، یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای مقامات دو کشور در سفر نخست‌وزیر عراق به تهران باشد؛ زیرا با افزایش تنش‌های منطقه‌ای، حفظ امنیت مرزهای مشترک و جلوگیری از تبدیل خاک کشورهای همسایه به بستری برای تشدید بحران علیه ایران، بیش از هر زمان دیگری به اولویتی مشترک برای تهران و بغداد تبدیل شده است.

> عراق که طی سال‌های اخیر روابط متوازنی با بازیگران مختلف منطقه و فرامنطقه برقرار کرده است، اکنون می‌کوشد از این ظرفیت برای تقویت گفت‌وگو و مدیریت بحران بهره بگیرد. «حیدر العبودی»، سخنگوی دولت عراق نیز تأکید کرده است که بغداد به دلیل روابط متوازن خود از جایگاه مناسبی برای کمک به کاهش تنش‌های منطقه‌ای برخوردار است و این ظرفیت مورد توجه بازیگران مختلف قرار گرفته است

یادداشت

روابط تهران و بغداد
راهبردی برای آینده روابط کشورهای خلیج فارس

محمد علی بک
مدیرکل
خلیج فارس
وزارت امور خارجه

در معادلات پیچیده و پرتحول غرب آسیا، کمتر رابطه‌ای را می‌توان یافت که به اندازه مناسبات دو کشور همسایه ایران و عراق از عمق تاریخی، پیوندهای تمدنی و ظرفیت‌های راهبردی برخوردار باشد. روابط دو کشور امروز دیگر صرفاً بر پایه همجواری جغرافیایی تعریف نمی‌شود؛ بلکه بر بستری از اشتراکات سیاسی، فرهنگی، دینی، تاریخی و منافع متقابل استوار است که آن را به یکی از مهم‌ترین ارکان ثبات، امنیت و توسعه منطقه تبدیل کرده است. این دو کشور توانسته‌اند با همکاری و هماهنگی مرزهای خود را به مرزهای دوستی و مراودات اقتصادی و اجتماعی تبدیل نمایند. این واقعیت، زمانی آشکارتر می‌شود که به روند تحولات چند دهه اخیر نگریسته شود. در این سال‌ها، بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، هر یک با انگیزه‌ای خاص کوشیدند میان تهران و بغداد فاصله ایجاد کنند. از دامن زدن به اختلافات سیاسی و مذهبی گرفته تا جنگ روانی و عملیات رسانه‌ای، همه با این هدف دنبال شد که این پیوند راهبردی تضعیف شود. اما حاصل این تلاش‌ها برخلاف خواست طراحان آن بود. هر بحران، دو کشور را به یکدیگر نزدیک‌تر ساخت و هر تهدید، ضرورت همکاری‌های گسترده‌تر را آشکارتر کرد. دلیل این پایداری روشن است؛ روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق ریشه‌دار، راهبردی و مبتنی بر پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، دینی و منافع مشترک دو ملت است. مبارزه مشترک با تروریسم، همکاری‌های امنیتی، توسعه مناسبات اقتصادی، پیوندهای فرهنگی، حضور میلیون‌ها زائر در آیین باشکوه اربعین حسینی و گسترش همکاری‌های علمی، دانشگاهی و زیرساختی، تنها بخشی از جلوه‌های این شراکت راهبردی است. از همین منظر بود که دولت چهاردهم نیز توسعه روابط با عراق را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد. این امر نشان داد که تهران، توسعه روابط با بغداد را نه یک گزینه، بلکه ضرورتی راهبردی برای آینده منطقه می‌داند و بر این باور است که امنیت، توسعه و شکوفایی دو کشور، در گرو همکاری‌های عمیق‌تر و مستمر خواهد بود. نماد دیگر این پیوند عمیق، حضور گسترده مردم و مسئولان عراقی در آیین تشییع و بزرگداشت امام شهید بود؛ حضوری که بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی منطقه یافت و بار دیگر نشان داد سرمایه اصلی روابط ایران و عراق، سرمایه‌ای مردمی و ریشه‌دار است. هنگامی که شخصیت‌های عالی‌رتبه سیاسی، رهبران جریان‌های مختلف و اقشار گوناگون مردم عراق، دوشادوش یکدیگر در این مراسم حضور یافتند، پیام روشنی به جهانیان مخابره شد؛ اینکه روابط دو کشور، فراتر از توافق‌های سیاسی و دولت‌ها، بر پایه احترام متقابل، پیوندهای اعتقادی و همدلی تاریخی استوار است. به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای جلوه‌ای تمام عیار از همدلی، اخوت و هم مرامی بین دوملت ایران و عراق را نشان داد. این حضور پرشکوه، برخاسته از اراده ملت‌هاست و همین پشتوانه مردمی، آن را در برابر فشارها و توطئه‌های خارجی مصون ساخته است. اکنون و در آستانه سفر آقای الزیدی نخست‌وزیر جدید در رأس یک هیأت عالیرتبه سیاسی، اقتصادی و امنیتی به تهران، فرصت تازه‌ای برای گشودن افق‌های جدید همکاری میان دو کشور فراهم آمده است. این سفر می‌تواند حلقه‌ای دیگر در زنجیره تعاملات سازنده تهران و بغداد باشد و مسیر همکاری‌های سیاسی، منطقه‌ای، اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تجارت، انرژی، حمل‌ونقل، توسعه زیرساخت‌های مرزی، همکاری‌های فرهنگی و تسهیل تردد زائران را بیش از گذشته هموار سازد. امید است این سفر راهبردی و دیدار نخست‌وزیر عراق با دکتر پزشکیان منجر به توافق دو طرف بر سر یک توافق راهبردی همه جانبه بین دو کشور شود.

بی‌تردید ظرفیت‌های موجود میان دو کشور بسیار فراتر از سطح کنونی روابط است و تلاش‌های بدخواهان نمی‌تواند این روابط را تحت تأثیر قرار دهد. دو کشور، با تکیه بر جایگاه ژئوپلتیکی، منابع انسانی، ظرفیت‌های اقتصادی و اشتراکات تمدنی، قادرند الگویی موفق از همکاری میان کشورهای منطقه ارائه دهند؛ الگویی که نه بر پایه مداخله قدرت‌های بیرونی، بلکه بر اساس اعتماد متقابل، احترام به حاکمیت ملی و تأمین منافع مشترک شکل گرفته است.

ایران و عراق، با برخورداری از سرمایه‌ای عظیم از اعتماد متقابل و پیوندهای عمیق مردمی، این ظرفیت را دارند که پرچمدار یک همکاری همه جانبه منطقه‌ای باشند. انتظار می‌رود سفر آقای الزیدی به تهران، در امتداد اولین سفر خارجی دکتر مسعود پزشکیان رئیس جمهوری به عراق، فصل تازه‌ای از همکاری‌های راهبردی را رقم زند؛ فصلی که ثمره آن، نه تنها برای دو ملت، بلکه برای امنیت، ثبات و توسعه پایدار سراسر منطقه سودمند و امیدآفرین خواهد بود.

گفت‌وگوی «ایران» با محمدرضا دهشیری
درباره ضرورت حرکت همزمان دیپلماسی و میدان در مدیریت تحولات جاری

پیروزی دیپلماسی، محصول تصمیم‌گیری بموقع است

گفت و گو

فاطمه غریبی / گروه دیپلماسی- پس از جنگ ۴۰ روزه و نقض یادداشت تفاهم از سوی آمریکا، در روزهای اخیر نشانه‌هایی از افزایش تنش‌های منطقه‌ای دیده می‌شود؛ روندی که این احتمال را تقویت کرده است که درگیری‌های میان ایران و آمریکا، به‌ویژه در جنوب ایران و تنگه هرمز، وارد مرحله‌ای گسترده‌تر شود. در چنین فضایی، دو رویکرد بیش از گذشته در محافل سیاسی و کارشناسی مطرح است.

یک دیدگاه بر این باور است که ایران باید با تکیه بر ظرفیت‌های میدانی، دستاوردهای خود را تقویت کرده و از طریق افزایش فشار بر طرف مقابل، زمینه تأمین حقوق و منافعش را فراهم کند. در مقابل، دیدگاه دیگر معتقد است که در شرایط کنونی، اولویت باید بر تبدیل دستاوردهای میدانی به نتایج سیاسی و دیپلماتیک و همچنین جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر ناشی از ادامه تنش‌ها و درگیری‌ها باشد.

در همین چارچوب، محمدرضا دهشیری، رئیس دانشکده روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اینکه «میدان و دیپلماسی دو روی یک سکه‌اند»، تأکید کرد موفقیت در سیاست خارجی زمانی محقق می‌شود که میان ظرفیت‌های میدانی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و افکارعمومی هماهنگی و هم‌افزایی وجود داشته باشد. او همچنین با اشاره به اهمیت عنصر زمان در دیپلماسی تأکید کرد که مدیریت درست زمان در مذاکرات نقشی تعیین‌کننده در بهره‌برداری از دستاوردهای میدانی دارد و هرگونه تعلل یا شتاب‌زدگی می‌تواند این دستاوردها را تحت تأثیر قرار دهد.

با آغاز جنگ ۴۰ روزه و برقراری آتش‌بس و همچنین تنش‌هایی که پس از نقض تعهدات و تفاهمات از سوی آمریکا ایجاد شد، مشخص شد که امروز میدان و قدرت نظامی به مهم‌ترین ابزار تعیین‌کننده معادلات تبدیل شده است. این در حالی است که ایران در روند تنش‌های نظامی اخیر توانسته موازنه‌ای بازدارنده و پرهزینه برای آمریکا در منطقه ایجاد کند. ارزیابی شما از این شرایط چیست؟

به اعتقاد من، میدان و دیپلماسی نه در تقابل، بلکه در تعامل و هم‌افزایی با یکدیگر قرار دارند. میدان، پشتوانه دیپلماسی است و دیپلماسی نیز دستاوردهای میدان را به دستاوردهای سیاسی تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه در عرصه میدانی حاصل می‌شود، در فرآیند مذاکرات می‌تواند به سرمایه‌ای سیاسی تبدیل شود.

البته پس از جنگ تحمیلی دوم، دو ضلع دیگر نیز به این معادله افزوده شده است؛ یکی رسانه و دیگری خیابان. از این منظر، می‌توان گفت با یک پدیده چهاروجهی مواجه هستیم که در آن میدان، دیپلماسی، رسانه و افکارعمومی، نقش‌های مکمل و درهم‌تنیده‌ای ایفا می‌کنند و موفقیت هر یک تا حد زیادی به هماهنگی با سایر ابعاد وابسته است. در این میان، مسأله روایت‌سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ضروری است در این حوزه همفکری، هماهنگی و همکاری بیشتری میان نهادها و بازیگران مختلف شکل گیرد تا روایت‌های متعارض و متناقض به طرف مقابل مخابره نشود. تأکید مقام رهبری بر وحدت و انسجام میان همه نیروها، ناظر بر همین موضوع است.

بنابراین، همان‌گونه که در عرصه میدان و دیپلماسی باید هماهنگی وجود داشته باشد، در حوزه سیاست اعلامی و روایت‌سازی نیز انسجام و هم‌افزایی ضروری است. این انسجام می‌تواند به شکل‌گیری روایتی مؤثر، منسجم و اقناع‌کننده کمک کند و مانع از آن شود که اختلاف در روایت‌ها، فرآیند بهره‌برداری سیاسی و دیپلماتیک از دستاوردهای میدانی را با اختلال مواجه سازد.

با توجه به تحولات اخیر، به نظر می‌رسد روند درگیری‌ها نسبت به جنگ ۴۰ روزه تفاوت کرده و تنش‌ها به صورت تدریجی و کنترل‌شده در حال افزایش است. آیا این موضوع نشان‌دهنده تغییر الگوی جنگ و حرکت طرفین به سمت یک جنگ فرسایشی مدیریت شده است یا اینکه می‌تواند مقدمه‌ای برای شکل‌گیری یک جنگ فراگیر جدید باشد؟ تحلیل شما از شرایط کنونی چیست؟

در شرایط کنونی هر دو طرف به این جمع‌بندی رسیده‌اند که امکان حذف یا نابودی کامل طرف مقابل وجود ندارد. این واقعیت، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نوع رفتار آنهاست. به عبارت دیگر، آمریکا به این نتیجه رسیده که دستیابی به اهدافی همچون تغییر نظام سیاسی یا تجزیه ایران امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، ایران نیز به دنبال نابودی کامل آمریکا نیست.

در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند، تحمیل اراده به طرف مقابل است. برای مثال، در موضوع تنگه هرمز، هدف ایران حفظ و اعمال کنترل مؤثر بر این گذرگاه راهبردی است، در حالی که آمریکا تلاش می‌کند مانع از تثبیت این کنترل شود.

از این منظر، می‌توان روند کنونی را در چارچوب «جنگ اراده‌ها» تحلیل کرد؛ جنگی که در آن هر طرف می‌کوشد با افزایش هزینه‌های طرف مقابل، خواسته‌های خود را پیش ببرد.

ایران در این فرآیند عملکرد موفق‌تری داشته است، زیرا از یک‌سو از مزیت ژئوپلتیکی و موقعیت جغرافیایی خود بهره می‌برد و از سوی دیگر، از مشروعیت لازم برای دفاع از منافع خود برخوردار است. همچنین استفاده از تاکتیک‌های جنگ نامتقارن، امکان واردکردن هزینه و ایجاد فشار بر طرف مقابل را برای ایران فراهم کرده است.

نکته مهم این است که با یک جنگ ترکیبی مواجه هستیم؛ جنگی که صرفاً به عرصه نظامی محدود نمی‌شود. ابعاد رسانه‌ای، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اطلاعاتی و سایبری همگی در کنار یکدیگر بر روند تحولات تأثیر می‌گذارند و هر یک بخشی از معادله را تشکیل می‌دهند. از این رو، هر دو طرف تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از مجموعه این ابزارها، اهداف خود را محقق کنند.

> آنچه اهمیت دارد، تشخیص زمان مناسب برای بهره‌گیری از دیپلماسی است؛ به گونه‌ای که متناسب با دستاوردهای میدانی، بتوان از ظرفیت‌های دیپلماتیک به شکلی کارآمد و مؤثر برای تأمین و تثبیت منافع ملی استفاده کرد

با این حال، تفاوت اصلی در رویکرد ایران و آمریکا این است که آمریکا به دلیل محدودیت‌های زمانی و ملاحظات داخلی و بین‌المللی، تمایل دارد این تقابل هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شود؛ در مقابل، ایران تلاش کرده است با مدیریت و چالشی‌تر کردن مسأله، هزینه‌های بیشتری به طرف مقابل تحمیل کند و از این طریق موقعیت خود را در این نبرد اراده‌ها تقویت کند.

در مقطع کنونی، همزمان با تحولات میدانی، شاهد افزایش تحرکات دیپلماتیک نیز هستیم و به نظر می‌رسد دیپلماسی فعالانه در تدارک دور جدیدی از مذاکرات است. به نظر شما در این مقطع ایران صرفاً از فشارهای میدانی برای تغییر رفتار آمریکا استفاده می‌کند یا اینکه راهبرد اصلی، بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های میدان و دیپلماسی است؟ کدام رویکرد می‌تواند مؤثرتر باشد؟

جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه میز مذاکره و دیپلماسی را ترک نکرده است. آنچه در طول سال‌های گذشته شاهد آن بوده‌ایم، این است که آمریکا بارها تعهدات و تفاهمات خود را نقض کرده و از اجرای آنها سر باز زده است. از این رو، حضور ایران در عرصه دیپلماسی به معنای حفظ رویکردی مسئولانه و تأکید بر حل‌وفصل مسائل از مسیرهای سیاسی است.

ایران در عین بهره‌گیری از ظرفیت‌های میدانی، تلاش می‌کند این پیام را نیز منتقل کند که همچنان دیپلماسی را یکی از مسیرهای اصلی پیگیری و تأمین منافع ملی می‌داند. در واقع، جنگ و دیپلماسی دو روی یک سکه‌اند و هر دو در خدمت تأمین منافع ملی قرار دارند. حضور فعال در میدان دیپلماسی با هدف جلوگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر بر کشور، کاهش خسارات احتمالی و بهره‌برداری سیاسی از دستاوردهای موجود دنبال می‌شود. البته این به معنای اعتماد به طرف مقابل نیست. تجربه نشان داده است که آمریکا تاکنون اقدام مؤثری برای اجرای تعهدات پیشین خود انجام نداده و همین مسأله موجب شده سطح اعتماد ایران نسبت به رفتار واشنگتن بسیار محدود باشد.

از این منظر، بهره‌گیری از دیپلماسی در شرایط کنونی بیش از آنکه بر خوش‌بینی به رفتار طرف مقابل استوار باشد، با هدف جلوگیری از تحمیل هزینه‌ها و خسارت‌های بیشتر، تبدیل دستاوردهای میدانی به دستاوردهای سیاسی و تبیین روایت جمهوری اسلامی ایران از تحولات دنبال می‌شود.

در این چارچوب، دیپلماسی علاوه بر کارکرد سیاسی، نقش مهمی در اقناع افکار عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری برداشت‌های نادرست، به‌ویژه در میان کشورهای همسایه ایفا می‌کند تا مواضع و پاسخ‌های ایران به اقدامات آمریکا در چارچوبی روشن و دقیق برای مخاطبان منطقه‌ای تبیین شود.

برخی از کارشناسان معتقدند در محاسبات راهبردی، تصمیمات بهنگام در بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی می‌تواند بخشی از دستاوردهای میدانی را مستهلک کند؟

بله، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در دیپلماسی، مدیریت زمان است. زمان در عرصه دیپلماسی نقشی تعیین‌کننده دارد و هر راهبرد هوشمندانه‌ای باید نسبت به عنصر زمان آگاه و حساس باشد. اگر در مقطعی که باید وارد مذاکره شد، تأخیر صورت گیرد، ممکن است بخشی از فرصت‌ها و دستاوردهای به‌دست‌آمده از بین برود. از سوی دیگر، شتاب‌زدگی و ورود زودهنگام به مذاکرات نیز می‌تواند مانع از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های موجود شود.

بنابراین نه تأخیر مطلوب است و نه تعجیل. آنچه اهمیت دارد، تشخیص زمان مناسب برای بهره‌گیری از دیپلماسی است؛ به گونه‌ای که متناسب با دستاوردهای میدانی، بتوان از ظرفیت‌های دیپلماتیک به شکلی کارآمد و مؤثر برای تأمین و تثبیت منافع ملی استفاده کرد. به بیان دیگر، موفقیت دیپلماسی تا حد زیادی به انتخاب زمان درست برای تبدیل دستاوردهای میدان به دستاوردهای سیاسی وابسته است.

بررسی ابعاد حقوقی حمله به زیرساخت های ایران در گفت و گو با ریچارد فالک گزارشگر پیشین سازمان ملل

حملات آمریکا مصداق جنایت علیه بشریت است

عکس: مهر

گفت وگو

عسگر قهرمانپور
سردبیر ایران دیلی

پروفسور ریچارد فالک از برجسته‌ترین حقوقدانان معاصر در حوزه حقوق بین‌الملل، استاد بازنشسته دانشگاه پرینستون و گزارشگر ویژه پیشین سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است. آثار و دیدگاه‌های او طی چند دهه گذشته نقش مهمی در مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل، جنگ، حقوق بشر و نظم جهانی ایفا کرده و از او چهره‌ای شناخته‌شده و تأثیرگذار در محافل دانشگاهی و حقوقی جهان ساخته است.

در این گفت‌وگوی اختصاصی، پروفسور فالک ابعاد حقوقی حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران و ظرفیت نظام حقوق بین‌الملل برای پاسخگویی به این اقدامات را بررسی می‌کند. او ضمن نقد استانداردهای دوگانه در اجرای حقوق بین‌الملل، محدودیت‌های ساختاری شورای امنیت را تشریح کرده و راهکارهایی برای پیگیری مسئولیت حقوقی، مستندسازی ادله و بهره‌گیری از سازوکارهای بین‌المللی و ابتکارات جامعه مدنی پیشنهاد می‌دهد. این گفت‌وگو تصویری روشن از چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر و مسیرهای پیش‌روی ایران در عرصه حقوقی و دیپلماتیک ارائه می‌کند.

با توجه به حملات آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، این اقدامات را از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا چنین حملاتی می‌تواند نقض حقوق بین‌الملل تلقی شود؟

چنانچه این اقدامات به‌صورت عمدی و بدون هرگونه ابهام صورت گرفته باشد، مصداق نقض کیفری حقوق بین‌الملل خواهد بود و در صورتی که از حیث گستره و شدت به آستانه لازم برسد، می‌تواند در چارچوب جنایت علیه بشریت، آن‌گونه که در اصول نورنبرگ تدوین شده است، قرار گیرد. به‌طور مشخص، حملات علیه زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی، هم نقض حقوق و قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه (Law of Armed Conflict) و هم نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه (International Humanitarian Law) محسوب می‌شود. البته در برخی شرایط، ممکن است طرف مهاجم با استناد به اصل ضرورت نظامی (Military Necessity) برای مشروع جلوه دادن حمله به برخی اهداف استدلال کند؛ اما تاکنون هیچ‌گونه شواهدی مشاهده نکرده‌ام که نشان دهد ایالات متحده یا اسرائیل چنین ادعایی را درخصوص این حملات مطرح کرده باشند.

با توجه به اظهارات مقامات ایرانی و گزارش‌های رسمی و مستندات موجود، شواهد قابل توجهی درباره حملات ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران وجود دارد، چرا سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی نتوانسته‌اند واکنشی مؤثر نشان دهند یا اقدام معناداری انجام دهند؟ آیا این بی‌عملی ظاهری، اعتبار و بی‌طرفی نظام حقوق بین‌الملل را تضعیف نمی‌کند؟

این پرسش، پرسشی طبیعی و قابل درک است؛ اما در عین حال، از یک واقعیت ساختاری در طراحی سازمان ملل متحد غفلت می‌کند. نظام سازمان ملل به گونه‌ای طراحی شده است که قدرت‌های پیروز جنگ جهانی دوم، به واسطه حق وتوی پنج عضو دائم شورای امنیت، عملاً از بخش مهمی از الزامات منشور سازمان ملل مصون مانده‌اند. شورای امنیت تنها رکن سازمان ملل است که اختیار اتخاذ تصمیمات الزام‌آور را دارد و همین حق وتو موجب شده است که این پنج دولت، کنترل نهایی مدیریت امنیت جهانی را در اختیار داشته باشند. این وضعیت، هم پیامدهای مثبتی داشته و هم آثار منفی بسیار جدی. در عمل، مدیریت امنیت بین‌المللی به تشخیص و اراده سیاسی همین پنج کشور واگذار شده است. البته سازمان ملل می‌تواند از طریق مجمع عمومی و با استناد به قطعنامه موسوم به «اتحاد برای صلح» (Uniting for Peace Resolution) تا اندازه‌ای نقش مؤثرتری ایفا کند، مشروط بر آنکه اراده سیاسی کافی در میان شمار قابل توجهی از دولت‌های عضو وجود داشته باشد. حتی اگر چنین اراده‌ای شکل گیرد و مجمع عمومی موفق به تصویب قطعنامه‌ای الزام‌آور شود، آثار آن عمدتاً نمادین و سیاسی خواهد بود، مگر آنکه در صورت عدم اجرای آن، سازوکارهای اجرایی و اقدامات الزام‌آور برای تضمین اجرای تصمیم نیز پیش‌بینی و اعمال شود.

آیا معتقدید حقوق بین‌الملل در قبال ایران به‌صورت گزینشی اجرا می‌شود؟ اگر چنین است، این استانداردهای دوگانه چه تأثیری بر اعتماد دولت‌ها به نظم حقوقی بین‌المللی دارد؟

تفاوت آشکار میان ادعاهای مطرح‌شده درباره نقض حقوق بین‌الملل از سوی ایران- در حالی که این کشور در برابر یک جنگ تجاوزکارانه و تحریک‌نشده از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از خود دفاع کرده است- و امتناع جامعه بین‌المللی از محکوم کردن اسرائیل به دلیل حمله‌ای که ماهیتی نسل‌کشانه به غزه داشته و از منظر حقوق بین‌الملل اقدامی مجرمانه محسوب می‌شود، نمونه‌ای روشن از استانداردهای دوگانه در اجرای حقوق بین‌الملل است. به‌کارگیری چنین معیارهای دوگانه‌ای از سوی یکی از قدرت‌های بزرگ، اقتدار حقوق بین‌الملل را تضعیف می‌کند؛ زیرا حقوق بین‌الملل بر این اصل بنیادین استوار است که اشخاص و دولت‌های هم‌وضعیت باید به‌طور برابر مورد برخورد قرار گیرند. نتیجه این رویکرد آن است که حقوق بین‌الملل، نه به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور، بلکه به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری یا تبلیغات سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ابزاری که علیه رقبا و دشمنان به کار گرفته می‌شود، اما هرگاه اتهام نقض حقوق بین‌الملل متوجه دوستان و متحدان باشد، نادیده گرفته یا رد می‌شود. تردیدی نیست که چنین رفتاری، اقتدار، اعتبار و مشروعیت حقوق بین‌الملل را به‌شدت تضعیف و بنیان‌های نظم حقوقی بین‌المللی را متزلزل می‌سازد.

با فرض آنکه ادله و مستندات موجود برای انتساب مسئولیت حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران به ایالات متحده و رژیم صهیونیستی کافی باشد، این دو بر اساس حقوق بین‌الملل چه مسئولیت‌های حقوقی خواهند داشت؟

پاسخ روشن و قطعی به این پرسش دشوار است؛ زیرا در حقوق بین‌الملل، سوابق قضایی و رویه‌های حقوقی اندکی درباره مسئولیت ناشی از معاونت، مشارکت یا مساعدت در ارتکاب نقض‌های حقوق بین‌الملل وجود دارد.

این موضوع در ارتباط با آنچه نسل‌کشی اسرائیل در غزه و نیز سیاست‌های جنگ‌افروزانه این رژیم در منطقه توصیف شده، از رهگذر بررسی حمایت‌های سیاسی، دیپلماتیک و مادی کشورهای دموکراتیک غربی مطرح شده است؛ اما تاکنون این مباحث عمدتاً در عرصه گفتمان عمومی و از سوی ابتکارات جامعه مدنی پیگیری شده‌اند. از جمله این ابتکارات می‌توان به دادگاه بین‌المللی غزه (Gaza International Tribunal)، دادگاه غزه در بریتانیا درباره همدستی دولت بریتانیا در جنایات جنگی غزه و کمیسیون تحقیق کانادا درباره مسئولیت این کشور در قبال اقدامات مجرمانه نظامی اسرائیل در غزه اشاره کرد.

افزون بر این، چه سازوکارهای حقوقی برای پاسخگو کردن این دولت‌ها وجود دارد؟

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردم، تاکنون تنها ابتکارات جامعه مدنی به‌طور جدی به موضوع همدستی در نقض حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و آن هم عمدتاً در ارتباط با اقدامات رژیم صهیونیستی. از منظر حقوق بین‌الملل، چنانچه ثابت شود برخی کشورهای حوزه خلیج فارس اجازه داده‌اند قلمرو آنها در اختیار پایگاه‌های نظامی ایالات متحده قرار گیرد و این پایگاه‌ها در عملیات تجاوزکارانه علیه ایران مورد استفاده واقع شده باشند، این امر می‌تواند مبنایی برای طرح دعوا و مطالبه مسئولیت حقوقی فراهم آورد. در چنین فرضی، امکان پیگیری مسئولیت کیفری اشخاص مسئول در دولت‌های همدست نزد دیوان کیفری بین‌المللی، یا طرح موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در دیوان بین‌المللی دادگستری، حسب مورد، قابل تصور خواهد بود.

در عین حال، اظهارنظرها و تحلیل‌های حقوقی کارشناسان مستقل و نهادهای جامعه مدنی که از ادعاهای مربوط به همدستی در نقض حقوق بین‌الملل حمایت می‌کنند، می‌تواند در شکل‌دهی افکار عمومی بین‌المللی تأثیرگذار باشد و زمینه افزایش حمایت‌های مردمی، اعتراضات عمومی یا حتی اعلام همبستگی برخی دولت‌ها با ایران، به‌عنوان کشوری که مدعی قربانی شدن در نتیجه نقض حقوق بین‌الملل است را فراهم سازد.

از دیدگاه شما، جمهوری اسلامی ایران چه مسیرهای حقوقی را می‌تواند برای پیگیری مسئولیت ناشی از حملات ایالات متحده به زیرساخت‌های غیرنظامی خود در دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای حقوق بشر سازمان ملل، مجمع عمومی سازمان ملل و سایر نهادهای بین‌المللی دنبال کند؟

این پرسش نیز از جمله موضوعات پیچیده‌ای است که پاسخ به آن مستلزم بررسی دقیق و تفسیر حقوقی گسترده است؛ زیرا تجربه عملی و رویه‌های موجود در این زمینه بسیار محدود است. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اختیار آن را دارد که کمیسیون حقیقت‌یاب یا کمیسیون تحقیق تشکیل دهد تا بررسی کند چه راهکارها و جبران‌های حقوقی ممکن است در اختیار ایران قرار داشته باشد و سپس گزارش‌هایی درباره ادعاهای مربوط به نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بنیادین منتشر کند.

از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌تواند قطعنامه‌هایی تصویب کند که از جمله دربردارنده توصیه‌هایی به سایر نهادها برای ایجاد یک دادگاه ویژه (Ad Hoc Tribunal) جهت رسیدگی به جنایات جنگی باشد؛ همان‌گونه که در گذشته در ارتباط با رواندا و بوسنی اقداماتی از این دست صورت گرفت. افزون بر این، مجمع عمومی می‌تواند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست رأی مشورتی (Advisory Opinion) کند تا دیوان درباره مبانی حقوقی شکایات ایران و شیوه‌های جبران خسارت احتمالی اظهار نظر کند. اما درخصوص دیوان بین‌المللی دادگستری باید توجه داشت که این دیوان، صرفاً با ارائه دادخواست از سوی ایران، صلاحیت رسیدگی پیدا نمی‌کند. اعمال صلاحیت ترافعی دیوان مستلزم آن است که ایالات متحده یا رژیم صهیونیستی نیز صلاحیت دیوان را در آن اختلاف بپذیرند یا به‌نحوی با رسیدگی قضایی موافقت کنند.

در چنین صورتی، دیوان می‌تواند درباره موضوعاتی از جمله این پرسش حقوقی اظهارنظر کند که آیا حملات صورت‌گرفته در ۲۸ فوریه و حملات متعاقب آن، از منظر حقوق بین‌الملل اقدام تجاوزکارانه محسوب می‌شود یا خیر، و در نتیجه آیا ایران حق داشته است بر اساس حق ذاتی دفاع مشروع که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده، از خود دفاع کند یا نه.

> **چنانچه حملات آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران به‌صورت عمدی و بدون هرگونه ابهام صورت گرفته باشد، مصداق نقض کیفری حقوق بین‌الملل خواهد بود و در صورتی که از حیث گستره و شدت به آستانه لازم برسد، می‌تواند در چارچوب جنایت علیه بشریت، آن‌گونه که در اصول نورنبرگ تدوین شده است، قرار گیرد**

با توجه به نفوذ سیاسی قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل متحد، آیا به نظر شما ایران می‌تواند به‌طور واقع‌بینانه از طریق سازوکارهای موجود حقوق بین‌الملل به عدالت دست یابد، یا باید راهبردهای حقوقی و دیپلماتیک جایگزین را دنبال کند؟

بار دیگر با پرسشی مهم روبه‌رو هستیم که ارائه پاسخی کوتاه و در عین حال جامع به آن دشوار است. روشن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد، به دلیل فلج شدن سازوکار تصمیم‌گیری آن در نتیجه اعمال حق وتو، عملاً نمی‌تواند محل مناسبی برای پیگیری مطالبات ایران باشد؛ مگر آنکه صرفاً بستری برای طرح شکایات حقوقی ایران، درخواست رسیدگی و جلب توجه جامعه بین‌المللی به ملاحظات بشردوستانه فراهم آورد. با ساختار کنونی سازمان ملل متحد، این سازمان قادر نیست در قبال درخواست‌های ایران عدالت را محقق سازد و در حال حاضر نیز هیچ سازوکار رسمی در درون نظام سازمان ملل یا جامعه بین‌المللی وجود ندارد که بتواند چنین هدفی را تضمین کند.

از این رو، ممکن است برای ایران مفید باشد که از تشکیل یک دادگاه مردمی وابسته به جامعه مدنی حمایت کند؛ مشابه دادگاه‌هایی که در سال‌های اخیر برای بررسی شکایات فلسطینیان تشکیل شده‌اند و توانسته‌اند توجه افکار عمومی جهانی را جلب کرده و زمینه فعالیت‌های مدنی و ابراز همبستگی بین‌المللی را فراهم آورند. در این زمینه، دادگاه دائمی مردمان (Permanent Peoples Tribunal) مستقر در رم، سابقه طولانی در برگزاری دادگاه‌های مردمی درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات حقوق بین‌الملل دارد و می‌تواند الگوی مناسبی باشد.

ایران برای تقویت پرونده حقوقی خود درباره حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی، چه نوع ادله و مستنداتی را باید جمع‌آوری و حفظ کند؟

ایران باید یک آرشیو جامع و نظام‌مند از ادله و مستندات ایجاد کند که دست‌کم شامل موارد زیر باشد:

شهادت‌ها و اظهارات بازماندگان و قربانیان؛

اسناد و مدارک فنی مربوط به حملات؛

و نیز نظریات کارشناسی متخصصان برجسته حقوق بین‌الملل که به‌صورت رسمی ثبت و مستندسازی شده باشد؛ به‌ویژه دیدگاه‌های حقوقدانان معتبر غیرایرانی که از اعتبار علمی و حرفه‌ای بین‌المللی برخوردارند.

همچنین، مشورت و همکاری با دبیرخانه دادگاه بین‌المللی غزه در استانبول می‌تواند سودمند باشد؛ زیرا این نهاد تلاش گسترده‌ای برای ایجاد آرشیوی مستند از جنایات ارتکابی در غزه انجام داده و تجربه ارزشمندی در زمینه مستندسازی ادله بین‌المللی کسب کرده است.

بسیاری از ناظران معتقدند هنگامی که قدرت‌های بزرگ درگیر باشند، حقوق بین‌الملل فاقد سازوکارهای اجرایی مؤثر است. آیا تجربه ایران این ضعف ساختاری را نشان می‌دهد؟ چه اصلاحاتی را برای تقویت اجرای حقوق بین‌الملل پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ ساده به این پرسش آن است که حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت باید لغو شود. اما تحقق چنین اصلاحی مستلزم موافقت همان پنج عضو دائم شورای امنیت است؛ امری که دست‌کم در آینده قابل پیش‌بینی، حتی احتمال اندکی نیز برای وقوع آن وجود ندارد. راهکار دیگری که اندکی عملی‌تر به نظر می‌رسد- هرچند خود می‌تواند مخاطرات و تنش‌هایی به همراه داشته باشد- آن است که ائتلافی از کشورهای جنوب جهانی ظرفیت مستقلی برای اجرای حقوق بین‌الملل ایجاد کنند؛ شاید در قالب توسعه نقش بریکس یا با همکاری نزدیک با چین.

بی‌تردید، تجربه ایران از مواجهه با آنچه تجاوز هدفمند خوانده می‌شود، ضعف ساختاری نظام هنجاری موجود را آشکار می‌کند؛ نظامی که به‌گونه‌ای گمراه‌کننده مدعی حمایت از جهانی مبتنی بر حاکمیت قانون است. به نظر من، توصیف دقیق‌تر این وضعیت آن است که اذعان کنیم ایران در معرض مدیریت اقتدارگرایانه و خصمانه امنیت جهانی بر پایه ژئوپلتیک نظامی‌گرایانه قرار گرفته است؛ مدیریتی که نه تابع محدودیت‌های حقوقی است و نه در برابر هیچ سازوکار مؤثر پاسخگویی قرار دارد.

حتی اگر ایران نتواند آرای الزام‌آور حقوقی علیه ایالات متحده یا رژیم صهیونیستی اخذ کند، آیا پیگیری مستمر حقوقی و دیپلماتیک همچنان می‌تواند پیامدهای مهم سیاسی، دیپلماتیک یا تاریخی، از جمله تقویت پاسخگویی بین‌المللی، به همراه داشته باشد؟

ضروری است که ایران استدلال‌های حقوقی مستند، دقیق و مبتنی بر ادله کافی را در حمایت از این ادعا که حقوق حاکمیتی و تمامیت سرزمینی آن به‌عنوان یک دولت مستقل به‌شدت نقض شده است، به جامعه بین‌المللی ارائه کند. حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران، در چارچوب آنچه سناریوی جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده و اسرائیل توصیف می‌شود، باید تا حد امکان فاقد مشروعیت جلوه داده شود؛ حتی اگر نهادها و مراجع رسمی بین‌المللی قادر نباشند آن را به‌طور رسمی غیرقانونی اعلام کنند.

اگر امروز مشاور حقوقی دولت ایران بودید، چه نقشه راه حقوقی و دیپلماتیکی برای پیگیری مسئولیت ناشی از حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات عمومی ایران پیشنهاد می‌کردید؟

نخست پیشنهاد می‌دادم یک کمیسیون بین‌المللی متشکل از حقوقدانان برجسته تشکیل شود که مأموریت آن بررسی و ارائه گزارش درباره ابعاد حقوق بین‌الملل جنگ علیه ایران باشد. پیشنهاد دوم آن است که در ایران یا کشوری دیگر، یک دادگاه مردمی جامعه مدنی با عنوان «دادگاه بین‌المللی جنگ علیه ایران» (International Tribunal on the Iran War) تأسیس شود. گردآوری نظام‌مند اسناد، مدارک، شهادت‌ها و نظرات کارشناسی توسط چنین نهادی این ظرفیت را دارد که تصویری جامع و مستند از وقایع را در اختیار افکار عمومی جهان قرار دهد؛ تصویری که می‌تواند بر برداشت جهانی از مشروعیت و عدم مشروعیت اقدامات طرف‌های درگیر اثرگذار باشد و به طور غیرمستقیم، تفسیری متقاعدکننده‌تر از جایگاه و کارکرد حقوق بین‌الملل در این منازعه ارائه دهد.

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

برگزاری اولین انتخابات درون لیستی: چپ اسرائیل بازمی‌گردد؟

انتخابات کنست حدود صد روز دیگر برگزار خواهد شد. در انتخابات اسرائیل هر فرد داخل سرزمین‌های اشغالی در پای صندوق نام یک لیست را به سبد رأی می‌اندازد و با توجه به درصدی که هر لیست کسب می‌کند، تعدادی کرسی به آنها تعلق می‌گیرد.

پس اصلی‌ترین محور انتخابات کنست در اسرائیل، لیست‌ها هستند. هر لیست یک نام و سرلیست دارد. براساس قانون حدود ۵۰ روز قبل از روز انتخابات لیست‌ها باید به کمیته انتخابات تحویل داده شود و این کمیته حداکثر ۲۵ روز قبل انتخابات تأیید نهایی لیست‌ها را اعلام می‌کند. البته موارد اندکی و کمتر از پنج مورد تغییر یا حذف فردی از لیست‌ها اتفاق افتاده است. در نهایت لیست‌ها حدود ۱۰ روز قبل انتخابات رسماً اعلام و فرآیند انتخاباتی رسمی می‌شود. هرچند هیچ قانون محدودیت زمان تبلیغات و... وجود ندارد و لذا اکنون هم فضا کاملاً انتخاباتی؛ از دعواهای سیاسی تا برگزاری میتینگ‌ها و... را شاهدیم.

اعضای لیست‌ها برخی با انتخابات درون حزبی مثل لیکود، کارگر یا ائتلاف باهم مشخص می‌شوند، برخی توسط سرلیست مثل لیست آیزنکوت و برخی توسط شوراهای مشخص یا خاخام اعظم مثل لیست‌های حریدی‌ها اتفاق می‌افتد.

حزب دموکرات به سرلیستی گولان که نتیجه ائتلاف کارگر با مرتص دو حزب قدیمی جریان چپ است؛ اولین حزبی است که انتخابات درون لیستی‌اش را برگزار کرد. براساس نتایج نعاما لازیمی، گیلعاد کاریو و افرات رایتن پس از گولان در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

پیروزی قاطع نعاما لازیمی برای کسب رتبه دوم، مهم‌ترین اتفاق این انتخابات بود. لازیمی در سال‌های اخیر به یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های جناح چپ اسرائیل تبدیل شده و نقش فعالی در اعتراضات علیه اصلاحات قضایی دولت نتانیاهو و نیز پیگیری مطالبات اجتماعی داشته است. قرار گرفتن او بلافاصله پس از بائیر گولان، نشان می‌دهد بدنه حزب از رویکردی که بر عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و دفاع از نهادهای دموکراتیک تأکید دارد، حمایت می‌کند. همچنین تثبیت جایگاه گیلعاد کاریو، خاخام اصلاح‌طلب و رئیس پیشین کمیته قانون اساسی کنست، بیانگر حفظ وزن جریان لیبرال و سکولار در جریان چپ است.

اما آنچه فضای عبری را شوکه کرد، مشارکت ۸۵ درصدی اعضای حزب کارگر در تعیین لیست بود. درصدی که برای یک انتخابات درون‌حزبی در اسرائیل رقم بسیار بالایی است؛ آن‌هم برای حزبی که از دهه ۹۰ به حاشیه رفته است. البته براساس نظرسنجی‌ها پیش‌بینی می‌شود این لیست بتواند ۱۱ کرسی کسب کند.

با این حال، چالش اصلی حزب کارگر همچنان حفظ این شور و تبدیل آن به آرای عمومی در انتخابات کنست است؛ زیرا نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد رقابت اصلی در اردوگاه مخالفان نتانیاهو میان احزاب میانه‌رو و ائتلاف‌های جدید مثل آیزنکوت در جریان است و حزب دموکرات برای افزایش کرسی‌های خود باید فراتر از پایگاه سنتی چپ رأی جذب کند. آیا کنار رفتن نتانیاهو، مقدمه‌ای بر بازگشت دوران اوج چپ اسرائیلی خواهد شد؟ صد روز باید صبر کرد. برخی معتقدند اگرچه جامعه صهیونیستی به مرور در سه دهه اخیر به سمت راست و تندروی حرکت کرده و نتایج آن در انتخابات‌ها و لیست‌ها هم عیان است؛ اما تداوم این تندروی‌ها و فشار بر برخی قانون‌ها و تلاش‌ها برای تغییر قانون دیوان عالی و... چپ‌ها را تحریک به کنش و بازیابی قدرت گذشته خواهد کرد و شکاف‌ها را بیشتر می‌کند.

خبر

موافقت ترامپ با توافق هسته‌ای ۳۰ساله با عربستان

بر اساس گفته مقام‌های آمریکایی، «دونالد ترامپ» به طور رسمی یک توافق مهم با عربستان سعودی را تأیید کرده است که به این کشور امکان ایجاد برنامه هسته‌ای غیرنظامی را می‌دهد و احتمالاً راه را برای غنی‌سازی اورانیوم در خاک عربستان باز می‌کند.

به گزارش وال استریت ژورنال، این توافق جدید که قرار است ۳۰ سال اعتبار داشته باشد، ارزشی در حدود ده‌ها میلیارد دلار خواهد داشت. هدف این توافق آن است که شرکت‌های آمریکایی نقش اصلی در توسعه زیرساخت‌های هسته‌ای عربستان سعودی داشته باشند و در عین حال، رقبای خارجی دیگر از این پروژه کنار گذاشته شوند.

به نوشته منابع خبری، بر اساس این توافق، شرکت‌های آمریکایی می‌توانند در عربستان سعودی یک تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم بسازند؛ مشروط بر اینکه مطالعه مشترک آمریکا و عربستان نتیجه‌گیری کند که چنین پروژه‌ای توجیه‌پذیر است.

انتظار می‌رود این توافق توسط «کریس رایت» وزیر انرژی آمریکا و «عبدالعزیز بن سلمان» وزیر انرژی عربستان، به امضا برسد. همچنین انتظار می‌رود این توافق در روزهای آینده برای بررسی به کنگره آمریکا ارائه شود و احتمالاً با مخالفت برخی قانونگذاران روبه‌رو خواهد شد.

معاون پرستاری وزارت بهداشت در گفت‌وگو با «ایران» از ضرورت ارائه خدمات تخصصی در دوران سالمندی می‌گوید

اجرای طرح «پرستار پیگیر» در هزار بیمارستان کشور

گزارش خبری

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

طبق بررسی‌های انجام شده، شاخص امید به زندگی تا چهل سال پیش، کمتر از ۵۵ سال بود اما حالا به ۷۸ سال رسیده که حاصل تلاش نظام سلامت و توسعه و پیشرفتی است که شکل گرفته است. در حال حاضر ۱۴ درصد جمعیت ایران بالای ۶۰ سال سن دارند و کشور وارد مرحله سالمندی شده است. با این اوصاف، تا سال ۱۴۳۰ بیش از یک چهارم جمعیت کشور وارد دوره سالمندی خواهند شد؛ پدیده‌ای که در زندگی هر فردی گریزناپذیر بوده، به همین دلیل جامعه را باید برای دوره سالخوردگی آماده کنیم تا کشور بتواند در سال‌های آینده پاسخ مناسبی به نیازهای این جمعیت ارائه کند. به گفته مسئولان وزارت بهداشت، سالمندی همواره با مشکلات جسمی، روانی و بیماری‌های مزمن همراه است، موضوعی که باعث شده طی یک دهه گذشته، شاهد فارغ التحصیلی حدود ۴۰۰ پرستار در رشته «کارشناسی ارشد سالمندی» باشیم تا فرآیند مراقبت از سالمندان جامعه تخصصی انجام شود.

دکترعباس عبادی، معاون پرستاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به روند سالمندی جمعیت و نیاز این قشر به خدمات درمانی و پرستاری تخصصی به «ایران» می‌گوید: «تا سال ۱۴۳۰ بیش از یک چهارم جمعیت کشور وارد دوره سالمندی خواهد شد. دوره سالمندی به‌رغم اینکه بخشی از فرآیند زندگی طبیعی افراد محسوب می‌شود، مشکلات جسمی و روانی را هم به همراه دارد، چون شیوع بیماری‌های مزمن در این دوره به طور معمول افزایش پیدا می‌کند. همچنین علاوه بر مشکلات جسمی ممکن است، برخی از مشکلات روانشناختی هم ایجاد شود. به طور مثال تجربه تنها زندگی کردن پس از بازنشستگی که در این دوره بسیار دیده می‌شود و کم شدن فعالیت‌های اجتماعی ممکن است باعث افسردگی این افراد شود. سالمندی دوره‌ای است که اگر برای آن برنامه‌ریزی نداشته باشیم و سبک زندگی متناسب را آموزش ندهیم، بار اقتصادی برای نظام سلامت و افزایش مراجعه به مراکز درمانی را در پی دارد و بخش‌های مختلف نظام سلامت درگیر جامعه سالمندی کشور خواهند شد.»

او با بیان اینکه مهم‌ترین گروهی که با این پدیده روبه‌رو خواهند شد و باید خدمات علمی به آنها ارائه کنند، پرستاران هستند، می‌گوید: «با توجه به کاهش نرخ موالید و افزایش نرخ سالمندی در سال‌های پیش رو باید از همین امروز به استقبال چند سال آینده برویم و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشیم. یکی از اقدامات وزارت بهداشت برای این موضوع، ایجاد مقطع «کارشناسی ارشد سالمندی» است که همکاران پرستار ما در حال فارغ التحصیلی در این رشته هستند. همچنین با کمک مرکز ملی مهارت‌آموزی، دوره «سالمندیاری» طراحی شده است تا افرادی که دوست دارند، در این دوره‌های آموزشی کوتاه مدت شرکت کرده و پس از دریافت گواهینامه می‌توانند در این عرصه خدمت کنند. شرکت در دوره سالمندیاری برای عموم مردم آزاد است.»

۴۰۰ پرستار سالمندی طی یک دهه آموزش دیده‌اند

نیاز سالمندان به مراقبت، سطوح مختلفی دارد. معاون پرستاری وزارت بهداشت با بیان این موضوع توضیح می‌دهد: «این نیاز را می‌توان در سه سطح خدمات تقسیم‌بندی کرد. افراد در دوره سالمندی بیشتر دوره تنهایی را تجربه می‌کنند به همین دلیل گاهی وقت‌ها نیاز دارند فردی همراه‌شان باشد که بتواند کارهای اولیه آنها را انجام بدهد. این مراقبت سطح یک نام دارد که به تخصص جدی هم نیاز نیست و با یک دوره آموزش‌های کوتاه مدت هم افراد می‌توانند در این سطح، خدمات را به سالمندان ارائه کنند. در این دوره‌های آموزشی فرزندان خانواده یا حتی افرادی که مایل هستند در این حوزه کار کنند، می‌توانند در کلاس آموزشی ۱۰۰ ساعته شرکت و نیازهای اولیه سالمندان را برآورده کنند. دسته دوم، گروهی از سالمندان هستند که به مراقبت بیشتری نیاز دارند و نیمه مستقل هستند. این افراد یک یا دو بیماری مزمن هم دارند و مراقبت از این گروه در سطح بالاتری قرار می‌گیرد، بنابراین گروه پرستارهای تخصصی و فنی باید به آنها خدمات دهند. دسته سوم، سالمندانی هستند که وابستگی کامل دارند. یعنی همه مراقبت شخصی‌شان را باید فرد دیگری انجام بدهد، خدمات به این دسته از سالمندان مبتنی بر همین نظام آموزشی است که دوره کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی برایش در نظر گرفته‌ایم. در یک دهه گذشته هم مشغول تربیت و آموزش افرادی در این حوزه هستیم. هدف ما مدیریت حوزه مراقبتی سالمندی و ارائه خدمت به این گروه است، به همین منظور تاکنون حدود ۴۰۰ کارشناس ارشد پرستاری سالمند تربیت کرده‌ایم.»

شرکت در دوره «سالمندیاری» برای عموم مردم آزاد است

در بخش «سالمند یاران» افراد عادی هم می‌توانند ورود پیدا کنند و بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی ۱۰۰ ساعته گواهی دریافت کنند. با این اقدام سالمندانی که نیازمند خدمات در سطح سالمندیاری هستند، می‌توانند با مراکز مشاوره پرستاری تماس بگیرند و بسته به شرایط شان پرستاران برای ارائه خدمت به آنها اعزام می‌شوند.

> با اجرای طرح پرستار پیگیر توانسته‌ایم به طور میانگین بین ۲۵ تا ۵۰ درصد از بستری‌های مجدد را کاهش بدهیم، همچنین بر اساس نتایج به‌دست آمده بالغ بر ۹۸ درصد مردم از خدمات این طرح اعلام رضایت کرده‌اند

دکتر عبادی به طرح «پرستاری در منزل» هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «با توجه به افزایش نرخ سالمندی، ممکن است نظام سلامت در سال‌های آینده تاب‌آوری کافی برای سرویس دهی در مراکز رسمی را نداشته باشد. به همین دلیل ضرورت دارد ارائه برخی از خدمات را به سطوح جامعه گسترش بدهیم تا بتوانیم از ظرفیت همکاران در بخش «سالمندیار» و «پرستاری در منزل» هم استفاده کنیم. در همین مورد بالغ بر ۱۷۰۰ مجوز تأسیس «مراکز مراقبت و پرستاری در منزل» از وزارت بهداشت و دانشگاه تابع اخذ شده است که بعضی از این مراکز بسیار در این زمینه به مردم خدمات ارائه می‌کنند. البته برخی از این مراکز هنوز نتوانسته‌اند آن طور که باید خدماتشان را میان مردم گسترش بدهند، چون خدمات «پرستاری در منزل» تحت پوشش بیمه نبوده و هزینه‌های آن برای درخواست کنندگان آزاد محاسبه می‌شود به همین دلیل همه مردم توان مالی استفاده از این خدمات را ندارند که همین موضوع فشار مضاعفی را به نظام سلامت وارد می‌کند.»

وضعیت ۱۶ بیماری مزمن در طرح پرستار پیگیر بررسی می‌شود

او به اقدام دیگر وزارت بهداشت و معاونت پرستاری برای آمادگی در دوره سالمندی اشاره می‌کند و می‌گوید: «طرح «پرستار پیگیر» یکی دیگر از برنامه‌های ما برای بیماری‌های مزمن است. با ورود به سن سالمندی ابتلا به بیماری‌های مزمن هم در افراد بیشتر می‌شود، به همین دلیل در حال حاضر ۱۶ بیماری مزمن را در این طرح هدفگذاری کرده‌ایم تا پرستاران مراکز درمانی دولتی بعد از ترخیص بیمار، امور درمانی او را پیگیری کنند. در گذشته کادر درمان بعد از ترخیص افراد از بیمارستان کمتر پیگیر بیماران بودند به همین دلیل در بسیاری از موارد منجر به بستری‌های مجدد و مراجعات غیر برنامه‌ریزی شده افراد به اورژانس بیمارستان‌ها می‌شد. چون تبعیت از درمان در این گروه از بیماران کمتر است به همین دلیل مراجعه مجدد در گروه سالمندان بیشتر رخ می‌دهد. بنابراین همین موضوع باعث شد، طرح «پرستار پیگیر» را در بیمارستان‌های مختلفی اجرا کنیم و کم‌کم آن را به مراکز دیگر هم تعمیم دهیم. این طرح کمک می‌کند، وضعیت افراد حداقل در این ۱۶ گروه بیماری تا یک ماه و در مواردی هم تا یک سال بعد توسط همکاران آموزش دیده پیگیری تلفنی شود تا اگر بیمار به آموزش خاص درمانی نیاز داشته باشد، خدمات به او ارائه شود.»

معاون پرستاری وزارت بهداشت توضیح می‌دهد: «این طرح از سال ۱۴۰۰ پایه‌گذاری شد و در آن زمان با ۱۰۰ بیمارستان و ۵ بیماری مزمن پرتکرار در جامعه هدف کار را شروع کردیم و هر سال تعداد بیمارستان‌ها و بیماری‌های تحت پوشش را افزایش دادیم. در سال جاری آن ۵ بیماری که در نظر گرفته بودیم به ۱۶ بیماری افزایش پیدا کرده و از ۱۰۰ بیمارستان هم به ۱۰۰۰ بیمارستان رسیده‌ایم. این طرح سه شاخص برای ارزشیابی دارد. اولین شاخص بستری مجدد در ظرف یک ماه است. البته این موضوع در این ۱۶ بیماری متفاوت است اما به طور متوسط، در یک ماه تقریباً ۵٫۲ درصد بیماران دچار بستری مجدد می‌شوند. با این اوصاف، توانسته‌ایم با این طرح به طور میانگین بین ۲۵ تا ۵۰ درصد از بستری‌های مجدد را کاهش بدهیم.»

۹۸ درصد از مردم از «پرستار پیگیر» راضی هستند

دکتر عبادی به شاخص بعدی یعنی مراجعات غیر برنامه‌ریزی شده به اورژانس اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر در فاصله زمانی یک ماه مشکل اورژانسی برای فرد رخ بدهد هم جزو شاخص‌ها محسوب می‌شود که نشان می‌دهد ما کار را درست انجام داده‌ایم یا نه. این شاخص هر چقدر به صفر نزدیک‌تر شود یعنی پرستار پیگیر کارش را دقیق‌تر انجام داده است. خوشبختانه در این بخش هم نتایج خوبی کسب کرده‌ایم و تعداد مراجعات غیر برنامه شده به اورژانس بشدت کاهش پیدا کرده است. شاخص سوم میزان رضایتمندی مردم است. از سال اول اجرای این طرح تاکنون امتیازهای خوبی از مردم دریافت کرده‌ایم به طوری که بالغ بر ۹۸ درصد مردمی که از این خدمت استفاده کردند، راضی بوده‌اند.»

نحوه ارائه خدمت در طرح پرستار پیگیر به بیماران

برش

معاون پرستاری وزارت بهداشت در مورد پیگیری وضعیت بیماران بعد از ترخیص توضیح می‌دهد: «زمانی که دستور ترخیص از بیمارستان برای بیماری که در آن ۱۶ گروه بیماری مزمن قرار داشته باشند، صادر می‌شود، پیامی به مرکز «پرستار پیگیر» همان بیمارستان هم ارسال می‌شود که تا زمانی که فرد در حال ترخیص است، آموزش‌های با ترخیص به او داده می‌شود. همچنین بروشور و کتابچه‌هایی را در اختیار آنها قرار می‌دهند تا در جریان روند دوره بعد از ترخیص قرار بگیرند. ۴۸ ساعت بعد از مرخص شدن بیمار، پرستار بیمارستان با بیمار یا یکی از اعضای خانواده که در مراقبت مشارکت دارد، تماس می‌گیرد و براساس چک لیست‌هایی که داریم، دوباره بیمار را از نظر علائم و نشانه‌هایی که دارد مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین آموزش‌ها تکرار می‌شود و اگر بیمار علائم جدیدی داشته باشد، او را راهنمایی می‌کنند. البته در مورد مصرف داروها، تغذیه و حتی نحوه استراحت هم آموزش‌هایی به این افراد داده می‌شود. همچنین تماس‌های بعدی در پایان هفته اول، هفته دوم و پایان ماه اول با بیماران برقرار می‌شود. در بعضی از موارد ممکن است این پیگیری تا یک سال هم ادامه داشته باشد.»

آگهی تجدید مناقصه

آلومینیوم ایران

مناقصه‌گزار: شرکت آلومینیوم ایران (ایرالکو)
موضوع مناقصه: انجام عملیات برچیدن، تهیه و نصب درب و پنجره دوجداره آلومینیومی پرده کرکره‌ای فلزی جهت ساختمان کنترل آلودگی و سوئیچ روم احیا ۲ شرکت آلومینیوم ایران
شرایط متقاضیان: پیمانکاران واجد شرایط (دارای تجربه و سابقه اجرایی درزمینه مورد نظر)
مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: معادل ۵٪ مبلغ پیشنهادی متقاضی (ضمانت‌نامه بانکی، چک صیاد شرکتی، چک بین بانکی، مطالبات (با اخذ تأییدیه امور مالی کارفرما)
نحوه دریافت اسناد: دریافت حضوری و یا ارتباط با شماره‌های امور قراردادها و دریافت اسناد از طریق پیام رسان‌های داخلی
نحوه تحویل اسناد: دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت آلومینیوم ایران (ایرالکو - اراک)
مهلت فروش و تحویل اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ به مدت ۱۰روز کاری
هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۸-۳۲۱۶۲۳۰۵-۰۸۶ - ۰۹۱۲۰۵۰۳۲۶۰ امور قراردادها در اراک تماس حاصل فرمایید.
((شرکت آلومینیوم در رد یا قبول پیشنهادات مختار است))

امور ارتباطات شرکت آلومینیوم ایران

آگهی ارزیابی و شناسایی پیمانکاران واجد صلاحیت

شرکت فجر انرژی خلیج فارس
Persian Gulf Fajr Energy Co.

شماره ۴۰۵/۰۱۳ — نوبت دوم

شرکت فجر انرژی خلیج فارس از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت و دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری معتبر از سازمان برنامه و بودجه کشور در رشته نیرو با رتبه ۱ (در رسته‌های تولید، توزیع و انتقال) و دارای سابقه مستند و موفق، در طراحی، تأمین، ساخت، نصب و راه‌اندازی پروژه‌های نیروگاهی به روش EPCC (پروژه‌های نیروگاهی کلاس F، سیکل ترکیبی هوا خنک و حداقل ظرفیت ۳۰۰ مگاوات) جهت ارزیابی و شناسایی صلاحیت دعوت می‌نماید.
بدیهی است صرفا شرکت‌هایی که دارای تجربه اجرایی مشابه به‌عنوان پیمانکار اصلی EPCC پروژه‌های نیروگاهی باشند، وارد فرآیند ارزیابی کیفی خواهند شد و درخواست شرکت‌های فاقد سوابق مرتبط مورد بررسی قرار نخواهد گرفت.
جهت دریافت اسناد و شرکت در فرآیند ارزیابی کیفی؛ پیمانکاران می‌توانند به آدرس: خوزستان - بندرامام خمینی (ره) - منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی - شرکت فجر انرژی خلیج‌فارس- سایت ۲ - کدپستی: ۶۳۵۶۱۷۸۷۲۱ - صندوق پستی: ۱۱۷ - تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۱۳۹۷ و ۰۶۱۵۲۱۷۱۴۰۱ امور حقوقی و پیمان‌ها مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت فجر انرژی خلیج‌فارس

آگهی تمدید فراخوان عمومی شناسایی و ارزیابی شرکت‌های توانمند

موضوع: ارائه دانش فنی و اجرای پروژه تولید MDO و MGO از CFO تولیدی پتروشیمی ایلام

ILPC-T-05-006 — نوبت اول

شرکت پتروشیمی ایلام در نظر دارد به‌منظور افزایش ارزش افزوده محصولات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در صنعت پالایش و فرآورش فرآورده‌های نفتی، نسبت به شناسایی و ارزیابی شرکت‌های دارای دانش فنی، تأسیسات و مجوزهای لازم جهت تولید سوخت کشتی (Marine Diesel Oil - MDO) و (Marine Gas Oil - MGO) از نفت کوره (CFO) اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها، کنسرسیوم‌ها و مجموعه‌های دانش‌بنیان فعال که دارای سوابق اجرایی موفق در این زمینه هستند دعوت به‌عمل می‌آید **حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰** مدارک و مستندات خود را **صرفاً در قالب فلش مموری یا CD** به‌شرح ذیل به یکی از دو آدرس زیر ارسال فرمایند:
- تهران، میدان شیخ بهایی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه پنجم، واحد ۵۰۸ - واحد کمیسیون معاملات
- ایلام، چوار، نرسیده به روستای آبزا، مجتمع پتروشیمی ایلام، ساختمان مدیریت، دبیرخانه کمیسیون معاملات

مدل همکاری:
- دریافت خوراک نفت کوره (CFO) از پتروشیمی ایلام
- انجام عملیات فرآورش، ارتقای کیفیت، تفکیک، تصفیه با اختلاط در تأسیسات متقاضی
- تولید سوخت دریایی MDO و MGO مطابق استانداردهای معتبر بین‌المللی
- مشارکت پتروشیمی ایلام در سود حاصل از فروش محصولات به‌دست آمده توسط متقاضی
- استفاده از تأسیسات و تجهیزات موجود متقاضی
- عدم نیاز به احداث واحد جدید در محل پتروشیمی ایلام

شرایط متقاضیان:
- مالکیت یا بهره‌برداری از تأسیسات فعال پالایشی، فرآورش یا اختلاط فرآورده‌های نفتی
- دارا بودن مجوزهای قانونی مرتبط خصوصاً مجوز صادرات محصولات جداسازی شده موضوع مشارکت
- سابقه تولید یا فرآورش فرآورده‌های نفتی
- توانایی انجام آزمایش‌های کنترل و تضمین کیفیت مشخصات محصول نهایی
- برخورداری از توان مالی و عملیاتی مناسب
- سابقه عملیاتی مرتبط
- توانایی پذیرش خوراک و فرآورش مستمر

مدارک مورد نیاز:
- نامه اعلام آمادگی و معرفی‌نامه رسمی شرکت (شامل خلاصه‌ای از زمینه اصلی فعالیت و توانمندی‌ها)
- رزومه و مستندات کامل سوابق اجرایی مرتبط و پروژه‌های موفق انجام شده
- مستندات فنی و مدارک اثبات‌کننده دانش فنی و نوآوری‌های تخصصی در فرآیند مذکور
- ساختار سازمانی، لیست تجهیزات، امکانات و توانمندی‌های تولیدی و اجرایی شرکت
- تصویر گواهی‌نامه‌ها، استانداردها، مجوزهای فعالیت و رتبه‌بندی‌های مرتبط
- مدارک حقوقی و اساسنامه شرکت
- روزنامه رسمی و آخرین تغییرات
- معرفی صاحبان امضای مجاز

مدارک فنی:
- معرفی واحد فرآورشی
- ظرفیت اسمی و عملیاتی
- شرح فرآیند مورد استفاده
- مشخصات فنی محصول قابل تولید

مدارک مالی:
- صورت‌های مالی حسابرسی شده سه سال اخیر
- مستندات توان مالی

پیشنهاد همکاری:
- مدل پیشنهادی مشارکت
- نحوه تسویه و تقسیم منافع
- ظرفیت دریافت خوراک
- زمان بندی اجرای عملیات

معیارهای ارزیابی:
- توان فنی و عملیاتی
- کیفیت و ظرفیت تأسیسات
- سوابق اجرایی مشابه
- توان مالی
- مدل اقتصادی پیشنهادی
- رعایت الزامات HSE و زیست محیطی
- مجوزهای بهره‌برداری و زیست محیطی و تصویر گواهی‌نامه‌ها، استانداردها، مجوزهای فعالیت و رتبه‌بندی‌های مرتبط
- پیشنهاد اولیه مدل همکاری

نکات مهم:
شرکت‌های واجد شرایط پس از ارزیابی اولیه به جلسات فنی و تجاری دعوت شده و اطلاعات تکمیلی جهت ارائه پیشنهاد نهایی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.
شرکت در رد یا قبول هر یک از درخواست‌ها مختار بوده و این فراخوان هیچ‌گونه تعهدی برای انعقاد قرارداد ایجاد نخواهد کرد.
در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مناقصه‌گران می‌توانند با شماره همراه ۰۹۱۸۳۴۱۵۴۰۳ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام (سهامی خاص)

آگهی تمدید فراخوان عمومی شناسایی و ارزیابی شرکت‌های توانمند

موضوع: ارائه دانش فنی و اجرای پروژه جداسازی بنزن از بنزین پیرولیز و تولید بنزین A92

ILPC-T-05-005 — نوبت اول

شرکت پتروشیمی ایلام در نظر دارد به‌منظور افزایش ارزش افزوده محصولات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در صنعت پالایش و فرآورش فرآورده‌های نفتی، نسبت به شناسایی و ارزیابی شرکت‌های دارای واحد صنعتی فعال، دانش فنی و امکانات عملیاتی لازم جهت دریافت خوراک بنزین پیرولیز (Pyrolysis Gasoline) جداسازی بنزن و تولید محصولات قابل عرضه به بازار اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌ها، کنسرسیوم‌ها و مجموعه‌های دانش‌بنیان فعال که دارای سوابق اجرایی موفق در این زمینه هستند، دعوت به‌عمل می‌آید **حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰** مدارک و مستندات خود را **صرفا در قالب فلش مموری یا CD** به‌شرح ذیل به یکی از دو آدرس زیر ارسال فرمایند:
تهران-میدان شیخ بهایی- پلاک ۱۸ -ساختمان رایان ونک -طبقه پنجم-واحد ۵۰۸ - واحد کمیسیون معاملات
ایلام- چوار -نرسیده به روستای آبزا -مجتمع پتروشیمی ایلام-ساختمان مدیریت، دبیر خانه کمیسیون معاملات

مدل همکاری:
- تأمین بنزین پیرولیز با نرخ کشف شده در بورس توسط پتروشیمی ایلام
- انجام عملیات فرآورش و جداسازی بنزن با خلوص بالاتر از ۸۵ درصد توسط طرف متقاضی در تأسیسات موجود خود
- مشارکت پتروشیمی ایلام در سود حاصل از فروش محصولات به‌دست آمده توسط متقاضی
- تولید بنزین A92 مطابق استانداردهای معتبر بین‌المللی
- عدم نیاز به احداث واحد جدید در مجتمع پتروشیمی ایلام
- نحوه تقسیم منافع، هزینه‌های فرآورش، حمل، افت فرآیندی و تضمین‌های قراردادی در مراحل بعدی تعیین خواهد شد.

شرایط متقاضیان:
- مالکیت یا بهره‌برداری از واحد صنعتی فعال دارای قابلیت جداسازی بنزن
- دارا بودن مجوزهای قانونی مرتبط خصوصاً مجوز صادرات محصولات جداسازی شده شامل بنزین، بنزن و....
- سابقه تولید یا فرآورش فرآورده‌های نفتی
- توانایی انجام آزمایشهای کنترل و تضمین کیفیت مشخصات محصول نهایی
- برخورداری از توان مالی و عملیاتی مناسب
- سابقه عملیاتی مرتبط
- توانایی پذیرش خوراک و فرآورش مستمر

مدارک مورد نیاز:
- نامه اعلام آمادگی و معرفی‌نامه رسمی شرکت (شامل خلاصه‌ای از زمینه اصلی فعالیت و توانمندی‌ها)
- رزومه و مستندات کامل سوابق اجرایی مرتبط و پروژه‌های موفق انجام شده
- مستندات فنی و مدارک اثبات‌کننده دانش فنی و نوآوری‌های تخصصی در فرآیند مذکور
- ساختار سازمانی، لیست تجهیزات، امکانات و توانمندی‌های تولیدی و اجرایی شرکت
- تصویر گواهی‌نامه‌ها، استانداردها، مجوزهای فعالیت و رتبه‌بندی‌های مرتبط
- مدارک حقوقی و اساسنامه شرکت
- روزنامه رسمی و آخرین تغییرات
- معرفی صاحبان امضای مجاز

مدارک فنی:
- معرفی واحد فرآورشی
- ظرفیت اسمی و عملیاتی
- شرح فرآیند مورد استفاده
- مشخصات فنی محصول قابل تولید

مدارک مالی:
- صورت‌های مالی حسابرسی شده سه سال اخیر
- مستندات توان مالی

پیشنهاد همکاری:
- مدل پیشنهادی مشارکت
- نحوه تسویه و تقسیم منافع
- ظرفیت دریافت خوراک
- زمان بندی اجرای عملیات

معیارهای ارزیابی:
- توان فنی و عملیاتی
- کیفیت و ظرفیت تأسیسات
- سوابق اجرایی مشابه
- توان مالی
- مدل اقتصادی پیشنهادی
- رعایت الزامات HSE و زیست محیطی
- مجوزهای بهره‌برداری و زیست محیطی و تصویر گواهی‌نامه‌ها، استانداردها، مجوزهای فعالیت و رتبه‌بندی‌های مرتبط
- پیشنهاد اولیه مدل همکاری

نکات مهم:
شرکت‌های واجد شرایط پس از ارزیابی اولیه به جلسات فنی و تجاری دعوت شده و اطلاعات تکمیلی جهت ارائه پیشنهاد نهایی در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.
شرکت در رد یا قبول هر یک از درخواست‌ها مختار بوده و این فراخوان هیچ‌گونه تعهدی برای انعقاد قرارداد ایجاد نخواهد کرد.
در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مناقصه‌گران می‌توانند با شماره همراه ۰۹۱۸۳۴۱۵۴۰۳ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام (سهامی خاص)

چالش‌های ناترازی انرژی صنایع با حضور رئیس‌جمهوری بررسی شد

۷ پیشنهاد برای کاهش محدودیت برق صنعت

گزارش

محدودیت‌ها در تأمین انرژی صنایع، به‌عنوان چالش روزهای گرم تابستان و روزهای سرد زمستان، هر سال مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال، همچنان صنایع در تابستان با قطعی برق و در زمستان با محدودیت گاز روبه‌رو هستند. در روزهای پایانی اولین ماه تابستان، جلسه‌ای با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، وزرای صمت و نیرو و نمایندگان بخش خصوصی برگزار شد که محور آن ناترازی انرژی و تبعات آن برای صنایع بود. در این نشست، هفت پیشنهاد برای به حداقل رساندن آسیب صنایع از کمبود و قطعی برق روی میز قرار گرفت و تصویب شد. پیشنهاد اول به برخورد قاطع، قانونی و بدون اغماض با واحدهای صنعتی متخلف در حوزه مصرف برق و ابطال پروانه فعالیت واحدهای متخلف از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت مربوط می‌شد. در پیشنهاد دوم، ایجاد سازوکارهای لازم برای فعالیت واحدهای صنعتی در روزهای جمعه با هماهنگی شورای عالی کار، به‌منظور جبران بخشی از محدودیت‌های تولید مورد تأکید قرار گرفت؛ پیشنهادی که بخش خصوصی نیز از آن استقبال کرده است.

کاهش برنامه محدودیت تأمین برق شهرک‌های صنعتی از دو روز در هفته به یک روز، سومین پیشنهاد مطرح‌شده بود؛ گزینه‌ای که البته پیش از این نیز مقامات مسئول بر آن تأکید داشتند، اما همچنان برخی شهرک‌های صنعتی با دو تا سه روز قطعی برق مواجه می‌شوند. پیشنهاد چهارم به الزام مجتمع‌های پتروشیمی به تأمین برق مورد نیاز خود از طریق خرید برق سبز از بورس انرژی، به‌منظور آزادسازی ظرفیت شبکه برای تأمین برق صنایع مربوط می‌شد. پیشنهاد پنجم نیز مگامال‌ها و مراکز بزرگ تجاری را به کاهش مصرف انرژی از طریق کاهش ساعات فعالیت، به‌ویژه در دو ماه پایانی فصل گرم سال ملزم می‌کند.

در پیشنهاد ششم، اجرای برنامه فراگیر اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی از سوی دستگاه‌های مسئول و رسانه‌ها برای دعوت مردم به مدیریت مصرف انرژی با هدف حمایت از تولید، حفظ اشتغال و پایداری اقتصاد کشور مورد تأکید قرار گرفته است. در پیشنهاد هفتم نیز اختصاص ظرفیت‌های جدید ایجادشده در شبکه برق کشور به طرح‌های توسعه‌ای و واحدهای صنعتی مورد توجه قرار گرفت.

عکس: ایرنا

در جلسه با رئیس‌جمهوری چه مواردی مطرح شد؟

آرمان خالقی، فعال بخش خصوصی درباره جلسه برگزارشده با حضور رئیس‌جمهوری و نمایندگان بخش خصوصی گفت: «این جلسه با هدف بررسی راهکارهای کاهش قطعی برق صنایع برگزار و پیشنهادهای مختلفی از سوی بخش خصوصی مطرح شد. در این جلسه، موضوعات متعددی از جمله وضعیت شهرک‌های صنعتی، صنایع بزرگ، پتروشیمی‌ها، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش بهره‌وری انرژی مورد بررسی قرار گرفت.» او افزود: «پیشنهادهای مطرح‌شده در این جلسه هنوز به‌عنوان مصوبه نهایی ابلاغ نشده است، بلکه جلسه به‌نوعی یک اتاق فکر بود و بخش خصوصی پیشنهادهای خود را در حوزه‌های مختلف ارائه کرد. قرار است در یک جلسه تکمیلی، این پیشنهادها به‌صورت کارشناسی بررسی و در قالب یک گزارش جامع تدوین شود تا در صورت تأیید و اثربخش بودن، برای ابلاغ و اجرای آنها تصمیم‌گیری شود.»

خالقی با اشاره به مشکلات شهرک‌های صنعتی در زمینه تأمین برق سبز اظهار کرد: «بسیاری از شهرک‌های صنعتی، به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط، دسترسی آسانی به خرید برق سبز ندارند و خرید این نوع برق نیز ممکن است برای آنها هزینه‌بر باشد. از سوی دیگر، ایجاد نیروگاه خورشیدی برای هر واحد صنعتی به‌صورت جداگانه نیز همیشه امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین باید راهکارهایی برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و استفاده آسان‌تر واحدهای صنعتی از این ظرفیت پیدا شود.»

> یکی از پیشنهادهای عملیاتی که پیش از این نیز مطرح شده، به رسمیت شناختن «جمعه‌کاری» برای واحدهای صنعتی است

برش

تبعات قطعی برق صنایع سنگین است

خالقی ،فعال بخش خصوصی گفت: «قطع برق صنایع شاید از نظر اجرایی ساده‌تر باشد و اعتراض عمومی کمتری ایجاد کند، اما تبعات آن برای تولید بسیار سنگین است. انتظار ما این است که مسئولان وزارت نیرو و وزارت صنعت، معدن و تجارت، با توجه به شناختی که از وضعیت صنعت دارند، پیامدهای اقتصادی و تولیدی قطع برق صنایع را نیز در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار دهند.»

وی درباره پیشنهاد به رسمیت شناختن جمعه‌کاری گفت: «این پیشنهاد نیازمند بررسی حقوقی است و باید مشخص شود که آیا در چارچوب قانون کار امکان اجرای آن وجود دارد یا به مصوبه جدید نیاز دارد. به نظر می‌رسد می‌توان با اصلاح قانون کار یا تصویب یک مقرره مشخص، پیش‌بینی کرد که در شرایطی که به دلیل کمبود برق و قطعی‌های مدیریت‌شده، امکان تأمین برق واحد صنعتی وجود ندارد، واحد صنعتی بتواند از ظرفیت روزهای تعطیل برای جبران فعالیت از دست‌رفته استفاده کند. این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک پیشنهاد عملیاتی برای کاهش خسارت ناشی از قطعی برق صنایع مطرح و پیگیری شود.»

جمعه‌کاری به رسمیت شناخته شود

این عضو هیأت نمایندگان اتاق ایران ادامه داد: «یکی از پیشنهادهای عملیاتی که پیش از این نیز مطرح شده، به رسمیت شناختن «جمعه‌کاری» برای واحدهای صنعتی است. به این معنا که اگر یک واحد صنعتی به دلیل قطعی برق در روز شنبه امکان فعالیت نداشته باشد، بتواند در روز جمعه فعالیت خود را انجام دهد و این روز به‌عنوان جایگزین روز کاری از دست‌رفته در نظر گرفته شود.» به گفته او، در صورت پذیرش این پیشنهاد، فعالیت واحد صنعتی در روز جمعه نباید مشمول هزینه‌های اضافی و اضافه‌کاری شود، چراکه این فعالیت در واقع جایگزین روزی است که واحد صنعتی به دلیل قطعی برق امکان فعالیت نداشته است. این پیشنهاد می‌تواند در دوره‌هایی که کشور با کمبود برق مواجه است، به‌عنوان یک راهکار عملیاتی بخشی از مشکلات صنایع را کاهش دهد. او با اشاره به سایر پیشنهادهای مطرح‌شده در این جلسه گفت: «موضوع تفاوت تعرفه برق سبز و برق خریداری شده از تابلوهای مربوط به انرژی تجدیدپذیر برای صنایع بزرگ و پتروشیمی‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. در حال حاضر، خرید این نوع برق برای برخی واحدها از نظر اقتصادی صرفه لازم را ندارد و به همین دلیل باید راهکارهایی برای افزایش جذابیت و صرفه اقتصادی استفاده از برق سبز پیدا شود.» خالقی گفت: «توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ایجاد مشوق برای سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی، افزایش بهره‌وری انرژی در واحدهای صنعتی و کاهش شدت مصرف انرژی از دیگر موضوعات مطرح‌شده بود. باید بررسی شود که چگونه می‌توان با بهینه‌سازی خطوط تولید و اصلاح الگوی مصرف، میزان مصرف انرژی در واحدهای صنعتی را کاهش داد.»

حمایت از صنایع مناطق آسیب‌دیده و گرمسیر

او افزود: «همچنین موضوع حمایت از واحدهای صنعتی مستقر در مناطق در معرض آسیب و مناطق گرمسیر مطرح شد. این واحدها به دلیل شرایط اقلیمی و گرمای شدید، فشار بیشتری را تحمل می‌کنند و لازم است راهکارهایی برای کاهش یا حذف قطعی برق آنها در نظر گرفته شود.» این فعال بخش خصوصی درباره ضرورت رعایت قانون در زمینه مدیریت مصرف برق صنایع اظهار کرد: «در این جلسه به قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار اشاره شد که بر ضرورت رعایت برخی الزامات در زمینه تأمین انرژی صنایع تأکید دارد. با این حال، در برخی موارد فشارهایی از سوی مقامات محلی یا نمایندگان مجلس برای جلوگیری از قطع برق بخش خانگی ایجاد می‌شود و در چنین شرایطی ممکن است صنعت به‌عنوان ساده‌ترین گزینه برای کاهش بار شبکه انتخاب شود.»

خبر

تأمین‌کنندگان کالاهای اساسی خواستار اجرای فوری تصمیم‌های حمایتی شدند

قفل نقدینگی در حلقه واردات

گردهمایی تخصصی «نقش بخش خصوصی در تأمین و ارتقای امنیت غذایی کشور» روز گذشته با حضور جمعی از مدیران دولتی، فعالان اقتصادی و نمایندگان بخش خصوصی برگزار شد. در این نشست، ظرفیت‌ها، مسئولیت‌ها و چالش‌های پیش روی بخش خصوصی در مسیر تأمین پایدار کالاهای اساسی و ارتقای امنیت غذایی کشور مورد بررسی قرار گرفت.

محمدرضا کلامی، دبیر اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دامی و طیور ایران، در این نشست گفت: «بخش خصوصی از سال ۱۳۹۹ به بعد نقش پررنگ‌تری در تأمین کالاهای اساسی کشور بر عهده گرفته است. در شرایطی که کشور با محدودیت‌های ارزی و فشارهای ناشی از شرایط جنگی روبه‌رو بوده، بیش از ۴ میلیارد یورو کالا با اتکا به ظرفیت این بخش وارد کشور شده است.»

وی افزود: «دولت در چارچوب حکمرانی مطلوب، از ظرفیت بخش خصوصی برای تأمین کالاهای اساسی استفاده کرده تا معیشت مردم و زنجیره‌های تولید با اختلال مواجه نشود.» کلامی اظهار کرد: «فرآیند تأمین کالا، از مرحله ثبت سفارش و کنترل نرخ خرید تا واردات و توزیع، به صورت کامل تحت نظارت دستگاه‌های دولتی انجام شده است. کالاهای اساسی در سامانه جامع تجارت و نهاده‌های تولید نیز در سامانه بازارگاه ثبت و عرضه شده‌اند.» وی ادامه داد: «بخش خصوصی این کالاها را با اتکا به اعتبار خود نزد طرف‌های خارجی، استفاده از تسهیلات ارزی با سود ۱۲ تا ۱۴ درصد و همچنین منابع مالی شخصی تأمین کرده است. با این حال، فاصله زمانی پرداخت ارز به واردکنندگان که در گذشته کوتاه بود، به‌تدریج افزایش یافته و در مقاطعی به چند ماه رسیده است.»

افزایش زمان پرداخت مطالبات

کلامی تصریح کرد: «در زمان اجرای جراحی اقتصادی، از فعالان بخش خصوصی خواسته شد با وجود کاهش شدید توان مالی و بلوکه‌شدن حدود ۴ میلیارد یورو از منابع آنها، همچنان برای تأمین کالا همکاری کنند. قرار بود مطالبات این بخش حداکثر تا مردادماه تسویه شود، اما این زمان به حدود ۱۷ ماه افزایش یافته و هنوز بخشی از مطالبات پرداخت نشده است.» دبیر اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دامی و طیور ایران گفت: «رئیس‌جمهوری دستور داده است ۵۰ درصد مطالبات بخش خصوصی، معادل حدود ۲ میلیارد یورو، با فوریت پرداخت شود و برای نیمه دیگر مطالبات نیز با هماهنگی بانک‌های عامل، تسهیلات بخش خصوصی تا پایان سال ۱۴۰۵ استمهال شود.» وی افزود: «بر اساس دستور رئیس‌جمهوری، سود و جرایم تسهیلات مرتبط نیز باید به انتهای دوره منتقل شود و بانک‌ها نباید برای تمدید تسهیلات، دریافت فوری سود و جریمه را مطالبه کنند.»

تأخیر در پرداخت مطالبات و تهدید امنیت غذایی

همچنین حمیدرضا شریف، عضو هیأت‌مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان روغن نباتی ایران، گفت: «تأخیر طولانی‌مدت در ایفای تعهدات ارزی دولت، فقط یک بحران مالی نیست؛ بلکه تهدیدی جدی برای اعتبار شرکت‌های ایرانی، اشتغال و زنجیره امنیت غذایی کشور به شمار می‌رود.»

وی با اشاره به سابقه فعالیت بخش خصوصی در دوران جنگ تحمیلی و دیگر بحران‌ها افزود: «اعتمادی که طی دهه‌ها میان دولت، بخش خصوصی، شبکه بانکی و فروشندگان خارجی شکل گرفته، ضامن اصلی تداوم تأمین کالاهای اساسی در شرایط سخت بوده است.»

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی منطقه ویژه اقتصادی سهلان در نظر دارد، پروژه طرح، احداث و تبدیل انبار ۲۰۰۰ مترمربعی به سردخانه (در محدوده دمایی برای نگهداری میوه و محدوده زیرصفر برای نگهداشت انواع گوشت) خود را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرکت‌های متخصص در احداث سردخانه به‌شرح ذیل واگذار نماید:

تضمین شرکت در مناقصه: سپرده تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۴۶/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر با اعتبار ۳ ماهه به‌نام شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی منطقه ویژه اقتصادی سهلان با شناسه ملی ۱۰۲۰۰۴۲۲۵۷۲۵ یا اصل فیش واریز نقدی به‌حساب سپرده شماره ۰۱۰۹۳۲۹۶۱۰۰۰۴بانک ملی شعبه سهلان کد۴۵۴۶ ارائه گردد.

هزینه خرید اسناد: مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که می‌بایست به‌حساب فوق‌الذکر واریز گردد و قابل استرداد نخواهد بود.

مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ الی ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ یا در دست داشتن اصل فیش واریزی معرفی‌نامه رسمی می‌باشد.

محل دریافت اسناد مناقصه: تبریز، جاده صوفیان، کیلومتر ۲۰، منطقه ویژه اقتصادی سهلان واحد فنی و مهندسی می‌باشد.

محل و مهلت تسلیم پیشنهادات: واحد حراست آدرس فوق‌الذکر تا پایان ساعات اداری روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می‌باشد.

مناقصه‌گزار در رد یا قبول هریک یا تمامی پیشنهادات مختار است.

رویه مناقصه به اختیار مناقصه‌گزار حتی با یک متقاضی ادامه خواهد یافت.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

شماره تماس: ۰۴۱-۳۲۴۶۴۰۰۱ **تلفن:** ۲-۰۴۱-۳۲۴۶۳۴۰۱ **نمابر:** ۰۴۱-۳۲۴۶۳۴۰۳

تبریز -کیلومتر ۱۵ جاده صوفیان- روبه روی پایانه بار -کدپستی: ۵۱۹۴۱۶۳۱۹۹

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی منطقه ویژه اقتصادی سهلان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
شرکت توسعه صنایع نفت و گاز سرو (سهامی خاص)
به‌شماره ثبت ۲۳۵۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۶۴۴۹۸

بدین وسیله به‌اطلاع کلیه سهامداران محترم می‌رساند مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت توسعه صنایع نفت و گاز سرو (سهامی خاص) در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ رأس ساعت ۱۱ صبح در تهران - خیابان ملاصدرا - خیابان شیخ بهایی شمالی - خیابان معصومی - پلاک ۴۴ برگزار می‌گردد. لذا از کلیه سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌گردد در مجمع مذکور حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه: انتخاب اعضای هیأت‌مدیره

مقام دعوت کننده: هیات‌مدیره

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)
نوبت اول
شماره مناقصه: RKD-0522189-KM/S-05
شرح کالای مناقصه خرید: لوله داربست ۶ متری
مطابق با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه خرید

۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش نفت کرمانشاه به نشانی کرمانشاه، بلوار شهید دکتر بهشتی، مقابل پارک شاهد، مدیریت بازرگانی تلفن: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۵ و فکس: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۶ کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۷۹۴

۲- نوع، کمیت و کیفیت کالا: شرح کامل مناقصه خرید در آدرس اینترنتی WWW.KORC.IR قید شده است.

۳- نوع و مبلغ تضمین: ضمانت‌نامه معتبر بانکی به مبلغ ۱،۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال یا واریز وجه نقد به‌شماره حساب (شبای) IR۹۵۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۸۲۸۰۵۴۶۵۸ این شرکت نزد بانک تجارت شعبه نفت

۴- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: مدیریت بازرگانی، ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

۵- زمان گشایش پیشنهاد فنی: تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ و زمان گشایش پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳ می‌باشد.

روابط عمومی و امور بین‌الملل

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی
چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴/۵ ورقی/برش و تاکنی روزنامه
۸۴۷۱۱۵۰۵-۷
آدرس دفتر:
تهران،خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
آدرس چاپخانه:
چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

آگهی فراخوان
نوبت دوم
۷۷۰۰۴۰۵۰۷۲/ت ک م ع/۲۴۰۹
خرید شیر اطمینان‌های یدکی هیدروژن ۳

آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند ۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت (www.torc.ir) بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.

TORC TENDERS

روابط عمومی و بین‌الملل شرکت پالایش نفت تهران

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱/م/۱۴۰۵
واگذاری فعالیت‌های سرویس اباب و ذهاب (خودروهای سواری)
سال ۱۴۰۶-۱۴۰۵
اداره کل غله و خدمات
نوبت اول

اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان تهران در نظر دارد جهت تأمین ناوگان خودروی مورد نیاز در استان تهران با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir (با شماره مناقصه ۲۰۰۵۰۹۱۳۱۹۰۰۰۰۰۱) به‌صورت الکترونیکی اقدام به برگزاری مناقصه عمومی نماید.

۱- **مهلت تحویل اسناد به متقاضیان** از تاریخ انتشار آگهی اول (۱۴۰۵/۰۵/۰۱) از طریق سامانه به مدت ۷ روز تا مورخ (۱۴۰۵/۰۵/۰۷) می‌باشد.

۲- **مهلت دریافت اسناد مناقصه** تا پایان وقت اداری روز شنبه (۱۴۰۵/۰۵/۱۷) می‌باشد.

۳- **زمان و محل بازگشایی پاکت‌ها** ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه (۱۴۰۵/۰۵/۱۸) در محل دفتر مرکزی اداره کل به نشانی: تهران -خیابان شهید رجایی -چهارراه چیت‌سازی -سیلوی شهید اسدالله زاده (سیلوی تهران) می‌باشد.

۴- برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه (ودیعه) ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، در بستر سامانه و از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.

۵- **مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه**، پیشنهاددهندگان می‌بایست نسبت به واریز مبلغ (۳،۰۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال) به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره (IR ۳۹۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷)خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی سه ماهه و قابل تمدید ۳ ماه دیگر حاوی تأییدیه سیام به‌نام اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان تهران اقدام نمایند.

۶- اصل فیش واریزی و یا اصل ضمانت‌نامه بانکی جهت سپرده شرکت در مناقصه (پاکت الف) علاوه بر بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌بایست به‌صورت فیزیکی در پاکت دربسته تا پایان وقت اداری روز شنبه (۱۴۰۵/۰۵/۱۷) تحویل دبیرخانه اداره حراست اداره کل غله استان تهران گردد.

اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان تهران

آگهی فراخوان شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران
موضوع: خرید PARTS FOR INGERSOLL-RAND AIR COMPRESSOR
شماره مناقصه: PIS-010649
نوبت اول

شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، در نظر دارد مطابق مشخصات درج شده در اسناد مناقصه **خرید PIS-010649-PARTS FOR INGERSOLL-RAND AIR COMPRESSOR** را از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای با ارزیابی کیفی انجام نماید.

لذا بدین‌وسیله از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد در صورت تمایل به شرکت در این مناقصه، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ به آدرس سامانه کمیسیون معاملات پتروشیمی ایلام https://dargah.ilampetro.ir مراجعه و نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ پاکت ارزیابی کیفی را در سامانه مذکور بارگذاری نمایید.

-تهران - میدان شیخ بهایی - پلاک ۱۸ - ساختمان رایان ونک - طبقه پنجم - واحد ۵۰۸- واحد کمیسیون معاملات

-ایلام - چوار-نرسیده به روستای آبزا- مجتمع پتروشیمی ایلام - دبیرخانه کمیسیون معاملات

- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: (پس از انجام ارزیابی کیفی مناقصه‌گران ارائه می‌گردد.) نوع تضامین نیز ضمانت‌نامه معتبر بانکی یا فیش واریزی می‌باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه آمده است. درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مناقصه‌گران می‌توانند با شماره همراه ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ یا شماره تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۴۲۱۵ - ۲۲۱۳ تماس حاصل فرمایند.

آدرس: ایلام - چوار- نرسیده به روستای آبزا- مجتمع پتروشیمی ایلام

سامانه کمیسیون معاملات پتروشیمی ایلام https://dargah.ilampetro.ir

تلفن: ۰۸۴۳۸۳۹۰۰۰۰ **داخلی:** ۴۲۱۵-۲۲۱۳ **فکس:** ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸ **کدپستی:** ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰

روابط عمومی شرکت پتروشیمی ایلام (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی
نوبت اول
خرید Sensor vibration – Meggitt (original)
مجتمع کود شیمیایی اوره لردگان شرکت کود شیمیایی اوره لردگان

شرکت کود شیمیایی اوره لردگان (سهامی عام) در نظر دارد خرید Sensor vibration – Meggitt (original) مجتمع کود شیمیایی اوره لردگان خود را مطابق با مشخصات فنی قید شده در اسناد مناقصه، از طریق مناقصه عمومی تأمین نماید. لذا از شرکت‌های واجد صلاحیت دعوت می‌گردد درصورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به‌شرح ذیل اقدام نمایند.

- **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه** برابر ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی می‌باشد.
- **متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه** روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ به وب سایت شرکت به آدرس: WWW.LUFC.IR بخش مناقصات و یا از طریق مراجعه حضوری به آدرس تهران- شهرک غرب- بلوار فرحزادی-خیابان نخلستان-کوچه گلستان یکم- پلاک۴۸-طبقه ۴ با معرفی‌نامه کتبی اقدام نمایند.
- سایر شرایط و مشخصات مناقصه در دستورالعمل و اسناد مناقصه قید شده است.

روابط عمومی شرکت کود شیمیایی اوره لردگان

خبر

آماده‌سازی پالایشگاه‌های پارس جنوبی برای زمستان با محوریت تولید پایدار گاز

مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی با تأکید بر حساسیت زمستان پیش‌رو، از مدیران پالایشگاه‌های این مجتمع خواست با استفاده از همه ظرفیت‌های فنی، عملیاتی و مدیریتی، شرایط را برای تداوم تولید پایدار گاز و جلوگیری از هرگونه اختلال در فرآیند تولید فراهم کنند. به گزارش شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، «غلامعباس حسینی» مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی در آیین معارفه مدیران پالایشگاه‌های اول، سوم، دوازدهم و سیزدهم با اشاره به اهمیت تغییرات مدیریتی در بزرگ‌ترین مجتمع گازی کشور بیان کرد: «تغییرات مدیریتی اقدامی ارزشمند در مسیر تقویت سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری، چابک‌سازی سازمان و شتاب‌بخشی به روند توسعه، تعالی و بالندگی مجتمع گاز پارس جنوبی است.»

مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی با اشاره به شرایط پیش‌روی صنعت گاز در ماه‌های سرد سال، بر ضرورت آمادگی کامل پالایشگاه‌ها تأکید کرد و گفت: «زمستان پیش‌رو، با توجه به شرایط موجود، سالی حساس و پرچالش خواهد بود و ضروری است همه ظرفیت‌های فنی، عملیاتی و مدیریتی برای حفظ تولید پایدار و جلوگیری از هرگونه وقفه یا اختلال در فرآیند تولید به کار گرفته شود.»

حسینی همچنین با تأکید بر رفع سریع موانع احتمالی تولید پیش از آغاز ماه‌های سرد سال، تصریح کرد: «همه مشکلات، نارسایی‌ها و مواردی که ممکن است تولید مستمر و پایدار گاز را با مخاطره روبه‌رو کند، باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی، بررسی و برطرف شود تا مجتمع با آمادگی کامل وارد زمستان شود.»

مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی، بر ضرورت تصمیم‌گیری‌های دقیق، کارشناسی و به‌موقع در پالایشگاه‌ها تأکید کرد و افزود: «مدیران باید با اتخاذ بهترین تصمیم‌ها در حوزه‌های عملیاتی، به تکریم کارکنان، حفظ شأن و منزلت سرمایه انسانی و تقویت روحیه همدلی در محیط کار توجه ویژه داشته باشند؛ زیرا سرمایه انسانی مهم‌ترین سرمایه مجتمع در تحقق اهداف تولیدی است.»

«حسینی» اخلاق‌مداری، همدلی، برنامه‌محوری و انسجام سازمانی را از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت در شرایط کنونی دانست و یادآور شد: «انتظار می‌رود همه امور در پالایشگاه‌ها براساس برنامه‌ریزی دقیق، با روحیه مسئولیت‌پذیری و در چارچوب منافع ملی دنبال شود تا مجتمع گاز پارس جنوبی همچنان نقش راهبردی خود را در تأمین پایدار انرژی کشور با موفقیت ایفا کند.»

بررسی پیامدهای احتمالی اجرای بازار سهمیه‌های انرژی در گفت‌وگو با یک کارشناس انرژی:

اصلاح یارانه‌ها بدون شوک قیمتی

گزارش

آیین‌نامه اجرایی جدید بند «پ» ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم که از سوی سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی تهیه شده، در صورت تصویب، یکی از مهم‌ترین تغییرات در نظام یارانه انرژی کشور طی سال‌های اخیر خواهد بود. این آیین‌نامه با هدف ساماندهی یارانه انرژی، مدیریت ناترازی، بهینه‌سازی مصرف و ایجاد سازوکار جدید برای تخصیص سهمیه حامل‌های انرژی تدوین شده است.

در این طرح، برای هر خانوار و هر بخش مصرف‌کننده سهمیه انرژی تعریف می‌شود، «کیف انرژی» برای ثبت و مدیریت این سهمیه‌ها ایجاد خواهد شد و امکان خریدوفروش سهمیه انرژی نیز در بازار پیش‌بینی شده است. مهدی حسنوند، کارشناس اقتصاد انرژی، در گفت‌وگو با «ایران» با تشریح ابعاد اقتصادی آیین‌نامه پیشنهادی اجرای بند «پ» ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم، این طرح را گامی در مسیر اصلاح ساختار یارانه‌های انرژی و اقتصاد انرژی کشور ارزیابی می‌کند. به گفته او، اگر همراهی عمومی شکل بگیرد و زیرساخت‌های لازم فراهم شود، حتی بدون سرمایه‌گذاری سنگین در تجهیزات جدید نیز امکان کاهش قابل توجه مصرف انرژی از طریق اصلاح رفتار مصرفی وجود دارد.

وی معتقد است اجرای این آیین‌نامه با ایجاد بازار مبادله انرژی، واقعی‌تر شدن ارزش حامل‌های انرژی، افزایش بهره‌وری، هدایت سرمایه‌گذاری به بخش انرژی، کاهش ناترازی برق و گاز و کاهش کسری بودجه دولت، می‌تواند زمینه رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری را فراهم کند. با این حال، تحقق این آثار به نحوه اجرا، حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر و ایجاد سازوکار شفاف برای معاملات انرژی وابسته است.

آیین‌نامه جدید انرژی نقشه راه اصلاح یارانه‌های انرژی

با مرور مفاد این آیین‌نامه، شباهت‌های قابل‌توجهی میان این طرح و قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که از سال ۱۳۸۹ اجرا شد، به چشم می‌خورد. البته دامنه اجرای این آیین‌نامه تقریباً همه حامل‌های اصلی انرژی را دربرمی‌گیرد؛ از برق و گاز طبیعی گرفته تا فرآورده‌های نفتی مانند بنزین و گازوئیل. برخلاف قانون هدفمندی یارانه‌ها، در این آیین‌نامه آب مشمول طرح نشده است. شباهت دیگر، اجرای مرحله‌ای و پنج‌ساله آن است. همان‌گونه که قانون هدفمندی یارانه‌ها قرار بود طی چند مرحله و در یک دوره پنج‌ساله اجرا شود، این آیین‌نامه نیز کاهش یا تغییر نحوه تخصیص سهمیه‌ها را در یک دوره پنج‌ساله پیش‌بینی کرده است. تفاوت مهم اینجاست که در قانون هدفمندی، اصلاح یارانه‌ها عمدتاً از طریق افزایش تدریجی قیمت حامل‌های انرژی انجام می‌شد، در حالی که در این آیین‌نامه، دست‌کم در متن پیشنهادی، تأکید بر تغییر شیوه تخصیص یارانه است، نه افزایش مستقیم قیمت. در واقع، به جای آنکه دولت تنها قیمت را تعیین کند، قرار است افراد سهمیه انرژی خود را مصرف یا در بازار معامله کنند و قیمت معاملات، در چارچوب مقررات، بر اساس عرضه و تقاضا شکل بگیرد. البته تغییر شیوه تخصیص یارانه به معنای بی‌اثر بودن طرح بر هزینه مصرف‌کنندگان نیست. خانوارها و بنگاه‌هایی که مصرف آنها از سهمیه تعیین‌شده بیشتر باشد، ممکن است برای تأمین انرژی مورد نیاز خود ناچار به خرید سهمیه از بازار شوند. بنابراین، حتی در صورت ثابت ماندن قیمت رسمی حامل‌های انرژی، هزینه مؤثر مصرف برای برخی مشترکان می‌تواند افزایش یابد. اگر این سازوکار به‌درستی اجرا شود، یکی از تفاوت‌های مهم آن با تجربه سال ۱۳۸۹ می‌تواند همین سازوکار کشف قیمت باشد. در قانون هدفمندی، قیمت حامل‌های انرژی با معیارهایی مانند قیمت‌های فوب تعیین می‌شد؛ موضوعی که همواره از سوی برخی کارشناسان مورد انتقاد بود، زیرا معتقد بودند انرژی تولید و مصرف‌شده در داخل کشور نباید صرفاً بر مبنای قیمت‌های بین‌المللی ارزشگذاری شود. در طرح جدید، قیمت معاملات سهمیه انرژی می‌تواند بر اساس شرایط بازار داخلی و عرضه و تقاضا شکل بگیرد؛ هرچند نحوه نظارت بر این بازار و جلوگیری از شکل‌گیری رانت و انحصار، از مهم‌ترین پرسش‌های اجرای آن است. این موضوع در صورت پیش‌بینی سازوکارهای لازم، حتی می‌تواند به تفاوت قیمت انرژی در مناطق مختلف کشور منجر شود. برای مثال، استانی که ظرفیت تولید برق بیشتری دارد یا به منابع تولید نزدیک‌تر است، ممکن است قیمت پایین‌تری نسبت به مناطق دورتر داشته باشد. چنین سازوکاری، در صورت اجرای صحیح، می‌تواند الگوی مصرف انرژی را با ظرفیت‌ها و مزیت‌های هر منطقه هماهنگ‌تر کند. با این حال، تفاوت منطقه‌ای قیمت‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که به تبعیض میان مناطق یا افزایش فشار بر خانوارهای ساکن در مناطق سردسیر و کم‌برخوردار منجر نشود. طراحان آیین‌نامه تلاش کرده‌اند از بروز شوک ناگهانی جلوگیری کنند. بر اساس متن پیشنهادی، مبنای اولیه تخصیص سهمیه، مصرف سال ۱۴۰۳ در نظر گرفته شده است؛ موضوعی که می‌تواند در آغاز اجرای طرح فرصت تطبیق را برای خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی فراهم کند و مانع از ایجاد شوک یکباره در مصرف یا هزینه انرژی شود. با این حال، میزان اثربخشی این مبنا به تفاوت میان خانوارها، تغییرات جمعیتی و وضعیت مصرف در مناطق مختلف نیز بستگی دارد. از سوی دیگر، این آیین‌نامه بر ایجاد انگیزه برای صرفه‌جویی و اصلاح الگوی مصرف تکیه دارد. در این الگو، خانوارها و مشترکان می‌توانند با تغییر رفتار مصرفی، بخشی از سهمیه خود را حفظ یا از مزایای آن بهره‌مند شوند. اقداماتی مانند تنظیم دمای مناسب وسایل سرمایشی و گرمایشی، خاموش کردن وسایل برقی غیرضروری و استفاده از خودرو با الگوی مصرف بهینه، از جمله رفتارهایی است که می‌تواند به کاهش مصرف انرژی کمک کند.

تشکیل بازار انرژی می‌تواند موتور محرک رشد اقتصادی باشد

مهدی حسنوند، کارشناس اقتصاد انرژی، معتقد است اجرای این آیین‌نامه می‌تواند نقطه‌عطفی در اصلاح اقتصاد انرژی کشور باشد. به گفته او، ایجاد بازار برای مبادله سهمیه‌های انرژی، به‌تدریج زمینه شکل‌گیری اقتصاد واقعی انرژی را در ایران فراهم می‌کند؛ اقتصادی که سال‌ها به دلیل قیمت‌گذاری دستوری فرصت شکل‌گیری کامل نداشته است. وی با اشاره به روند تاریخی سیاست‌های انرژی در کشور می‌گوید: «تا قبل از انقلاب و حتی سال‌ها پس از آن، به دلیل اینکه تولید انرژی کشور بیش از مصرف بود و ایران یک صادرکننده بزرگ انرژی محسوب می‌شد، دولت‌ها انرژی ارزان را به نوعی هدیه‌ای به مردم تلقی می‌کردند اما این سیاست به مرور باعث شکل‌گیری الگوی نادرست مصرف شد.» حسنوند ادامه می‌دهد با افزایش تدریجی مصرف، شرایط تغییر کرده است. به گفته او، ایران امروز دیگر مانند گذشته صرفاً یک صادرکننده انرژی نیست و به سمت کشوری با مصرف بسیار بالا حرکت کرده است؛ در حالی که طی سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در بخش‌های برق، گاز و نفت انجام شده، اما به دلیل قیمت‌گذاری دستوری، بازگشت اقتصادی این سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور کامل محقق نشده است. این کارشناس اقتصاد انرژی معتقد است آیین‌نامه پیشنهادی می‌تواند این چرخه را تغییر دهد. او تأکید می‌کند اگر بازار انرژی شکل بگیرد، سرمایه‌گذاری در این حوزه جذاب‌تر می‌شود و منابع مالی بیشتری می‌تواند به سمت توسعه زیرساخت‌های تولید و بهینه‌سازی مصرف هدایت شود. به گفته حسنوند، آثار این تحول تنها به پروژه‌های بزرگ محدود نمی‌شود، بلکه از اقدامات کوچک در سطح خانوار تا سرمایه‌گذاری‌های کلان را دربرمی‌گیرد. نصب نیروگاه‌های خورشیدی روی پشت‌بام منازل، جایگزینی تجهیزات پرمصرف با تجهیزات کم‌مصرف و تعویض بخاری‌های فرسوده، از جمله اقداماتی است که در صورت وجود مشوق‌های مناسب می‌تواند توجیه اقتصادی پیدا کند. در کنار این موارد، توسعه نیروگاه‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری در میادین نفت و گاز و سایر پروژه‌های زیرساختی نیز ممکن است از جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران برخوردار شود. وی تأکید می‌کند: «مهم‌ترین مزیت این طرح آن است که قیمت انرژی را به سطحی می‌رساند که از نظر اقتصادی جذابیت ایجاد می‌کند. همین موضوع می‌تواند به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی کمک کند و در نهایت بر رشد اقتصادی کشور اثر بگذارد.»

> ایجاد بازار برای مبادله سهمیه‌های انرژی، به‌تدریج زمینه شکل‌گیری اقتصاد واقعی انرژی را در ایران فراهم می‌کند؛ اقتصادی که سال‌ها به دلیل قیمت‌گذاری دستوری فرصت شکل‌گیری کامل نداشته است.
>
> اگر بازار انرژی شکل بگیرد، سرمایه‌گذاری در این حوزه جذاب‌تر می‌شود و منابع مالی بیشتری می‌تواند به سمت توسعه زیرساخت‌های تولید و بهینه‌سازی مصرف هدایت شود

یارانه پنهان انرژی ظرفیتی برای شفافیت اقتصادی

حسنوند یکی دیگر از آثار احتمالی اجرای این آیین‌نامه را تأثیر آن بر اقتصاد کلان کشور می‌داند. به گفته او، در صورت اجرای این طرح، بخشی از ارزش اقتصادی انرژی که تاکنون به دلیل عرضه حامل‌ها با قیمت‌های پایین در محاسبات رسمی به‌طور کامل دیده نمی‌شده، می‌تواند شفاف‌تر شود. این کارشناس اقتصاد انرژی با اشاره به حجم یارانه پنهان انرژی اظهار می‌کند: «موضوعی که در اقتصاد کلان اهمیت دارد این است که بخش مهمی از اقتصاد کشور، که حدود ۱۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، می‌تواند به یک عدد واقعی‌تر در محاسبات اقتصادی تبدیل شود. این رقم تقریباً شش برابر کل صادرات نفت کشور است.» این رقم، برآوردی وابسته به سال محاسبه، قیمت مبنا و روش برآورد است و برای ارزیابی دقیق آن باید منبع و روش محاسبه مشخص شود. با این حال، از نگاه حسنوند، اجرای آیین‌نامه می‌تواند ارزش مبادلات انرژی و هزینه فرصت مصرف داخلی را شفاف‌تر کند و درآمدها و هزینه‌های این بخش را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولت بیشتر مورد توجه قرار دهد. البته شفاف‌تر شدن ارزش انرژی به‌تنهایی به معنای خلق ثروت یا افزایش واقعی تولید ناخالص داخلی نیست. تحقق آثار اقتصادی زمانی ممکن است که اصلاح نظام یارانه به افزایش بهره‌وری، کاهش اتلاف، توسعه سرمایه‌گذاری و رشد تولید منجر شود. حسنوند معتقد است اگر این پیش‌شرط‌ها فراهم شود، اجرای طرح می‌تواند ظرفیت رشد اقتصادی کشور را افزایش دهد. با این حال، برآوردهایی مانند رشد اقتصادی دورقمی باید به‌عنوان پیش‌بینی و دیدگاه کارشناسی مطرح شوند، نه نتیجه قطعی اجرای آیین‌نامه.

اصلاح نظام انرژی بهره‌وری صنایع را افزایش می‌دهد

مهم‌ترین نگرانی درباره این آیین‌نامه، آثار احتمالی آن بر تورم و اقتصاد کلان است. تجربه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها همچنان در ذهن جامعه و کارشناسان وجود دارد و این پرسش مطرح است که آیا این طرح نیز می‌تواند به افزایش هزینه‌ها و فشار تورمی منجر شود یا خیر. حسنوند در پاسخ به انتقاد درباره کاهش تدریجی سهمیه انرژی بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، معتقد است این نگرانی باید در کنار واقعیت‌های امروز اقتصاد ایران بررسی شود. به گفته او، ناترازی شدید برق و گاز در سال‌های اخیر باعث شده این بخش‌ها در عمل نیز نتوانند انرژی مورد نیاز خود را به‌طور کامل دریافت کنند. وی توضیح می‌دهد: «در سال ۱۴۰۳، با توجه به تعطیلی‌های ناشی از ناترازی برق در تابستان و محدودیت گاز در زمستان، تقریباً همین میزان انرژی هم در اختیار صنایع، بخش کشاورزی و خدمات قرار می‌گرفت؛ بنابراین، کاهش سهمیه در صورت اجرای طرح لزوماً به معنای کاهش فوری انرژی دریافتی آنها نیست. با این حال، این موضوع می‌تواند برای صنایعی که امکان تأمین جایگزین یا سرمایه‌گذاری در تجهیزات جدید را ندارند، فشار بیشتری ایجاد کند.» این کارشناس اقتصاد انرژی معتقد است دغدغه اصلی فعالان اقتصادی، تنها قیمت انرژی نیست، بلکه دسترسی پایدار به آن است. او می‌گوید: «بسیاری از صنایع بزرگ کشور، از جمله واحدهای فولادی و پتروشیمی، اعلام کرده‌اند که حاضرند برق و گاز را حتی با قیمت‌های بالاتر خریداری کنند، به شرط آنکه عرضه انرژی پایدار و قابل اتکا باشد.» حسنوند با اشاره به تکالیف برنامه هفتم توسعه می‌افزاید که از قبل نیز پیش‌بینی شده بود صنایع هر سال بخشی از برق مورد نیاز خود را از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین کنند. بنابراین، طی سال‌های اخیر، بخش صنعت و حتی کشاورزی تا حدی خود را برای چنین شرایطی آماده کرده‌اند. به اعتقاد وی، اجرای این آیین‌نامه می‌تواند انگیزه بنگاه‌ها را برای افزایش بهره‌وری انرژی تقویت کند. او می‌گوید: «برخی صنایع طی سال‌های گذشته فعالیت خود را بر پایه انرژی ارزان بنا کرده بودند. طبیعی است که در شرایط جدید، این واحدها باید یا بهره‌وری انرژی خود را افزایش دهند یا در ساختار و فناوری تولیدشان بازنگری کنند.»

نگرانی درباره تورم موافقان چه می‌گویند؟

حسنوند احتمال افزایش تورم در نتیجه اصلاح نظام یارانه انرژی را در کوتاه‌مدت منتفی نمی‌داند، اما معتقد است در میان‌مدت، نتیجه اجرای طرح می‌تواند به کاهش فشارهای تورمی کمک کند؛ مشروط بر اینکه اجرای آن تدریجی باشد و حمایت لازم از خانوارهای کم‌درآمد و بنگاه‌های آسیب‌پذیر صورت گیرد.

او با اشاره به سهم بالای یارانه پنهان انرژی در اقتصاد کشور می‌گوید: «امروز ارزش یارانه پنهان انرژی حدود ۱۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود؛ در حالی که تولید ناخالص داخلی کشور حدود ۳۶۰ میلیارد دلار است. یعنی بخش قابل‌توجهی از اقتصاد ایران با قیمت‌های یارانه‌ای اداره می‌شود.» به گفته این کارشناس، پایین بودن قیمت حامل‌های انرژی موجب شده دولت از این بخش درآمد واقعی متناسبی نداشته باشد و برای جبران هزینه‌ها به روش‌هایی مانند استقراض یا انتشار اوراق بدهی متوسل شود؛ موضوعی که به اعتقاد او می‌تواند یکی از عوامل رشد نقدینگی و افزایش تورم باشد. حسنوند تصریح می‌کند: «اگر امروز از تورم بالای اقتصاد ایران صحبت می‌کنیم، بخشی از آن ناشی از کسری بودجه دولت و شیوه تأمین مالی آن است. وقتی دولت درآمد کافی نداشته باشد، ناچار می‌شود از ابزارهایی استفاده کند که در نهایت می‌تواند منجر به رشد تورم شود.» وی معتقد است اجرای آیین‌نامه می‌تواند با افزایش شفافیت درآمدها و هزینه‌های انرژی و کاهش بخشی از کسری بودجه، در میان‌مدت به کاهش فشارهای تورمی کمک کند. با این حال، در کوتاه‌مدت، افزایش هزینه انرژی برای مصرف‌کنندگان پرمصرف و انتقال آن به قیمت کالاها و خدمات، یکی از ریسک‌های اصلی طرح خواهد بود. او برای تأیید دیدگاه خود به تجربه اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «در زمان اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، اگرچه در کوتاه‌مدت یک شوک تورمی ایجاد شد، اما در میان‌مدت با افزایش درآمدهای دولت، روند تورم کنترل شد و فشارهای تورمی نسبت به دوره قبل کاهش یافت.»

اجرای آیین‌نامه جدید نیز در صورتی می‌تواند به اصلاح ساختار مالی دولت و کاهش فشارهای تورمی کمک کند که با طراحی مناسب، اجرای مرحله‌ای، شفافیت در معاملات و حمایت مشخص از گروه‌های آسیب‌پذیر همراه باشد. خانوارهای کم‌درآمد، مستأجران، ساکنان مناطق سردسیر و صنایع کوچک ممکن است توان محدودی برای اصلاح مصرف یا خرید تجهیزات کم‌مصرف داشته باشند و باید برای این گروه‌ها سازوکار حمایتی در نظر گرفته شود.

موفقیت این طرح به مشارکت مردم، دولت و بخش خصوصی وابسته است

آیین‌نامه اجرایی بند «پ» ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم را می‌توان نتیجه بیش از دو دهه تجربه، آزمون و خطا و بازنگری در سیاست‌های یارانه‌ای کشور دانست. پس از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در اواخر دهه ۱۳۸۰، اگرچه اصلاح نظام یارانه انرژی آغاز شد، اما در سال‌های بعد به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، روند آن متوقف ماند و بسیاری از اهداف اولیه محقق نشد.

اکنون این آیین‌نامه تلاش دارد همان مسیر را با رویکردی متفاوت دنبال کند؛ رویکردی که به جای اتکا به افزایش مستقیم قیمت‌ها، بر تخصیص سهمیه انرژی، ایجاد بازار مبادله سهمیه‌ها و مشارکت مردم در مدیریت مصرف استوار است. این کارشناس اقتصاد انرژی معتقد است تفاوت مهم این طرح با تجربه‌های گذشته، تکیه بر سازوکار بازار و مشارکت عمومی است. به گفته او، کلیت این الگو بر این اساس طراحی شده که مردم خود به عرضه‌کننده و متقاضی سهمیه انرژی تبدیل شوند و معاملات در یک بازار شفاف انجام گیرد. با این حال، موفقیت طرح تنها به متن آیین‌نامه وابسته نیست. تجربه اصلاحات اقتصادی در ایران نشان داده است که کیفیت اجرا، اعتماد عمومی و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، نقشی تعیین‌کننده‌تر از خود قوانین دارند. اگر زیرساخت‌های فنی برای اجرای بازار انرژی، سامانه‌های معاملاتی، شفافیت اطلاعات و نظارت بر معاملات به‌درستی فراهم نشود، حتی دقیق‌ترین قوانین نیز ممکن است به نتایج مورد انتظار نرسند.

آگهی مزایده فروش خودرو شرکت زامیاد ۳-۱۴۰۵

زامیاد

شرکت خودروسازی زامیاد (سهامی عام) در نظر دارد تعداد ۳۴ دستگاه انواع وانت نیسان و پیکاپ زاگرس دیزل خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به‌فروش برساند. از تمامی اشخاص که مایل به شرکت در مزایده می‌باشند دعوت به‌عمل می‌آید جهت بازدید و ارائه پیشنهاد قیمت از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تا ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ در ساعات اداری از ساعت ۸ الی ۱۲ به نشانی ذیل مراجعه نمایند.

محل بازدید پیکاپ زاگرس دیزل: تهران، کیلومتر ۱۷ جاده قدیم کرج، جاده اندیشه، خیابان سالمندان، خیابان توانبخشی، اداره تحویل شرکت زامیاد

محل بازدید وانت نیسان: تهران، کیلومتر ۱۴ جاده قدیم کرج، سه‌راهی شهریار، ابتدای جاده سعیدآباد، پادگان شماره ۲ (پارکینگ شرکت زامیاد)

محل دریافت اسناد مزایده: تهران، کیلومتر ۱۶ جاده قدیم کرج، بعد از چهارراه ایران‌خودرو و بلوار گلستانک، جنب ساختمان فروش و خدمات پس از فروش شرکت زامیاد

برگ پیشنهاد و شرایط شرکت در مزایده در روز بازدید پس از واریز سپرده به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت هر دستگاه خودرو یک فقره چک بانکی در وجه شرکت زامیاد بنابه درخواست خریدار و تسلیم آن به اداره مزایده در نشانی فوق در اختیار بازدیدکنندگان قرار خواهد گرفت.

کلیه هزینه‌های قانونی بر عهده خریدار است. (مالیات ارزش افزوده، هزینه کارشناسی، هزینه آگهی مزایده و...)

شماره شبا ذینفع: IR360540200647001933260601 بانک پارسیان کد شعبه ۲۰۰۶

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده درج شده است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۴۴۹۲۳۴۰۹ تماس حاصل فرمایید.

ارتباطات شرکت زامیاد

سایپا سیتروئن
SAIPA CITROËN CO.

آگهی مناقصه عمومی

شرکت سایپا سیتروئن در نظر دارد «**خرید برق مورد نیاز شرکت سایپا سیتروئن**» خود را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.

نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیتروئن انجام خواهد پذیرفت.

محل دریافت اسناد مناقصه: کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۷، ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۵

محل ارائه پیشنهادات:
کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد دبیرخانه محرمانه حراست شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱۵۵۸۱۱۷۶۹

معاونت خرید شرکت سایپا سیتروئن

آگهی مناقصه عمومی

شرکت رهاورد سازندگی آزادگان رسا در نظر دارد تهیه آهن‌آلات و کلیه مصالح لازم، ساخت، اجرای رنگ‌آمیزی، بارگیری، حمل و نصب اسکلت فلزی سوله انبار شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی تندیس مینو با زیربنای حدودی ۱۷۰۰ مترمربع را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای کارخانه ساخت اسکلت فلزی واگذار نماید.

محل پروژه: استان زنجان، شهر خرمدره، خیابان خلیج‌فارس، شرکت صنایع چاپ و بسته‌بندی تندیس مینو.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ده میلیارد) ریال و به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا چک ثبت‌شده در سامانه صیاد به‌نام شرکت رهاورد سازندگی آزادگان رسا می‌باشد.

زمان و مکان دریافت اسناد مناقصه: اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی فراخوان در ساعات اداری و در محل شرکت رهاورد سازندگی آزادگان رسا واقع در تهران، سیدخندان، خیابان جلفا، خیابان سیمرغ غربی، خیابان گلزار، کوچه پروانه، پلاک ۲، طبقه دوم، دبیرخانه واحد اداری قابل دریافت می‌باشد.

مبلغ خرید اسناد مناقصه: متقاضیان دریافت اسناد می‌بایست با در دست داشتن معرفی‌نامه و رسید واریز وجه خرید اسناد به مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ (پنجاه میلیون) ریال به‌شماره شبا IR۷۹ ۰۵۵۰ ۰۱۷۹ ۴۴۵۰ ۶۰۰ ۵۰۰۵۰۰۱ نزد بانک اقتصاد نوین، به‌نام شرکت رهاورد سازندگی آزادگان رسا، جهت دریافت اسناد در زمان و مکان مندرج در متن آگهی، مراجعه فرمایند.

آخرین مهلت تحویل پیشنهاد: آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ می‌باشد.

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۸۹۰۰۰۵ و ۰۲۱-۲۲۸۶۷۰۸۴ (دبیرخانه واحد اداری - داخلی ۲۰۷)

ضمنا سایر اطلاعات لازم در اسناد مناقصه موجود می‌باشد. هزینه درج آگهی مناقصه به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود.

IRAN DAILY 1877
www.newspaper.iran-daily.com

راهکارهایی برای آشنایی کودکان با دنیای کتاب

مطالعه، عادتی که از خانه آغاز می‌شود

گزارش

مرجان قندی
گروه گزارش

تابستان در کنار همه فرصت‌های فراغت و باهم‌بودن، می‌تواند بهترین زمان برای شکل‌گیری یکی از ماندگارترین عادت‌های زندگی در فرزندان باشد؛ عادت به مطالعه. در دورانی که تلفن‌های همراه و سرگرمی‌های دیجیتال، اعضای خانواده را با وجود همنشینی، از هم دور کرده‌اند، کتاب می‌تواند بهانه‌ای برای بازگشت گفت‌وگو، صمیمیت و تجربه‌های مشترک باشد. کارشناسان حوزه تربیت کودک و نوجوان معتقدند که اگر والدین مطالعه را از یک تکلیف فردی به بخشی از زندگی روزانه و خانوادگی تبدیل کنند، کتابخوانی هم در ذهن کودک ماندگار و هم به پلی برای تقویت پیوندهای عاطفی در خانه تبدیل می‌شود.

حمیده بیاور روان‌شناس تربیتی، می‌گوید: «رسانه‌های دیجیتال، بویژه تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، پدیده‌ای به نام انزوای همراه را در خانواده‌ها ایجاد کرده‌اند؛ وضعیتی که در آن اعضای خانواده از نظر فیزیکی کنار هم هستند، اما هر کدام در دنیای دیجیتال خودشان غرق شده‌اند.»

او با بیان اینکه در چنین شرایطی اگر کتابخوانی هم فقط یک فعالیت فردی باقی بماند، نمی‌تواند نقش مؤثری در تقویت روابط خانوادگی داشته باشد، توضیح می‌دهد: «راهکار اصلی، تبدیل کتابخوانی از یک عادت شخصی به یک تجربه جمعی و تعاملی است. خانواده‌ها می‌توانند برای این کار یک زمان ثابت برای مطالعه مشترک تعیین کنند؛ مثلاً یک ساعت مشخص در روز یا یک روز ثابت در هفته که همه دور هم جمع شوند و در کنار هم کتاب بخوانند. در این زمان، استفاده از تلفن همراه باید ممنوع باشد تا همین حضور مشترک به تقویت احساس تعلق و صمیمیت کمک کند.»

بیاور همچنین بلندخوانی را یکی از راه‌های مؤثر می‌داند و می‌گوید: «وقتی والدین یا فرزندان بخش‌هایی از کتاب را با صدای بلند برای یکدیگر می‌خوانند، نوعی روایت مشترک و تجربه عاطفی لذت‌بخش شکل می‌گیرد. همین فرآیند باعث می‌شود اعضای خانواده تجربه‌های شخصی خود را به یاد بیاورند و با یکدیگر در میان بگذارند و در نتیجه، هم علاقه به مطالعه بیشتر و هم پیوند عاطفی میان آنها تقویت شود.»

او گفت‌وگو پس از مطالعه را از مهم‌ترین بخش‌های کتابخوانی خانوادگی معرفی می‌کند و می‌گوید: «صحبت‌کردن درباره محتوای کتاب، می‌تواند تعامل و همدلی را در خانواده افزایش دهد. پرسش‌هایی مانند اینکه، اگر جای شخصیت اصلی داستان بودی چه می‌کردی؟ یا کدام بخش کتاب برایت جذاب‌تر بود؟ زمینه را برای شنیدن دیدگاه‌های مختلف و نزدیک‌ترشدن اعضای خانواده به یکدیگر فراهم می‌کند.»

این روان‌شناس تربیتی معتقد است حتی انتخاب و خرید کتاب هم بهتر است با مشارکت همه اعضای خانواده انجام شود. او دراین باره می‌گوید: «وقتی کتابی با توافق جمعی و در فضایی مثل کتاب‌فروشی انتخاب شود، احساس مالکیت و انگیزه برای مطالعه در همه بیشتر می‌شود؛ نه اینکه فقط یکی از والدین کتابی را انتخاب و به بقیه تحمیل کند.»

بیاور تأکید می‌کند که لازم نیست رسانه‌های دیجیتال به‌طور کامل حذف شوند، او دراین باره می‌گوید: «می‌توان از رسانه‌های دیجیتال برای تقویت تجربه مطالعه استفاده کرد. نمونه‌هایی مانند گوش‌دادن جمعی به کتاب صوتی در سفر، شرکت در باشگاه‌های کتابخوانی آنلاین یا استفاده از اپلیکیشن‌های ثبت پیشرفت مطالعه از جمله راهکارهای مفید در این زمینه است.»

حمیده بیاور، روان‌شناس تربیتی درباره اینکه کتابخوانی چطور می‌تواند با جذابیت‌های آنی و دوپامین‌زای بازی‌های دیجیتال رقابت کند، می‌گوید: «ما نباید کتابخوانی را در همان زمین بازی رسانه‌های دیجیتال قضاوت کنیم. بازی‌های دیجیتال با استفاده از رنگ، صدا، هیجان‌های لحظه‌ای و پاداش‌های سریع (مانند گرفتن امتیاز یا رد کردن مراحل)، مغز را به‌سرعت درگیر می‌کنند و موجی از لذت آنی به وجود می‌آورند؛ اما کتاب قرار نیست راه بازی‌ها را برود. قدرت کتاب در نوع متفاوتی از لذت نهفته است؛ لذتی که شاید آرام‌تر باشد، اما عمیق‌تر و ماندگارتر است.»

بیاور این تجربه را غرق شدن در داستان می‌داند؛ حالتی که در آن ذهن، دغدغه‌های روزمره را برای مدتی رها می‌کند و به دنیایی تازه قدم می‌گذارد. او می‌گوید: «وقتی ما یک داستان خوب می‌خوانیم، مرز بین خودمان و شخصیت‌ها از بین می‌رود؛ با آنها می‌ترسیم، می‌خندیم، امید پیدا می‌کنیم و حتی گاهی گریه می‌کنیم. اگرچه این تجربه فاقد پرده‌دری‌های بصری بازی‌هاست، اما اثر عاطفی بسیار عمیقی بر انسان می‌گذارد.»

همسفرشدن با شخصیت‌های داستان

این روان‌شناس تربیتی نکته کلیدی دیگری با عنوان مشارکت فعال ذهن را مطرح می‌کند و می‌گوید: «برخلاف بازی‌های دیجیتال که همه چیز را آماده و کامل به ذهن مخاطب تحویل می‌دهند، در مطالعه، این خواننده است که چهره شخصیت‌ها را بازسازی می‌کند، صحنه‌ها را در ذهنش می‌سازد و جهان داستان را خلق می‌کند. همین مشارکت خلاقانه است که لذت ذهنی را افزایش می‌دهد و خواننده را از یک تماشاگر منفعل به همسفر داستان تبدیل می‌کند.»

بیاور می‌گوید: «درست است که ورق زدن هر صفحه یا تمام کردن هر فصل، مثل امتیاز گرفتن در بازی، فوری و پر سر و صدا نیست، اما حس توانمندی و پیشرفتی که به انسان می‌دهد، عمیق‌تر است؛ چرا که با رشد فردی و یادگیری گره خورده است.»

او مهم‌ترین هدیه کتاب‌ها به بچه‌ها را تقویت همدلی می‌داند و می‌گوید: «وقتی زندگی را از دریچه چشم شخصیت‌های مختلف می‌بینیم، بهتر می‌توانیم احساسات دیگران را درک کنیم و یاد می‌گیریم که دنیا فقط از زاویه نگاه ما دیده نمی‌شود. این توانایی یعنی همدلی که یکی از پایه‌های اصلی سلامت روان و روابط انسانی است. اگر بازی‌های دیجیتال هیجان لحظه‌ای را به ما هدیه می‌دهند، کتاب با تخیل، معنا و تجربه‌های عاطفی عمیق در قلب و ذهن ما ماندگار می‌شود. شاید شروع احساس خوب داشتن از خواندن کتاب دیرتر از بازی در بچه‌ها اتفاق بیفتد، اما وقتی این لذت شکل می‌گیرد، فقط یک سرگرمی نیست، در حقیقت تجربه‌ای است که شخصیت و نگاه انسان را دگرگون می‌کند و همین ویژگی، کتاب را به یک رقیب متفاوت و جدی برای دنیای دیجیتال تبدیل می‌کند.»

آموزش برای لذت خواندن

این روان‌شناس تربیتی، توضیح می‌دهد: «کاهش حوصله کودکان و نوجوانان برای خواندن کتاب‌های طولانی، تا حدی از عادت ذهن آنها به هیجان‌های سریع و پاداش‌های فوری فضای مجازی و بازی‌های دیجیتال ناشی می‌شود؛ با این حال، تمرکز یک توانایی ذاتی و ثابت نیست، تمرکز مهارتی است که با تمرین تقویت می‌شود.»

به گفته بیاور، برای آشتی دادن کودکان با کتاب‌هایی که نیاز به تمرکز طولانی دارند، نباید با دنیای دیجیتال وارد جنگ شد، اما باید لذت خواندن را به‌تدریج به آنها آموزش داد. اولین گام در این مسیر انتخاب کتابی متناسب با سن، علاقه و دنیای ذهنی کودک است؛ چون اگر داستان با جهان ذهنی کودک هماهنگ نباشد، حتی کودک باهوش هم ممکن است آن را کنار بگذارد.

او می‌گوید: «مطالعه باید با قدم‌های کوچک شروع شود، حتی ۱۰ دقیقه کتابخوانی در روز، اگر با تشویق و احساس موفقیت همراه باشد، به‌مرور توان تمرکز را افزایش می‌دهد. هر جلسه مطالعه باید با حس خوب تمام شود، نه با خستگی، اجبار یا فشار.»

این روان‌شناس تربیتی نقش والدین را بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: «کودکان بیش از آن‌که به توصیه‌ها گوش کنند، از رفتار والدین الگو می‌گیرند. وقتی پدر و مادر خودشان کتاب به دست می‌نشینند و درباره کتاب حرف می‌زنند و از خواندن لذت می‌برند، کتابخوانی از یک تکلیف به بخشی از فرهنگ خانواده تبدیل می‌شود.»

او با این پیشنهاد که مطالعه از حالت فردی خارج و به تجربه‌ای مشترک تبدیل شود، می‌گوید: «با بلندخوانی، گفت‌وگو درباره داستان، پرسش درباره شخصیت‌ها و حتی بازی‌کردن نقش آنها این اتفاق حاصل می‌شود. چون کودک وقتی کتاب را دوست دارد که احساس کند کتاب فقط مجموعه‌ای از کلمات نیست و دریچه‌ای است به دنیایی پرماجرا از خیال و احساس.»

بیاور تأکید می‌کند که حتی در کودکی، انسان نیاز دارد احساس کند در انتخاب‌های زندگی‌اش سهمی دارد. به همین دلیل، اگر والدین بدون توجه به خواست کودک، او را مجبور به خواندن یک کتاب خاص کنند، ممکن است کتاب از یک دوست به نماد اجبار تبدیل شود.» از نظر او، راه درست این است که به کودک فرصت انتخاب داده شود و به‌جای جنگ بین بازی‌های دیجیتال و کتابخوانی، یک تجربه جذاب‌تر و انسانی‌تر برای کتابخوانی ساخته شود.

او می‌گوید: «وقتی کتاب با قصه‌خوانی، گفت‌وگو، خنده، آغوش و لحظه‌های خوش همراه شود، کودک آن را نه به‌عنوان یک وظیفه که به‌عنوان یک خاطره شیرین به یاد می‌آورد. فرزند ما چیزی را دوست خواهد داشت که ببیند ما با عشق زندگی‌اش می‌کنیم، نه چیزی که فقط با اجبار به او تحمیل می‌شود.»

کتاب؛ پل امن کودک به سوی واقعیت‌های تلخ و شیرین

این روان‌شناس تربیتی، درباره اینکه محتوای کتاب‌های کودک باید دنیایی فانتزی و بی‌دغدغه باشد یا به مفاهیم پیچیده زندگی بپردازد، دیدگاه متفاوتی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «کتاب‌ها نباید کودکان را در حباب شادی مطلق محبوس کنند، چون بچه‌ها هم مثل بزرگسالان، در زندگی واقعی با ترس، غم، شکست و حسادت دست‌وپنجه نرم می‌کنند و تفاوت فقط در زبان و نحوه ابراز این احساسات است.»

به گفته بیاور، داستان، امن‌ترین آزمایشگاه برای آشنایی کودک با واقعیت‌های زندگی است. او توضیح می‌دهد: «وقتی کودک در پناه یک شخصیت داستانی با احساسات دشوار روبه‌رو می‌شود، می‌آموزد که این تجربه‌ها بخشی طبیعی از زندگی هستند و برای هر مسأله‌ای می‌توان راهی پیدا کرد. این دقیقاً همان جوهره تاب‌آوری و پایه اصلی سلامت روان است.»

او بر یک نکته حیاتی تأکید می‌کند و می‌گوید: «کتاب کودک نباید بار سنگین واقعیت را بر دوش او بگذارد. مفاهیم باید متناسب با سن و درک کودک منتقل شوند. برای هر موضوعی، از جمله مفاهیم سختی مثل مرگ هم پروتکل‌های خاصی وجود دارد که باید رعایت شود.»

بیاور توضیح می‌دهد: «قانون طلایی در نگارش یا انتخاب این کتاب‌ها، همراهی امید و امنیت است. هر مسأله ناامیدکننده‌ای که در داستان مطرح می‌شود، باید با راهکار، امید و حس امنیت همراه باشد تا هیچ‌گونه اضطرابی در ذهن کودک ایجاد نشود. در واقع کودکان به کتاب‌هایی نیاز ندارند که آنها را از واقعیت زندگی دور نگه دارد؛ آنها به داستان‌هایی نیازمندند که دست‌شان را بگیرد و کمک‌شان کند تا با شجاعت، دنیای واقعی‌شان را بهتر بشناسند. کتاب خوب، نه واقعیت را از دید کودک پنهان می‌کند و نه او را در مواجهه با آن تنها می‌گذارد.»

> کتاب‌ها نباید کودکان را در حباب شادی مطلق محبوس کنند، چون بچه‌ها هم مثل بزرگسالان، در زندگی واقعی با ترس، غم، شکست و حسادت دست‌وپنجه نرم می‌کنند و تفاوت فقط در زبان و نحوه ابراز این احساسات است

> نزدیک شدن بچه‌ها به کتاب، حاصل مجموعه‌ای از عوامل است و فقط در اختیار داشتن کتاب نمی‌تواند آنها را به مطالعه علاقه‌مند کند. آنچه اهمیت دارد ایجاد فضایی است که کودک در آن احساس راحتی، امنیت و علاقه کند

برش

روایتی از کتابخانه‌ای در خراسان‌رضوی که به الگوی ملی فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شد

پاتوقی برای بالندگی کودکان در روستای ابویسان

کتاب و داستان در کتابخانه روستای ابویسان، جرقه‌ای برای بیداری است. اینجا کودکان و نوجوانان از دنیای قصه‌ها به دنیای واقعیت‌های اجتماعی می‌روند؛ از نوشتن نامه به ناشران تا راه‌اندازی پویش برای احیای کوچک‌ترین ارگ خشتی جهان. زینب ابویسانی، مسئول این کتابخانه، با گذشت ۱۸ سال از فعالیتش، ثابت کرده است که با حذف سخت‌گیری‌های معمول و ایجاد فضای صمیمی، می‌توان کتاب را به بخشی از زندگی روزمره و دغدغه‌های اصلی بچه‌ها تبدیل کرد.

زینب ابویسانی، از سال ۱۳۸۶ مسئول کتابخانه «شهدای ابویسان» در روستای ابویسان جغتای خراسان‌رضوی است؛ کتابخانه‌ای که به گفته او از سال ۱۳۵۷ فعالیت فرهنگی خود را آغاز کرده و امروز با بیش از چهار دهه سابقه، به یکی از کتابخانه‌های روستایی فعال کشور تبدیل شده است. به گفته او، کتابخانه شهدای ابویسان در سال‌های گذشته تلاش کرده تا کتاب و کتابخوانی را به بخشی از زندگی روزمره مردم روستا تبدیل کند. ابویسانی با اشاره به ویژگی‌های این روستا می‌گوید: «روستای ابویسان با حدود ۲۰۰ خانوار و ۷۰۰ نفر جمعیت، یکی از روستاهای فرهنگی و اثرگذار در حوزه کتابخوانی است. این روستا در سال ۱۳۹۳ به عنوان یکی از روستاهای دوستدار کتاب معرفی شد و کتابخانه شهدای ابویسان هم در سال ۱۴۰۰ عنوان کتابخانه برتر استان را به دست آورد.»

حضور موفق این کتابخانه در جشنواره‌های ملی مثل روستاهای دوست‌دار کتاب، جام باشگاه‌های کتابخوانی کودکان و نوجوانان کشور و جایزه کتاب مهر، نشان‌دهنده تداوم و اثرگذاری فعالیت‌های این کتابخانه در ترویج فرهنگ مطالعه است. مسئول کتابخانه شهدای ابویسان درباره روند شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های کتابخانه توضیح می‌دهد: «این مجموعه در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تلاش جوانان روستا و همکاری جهاد سازندگی وقت راه‌اندازی شد و در طول چهار دهه گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. نقطه عطف فعالیت‌های کتابخانه از سال ۱۳۸۶ رقم خورد؛ زمانی که با همت دوباره جوانان روستا، منابع کتابخانه غنی‌تر شد، برنامه‌های فرهنگی توسعه یافت و فعالیت‌های آن فراتر از فضای روستا شناخته شد.»

او با بیان اینکه این مجموعه امروز فقط محلی برای امانت کتاب نیست و به پاتوقی فرهنگی و اجتماعی برای کودکان، نوجوانان و خانواده‌های روستا تبدیل شده است، می‌گوید: «در کنار خدمات امانت کتاب، برنامه‌های متنوعی مانند قصه‌گویی، بلندخوانی، نشست‌های کتابخوانی، کارگاه‌های خلاقیت، مسابقات کتابخوانی، برنامه‌های مناسبتی، کلاس‌های آموزشی و فعالیت‌های هنری و فرهنگی در این کتابخانه برگزار می‌شود.»

ابویسانی با تأکید بر اینکه هدف اصلی این است که کودکان و نوجوانان روستا، کتابخانه را فقط مکانی برای گرفتن کتاب نبینند و آن را خانه‌ای برای یادگیری، خیال‌پردازی، گفت‌وگو و تجربه‌های تازه بدانند، درباره اعضای کتابخانه می‌گوید: «این مجموعه در حال حاضر اعضای فعال زیادی از روستای ابویسان و حتی روستاهای همجوار دارد و کودکان و نوجوانان از پرشورترین مخاطبان آن هستند.»

به گفته او، تجربه نشان داده است که کتاب‌های داستانی بیشترین استقبال را در میان کودکان روستا دارند؛ بویژه داستان‌های تخیلی، ماجراهای کودکانه و کتاب‌هایی که شخصیت‌های جذاب دارند و کودک می‌تواند با آنها همذات‌پنداری کند. او می‌گوید: «قصه‌های بومی و داستان‌هایی که با فضای زندگی روستا، طبیعت و تجربه‌های نزدیک کودکان ارتباط دارند هم جایگاه ویژه‌ای میان مخاطبان کودک پیدا کرده‌اند، زیرا بچه‌ها با این آثار احساس نزدیکی بیشتری می‌کنند.»

ابویسانی با بیان اینکه هر کتاب می‌تواند دریچه‌ای تازه به دنیای کودکان باز کند؛ دریچه‌ای که از طریق آن تخیل، خلاقیت، همدلی و نگاه عمیق‌تر به زندگی در وجود آنها رشد می‌کند، می‌گوید: «نزدیک شدن بچه‌ها به کتاب، حاصل مجموعه‌ای از عوامل است و فقط در اختیار داشتن کتاب نمی‌تواند آنها را به مطالعه علاقه‌مند کند. آنچه اهمیت دارد ایجاد فضایی است که کودک در آن احساس راحتی، امنیت و علاقه کند.»

او توضیح می‌دهد: «در کتابخانه شهدای ابویسان تلاش شده است از سخت‌گیری‌های معمول فاصله گرفته شود تا کودکان با آرامش و صمیمیت وارد کتابخانه شوند و این فضا را متعلق به خودشان بدانند. چون وقتی کودک کتابخانه را محیطی دوست‌داشتنی و صمیمی ببیند، ارتباطش با کتاب عمیق‌تر شکل می‌گیرد.»

مسئول کتابخانه شهدای ابویسان با اشاره به روحیه تنوع‌طلب کودکان و نوجوانان می‌گوید: «این گروه سنی همواره دوست دارند تجربه‌های تازه‌ای داشته باشند و به همین دلیل سعی شده است منابع ویژه آنان به‌روز و متنوع باشد تا هر کودک بتواند کتابی متناسب با سلیقه و علاقه خود پیدا کند.»

او همچنین درباره برنامه‌های فرهنگی کتابخانه می‌گوید: «قصه‌گویی و بلندخوانی زمانی برای بچه‌ها جذاب‌تر می‌شود که فقط به خواندن متن محدود نباشد. این برنامه‌ها در کتابخانه ابویسان همراه با بازی، گفت‌وگو و فعالیت‌های خلاقانه برگزار می‌شود تا کودکان کتاب را با حسی خوشایند و خاطره‌ای شیرین تجربه کنند. همین ترکیب فضای صمیمی، منابع مناسب و برنامه‌های جذاب است که کودکان را بیش از پیش به کتاب و کتابخوانی نزدیک می‌کند.»

ابویسانی توضیح می‌دهد: «قصه و داستان برای کودکان روستا فقط یک سرگرمی ساده نیست و گاهی قصه و داستان می‌تواند مسیر نگاه و رفتار آنها را تغییر دهد. در کتابخانه ما این اثر به‌خوبی در رفتار بچه‌ها دیده می‌شود؛ قصه‌ها به آنها کمک می‌کنند خیال‌پردازی بیشتری داشته باشند، خود را جای شخصیت‌های داستان بگذارند و احساسات دیگران را بهتر درک کنند.»

او یکی از زیباترین دستاوردهای فعالیت کتابخانه را این می‌داند که بچه‌ها فقط مخاطب این فضا نیستند، بلکه خود را بخشی از آن می‌دانند. به گفته او، کودکان و نوجوانان در برنامه‌ها و فعالیت‌های کتابخانه با علاقه بخشی از مسئولیت‌ها را می‌پذیرند، به یکدیگر کمک می‌کنند و یاد گرفته‌اند در کنار هم کار کنند.

مسئول کتابخانه شهدای ابویسان می‌گوید: «تعامل و همکاری میان بچه‌ها در سال‌های اخیر بیشتر شده و آنها در کارهای گروهی، مشارکت فعال‌تری از خود نشان می‌دهند. کتاب و قصه در این کتابخانه فقط به خواندن چند صفحه محدود نمی‌شود، این فعالیت‌ها بهانه‌ای برای شکل‌گیری دوستی‌ها، تقویت مسئولیت‌پذیری و پرورش کودکانی است که یاد می‌گیرند در کنار هم رشد کنند.»

ابویسانی با اشاره به نقش داستان در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان می‌گوید: «همان‌طور که می‌گویند؛ خواندن هر کتاب، تجربه یک زندگی است، کتاب‌های داستانی به بچه‌ها فرصت می‌دهند زندگی‌های متفاوت را تجربه کنند، وارد دنیای شخصیت‌ها شوند، احساسات آنها را بفهمند و با موقعیت‌های گوناگون همذات‌پنداری کنند. تفاوت کتاب داستان با کتاب‌های آموزشی در این است که داستان فقط اطلاعات نمی‌دهد، بلکه احساس، تخیل و تجربه را هم به کودک منتقل می‌کند.»

او می‌گوید: «در کتابخانه شهدای ابویسان این تغییر را به‌روشنی در بچه‌ها می‌توان دید؛ به‌طوری‌که وقتی با یک داستان خوب ارتباط می‌گیرند، نگاهشان عمیق‌تر می‌شود، بهتر صحبت می‌کنند، ایده‌های بیشتری به ذهنشان می‌رسد و قدرت خیال‌پردازی‌شان رشد می‌کند. حتی بسیاری از کودکان و نوجوانان خودشان دست به قلم شده‌اند؛ داستان می‌نویسند، برای نویسندگان نامه می‌فرستند، با جرأت نظر و نقدشان را بیان می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند.»

ابویسانی با اشاره به اثر کتابخوانی بر شیوه مواجهه نوجوانان با مسائل و مشکلات می‌گوید: «مطالعه به آنها یاد داده است چگونه نسبت به محیط اطرافشان حساس‌تر باشند و برای مسائل پیرامون‌شان واکنش نشان دهند. مثل تجربه‌ای که سال گذشته گروهی از نوجوانان روستا برای کوچک‌ترین ارگ خشتی جهان که در این روستا قرار دارد، با الهام از یک کتاب، پویشی راه انداختند؛ پویشی که در نهایت باعث شد مسئولان شهرستان برای بازدید از این اثر تاریخی به روستا بیایند.»

ابویسانی می‌گوید: «بارها پیش آمده که یک کودک فقط به دلیل یک قصه یا یک کتاب، عضو ثابت کتابخانه شده است.» او در بیان یکی از خاطره‌های ماندگار این کتابخانه به اجرای طرح «قاصدک» که اخیراً از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار شد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این طرح تلاش شد کتاب‌هایی انتخاب شود که بتوانیم بچه‌هایی را که ارتباط کمتری با کتاب داشتند، به کتابخانه جذب کنیم.» به گفته ابویسانی، به همین دلیل در انتخاب منابع، توجه ویژه‌ای به علایق کودکان و نوجوانان شد و کتاب‌های فوتبالی، بویژه زندگینامه بازیکنان فوتبال، در اختیار بچه‌ها قرار گرفت؛ کتاب‌هایی که بویژه برای بسیاری از پسرها جذابیت زیادی داشت.

او توضیح می‌دهد: «با رسیدن این کتاب‌ها به کتابخانه ما، اتفاق جالبی افتاد؛ استقبال بچه‌ها به حدی بود که برای امانت گرفتن کتاب‌ها صف کشیدند. میزان استقبال آن‌قدر زیاد بود که این کتاب‌ها تا حدود یک ماه در نوبت رزرو بودند و همین موضوع باعث شد بسیاری از کودکانی که در ابتدا فقط به دلیل علاقه به فوتبال وارد کتابخانه شده بودند، عضو شوند و بعد به جمع اعضای فعال کتابخانه بپیوندند. این تجربه به‌خوبی نشان داد که گاهی فقط یک قصه یا یک کتاب مناسب می‌تواند همان جرقه‌ای باشد که کودک را با دنیای بزرگ کتاب و کتابخوانی پیوند می‌زند.»

خبر روز

آغاز مرحله جدید فروش خودروهای وارداتی در مرداد

مرحله جدید عرضه خودروهای وارداتی در سامانه یکپارچه آغاز شد. این مرحله در حالی کلید خورده که دور قبلی عرضه، از ۲۹ تیرماه آغاز و تا پایان ۳۱ تیر ادامه داشت و اکنون متقاضیان بار دیگر فرصت یافته‌اند تا برای خرید خودروهای وارداتی ثبت‌نام و اولویت خود را انتخاب کنند.

بر اساس اطلاعیه سامانه یکپارچه عرضه خودروهای وارداتی، فرآیند ثبت‌نام از چهارشنبه ۳۱ تیرماه آغاز شده و تا پایان روز یکشنبه ۴ مردادماه ادامه خواهد داشت. خودروهای عرضه شده در این مرحله، بسته به مدل و برند، قیمتی در بازه ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان تا ۱۰ میلیارد تومان دارند.

در این مرحله، خودروهایی مانند قشقایی آنر، کرولا نیوفیس، GS8، امکو، امکو هیبرید، امپو و امزوم در اختیار متقاضیان قرار گرفتند. محصولاتی که بسته به تیپ و امکانات، با قیمت‌هایی در بازه ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تا ۱۰ میلیارد تومان عرضه می‌شوند

متقاضیان برای حضور در این مرحله باید یکی از حساب‌های بانکی خود را نزد بانک‌های مورد تأیید سامانه به نام «خودرو وارداتی» وکالتی کرده و مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان را در آن مسدود کنند. در اطلاعیه این سامانه تأکید شده است که در صورت وکالتی شدن حساب با عنوانی غیر از «خودرو وارداتی»، امکان ثبت‌نام وجود نخواهد داشت و مسئولیتی نیز متوجه سامانه نخواهد بود.

همچنین، اعلام شده است که پس از ثبت درخواست وکالتی کردن حساب و گذشت ۲۴ ساعت، امکان ورود به سامانه و انتخاب خودرو برای متقاضیان فراهم می‌شود. فرآیند انتخاب خودرو نیز تا پایان روز دوشنبه ۵ مردادماه از طریق سامانه salecars.ir ادامه خواهد داشت.

ماشین وارداتی

هوندا سیویک؛ سدان اقتصادی ژاپنی بازار

پس از کاهش محدودیت‌های واردات خودرو برند هوندا سال ۱۴۰۲ بار دیگر به بازار ایران بازگشت. یکی از شرکت‌های واردکننده مسئولیت عرضه محصولات این خودروساز ژاپنی را بر عهده گرفت و پس از عرضه هوندا سیتی و CR-V، حالا نوبت به هوندا سیویک رسیده است. سدانی که سال‌ها یکی از پرفروش‌ترین محصولات هوندا در بازارهای جهانی بوده و اکنون شانس حضور در بازار ایران را پیدا کرده است. هوندا سیویک یک سدان کامپکت اقتصادی در سگمنت C است که از سال ۱۹۷۲ روی خط تولید هوندا قرار دارد. این خودرو طی بیش از پنج دهه حضور در بازار، همواره یکی از موفق‌ترین محصولات این شرکت بوده و تاکنون میلیون‌ها دستگاه از آن در سراسر جهان به فروش رسیده است. سیویک در بازارهای جهانی در نسخه‌های سدان، هاچ‌بک و کوپه عرضه می‌شود و نسل یازدهم آن نیز از سال ۲۰۲۲ روی خط تولید قرار دارد. هوندا سیویک وارداتی از یک موتور ۱.۵ لیتری چهار سیلندر توربوشارژ بهره می‌برد که ۱۸۰ اسب‌بخار قدرت و ۲۴۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند. نیروی پیشرانه از طریق گیربکس CVT به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود. این سدان شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت را در ۸.۱ ثانیه ثبت می‌کند. همچنین مصرف سوخت آن ۷.۶ لیتر در شهر، ۶.۲ لیتر در جاده و به‌طور میانگین ۶.۷ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر اعلام شده است. در بخش فنی، سیستم تعلیق مک‌فرسون در محور جلو و مولتی‌لینک در محور عقب وظیفه حفظ پایداری خودرو را بر عهده دارند. این خودرو با کسب پنج ستاره ایمنی از مؤسسه NHTSA و بهره‌مندی از هشت کیسه هوا، یکی از ایمن‌ترین سدان‌های این کلاس محسوب می‌شود. در بخش طراحی، هوندا سیویک نسل جدید چهره‌ای ساده، مدرن و در عین حال اسپرت دارد. نمای جلو با الهام از فرم صورت دلفین طراحی شده و جلوپنجره باریک، چراغ‌های کشیده و خطوط نرم بدنه، ظاهری هماهنگ و به‌دور از اغراق به این سدان ژاپنی داده‌اند. نسخه وارداتی علاوه بر کیسه‌های هوای جلو، جانبی و پرده‌ای، به مجموعه‌ای از سامانه‌های کمک‌راننده از جمله کنترل پایداری الکترونیکی، هشدار خروج از خط، ترمز اضطراری خودکار، هشدار برخورد از جلو و سیستم کنترل حرکت در سربالایی مجهز شده است. درحال حاضر قیمت صفر هوندا سیویک در بازار آزاد حدودا ۸ میلیارد تومان است.

این تویوتا، ژاپنی است!

بررسی تویوتا RAV4 در ایران؛ کراس‌اوور محبوبی که برخلاف دیگر محصولات جدید تویوتا، مونتاژ چین نیست

عکس‌ها: ایران

نقد فنی

ارسلان سلیمانیان
گروه خودرو

این روزها با سیل انبوهی از خودروهای چینی یا مونتاژ چین مواجه هستیم. تکلیف برندهای چینی که روشن است. اصالتاً چینی هستند و در چین مونتاژ می‌شوند. اما پدیده جدیدی نیز در بازار دیده می‌شود. خودروهای کره‌ای و ژاپنی و حتی اروپایی که مونتاژ چین هستند. از بنز C-Class گرفته تا انواع هیوندای، کیا و تویوتا. در این بین اما هنوز هم خودروهایی پیدا می‌شوند که به طور کامل «چینیزه» نشده‌اند! خودروهایی که هنوز در خاک سرزمین اصلی تولید می‌شوند. تویوتا RAV4 یکی از همین محصولات است. فرصتی دست داد تا از نزدیک یک دستگاه نمونه وارداتی RAV4 را مورد ارزیابی قرار دهیم.

محبوب‌ترین کراس اوور ژاپنی

سال گذشته مؤسسه تحقیقاتی معروف Jato Dynamics با انتشار فهرست خودروهای پرفروش بازار آمریکا یک علامت تعجب بزرگ برای علاقه‌مندان به صنعت خودروسازی ایجاد کرد. چراکه علاقه مندان و البته تحلیلگران این حوزه به مدت بیش از چهل سال عادت کرده بودند «فورد سری F» را در رتبه اول پرفروش‌های سال ببینند. واقعیت این است که آمریکایی‌ها عاشق سری F بوده و هستند. اما امسال اتفاق مهمی در بازار آمریکا رخ داد و برای اولین بار بعد از چهار دهه، تویوتا RAV4 با فروش تقریبی ۴۷۵هزار دستگاه در سالی که گذشت توانست لقب پرفروش‌ترین خودروی آمریکا را از آن خود سازد؛ کراس اوور جذابی که مدتی است در بازار ایران نیز یکه‌تازی می‌کند.

> طراحی تویوتا RAV4 را باید یک الگوی مناسب از خودروهای خشن دانست. این کراس‌اوور ژاپنی، ظاهری قلدر و تنومند دارد که می‌تواند برگ برنده آن به شمار آید

بیوگرافی محبوب ژاپنی

قصه RAV4 به اواسط دهه نود میلادی بازمی‌گردد. تویوتا RAV4 اولین بار در سال ۱۹۹۴ و در جریان نمایشگاه خودروی توکیو معرفی شد. در آن زمان خبری از محصولات رنگارنگ کره‌ای و چینی در کلاس SUVها نبود و RAV4 جزو اولین شاسی بلندهای شهری به شمار می‌آمد. موفقیت گسترده RAV4 در همان سال‌های اول سبب شد تا نسل دوم این خودرو در سال ۲۰۰۰ برروی خط تولید رود. پس از آن نسل‌های سوم و چهارم هم آمدند و در بسیاری از بازارهای جهانی از جمله آمریکای شمالی، اروپا و خاورمیانه موفق ظاهر شدند. نوامبر ۲۰۱۸ بود که نسل کنونی RAV4 با کد اتاق XA50 به علاقه‌مندان معرفی شد. خودرویی تنومند که بجز ژاپن، در کشورهایی مثل آمریکا و روسیه هم به مرحله مونتاژ رسید. حالا تویوتا RAV4 آنقدر کارآمد و مورد اعتماد واقع شده که فقط در طول یک سال، نزدیک به نیم میلیون نفر در بازار آمریکا برای خرید آن صف می‌کشند!

دلبری با چهره خشن

طراحی تویوتا RAV4 را باید یک الگوی مناسب از خودروهای خشن دانست. این کراس‌اوور ژاپنی، ظاهری قلدر و تنومند دارد که می‌تواند برگ برنده آن به شمار آید. آن هم در دورانی که اکثر کراس اوورهای موجود در بازار طراحی زنانه و ظریف دارند! طراحی داخل کابین نیز با دقت بالایی انجام شده و نمره قبولی می‌گیرد. با آنکه فضای داخل کابین RAV4 در قیاس با رقبا، یکی از جادارترین‌ها به‌حساب می‌آید. از موضوع طراحی که بگذریم، توانایی‌های فنی و حرکتی RAV4 جلب توجه می‌کند. هرچه باشد این خودرو یک «تویوتا» است و شخصیت جان‌سخت خود را حفظ کرده‌است.

مشخصات فنی

برش

تویوتا RAV4 در سه نسخه بنزینی، دیزلی و هیبریدی به بازار عرضه می‌شود که آمارها نشان می‌دهد نسخه بنزینی همچنان از محبوبیت بیشتری برخوردار است. نسخه بنزینی به یک پیشرانه ۴ سیلندر ۲/۵ لیتری مجهز شده که می‌تواند ۱۷۷ اسب بخار قدرت و ۲۳۵ نیوتون متر گشتاور در اختیار راننده قرار دهد. نمونه مورد بررسی از نوع هیبریدی است. این خودرو مجهز به یک پیشرانه ۲/۵ لیتری با کد موتور A25F بوده که در کنار موتور برقی ۲۲۵ اسب بخار قدرت و ۳۲۳ نیوتون متر گشتاور تولید می‌کند. گیربکس این خودرو از نوع E-CVT بوده که هماهنگی بسیار خوبی با پیشرانه دارد. هرچند در دورهای پایین، تا حدی تأخیر در تعویض دنده‌ها احساس می‌شود. کیفیت سواری RAV4 تقریباً مشابه سواری آشنایی هست که قبلاً در پرادو دیده بودیم. با این تفاوت که این خودرو چابک‌تر از دیگر رقبای خود به نظر می‌رسد. قیمت پایه RAV4 در بازارهای جهانی از حدود ۲۷هزار دلار شروع می‌شود که این رقم در مدل‌های فول آپشن به حدود ۳۸ هزار دلار می‌رسد. قیمت نمونه‌های صفرکیلومتر RAV4 ساخت ژاپن با پلاک ملی حدود ۱۳ الی ۱۵ میلیارد تومان است. اما نکته جالب توجه اینکه قیمت همین خودرو در مناطق آزاد کشور حدود ۴۸ هزار دلار است که با محاسبه قیمت روز ارز، کمتر از ۱۰ میلیارد تومان برای خریدار آب می‌خورد.

هیوندای پالیسید؛ خودرویی که از دل سفرهای طولانی سربلند بیرون آمد

آزمون سخت یک شاسی بلند تازه‌نفس

ترجمه

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

بازار شاسی بلندهای سه ردیفه هیبریدی هر روز رقابتی‌تر می‌شود و خودروسازان تلاش می‌کنند محصولاتی عرضه کنند که علاوه بر مصرف سوخت پایین، راحتی، امکانات رفاهی و عملکرد مناسبی نیز داشته باشند. هیوندای نیز با معرفی نسل جدید پالیسید هیبرید ۲۰۲۶ نشان داد قصد دارد جایگاه خود را در این بخش بیش از گذشته تقویت کند.

این خودرو که موفق شد در اولین حضور خود توجه کارشناسان را جلب کند و حتی به جمع برترین خودروهای سال راه یابد، اکنون تحت یک آزمون طولانی‌مدت ۶۴ هزار کیلومتری (۴۰ هزار مایل) قرار گرفته است. گزارش چند ماه اول این آزمایش نشان می‌دهد پالیسید هیبرید، با وجود چند ایراد اولیه، توانسته خود را به‌عنوان یکی از بهترین گزینه‌های سفرهای خانوادگی معرفی کند.

برخوردی غیرمنتظره با یک خرس

سفرهای جاده‌ای در ایالت میشیگان آمریکا معمولاً با احتمال برخورد با حیوانات وحشی همراه است؛ موضوعی که برای مالکان پالیسید هیبرید نیز اتفاق افتاد. این خودرو به‌صورت کارخانه‌ای به دوربین ثبت وقایع جلو و عقب مجهز شده است. این دوربین‌ها به‌طور مداوم تصاویر را روی کارت حافظه ذخیره می‌کنند و حتی هنگام پارک نیز در صورت تشخیص حرکت یا ضربه، فیلمبرداری را آغاز می‌کنند. یکی از جالب‌ترین ویدیوهای ثبت‌شده مربوط به زمانی بود که راننده در مسیر شهر «بیر لیک» با یک خرس کوچک روبه‌رو شد. حیوان در حال عبور از جاده بود اما پیش از آنکه کاملاً از مسیر خارج شود، گوشه سپر جلوی خودرو با آن برخورد کرد. خوشبختانه واکنش سریع راننده باعث شد سرعت خودرو به اندازه کافی کاهش پیدا کرده و پالیسید بدون کوچک‌ترین آسیبی از این اتفاق عبور کند. درباره سرنوشت خرس اطلاعات دقیقی منتشر نشده، چرا که طبیعی است هیچ‌کس برای بررسی وضعیت یک خرس زخمی کنار جاده توقف نکند .

کابینی که همه را شگفت‌زده کرد

اما جذابیت پالیسید تنها به تجهیزات ایمنی یا فناوری‌های آن محدود نمی‌شود. تقریباً تمام اعضای تیم آزمایش، کابین این خودرو را یکی از نقاط قوت اصلی آن می‌دانند. فضای داخلی بسیار آرام، کیفیت بالای متریال، عایق‌بندی مناسب و سواری نرم باعث شده پالیسید حس یک خودروی لوکس را منتقل کند. برخی کارشناسان حتی معتقدند کیفیت این خودرو تا حدی ارتقا یافته که می‌تواند نشان تجاری لوکس جنسیس (Genesis) را نیز بر خود داشته باشد.

صندلی‌های راحت با قابلیت تنظیم گسترده، ماساژور راننده، نمایشگرهای باکیفیت، سیستم اطلاعات و سرگرمی ساده و روان و همچنین دید مناسب به اطراف، از جمله ویژگی‌هایی هستند که بیشترین تحسین را دریافت کرده‌اند. ستون‌های باریک جلو نیز میدان دید مناسبی ایجاد می‌کنند و نقاط کور را به حداقل می‌رسانند. یکی دیگر از امکانات کاربردی، صندلی‌های مجهز به سیستم کاهش خستگی است که در سفرهای طولانی عملکرد مطلوبی از خود نشان داده‌اند.

البته بی‌نقص هم نیست

با وجود همه تعریف‌ها، پالیسید هیبرید از انتقادها نیز بی‌نصیب نمانده است. برخی رانندگان معتقدند نسل جدید نسبت به مدل قبلی بزرگ‌تر احساس می‌شود و در خیابان‌های شهری یا هنگام مانور، چابکی گذشته را ندارد. نکته دیگری که مورد انتقاد قرار گرفته، نبود امکان قفل و باز کردن درهای عقب از طریق لمس دستگیره است؛ قابلیتی که برای خانواده‌های دارای کودک خردسال، می‌تواند بسیار کاربردی باشد. در خودرویی با این سطح از امکانات، نبود چنین ویژگی ساده‌ای کمی عجیب به نظر می‌رسد.

> با وجود چند ایراد فنی در ماه‌های ابتدایی، هیوندای پالیسید هیبرید ۲۰۲۶ پس از رفع مشکلات اولیه، عملکردی قابل اعتماد از خود به نمایش گذاشته است. کابین لوکس، سواری آرام، تجهیزات رفاهی کامل، مصرف سوخت مناسب و قوای محرکه نرم و قدرتمند باعث شده این کراس‌اوور سه‌ردیفه یکی از جذاب‌ترین گزینه‌های بازار باشد

نخستین سرویس دوره‌ای و فراخوان‌ها

پس از پیمودن حدود ۱۳ هزار و ۵۰۰ کیلومتر، پالیسید برای اولین سرویس دوره‌ای به نمایندگی مراجعه کرد. در این مراجعه، روغن موتور تعویض شد، لاستیک‌ها جابه‌جا شدند و بازدید کامل خودرو انجام گرفت. همچنین هیوندای از طریق به‌روزرسانی نرم‌افزاری از راه دور (OTA)، ایراد مربوط به عملکرد صندلی‌های برقی ردیف دوم و سوم را نیز برطرف کرد. مشکلی که در ابتدای عرضه خودرو حتی باعث توقف موقت فروش برخی نسخه‌ها شده بود.

آغازی پرحاشیه برای آزمایش بلندمدت

هرچند امروز پالیسید عملکرد قابل قبولی دارد، اما شروع آزمایش بلندمدت آن چندان بدون دردسر نبود. در همان روزهای اول، هنگام بررسی ضخامت لنت‌های ترمز، مشخص شد یکی از پیچ‌های چرخ آسیب دیده و امکان باز کردن آن وجود ندارد.

خودرو بلافاصله به نمایندگی منتقل شد و نزدیک به دو ماه در تعمیرگاه باقی ماند. در نهایت مشخص شد برای رفع مشکل باید مجموعه توپی چرخ و پیچ آسیب‌دیده به‌طور کامل تعویض شود.

دردسر دوم؛ داغ شدن موتور

تنها دو هفته پس از بازگشت خودرو، مشکل دیگری ظاهر شد. در سرعت‌های بالا، بویژه هنگام رانندگی در بزرگراه، هشدار افزایش دمای موتور روی صفحه پشت‌آمپر نمایش داده می‌شد و خودرو با هشدارهای صوتی راننده را از نزدیک شدن دمای موتور به محدوده خطر آگاه می‌کرد.

بدین ترتیب بررسی نمایندگی نشان داد تسمه پمپ آب دچار پارگی شده است. پس از نصب تسمه جدید و اصلاح محل اتصال آن، مشکل برطرف شد و تاکنون دیگر تکرار نشده است. در همین مراجعه، چند فراخوان و اطلاعیه فنی دیگر نیز اجرا شد که شامل تعویض سیم‌کشی سپر جلو مرتبط با سامانه دریچه‌های فعال هوا و همچنین نصب دو مورد به‌روزرسانی نرم‌افزاری بود. یکی از این به‌روزرسانی‌ها برای جلوگیری از احتمال از کار افتادن صفحه کیلومتر طراحی شده بود. تمام این تعمیرات نیز تحت پوشش گارانتی و بدون دریافت هزینه انجام شد.

عملکرد فنی؛ قدرتمند و کم‌مصرف

قوای محرکه این خودرو از یک موتور ۲.۵ لیتری چهار سیلندر توربوشارژ به همراه دو موتور برقی تشکیل شده که مجموعاً ۳۲۹ اسب‌بخار قدرت و ۴۶۰ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کنند. انتقال نیرو نیز از طریق گیربکس شش سرعته خودکار انجام می‌شود. در آزمون‌های عملکرد، پالیسید هیبرید شتاب صفر تا ۹۶ کیلومتر بر ساعت را در ۶.۶ ثانیه ثبت کرد. شتاب‌گیری میان‌دور از ۸۰ تا ۱۱۲ کیلومتر بر ساعت نیز تنها ۴.۴ ثانیه زمان برد. همچنین این شاسی‌بلند مسیر یک‌چهارم مایل را در ۱۵ ثانیه طی کرد.

مصرف سوخت متوسط خودرو در طول آزمایش حدود ۲۵ مایل بر گالن (نزدیک به ۹.۴ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر) ثبت شده است. با باک ۶۹ لیتری نیز امکان پیمودن حدود ۷۲۰ کیلومتر با یک بار سوخت‌گیری وجود دارد؛ عددی که پالیسید هیبرید را به گزینه‌ای مناسب برای سفرهای خانوادگی تبدیل می‌کند.

عملکرد قابل اعتماد هیوندای پالیسید

برش

با وجود چند ایراد فنی در ماه‌های ابتدایی، هیوندای پالیسید هیبرید ۲۰۲۶ پس از رفع مشکلات اولیه، عملکردی قابل اعتماد از خود به نمایش گذاشته است. کابین لوکس، سواری آرام، تجهیزات رفاهی کامل، مصرف سوخت مناسب و قوای محرکه نرم و قدرتمند باعث شده این کراس‌اوور سه‌ردیفه یکی از جذاب‌ترین گزینه‌های بازار باشد. اکنون که بیش از ۱۸ هزار کیلومتر از آزمایش بلندمدت این خودرو گذشته، به نظر می‌رسد پالیسید آماده ادامه مسیر است؛ مسیری که امیدواریم این بار تنها خاطرات خوش سفر را ثبت کند، نه برخورد دوباره با حیوانات وحشی!

بازار خودرو

رشد نرخ دلار این بار هم به افزایش قیمت خودروها منجر نشد

سکوت بازار خودرو

گروه خودرو

بازار خودرو در آخرین روزهای هفته نیز نشانی از خروج از رکود نداشت. رشد قیمت دلار در بازار غیررسمی و ورود آن به کانال ۱۹۰ هزار تومان، برخلاف تجربه سال‌های گذشته، نتوانست بازار خودرو را با خود همراه کند. نه‌تنها موج تازه‌ای از افزایش قیمت شکل نگرفت، بلکه بهای برخی خودروهای داخلی، مونتاژی نیز کاهش یافت؛ نشانه‌ای از اینکه معادلات این بازار دیگر تنها با نرخ ارز تعیین نمی‌شود. بررسی آگهی‌های خرید و فروش خودرو حاکی از آن است که روند اصلاح قیمت‌ها همچنان در بخشی از بازار ادامه دارد. اگرچه برخی خودروها افزایش‌های محدود قیمتی را طی هفته جاری تجربه کردند، اما جهت غالب بازار همچنان نزولی است. این اتفاق نشان می‌دهد که افزایش نرخ دلار، دست‌کم در شرایط کنونی، توان تحریک تقاضا و تغییر مسیر عمومی قیمت‌ها را ندارد. فعالان بازار ریشه این وضعیت را در رکود معاملات و افت محسوس قدرت خرید مصرف‌کنندگان می‌دانند. به گفته آنها، بازار خودرو در ماه‌های اخیر بیش از آنکه از نوسانات ارزی تأثیر بگیرد، تحت‌تأثیر کاهش تقاضا قرار دارد. در نتیجه، حتی رشد نرخ ارز نیز دیگر مانند گذشته به افزایش فراگیر قیمت خودرو منجر نمی‌شود.

از سوی دیگر، ابهام نسبت به چشم‌انداز تحولات سیاسی و منطقه‌ای نیز بر رفتار خریداران سایه انداخته است. بسیاری از متقاضیان ترجیح می‌دهند تا روشن‌تر شدن وضعیت مذاکرات و کاهش ریسک‌های اقتصادی، از ورود به بازار خودداری کرده و نقدینگی خود را حفظ کنند. همین احتیاط، حجم معاملات را در سطح پایینی نگه داشته و مانع از آن شده است که افزایش نرخ دلار به‌طور کامل در قیمت خودرو منعکس شود.

در چنین فضایی، بازار بیش از هر زمان دیگری با نوسان‌های نامتوازن روبه‌روست. فعالان بازار معتقدند تا زمانی که تقاضا به بازار بازنگردد و نتیجه تحولات سیاسی و اقتصادی مشخص نشود، رکود همچنان بازیگر اصلی بازار خودرو خواهد بود و اثر نوسانات ارزی نیز محدود و مقطعی باقی می‌ماند. جزئیات تغییرات قیمت خودروها در بازار امروز به هرحال به شرح زیر است:

قیمت صفر راناپلاس موتور TU5 پلاس مدل ۱۴۰۵ روز چهارشنبه ۳۱ تیرماه یک میلیارد و ۶۶۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو روز سه‌شنبه ۳۰تیرماه یک میلیارد و ۶۹۰ میلیون تومان قیمت داشت.

قیمت صفر سهند S دنده‌ای بنزینی مدل ۱۴۰۵ روز چهارشنبه ۳۱ تیرماه یک میلیارد و ۳۸۵ میلیون تومان تعیین شد. درحالی که روز سه‌شنبه ۳۰ تیرماه یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان قیمت خورده بود.

قیمت صفر شاهین پلاس اتوماتیک AT تیپ G، ۲ میلیارد و ۶۹۰ میلیون تومان محاسبه شد. این خودرو روز سه‌شنبه ۳۰ تیرماه ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان قیمت داشت.

کاهش ۱۰۰ میلیون تومانی T9

در میان محصولات دیگر، قیمت صفر کی‌ام سی ایگل روز چهارشنبه ۳۱ تیرماه ۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون تومان تعیین شد. این خودرو روز سه‌شنبه ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت داشت.

قیمت صفر کی‌ام سی T9 روز چهارشنبه ۳۱ تیرماه ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان محاسبه شد. درحالی که روز سه‌شنبه ۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان خرید و فروش شده بود.

درخواست زن اسیدپاش از قضات دادگاه:

آزادم کنید تا دیه را بپردازم

گروه حوادث/ کامران علمدهی: زن اسیدپاش که به پرداخت دیه محکوم شده بود بار دیگر در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت و مدعی شد نمی‌تواند دیه ۸ میلیاردی را به خواهر شوهرش بپردازد.

به گزارش «ایران»، این زن جوان که حدود ۱۰ سال قبل روی خواهر شوهرش اسید پاشیده بود وقتی دستگیر شد قصد داشت با سناریوسازی، مردی ناشناس را عامل این کار معرفی کند. وی گفت: «صبح روز حادثه پس از آنکه همسرم به سر کار رفت، زنگ خانه به صدا درآمد. من به تصور اینکه همسایه طبقه پایین است، در را باز کردم و خودم به دستشویی رفتم اما ناگهان صدای فریادهای خواهر شوهرم را شنیدم. فوری بیرون آمدم و مردی را دیدم که صورت خود را پوشانده بود. او مرا هول داد و مقداری هم اسید روی پای من ریخت. پس از رفتن آن مرد دیدم خواهرشوهرم درخواست کمک می‌کند.»

وقتی پرونده این اسیدپاشی به دادگاه کیفری رفت عروس خانواده همچنان منکر اسیدپاشی بود تا اینکه قضات دادگاه بر اساس شواهد و مدارک و مستندات موجود در پرونده، زن جوان را به اتهام اسیدپاشی به ۱۰ سال حبس و پرداخت دیه محکوم کردند.

۵ سال بعد از اسیدپاشی

در حالی که ۵ سال از ماجرا گذشته و متهم در حال سپری کردن دوران حبسش بود و دیه‌ای هم پرداخت نکرده بود درخواست آزادی‌اش را مطرح کرد. اما خواهر شوهرش به محض اینکه متوجه این موضوع شد با مراجعه به دادسرای امور جنایی پایتخت، از قضات درخواست کرد تا با آزادی او موافقت نکنند.

دختر جوان در توضیح ماجرا گفت: «من یک چشم، بخشی از بینی و قسمت زیادی از صورتم را در اسیدپاشی از دست داده‌ام در این مدت بیش از ۳۰ عمل جراحی انجام دادم که هر عمل هزینه‌اش حدود ۵۰ میلیون تومان بوده. کادر درمانی بیمارستان می‌گویند اسیدپاش باید هزینه‌ها را پرداخت کند اما متهم می‌گوید پول ندارم و تمام این هزینه‌ها را خانواده‌ام به سختی فراهم کرده‌اند.

وضعیت مالی خانواده‌ام خوب نیست و چندین عمل دیگر هم باید انجام دهم.

در این میان زن برادرم هم مدام از زندان تماس می‌گیرد و تهدیدم می‌کند. من هنوز هم نمی‌دانم چرا این بلا را سر من آورده و زندگی‌ام را نابود کرده است. با اینکه بینایی و شنوایی‌ام را از دست داده‌ام درس خواندم وتوانستم در رشته صنایع فارغ التحصیل شوم.»

درخواست اعسار

در حالی که حدوداً ۱۰ سال از ماجرای اسیدپاشی گذشته و متهم تقریباً مجازات حبس خود را سپری کرده بود از قضات کیفری درخواست کرد با اعسار دیه موافقت کنند.

بنابراین پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای این جلسه شاکی به جایگاه رفت و گفت: «در این سال‌ها بارها زیر تیغ جراحی رفته و هزینه‌های آن را به سختی فراهم کرده‌ام اما هنوز هم مشکلات زیادی دارم.

این زن باید حدود ۸ میلیارد تومان دیه به من بپردازد اما مدام می‌گوید من را آزاد کنید. می‌دانم که پارسال با پابند الکترونیک یکبار به مرخصی آمده بود و در همان ایام با باز کردن پابند به یکی از شهرهای شمالی کشور گریخته بود که در آنجا دستگیر شد. الان هم اگر آزاد شود باز فرار می‌کند و دیه‌ای پرداخت نمی‌کند.»

پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: «من فرار نکرده بودم برای پیگیری مهریه‌ام به شمال کشور رفته بودم. من ۱۰ سال به خاطر گناه نکرده در زندان هستم و در این مدت هم فقط توانستم ۱۵۰ میلیون تومان پرداخت کنم. تا زمانی که در زندان باشم نمی‌توانم مابقی مبلغ دیه را بپردازم. اگر آزادم کنید می‌توانم به صورت اقساطی ماهانه ۲۰ میلیون تومان بپردازم.» با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

مرد اعدامی بعد از نجات، عضو باند سرقت شد

پایان تبهکاری‌های «حامد مافیا»

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ راز تبهکاری‌های سوداگر مرگ که بعد از رهایی از مجازات اعدام، عضو باند گوشی قاپی شده بود، با دستگیری دو همدستش در نقطه صفر مرزی برملا شد.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل مأموران پلیس در نقطه صفر مرزی به دو مرد افغانستانی مشکوک شدند که چمدان‌هایی با خود حمل می‌کردند. مأموران به بازرسی چمدان‌ها پرداختند و تعداد زیادی گوشی تلفن همراه کشف کردند؛ تلفن‌هایی که احتمال می‌رفت سرقتی باشد.

تحقیقات از دو مرد نشان می‌داد که آنها گوشی‌های سرقتی را از مردی به نام حامد مافیا در تهران گرفته و به نقطه صفر مرزی منتقل کرده تا از آنجا به افغانستان برده و به فروش برسانند. بدین ترتیب حامد مافیا بازداشت شد و همدستان او نیز که در کار گوشی قاپی بودند شناسایی و دستگیر شدند. با دستگیری اعضای باند سرقت و ترانزیت گوشی‌های سرقتی، تحقیقات برای شناسایی مالباختگان و جرایم احتمالی این باند ادامه دارد.

همدستی با خلافکاران بین‌المللی

حامد، ۵۰ ساله، پرونده‌ای پر از سوابق متعدد کیفری دارد و در زندان معروف به مافیا بوده است. او رابط بین سارقان و افرادی است که اموال سرقتی را از کشور خارج می‌کنند. متهم که با باندی بین‌المللی همدستی داشته از ورودش به دلالی و مالخری گوشی‌های تلفن همراه گفت: «سال‌ها بود که در کار خرید و فروش مواد مخدر بودم؛ موادی که از مرزهای شرقی وارد ایران شده بود را در تهران توزیع می‌کردم و یک روز مأموران مبارزه با مواد مخدر به خانه ویلایی‌ام در شمال تهران آمدند و مرا دستگیر کردند. به خاطر مواد زیادی که در خانه‌ام بود حکم اعدام برایم صادر شد.»

چه شد که نجات پیدا کردی؟

توبه نامه نوشتم و از دادگاه تقاضای بخشش کردم. از آنجایی که مدعی بودم مواد برای دیگران بوده و با ابراز پشیمانی درنهایت حکم اعدامم شکسته شد و من بعد از مدتی حبس از زندان آزاد شدم. به قولم عمل کردم و دیگر سراغ مواد نرفتم اما زندگی برای مجرم سابقه‌دار بدون انجام کار خلاف خیلی سخت است.

چرا به مافیا معروفی؟

اسمی است که زندانی‌ها روی من گذاشته‌اند. در زندان برای خودم باندی تشکیل داده بودم و هر تازه واردی که به زندان می‌آمد باید عضو باند من می‌شد.

چطور وارد باند سرقت شدی؟

من در این باند نقش واسطه و دلال را اجرا می‌کردم حتی نمی‌توانم بگویم که مالخر هستم. یکی از دوستانم وقتی دید اوضاع مالی‌ام رو به راه نیست، پیشنهاد داد که بین خریداران گوشی و سارقان نقش رابط را اجرا کنم.

چقدر می‌گرفتی؟

شاید باورتان نشود اما سارقان به من دستمزد می‌دادند حتی به کسانی که گوشی‌های سرقتی را به مرز می‌بردند هم دستمزد می‌دادند. اعضای باند که در افغانستان بودند مدل‌های گوشی را سفارش می‌دادند و اینجا سارقان طبق سفارش گوشی سرقت می‌کردند و به من می‌رساندند. من هم بعد از بسته‌بندی گوشی‌ها، آنها را به افرادی می‌رساندم که قرار بود گوشی‌ها را به مرز ببرند. آنها هم بعد از انتقال به آن طرف مرز، گوشی‌ها را به مالخرها می‌دادند.

همسر و بچه داری؟

داشتم اما اولین بار که به زندان افتادم همسرم از من جدا شد. به منم گفت این کار آخر و عاقبت ندارد و دور خلاف را خط بکش اما من گوشم بدهکار نبود. حالا که بعد از سال‌ها کار خلاف، فقط یک کارنامه سیاه و کلی سابقه مجرمانه برایم مانده با خودم می‌گویم کاش همان اولین بار که دستگیر شدم دور خلاف را خط کشیده بودم و الان زندگی خوبی داشتم.

۱۳۰ سال حبس و اخراج از کشور برای گروگانگیران خشن

گروه حوادث/ اعضای باند آدم‌ربایی خشن که گوش یکی از گروگان‌هایشان را بریده بودند بعد از محاکمه هریک به ۱۰ سال حبس و اخراج از کشور محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل آذر سال ۱۴۰۳ به دنبال گزارش ربودن صاحب یک کارگاه کفاشی در پایتخت که مردی افغانستانی بود تحقیقات به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت آغاز شد. گروگانگیران با ارسال تصاویر شکنجه گروگان برای خانواده‌اش و بریدن گوش وی در ازای رهایی او تقاضای ۲۰ هزار دلار کرده بودند.

کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی آموزش‌های لازم را به همسر وی داده و سرانجام رد یکی از متهمان را در یک صرافی و حین خرید ارز پیدا و او را دستگیر کردند.

با دستگیری متهم که مردی افغانستانی بود ۱۲ همدست دیگرش نیز شناسایی شدند و کارآگاهان در چندین عملیات پلیسی آنها را دستگیر کردند. با دستگیری عاملان گروگانگیری، گروگان که دست‌ها و پاهایش با زنجیر بسته و در خانه باغی حبس شده بود، آزاد شد.

در ادامه گروگانگیران خشن اعتراف کردند که دو هم‌ولایتی دیگر خود را نیز ربوده و برای آزادی آنها ۵۰ تا ۷۰ هزار دلار خواسته بودند. طبق اظهارات متهمان، آنها هم‌ولایتی‌هایشان را که قصد رفتن به کشورهای خارجی مانند انگلیس و ایتالیا را داشته، شناسایی کرده و با وعده فرستادن آنها به کشورهای خارجی، آنها را به خانه باغ آورده و حبس می‌کردند و از خانواده‌هایشان پول می‌گرفتند.

با تکمیل تحقیقات بازپرس شکیب‌نژاد کیفرخواست متهمان را صادر کرد و ۱۳ مرد تبهکار در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفته و به ۱۰ سال حبس، شلاق و رد مال و اخراج از کشور محکوم شدند.

حوادث جهان

گویان

قربانیان کشتی مسافربری افزایش یافت

افزایش شمار قربانیان حادثه واژگونی کشتی مسافربری در کشور گویان باعث شد که رئیس‌جمهوری این کشور ۳ روز عزای عمومی اعلام کند.

«مارک فیلیپس» نخست‌وزیر گویان اعلام کرد، تعداد کشته‌شدگان حادثه واژگونی کشتی مسافربری «ام وی باریما» به ۴۱ نفر افزایش یافته است و عملیات جست‌وجو و نجات همچنان ادامه دارد. در فهرست رسمی ثبت‌شده، شمار سرنشینان کشتی ۱۳۳ نفر قید شده بود اما فیلیپس روز گذشته اعلام کرد اکنون «اطمینان» دارد ۱۷۹ نفر در کشتی حضور داشته‌اند.

به گزارش بی‌بی‌سی، نتیجه تست اعتیاد کاپیتان و دست‌کم یکی از خدمه کشتی مثبت بوده است. کاپیتان و تعدادی از خدمه کشتی توسط پلیس بازداشت شده‌اند.

«مارک فیلیپس» تأیید کرد، از زمان واژگونی این کشتی در اواخر روز شنبه، ۷۷ نفر نجات یافته‌اند. مرکز هماهنگی نجات دریایی گزارش داد، عملیات بازیابی اجساد شتاب گرفته و ۱۴ جسد از آب بیرون آورده شده است.

«عرفان علی» رئیس‌جمهوری گویان نیز به احترام قربانیان، از چهارشنبه ۲۲ تا جمعه ۲۴ ژوئیه را در سراسر این کشور عزای عمومی اعلام کرد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۸۱

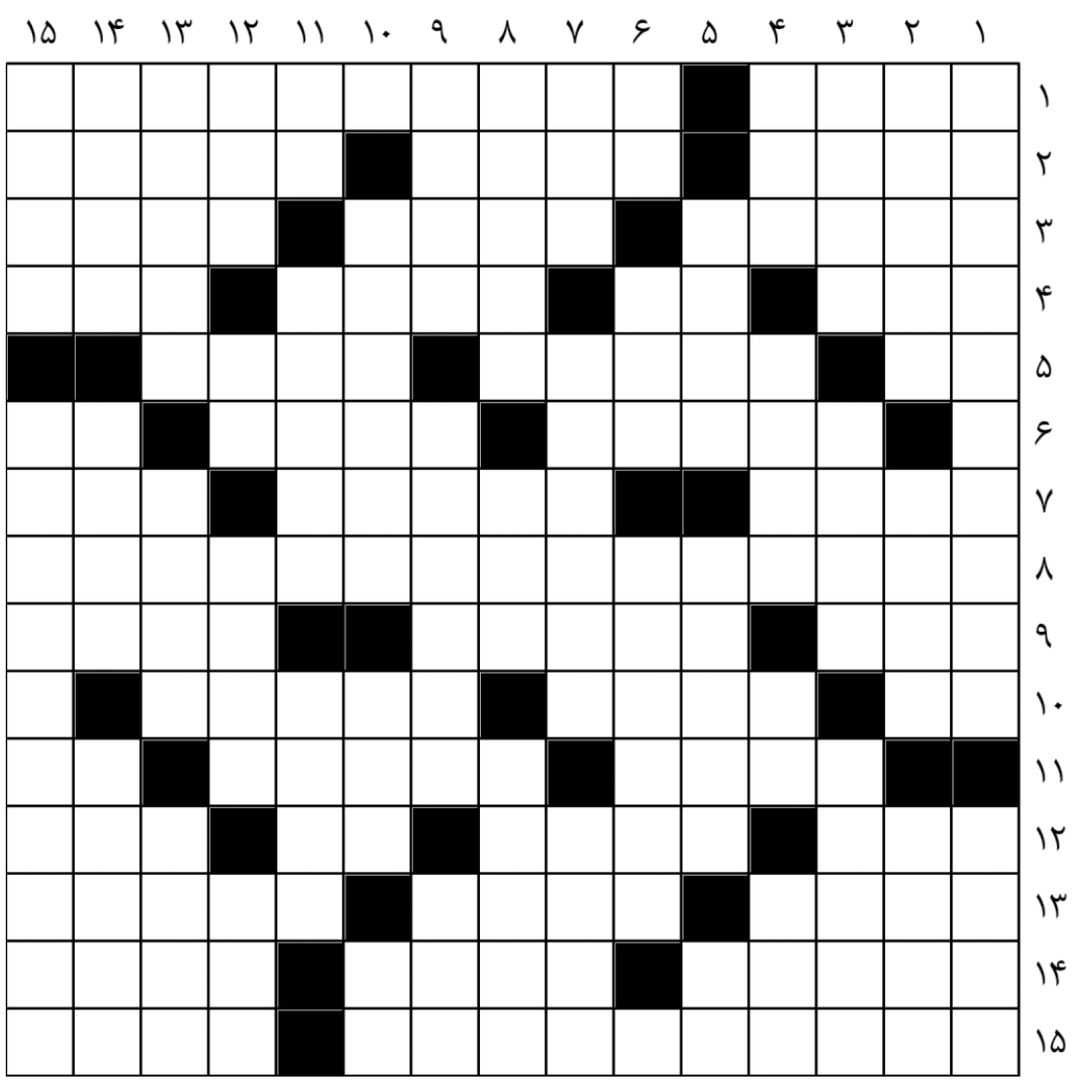

جدول عادی

افقی

۱- بهشت زیر پای اوست - خورشت محبوب شمالی
۲- آب‌سوار - دادنی با «وعید» - همراه و ثابت‌قدم
۳- جورها، روش‌ها - بزرگوار - نوعی نان
۴- برج فانوس دریایی - معاون هیتلر - ستاره کم‌پیدا - بلا د رنگ
۵- سایه - شهر استان کرمان - مارکی بر لپ‌تاپ
۶- ساقه خوراکی ترش و شیرین - دراز - از اعیاد ویتنامی‌ها
۷- خدمتکار و کنیز - درست یا مناسب دانستن - بیماری
۸- اثر عبدالحسین زرّین‌کوب
۹- شماره - شهر استان لرستان - سفیدپوست
۱۰- همان «یک» است - نوعی پرتقال - در مرتبه یکم
۱۱- سودمند و مفید - حداد - آسیب
۱۲- بین لگن و زانو - سمت چپ - صدای پنچری - ساعت عهد بوق!
۱۳- هاتف غیبی - نِی‌لَبَک - تریکو
۱۴- از اجزای شیرینی - حشره سمی - برائت
۱۵- در دسترس قرار دادن نظام‌مند اطلاعات و اندوخته‌های علمی - فرشینه

عمودی

۱- احتیاط و حزم - جمع رسم
۲- باطل کردن - پنبه دوات - بیمارستانی در تهران
۳- قاضی مسابقات - اصلاح - متعلق به زمان حاضر
۴- بهره‌وام - یگانه - حرف گزینش - شاعر گفته در بیشه خفته است
۵- رونده - فقر - ژنرال جنگ‌های انفصال
۶- شامه‌نواز - جدا - دومین شهر بزرگ ایرلند پس از «دوبلین»
۷- همگانی‌تر - کناره‌گیری از شغل - پیکار
۸- مقدس بودن - شکلک - سرمربی «آرسنال»
۹- شیوه گفتار - اعلامیه - همان «کینه» است
۱۰- انجام عمل کلیه به کمک دستگاه - گیاه پارچه‌ای - بیکاره
۱۱- شهر مذهبی - نام «کیانی» بازیگر خانم - خار روی لوله تفنگ برای نشانه‌گیری
۱۲- حرف اول فارسی - مانع آب - خودروی ایرانی - ناسزا گفتن
۱۳- یکی از قبایل مغول - میوه‌ای خوش‌طعم - گلی معطر
۱۴- سنگین - خانه‌های ریزعکس - از توابع نائین
۱۵- پرنده‌ای خاکی‌رنگ کوچک‌تر از کبوتر - راهی برای جلوگیری از خطا و اشکالات احتمالی پیش آمده در هنگام تحویل محصولات یا ارائه خدمات به مشتری

جدول ویژه

افقی

۱- بازی خانمان‌سوز - فیلمی از نوید اسماعیلی با حضور شهره سلطانی و مهران رجبی
۲- نوزاد حشره - کوچ کردن - چین دامن زنانه
۳- کشور باستانی - دوران - هم‌رأی
۴- قوم آتیلا - تخم‌مرغ فرنگی - جمع حاکم - پستاندار عظیم‌الجثه دریایی
۵- بنیاد - رفیق و ندیم - حصار
۶- قوی‌جثه - سخندان و شاعر - مخفف دایه
۷- قشون - نمایشنامه «شکسپیر» - یک شخص
۸- اثر «جرجی زیدان»
۹- از توابع دماوند - ملایمت و نرمی - اقیانوس ساکت
۱۰- غرور - نجوم - شاهنامه خوانی
۱۱- معادل ۷۵۰ گرم - فیلم اصغر نعیمی - داغ کردن
۱۲- جاده قطار - شایورد - فریاد تحقیرآمیز - نیلوفرآبی
۱۳- گوشواره - اسم مصدر از فعل «ریختن» - سگ فضانورد
۱۴- لامپ درون آن می‌پیچد - نردبان - از عناصر شیمیایی
۱۵- سریال فخیم‌زاده - ناحیه و سمت

عمودی

۱- دژی کهن در شمال استان اردبیل نزدیک پارس‌آباد - پا برجا
۲- ناامید - سبیل - پول «ایتالیا»
۳- ظرف مخروطی‌شکل - خودمحور - صلیب
۴- جایز - هر کار خلاق و ابتکاری - تصدیق عامی - زینت
۵- اثری از «گریگوریو مارتینز سیرا» - سرشت - خبر نادرست
۶- از حروف مقطعه قرآن - در رهن بودن - ایثارگر
۷- به‌موقع - کوه شرق «ترکیه» - یار دیرین مجنون!
۸- استعداد - مقابل «پود» - استاد ایرانی مینیاتور
۹- دشنام‌گو - زبانی در کشور «سوئیس» - زمستان عربی
۱۰- مبارز علیه آپارتاید - توان - پرچانگی
۱۱- شخص نامعین - فرمانبردار رئیس - ناپدید شدن خورشید
۱۲- قرض بانکی - خزیدن روی زمین - بلندمرتبه - انعکاس صدا
۱۳- خستگی ناپذیر - نوعی تشک - نام پسرانه
۱۴- فدراسیون فوتبال اروپا - ابواب - عظمت و شکوه
۱۵- آتشدان - رمان «مارگارت اتوود» کانادایی

حل جدول عادی شماره ۹۰۸۰

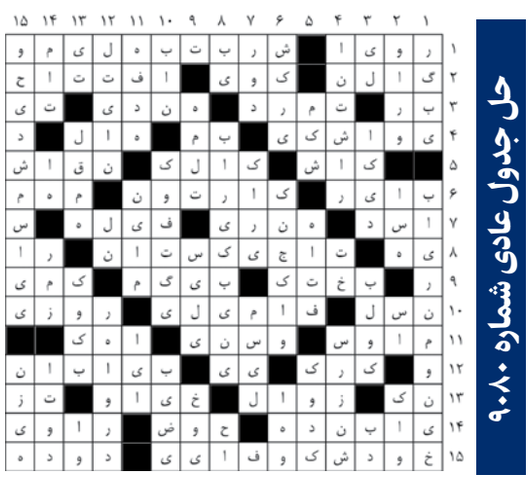

حل جدول ویژه شماره ۹۰۸۰

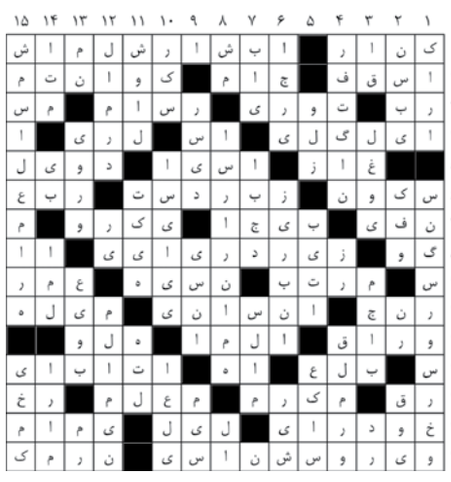

«ایران» الگوی موفق جوانگرایی در تیم ملی فوتبال اسپانیا را بررسی می کند

قیام دلافوئنته علیه محافظه کاری

سینا حسینی / شکست تیم ملی اسپانیا برابر مراکش در جام جهانی ۲۰۲۲ را می‌توان نقطه عطف «لاروخا» در فوتبال جهان دانست؛ جایی که لوئیس انریکه با لشکری از ستاره‌های نام‌آشنا برابر تیمی آفریقایی از گردونه رقابت‌ها حذف شد تا شکستی تلخ در کارنامه ماتادورها ثبت شود؛ اتفاقی که در واقع فروپاشی یک مدل فکری بود.

تیمی که سال‌ها بر مالکیت توپ، کنترل ریتم و تکرار الگوهای کلاسیک تیکی‌تاکا تکیه داشت، در برابر تیمی سازمان‌یافته و بی‌ادعا به بن‌بست رسید؛ بن‌بستی که نشان داد فوتبال اسپانیا بیش از آنکه نیازمند تغییرات جزئی باشد، به یک بازتعریف ساختاری احتیاج دارد. اینجا بود که ورود لوئیس دلافوئنته نه به‌عنوان یک انتخاب موقت، بلکه به‌عنوان طراح متفکری برای آغاز پروژه‌ای بازسازی‌محور معنا پیدا کرد. دلافوئنته، برخلاف جریان محافظه‌کار رایج در فوتبال ملی، مسیر متفاوتی را برگزید؛ مسیری که از دل تیم‌های پایه عبور می‌کرد و بر پایه شناختی عمیق از نسل جدید فوتبال اسپانیا شکل گرفته بود. او به‌جای اتکا به نام‌ها، به «کارکرد» اندیشید و مهم‌تر از آن، به بازیکنانی اعتماد کرد که سال‌ها در رده‌های پایه با آنها کار کرده بود.

این تصمیم، در نگاه سنتی شاید ریسک محسوب می‌شد، اما در عمل به مزیتی رقابتی تبدیل شد. تنها در فاصله‌ای کمتر از ۶ ماه و ۱۰ روز از آغاز کار وی، اسپانیا به قهرمانی لیگ ملت‌های اروپا ۲۰۲۳ رسید؛ موفقیتی که نه یک اتفاق، بلکه نشانه‌ای از سرعت بالای انطباق یک تیم جوان با ایده‌های تاکتیکی جدید بود.

اما نقطه عطف اصلی در جام جهانی ۲۰۲۶ رقم خورد؛ جایی که پروژه جوانگرایی به بلوغ رسید. اسپانیا با میانگین سنی حدود ۲۶ تا ۲۷ سال وارد تورنمنت شد و در میان تیم‌های مدعی، یکی از جوان‌ترین ترکیب‌ها را در اختیار داشت. این عدد زمانی معنا پیدا می‌کند که بدانیم بسیاری از مدعیان سنتی با میانگین سنی نزدیک به ۲۹ تا ۳۰ سال در مسابقات حاضر بودند. حتی در ترکیب اصلی اسپانیا، سهم بازیکنان زیر ۲۳ سال به‌طرز قابل‌توجهی بالا بود؛ بازیکنانی که نه‌تنها نقش مکمل، بلکه نقشی محوری در ساختار تیم ایفا می‌کردند. حضور بازیکنانی مانند لامین یامال در سنین زیر ۲۰ سال، پاو کوبارسی در خط دفاع، گاوی و پدری در خط میانی، نشان‌دهنده تغییری بنیادین در نگاه به تیم ملی بود. اینها بازیکنانی نبودند که برای آینده ذخیره شوند؛ آنها «حال» تیم ملی کشورشان بودند.

داده‌های مربوط به دقایق بازی این تیم در جام‌جهانی ۲۰۲۶ نیز این واقعیت را تأیید می‌کند؛ درصد قابل‌توجهی از زمان بازی اسپانیا در این رقابت‌ها در اختیار بازیکنان زیر ۲۵ سال بود؛ موضوعی که در سطح تیم‌های قهرمان کمتر سابقه داشته است. در عین حال، ترکیب تیم با حضور چند بازیکن باتجربه‌تر، تعادل لازم را حفظ کرد، اما هسته اصلی تیم بر پایه انرژی، سرعت تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری تاکتیکی نسل جوان شکل گرفته بود.

در چنین شرایطی، قهرمانی در جام جهانی ۲۰۲۶ و پیش از آن یورو ۲۰۲۴، بیش از آنکه یک موفقیت صرف باشد، به پاسخی روشن برای منتقدان تبدیل شد؛ همان‌هایی که سال‌ها تکرار می‌کردند «تیم‌ملی جای جوانگرایی نیست» یا «تغییرات گسترده در تیم‌های ملی منجر به بی‌ثباتی می‌شود». اکنون آنها با این واقعیت مواجه شده‌اند که «تیم ملی جای جوانگرایی است»؛ دقیقاً همان مسیری که دلافوئنته درستی آن را به اثبات رساند. این گزاره‌ها، اگرچه در ظاهر محافظه‌کارانه و منطقی به نظر می‌رسند، اما در عمل چیزی جز بازتولید ترس از تغییر نیستند. تجربه اسپانیا نشان داد مشکل، جوانگرایی نیست؛ مشکل، فقدان برنامه در جوانگرایی است.

واقعیت این است که فوتبال مدرن دیگر جایی برای تیم‌های ایستا باقی نگذاشته است. سرعت بازی، فشردگی تقویم و پیچیدگی‌های تاکتیکی، نیازمند بازیکنانی است که هم از نظر بدنی در اوج باشند و هم از نظر ذهنی توانایی انطباق سریع را داشته باشند؛ ویژگی‌هایی که به‌طور طبیعی در نسل‌های جوان‌تر بیشتر یافت می‌شود. اسپانیا با درک این واقعیت، نه‌تنها از تغییر نترسید، بلکه آن را به‌عنوان یک استراتژی بلندمدت پذیرفت و اجرا کرد.

پروژه دلافوئنته را باید فراتر از یک موفقیت مقطعی تحلیل کرد. این پروژه، الگویی مدیریتی در فوتبال ملی است؛ الگویی که نشان می‌دهد اگر جوانگرایی بر پایه شناخت، تداوم و انسجام تاکتیکی بنا شود، می‌تواند به خلق چرخه‌ای از موفقیت پایدار منجر شود. اسپانیا پس از ۲۰۲۲، از تیمی گرفتار در تکرار به تیمی تبدیل شد که آینده را می‌سازد و شاید مهم‌ترین پیام این تحول برای فوتبال جهان این باشد: در عصر جدید، تیم‌هایی برنده‌اند که نه به گذشته، بلکه به آینده اعتماد می‌کنند.

اصغر مدیرروستا، بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

پاداش اعتماد به جوان‌ها، فتح قله قهرمانی است

مهری رنجبر/ قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶ بار دیگر نام دلافوئنته را در صدر توجهات قرار داد؛ سرمربی‌ای که با تکیه بر نسل جوان نشان داد قرار نیست همیشه چرخ فوتبال بر مدار تجربه صرف بچرخد. اصغر مدیرروستا، بازیکن پیشین تیم ملی ایران، با اشاره به اهمیت حضور تأثیرگذار ستاره‌های نوظهور در ترکیب اسپانیا می‌گوید: «لوئیس دلافوئنته این بار هم پاسخ اعتمادش به بازیکنان جوان را گرفت تا نشان دهد پاداش اعتماد، فتح قله‌های بزرگ است.»

علی اصغر مدیرروستا در گفت‌وگو با «ایران»، قهرمانی اسپانیا با اتکا به بازیکنان جوان را رویدادی مهم و عبرت‌آموز برای تمام تیم‌های دنیا می‌داند و دراین‌باره می‌گوید: «لیگ پویای اسپانیا، باشگاه‌های این کشور را به کارخانه بازیکن‌سازی تبدیل کرده و به همین دلیل دست سرمربی تیم ملی برای جوانگرایی و تزریق نیروی تازه به ترکیب تیم باز است. او با اتکا به این ظرفیت، برنامه کاری خود را برای چهار سال آینده آغاز کرد و نتیجه این توجه و سرمایه‌گذاری روی بازیکنان زیر ۳۰ سال، قهرمانی در جام جهانی شد. در واقع، چرخه تولید بازیکنان جوان در باشگاه‌ها هیچ‌گاه متوقف نشده و با سرمایه‌گذاری روی استعدادها، بدون لابی‌گری، آنها را برای آینده فوتبال کشور پرورش می‌دهند. اسپانیا نشان داد با یک برنامه ۱۵ ساله می‌توان نسل طلایی ساخت و به قهرمانی جهان رسید. این اتفاق حتی در ژاپن و کره نیز رخ داده و حالا این دو کشور آسیایی هم در همان مسیر گام برمی‌دارند.» مدیرروستا در ادامه به موضوع زمان آماده‌سازی تیم‌های مدعی اشاره می‌کند و معتقد است اولین قهرمانی تیم ملی اسپانیا با این تیم، تنها شش ماه پس از حضور دلافوئنته در کادر فنی رقم خورد؛ بنابراین نمی‌توان ادعا کرد در مدت کوتاه دستیابی به موفقیت بزرگ ممکن نیست. او توضیح داد: «لوئیس دلافوئنته نشان داد کارهای بزرگ با تفکر بزرگ قابل دسترسی است. شش ماه برای ساختن یک تیم قدرتمند زمان کمی نیست. شاید در کشورهایی که فاقد برنامه و زیرساخت هستند، این مدت کوتاه به نظر برسد، اما برای اسپانیا با لیگ پویایی که دارد، نه‌تنها کم نیست، بلکه زمان مناسبی هم محسوب می‌شود. به همین دلیل، سرمربی اسپانیا پس از انتخاب در سال ۲۰۲۳ توانست به اولین قهرمانی خود دست پیدا کند. پس هر کسی که می‌گوید در زمان کوتاه نمی‌توان به موفقیت رسید، به‌دنبال فرار از واقعیت است.» وی در پایان گفت: «معمولاً در کشورهایی مثل اسپانیا، مربی جدید نیز در چارچوب همان برنامه از پیش تعیین‌شده حرکت می‌کند. وقتی دلافوئنته در عرض شش ماه تیمش را به قهرمانی می‌رساند، نشان می‌دهد این زمان برای ساختن یک تیم ملی کافی است و می‌توان کار اصولی انجام داد. اما مشکل زمانی ایجاد می‌شود که نه برنامه‌ریزی درستی وجود داشته باشد و نه افراد در جایگاه واقعی خود قرار گرفته باشند.»

> اسپانیا نشان داد با یک برنامه ۱۵ ساله می‌توان نسل طلایی ساخت و به قهرمانی جهان رسید. این اتفاق حتی در ژاپن و کره نیز رخ داده و حالا این دو کشور آسیایی هم در همان مسیر گام برمی‌دارند

عکس: www.Gettyimages.com

دلافوئنته چگونه جام را به خانه برد

دستاورد از دل «آمارسازی» بیرون نمی‌آید

گروه ورزشی / تیم ملی اسپانیا تحت هدایت دلافوئنته یکی از روشن‌ترین نمونه‌های «کاربرد درست آمار در خدمت استراتژی» بود؛ تیمی با میانگین سنی حدود ۲۶ تا ۲۷ سال که در مقایسه با بسیاری از مدعیان سنتی که عمدتاً میانگین سنی نزدیک به ۲۹ تا ۳۰ سال داشتند نه‌تنها جوان‌تر، بلکه از نظر فیزیکی و شناختی آماده‌تر برای پاسخ به الزامات فوتبال مدرن ظاهر شد. اما نکته کلیدی اینجاست؛ مزیت اسپانیا صرفاً «پایین بودن عدد میانگین سنی» نبود، بلکه نحوه به‌کارگیری این ظرفیت در یک چارچوب تاکتیکی منسجم، این تفاوت را رقم زد. داده‌های ثبت‌شده از دقایق بازی نشان می‌دهد سهم بازیکنان زیر ۲۵ سال در ترکیب اسپانیا به‌طور معناداری بالاتر از اغلب تیم‌های حاضر در مراحل حذفی بود؛ این در حالی است که بسیاری از تیم‌هایی که زودتر از رقابت‌ها کنار رفتند، یا به شکل افراطی به تجربه متکی بودند یا در استفاده از جوانان دچار بی‌برنامگی شدند. اما اسپانیا نه گرفتار «محافظه‌کاری مبتنی بر تجربه» شد و نه به دام «جوانگرایی نمایشی» افتاد؛ بلکه با ایجاد توازن میان این دو، ساختار پویا و واقعی فوتبال خود را ارائه داد.

در نقطه مقابل، تیم‌هایی که حذف شدند- با وجود ثبت برخی شاخص‌های آماری قابل‌توجه مانند درصد مالکیت بالا، تعداد پاس‌های زیاد یا حتی آمار پایین گل خورده در مراحل گروهی- نتوانستند این داده‌ها را به «برتری کارکردی» در زمین مسابقه تبدیل کنند. مالکیت بدون عمق، پاس بدون پیشروی و کنترل بازی بدون خلق موقعیت، صرفاً اعداد زیبایی هستند که در گزارش‌ها می‌درخشند، اما در لحظات تعیین‌کننده هیچ ارزشی تولید نمی‌کنند. این همان خطای رایجی است که سال‌ها در فوتبال ملی تکرار شده؛ اشتباه گرفتن «آمار» با «اثرگذاری.» اسپانیا در ۲۰۲۶ نشان داد که معیار موفقیت، نه تعداد پاس‌هاست، نه درصد مالکیت و نه حتی رکورد نباختن در مراحل اولیه؛ بلکه توانایی در اجرای یک استراتژی چندلایه در لحظات کلیدی مسابقه است. این تیم در فاز انتقال، چه در حمله و چه در دفاع، سرعت تصمیم‌گیری بالاتری داشت؛ در فاز تهاجمی، با استفاده از تحرک بازیکنان جوان، خطوط دفاعی حریف را از کار می‌انداخت و در فاز دفاعی، با فشردگی و پرس هوشمند، زمان و فضای تصمیم‌گیری را از رقبا می‌گرفت. اینها شاخص‌هایی هستند که در قالب اعداد خام به‌سادگی دیده نمی‌شوند، اما تعیین‌کننده نتیجه‌اند. نکته مهم دیگر، «کیفیت دقایق» بود، نه صرفاً «تعداد دقایق». در حالی که برخی تیم‌ها به ثبت دقایق بازی بازیکنان خاص یا حفظ رکوردهای فردی دل‌خوش بودند، اسپانیا توزیع دقایق را در راستای حفظ شدت بازی و پایداری تاکتیکی مدیریت کرد. همین موضوع باعث شد تیم در نیمه‌های معروف به مربیان جایی که بسیاری از رقبا افت محسوسی داشتند، همچنان از نظر فیزیکی و ذهنی برتر باقی بماند. این مقایسه یک پیام روشن دارد؛ دستاورد در جام جهانی از دل «آمارسازی» بیرون نمی‌آید. تاریخ این رقابت‌ها بارها نشان داده تیم‌هایی که به اعداد پناه می‌برند در برابر تیم‌هایی که «برنامه» دارند، محکوم به شکست‌اند. اسپانیا با دلافوئنته، آمار را نه به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان ابزار به کار گرفت؛ ابزاری برای سنجش، اصلاح و بهینه‌سازی یک ایده تاکتیکی. قهرمانی اسپانیا را باید پیروزی «استراتژی بر آمار» دانست. تیمی که نشان داد اگر داده‌ها در خدمت یک طرح کلان قرار نگیرند، تنها اعدادی بی‌جان هستند؛ اما اگر با شناخت، جسارت و انسجام همراه شوند، می‌توانند به خلق یک چرخه موفقیت منجر شوند. این همان درسی است که بسیاری از تیم‌های حذف‌شده هنوز آن را نیاموخته‌اند؛ در فوتبال مدرن، برنده کسی نیست که بهتر عدد بسازد، بلکه کسی است که بهتر بازی را بفهمد و آن را اجرا کند.

سه گانه معنادار دلافوئنته با نصف دستمزد انریکه

قهرمانی ارزان لاروخا

گروه ورزشی / گزارش‌های منتشرشده و داده‌محور در رسانه‌های معتبر جهان از فوتبال ملی اسپانیا، تصویری متفاوت از نسبت «هزینه و موفقیت» ارائه می‌دهند؛ جایی که لوئیس دلافوئنته با وجود ثبت یکی از پرافتخارترین دوره‌های تاریخ این تیم، همچنان دستمزدی در سطح متوسط دریافت می‌کند. براساس داده‌های منتشرشده، او در آغاز حضورش روی نیمکت اسپانیا در سال ۲۰۲۲ حدود یک میلیون یورو در سال درآمد داشت و پس از تمدید قرارداد و موفقیت‌های پی‌درپی، این رقم به حدود ۱.۸ میلیون یورو به‌علاوه پاداش افزایش یافت. با ادامه روند موفقیت‌ها-از قهرمانی لیگ ملت‌های اروپا ۲۰۲۳ تا فتح یورو ۲۰۲۴ و در نهایت قهرمانی جام جهانی ۲۰۲۶-دستمزد او به‌طور میانگین در حدود ۲ میلیون یورو در سال تثبیت شد؛ رقمی که در رتبه‌بندی مربیان جام جهانی نیز او را در حدود رتبه پانزدهم قرار می‌دهد. این درحالی است که برخی برآوردها، مجموع دریافتی او با احتساب پاداش‌ها را ۲ تا ۳ میلیون یورو نیز تخمین می‌زنند.

از نظر اقتصاد فوتبالی، این ارقام در تضاد آشکار با دستاوردهای او در تیم ملی اسپانیا قرار دارد. دلافوئنته اسپانیا را به سه قهرمانی بزرگ رساند و حتی رکوردی مانند ۳۸ بازی بدون شکست را نیز ثبت کرد؛ موفقیتی که او را به یکی از موفق‌ترین مربیان حال حاضر فوتبال ملی تبدیل کرده است.

این وضعیت زمانی معنادارتر می‌شود که دستمزد دریافتی او با دوره لوئیس انریکه تفاوت بسیار زیادی دارد. طبق داده‌های رسانه‌ای منتشر شده، انریکه در دوران هدایت تیم ملی سالانه حدود ۳ تا ۳.۵ میلیون یورو دریافت می‌کرد؛ رقمی به‌مراتب بالاتر، در حالی که تیم ملی در آن دوره به جام بزرگی دست نیافت. بنابراین، مقایسه نشان می‌دهد که اسپانیا با کاهش هزینه مربی، به بازده ورزشی بیشتری رسیده است.

در مورد پاداش قهرمانی جام جهانی ۲۰۲۶، داده‌های رسمی همچنان محدود است. هیچ رقم دقیقی درباره سهم شخصی دلافوئنته منتشر نشده، اما گزارش‌ها تأیید می‌کنند که قرارداد او شامل بندهای پاداش مبتنی بر عملکرد بوده است. بر این اساس او از موفقیت‌های بزرگ بی‌نصیب نمانده، هرچند جزئیات مالی در سطح عمومی افشا نشده است.

در مجموع، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که پروژه اسپانیا با هدایت دلافوئنته، نمونه‌ای از «کارایی بالا با هزینه کنترل‌شده» است؛ مدلی که در آن، موفقیت ورزشی از منطق رایج بازار دستمزدها پیشی گرفته است.

نقش تأثیرگذار ستاره‌های جوان در کسب یک موفقیت بزرگ

موفقیت تاریخی ماتادورها

گروه ورزشی / در قهرمانی اسپانیا در جام‌جهانی ۲۰۲۶، نقش بازیکنان جوان فراتر از یک حضور نمایشی بود؛ آنها به‌عنوان بخشی محوری از ساختار تیم، مستقیماً بر کیفیت بازی و نتایج «لاروخا» تأثیرگذاشتند و سهمی پررنگ در کسب این موفقیت ایفا کردند.

داده‌های عملکردی ثبت شده از بازیکنان جوان اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد این نسل سه مزیت کلیدی را به‌عنوان ارزش افزوده برای لاروخا به ارمغان آورد؛ اول، افزایش شدت در فاز انتقال؛ به‌گونه‌ای که سرعت بازپس‌گیری توپ و تبدیل دفاع به حمله در اسپانیا بالاتر از میانگین تورنمنت بود. دوم، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری در فضاهای محدود؛ جایی که بازیکنان جوان، با وجود فشار بالا، بازی را سریع و دقیق به جلو هدایت کردند. سوم، پایداری عملکرد در طول مسابقه؛ به‌طوری‌که برخلاف بسیاری از تیم‌ها، اسپانیا در دقایق پایانی با افت محسوسی مواجه نشد.

اما تفاوت اصلی در «کیفیت تأثیرگذاری» این بازیکنان نهفته بود. در تیم‌های حذف‌شده، جوانان اغلب نقشی حاشیه‌ای داشتند و بیشتر به نیمکت محدود می‌شدند؛ اما در اسپانیا، آنها در خلق موقعیت، برهم زدن ساختار دفاعی رقبا و تغییر جریان بازی، نقشی مستقیم و تعیین‌کننده ایفا کردند. این همان تمایز میان استفاده تاکتیکی و استفاده تزئینی از بازیکنان جوان است. در فاز تهاجمی، تحرک بدون توپ این بازیکنان به ایجاد برتری عددی و برهم خوردن نظم دفاعی حریفان منتهی شد. در فاز دفاعی نیز، پرس فشرده و هماهنگ آنها زمان و فضای تصمیم‌گیری را از رقبا سلب کرد؛ موضوعی که در افزایش خطاهای اجباری و از دست رفتن توپ توسط حریفان به‌وضوح مشهود بود. این شاخص‌ها، اگرچه در آمارهای سنتی کمتر به چشم می‌آیند، اما ارتباطی مستقیم با نتایج مسابقات دارند. موفقیت اسپانیا صرفاً حاصل جوانی نبود، بلکه نتیجه ادغام هدفمند این نسل در یک سیستم تاکتیکی منسجم به شمار می‌رفت. تعریف نقش‌های مشخص، مدیریت هوشمندانه دقایق بازی و ایجاد توازن در ترکیب، این تیم را از دام محافظه‌کاری و همچنین جوانگرایی نمایشی دور نگه داشت.

براین اساس، بازیکنان جوان نه‌تنها در این قهرمانی سهیم بودند، بلکه یکی از پایه‌های اصلی آن را شکل دادند؛ نمونه‌ای روشن از این واقعیت که در فوتبال مدرن، «جوانی هدایت‌شده» می‌تواند به عاملی تعیین‌کننده در مسیر موفقیت تبدیل شود.

رسول کربکندی، دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

اسپانیا قهرمان شد چون از آینده نترسید

پریسا غفاری/ قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶ اضافه شدن یک ستاره جدید به پیراهن «لاروخا» نبود؛ این موفقیت نشان داد دلافوئنته تیمی ساخته که در آن انرژی نسل تازه با تجربه، نظم و بلوغ تاکتیکی درهم آمیخته است. حضور چهره‌های ۱۹ ساله‌ای مانند لامین یامال و پائو کوبارسی در کنار بازیکنانی چون رودری و اونای سیمون، ترکیبی متوازن و کارآمد را شکل داد که به واسطه این مهره‌ها دلافوئنته توانست قهرمانی جهان را به دست آورد. رسول کربکندی، دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «اسپانیا صرفاً به‌دلیل جوان بودن قهرمان نشد، بلکه به این دلیل به موفقیت رسید که میان حال و آینده تعارضی ایجاد نکرد. دلافوئنته از تجربه رودری و اونای سیمون بهره برد، اما همزمان از سپردن نقش‌های کلیدی به یامال و کوبارسی نترسید. پیام جام جهانی ۲۰۲۶ روشن است؛ جسارت حرفه‌ای یعنی ساختن امروز به شکلی که آینده را تضمین کند.» رسول کربکندی در ادامه توضیح داد: «نقش یامال و نیکو ویلیامز در ترکیب تیم قهرمان فراتر از حضور نمایشی بود. ساختار هجومی اسپانیا بر سرعت وینگرها، برتری در نبردهای تک‌به‌تک و انتقال سریع از میانه میدان به کناره‌ها استوار بود. دلافوئنته جوانان را صرفاً برای نمایش به میدان نفرستاد؛ آنها پیش از جام جهانی در باشگاه‌های خود مهره‌های مهمی شده بودند، در تیم ملی مسئولیت پذیرفتند و در کنار باتجربه‌ها رشد کردند. این روند از قهرمانی لیگ ملت‌های ۲۰۲۴ آغاز شد و در جام جهانی ۲۰۲۶ به بلوغ رسید.» وی ادامه داد: «اعتماد به جوانان به معنای کنار گذاشتن تجربه نیست. ستون اصلی لاروخا را بازیکنان باتجربه تشکیل می‌دادند. رودری، اونای سیمون و میکل مرینو در کنار استعدادهای تازه، تعادل تیم را حفظ کردند. درس اسپانیا جوان‌سازی صرف نیست، بلکه ایجاد مسیر روشن برای انتقال مسئولیت است؛ بازیکن جوان ابتدا وارد اردو می‌شود، سپس در مسابقات واقعی فرصت می‌گیرد و در نهایت به مهره‌ای تعیین‌کننده تبدیل می‌شود.» کربکندی در ادامه به نقش شناخت دلافوئنته از نسل جدید اشاره می‌کند: «او پیش از هدایت تیم ملی با رده‌های پایه کار کرده و شناخت دقیقی از استعدادهای برخاسته از آکادمی‌هایی چون لاماسیا داشت؛ بازیکنانی که در بارسلونا رشد کردند و هویت فوتبالی خود را یافتند. مهم‌تر از همه، اعتماد کامل به این نسل بود؛ بازیکنانی که هنوز آینده بزرگی پیش‌رو دارند.»

یادداشت

اصغر مازیار
کارشناس فوتبال

کیفیت، هوش و فاکتور جوانی

فاکتور جوانی یکی از دلایل موفقیت اسپانیا در جام جهانی ۲۰۲۶ فوتبال به حساب می‌رود، اما فراتر از فاکتور سن، این کیفیت بازیکنان است که در زمین حرف اول را می‌زند. اگر اسپانیا بازیکنانی مانند یامال، کوبارسی یا پدری را با سن پایین در اختیار دارد، دلیل توجه به آنها جوانی‌شان نیست، بلکه کیفیت فنی، هوش بازی و عملکرد تأثیرگذارشان است که دیده می‌شود. در فوتبال حرفه‌ای، سن زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با کیفیت همراه نباشد.

اتکای اسپانیا به بازیکنان جوان، نتیجه یک اتفاق کوتاه‌مدت نیست، بلکه حاصل سال‌ها سرمایه‌گذاری در آموزش پایه، مدارس فوتبال و آکادمی‌های این کشور است. بازیکنانی که امروز در بالاترین سطح فوتبال جهان می‌درخشند، محصول یک مسیر حرفه‌ای و برنامه‌ریزی شده هستند.

بسیاری از تیم‌ها از نظر میانگین سنی شرایطی نزدیک به اسپانیا داشتند، اما نتوانستند به موفقیت مشابهی برسند. بنابراین اگر سن را عامل اصلی قهرمانی اسپانیا بدانیم، مسیر تحلیل را اشتباه رفته‌ایم، چراکه ریشه اصلی موفقیت این تیم در پرورش فوتبالیست‌های باکیفیت است. عملکرد خوب تیم‌های پایه اسپانیا در رقابت‌های اروپایی و جهانی نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

موفقیت دلافوئنته در تیم ملی اسپانیا و کسب قهرمانی لیگ اروپا تنها به دلیل اعتماد او به جوانان نبود. او علاوه بر در اختیار داشتن بازیکنان مناسب، از برنامه‌ریزی، ابزارهای حرفه‌ای و مهم‌تر از همه تفکرات درست مربیگری برخوردار بود. داشتن بهترین بازیکنان به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست؛ یک مربی باید توانایی شناخت، هدایت و گرفتن بهترین عملکرد را از آنها داشته باشد.

تجربه اسپانیا نشان می‌دهد که ساختن یک تیم قدرتمند حتی در مدت کوتاه شش‌ماهه امکان‌پذیر است، به شرط آنکه انتخاب بازیکنان بر اساس کیفیت واقعی باشد. جوانگرایی زمانی نتیجه می‌دهد که پشتوانه آموزشی مناسبی وجود داشته باشد. تغییر نسل نیز می‌تواند به تیم کمک کند؛ حتی انتخاب بازیکنان ۲۷ ساله با تجربه کمتر اما توانایی بالا، همراه با برنامه آماده‌سازی مناسب می‌تواند سطح عملکرد یک تیم ملی را در مدت کوتاهی ارتقا دهد.

واکنش

هم‌صدایی رسانه‌ها با پروژه دلافوئنته

همدلی و همراهی با تیم ملی

گروه ورزشی/ حمایت کم‌سابقه رسانه‌های اسپانیا از تفکرات لوئیس دلافوئنته، از همان روزهای ابتدایی جام جهانی ۲۰۲۶، نشانه‌ای روشن از شکل‌گیری یک همدلی ملی برای رسیدن به افتخاری بزرگ و تاریخی بود؛ همدلی‌ای که در نهایت با قهرمانی، به اوج خود رسید. روزنامه‌ها و رسانه‌های معتبر اسپانیا، این‌بار نه در نقش منتقد، بلکه در قامت همراه، پشت سر سرمربی ایستادند و پروژه جوانگرایی او را به‌عنوان مسیری درست و آینده‌دار به رسمیت شناختند.

دلافوئنته با انتخاب‌هایی جسورانه، مسیر متفاوتی را در پیش گرفت. او به‌جای اتکا به نام‌های بزرگ و باتجربه، به نسل تازه‌ای از بازیکنان میدان داد؛ چهره‌هایی مانند پدری، گاوی و لامین یامال که با انرژی، خلاقیت و بی‌باکی، فضای متفاوتی را در تیم ملی این کشور ایجاد کردند. این انتخاب، در ابتدا ریسک‌پذیر به نظر می‌رسید، اما خیلی زود به نقطه قوت اصلی اسپانیا تبدیل شد.

رسانه‌های اسپانیایی با درک این تغییر رویکرد، به‌تدریج یک خط مشی مشترک را شکل دادند. تحلیل‌ها به‌جای تمرکز بر کم‌تجربگی بازیکنان، بر انسجام تیمی، پویایی تاکتیکی و شجاعت کادر فنی تأکید داشت. روایت غالب این بود که اسپانیا نه با ستاره‌های منفرد، بلکه با یک «سیستم زنده و هماهنگ» قهرمان شده است؛ سیستمی که از دل تیم‌های پایه تغذیه شده و حالا به بلوغ رسیده است.

نکته قابل توجه، غیبت تقریبی انتقاد از سیاست جوانگرایی بود. در فضایی که معمولاً کوچک‌ترین لغزش با موجی از نقد همراه می‌شود، این‌بار موفقیت تدریجی تیم باعث شد تردیدها جای خود را به اعتماد بدهند. حتی نگرانی‌های محدود درباره فشار بر بازیکنان جوان، بیشتر در قالب هشدارهای حمایتی مطرح شد، نه مخالفت با اصل تصمیم.

قهرمانی اسپانیا تنها نتیجه یک تورنمنت موفق نبود؛ بلکه حاصل همگرایی یک ایده، یک تیم و یک فضای رسانه‌ای بود که این‌بار، به‌جای تردید، راه اعتماد را انتخاب کرده بود.

ردپای جنگ آمریکا در قلب فناوری خلیج فارس

گزارش

محبوبه ستارزاده
گروه علم و فناوری

همزمان با دور تازه تجاوز جنایتکارانه آمریکا به کشورمان و پاسخ قاطع نیروهای مسلح به این تجاوز، دامنه جنگ باز هم به دنیای فناوری کشیده شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد که رزمندگان هوافضای سپاه در پاسخ به تجاوز و تعرض ارتش کودک کش آمریکا به تأسیسات در دست احداث و غیرنظامی دارخوئین، زیرساخت مرکزی داده‌های شرکت آمریکایی آمازون را در بحرین با چند فروند موشک کروز مورد هجوم قرار دادند و آن را ویران کردند.

مغز متفکر پردازش اطلاعاتی واشنگتن در منطقه

اما چرا پای جنگ به دیتاسنترها و مراکز داده ابری غول‌های فناوری مستقر در کشورهای حوزه خلیج فارس باز شد؟ واکنش‌های استراتژیک ایران به تجاوزات آمریکا در میدان نبرد، حالا دیگر یک تغییر عمده را برجسته کرده است. واقعیت این است که مراکز داده، سرویس‌های ذخیره‌سازی ابری، ارائه دهندگان هوش مصنوعی تجاری، پلتفرم‌های لجستیک و زیرساخت‌های نرم‌افزاری به بخشی از فضای نبرد تبدیل شده‌اند. این فناوری‌ها دیگر سیستم‌های پس‌زمینه غیرنظامی در پشت جبهه نیستند چراکه به فعال کردن عملیات نظامی، جریان‌های مالی، ارتباطات، هدف‌گیری، لجستیک و... کمک می‌کنند.

با توجه به این موارد، مراکز داده آمازون در بحرین به‌عنوان یک هدف مشروع شناخته شد. درواقع تأسیسات آمازون در بحرین را می‌توان مغز متفکر پردازش اطلاعاتی واشنگتن و متحدان آن در خلیج فارس دانست. این غول دنیای فناوری یکی از چهار پیمانکار اصلی وزارت جنگ آمریکا در قرارداد قابلیت مشترک جنگاوری ابری (JWCC DOD) است؛ قراردادی ۹ میلیارد دلاری که به پنتاگون کمک می‌کند از فناوری‌هایی همچون پردازش ابری، تحلیل داده و ابزارهای هوش مصنوعی در لبه‌های عملیاتی و پایگاه‌های منطقه‌ای بهره بگیرد.

مراکز داده را می‌توان در جنگ‌های دیجیتال امروز به ستون فقرات یک ارتش تشبیه کرد و البته چنین مراکزی در شرایط فعلی، برای آمریکا از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه می‌توان این مراکز داده را هدایتگر اصلی شهپادها (شناورهای بدون سرنشین) در نیروی دریایی آمریکا و همچنین تجهیزات ناوبری مبتنی بر هوش مصنوعی و پایگاه اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها دانست. بنابراین از کار افتادن این مراکز یا بخشی از آنها می‌تواند ضربه‌ای مستقیم به توان دفاعی آمریکا باشد.

ناکامی کشورهای خلیج فارس در پروژه استارگیت

این اولین بار نیست که مراکز داده در تجاوز آمریکا به ایران مورد هدف قرار می‌گیرند و پیش از این هم در جریان جنگ رمضان، از سوی ایران فهرست ۱۸ شرکت فناوری فعال در کشورهای حوزه خلیج فارس منتشر شد که به طور فعال در طراحی، ردیابی و هدایت عملیات‌های تروریستی علیه ایران نقش داشتند. در میان این شرکت‌ها نام سیسکو، آمازون، اچ‌پی، اینتل، اوراکل، مایکروسافت، اپل، گوگل، متا، آی‌بی‌ام، دل، پلنیتیر، انویدیا، جی‌پی مورگان، تسلا، جی‌ای، اسپایر سولوشن، جی۴۲ و بوئینگ دیده می‌شد.

پس از آن هم در پاسخ به ترورهایی که توسط آمریکای جنایتکار انجام شد، در فروردین ماه مراکز داده آمازون و اوراکل در بحرین و امارات متحده عربی مورد حمله قرار گرفت وزیرساخت‌های مرکز داده‌ها و رایانش این شرکت‌ها تخریب شد.

رویای برباد رفته کشورهای حوزه خلیج فارس

اما این جنگ و حملات به مراکز فناوری، چه پیامی برای کشورهای حوزه خلیج فارس و همراهی آنان با آمریکا دارد؟

کشورهای حوزه خلیج فارس طی سال‌های گذشته، سرمایه‌گذاری بسیاری برای فناوری‌های نوین داشته‌اند و شاهد همکاری آنها با غول‌های فناوری جهان از آمازون گرفته تا گوگل، تسلا و... بوده‌ایم.

برای دهه‌ها، کشورهای حوزه خلیج فارس تریلیون‌ها دلار در اقتصاد آمریکا سرمایه‌گذاری کردند و امنیت خود را به واشنگتن گره زدند اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ، این همکاری تنگاتنگ‌تر شد. در نهایت پروژه بزرگ هوش مصنوعی «استارگیت»، کلید خورد و مقرر شد عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی، روی هم رفته تقریباً ۲.۵ تریلیون دلار به سرمایه‌گذاری‌های فناوری مرتبط با ایالات متحده اختصاص دهند. طی این همکاری، مقرر شد آمازون ۵.۳ میلیارد دلار به یک مرکز هوش مصنوعی در ریاض اختصاص دهد و انویدیا هم طی همکاری با شرکت Humain عربستان سعودی، تا ۶۰۰ هزار پردازنده گرافیکی (GPU) تأمین کند.

اما تحلیل گر فاینانشیال تایمز با اشاره به ورود ایران به میدان نبرد زیرساخت‌های دیجیتال، در گزارشی یادآور شده است که گسترش سریع مراکز داده متعلق به شرکت‌های آمریکایی در خاورمیانه، جبهه‌ای تازه در تقابل میان ایران و آمریکا ایجاد کرده و در عمل رویای سودآوری برای کشورهای حوزه خلیج فارس را به باد داده است.

در این گزارش به حمله پهپادی به تأسیسات خدمات وب آمازون در امارات متحده عربی و بحرین اشاره شده و آسیب‌پذیری مراکز رایانش ابری را در کانون توجه قرار داده است؛ تأسیساتی که هرچند نماد حضور و قدرت فناوری آمریکا در منطقه بود اما این جنگ نشان داد که دفاع از این زیرساخت‌ها در برابر حملات هوایی، چندان ساده نیست. این حملات به مراکز داده در خاورمیانه، موجب اختلال در ارائه خدمات در سراسر منطقه شد و اپلیکیشن‌های بانکداری آنلاین و... از این حملات، تأثیر گرفتند.

دربخشی از این گزارش هم آمده است با توجه به نبود حفاظت مناسب از زیرساخت‌های ابری در کشورهای حوزه خلیج فارس، به نظر می‌رسد حالا دیگر کشورهایی مانند امارات و عربستان برای ورود به پروژه بزرگ و جهانی «استارگیت»، در حوزه هوش مصنوعی با مشکلاتی جدی مواجه خواهند شد.

منبع: Financial times

پایداری شبکه با یک آنتن 5G نوآورانه

دانشگاه

پژوهشگران دانشگاه صنعتی امیرکبیر موفق شده‌اند به یکی از چالش‌های مهم شبکه‌های نسل پنجم یعنی مصرف بالای انرژی و محدودیت منابع تغذیه در تجهیزات بی‌سیم پاسخ دهند. مهدی شیری‌چیان، دانش‌آموخته دکترای مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر موفق شد با راهنمایی اعضای هیأت علمی این دانشگاه، نمونه‌ای نوآورانه از آنتن ایستگاه پایه نسل پنجم مخابرات را طراحی و پیاده‌سازی کند که علاوه بر انتقال داده، توانایی ارسال همزمان توان الکتریکی به تجهیزات را نیز دارد و به این ترتیب شبکه، پایدارتر خواهد شد.

این فناوری که با عنوان «انتقال همزمان توان و اطلاعات به‌صورت بی‌سیم» (SWIPT) شناخته می‌شود، می‌تواند از طریق امواج رادیویی، هم اطلاعات و هم انرژی مورد نیاز دستگاه‌ها را منتقل و نقش مهمی در کاهش مصرف انرژی و توسعه شبکه‌های ارتباطی آینده ایفا کند.

در این پروژه، یک آنتن ویژه ایستگاه‌های پایه نسل پنجم طراحی شده که قابلیت ایجاد چندین پرتو را در جهات مختلف دارد. این ویژگی موجب می‌شود انتقال داده و انرژی با کارایی بیشتری انجام شود.

همچنین برای تکمیل سامانه، شبکه تغذیه آنتن توسعه داده شد تا تمامی نیازهای یک ایستگاه پایه داخلی تأمین شود.

بخش مهم دیگری از این پژوهش به مدل‌سازی گیرنده توان اختصاص دارد. در این طرح با تحلیل داده‌های متعدد، مدلی آماری و غیرخطی برای دریافت انرژی ارائه شد که دقت آن بیش از ۹۵ درصد با داده‌های واقعی مطابقت دارد. این مدل علاوه بر کاربرد در سامانه‌های SWIPT، می‌تواند در حل مسائل پیچیده بهینه‌سازی در حوزه مخابرات نیز مورد استفاده قرار گیرد.

این فناوری علاوه بر کاربرد در شبکه‌های 5G، ظرفیت استفاده در حوزه‌هایی همچون اینترنت اشیا، سامانه‌های برداشت انرژی، فناوری‌های پزشکی و حتی نسل ششم ارتباطات بی‌سیم را نیز دارد. همچنین به کمک مدل ارائه‌شده، در سیستم‌های چندآنتنه (MIMO) نیز مکان افزایش توان خروجی و در عین حال حفظ کیفیت انتقال داده فراهم می‌شود.

نتایج این پژوهش تاکنون در نشریات و کنفرانس‌های معتبر بین‌المللی منتشر شده و محققان امیدوارند در گام بعدی، زمینه صنعتی‌سازی و تجاری‌سازی این فناوری در کشور فراهم شود. به باور آنها، توسعه چنین فناوری‌هایی می‌تواند علاوه بر ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی، مسیر حرکت به سوی شبکه‌های هوشمند، کم‌مصرف و پایدار آینده را هموار کند.

حوزه فاوا

■ ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در دومین جلسه ستاد اربعین این وزارتخانه، با اشاره به توافق صورت گرفته با طرف عراقی برای ایام اربعین گفت: «علاوه بر ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی، پیش‌بینی ۱۰۰ ایستگاه ارائه اینترنت رایگان در بخش‌هایی از مسیر نجف به کربلا، در دستور کار است.» در این جلسه، حمید فتاحی، رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی هم با اشاره به امضای تفاهمنامه همکاری میان ایران و عراق در حوزه ارتباطات ویژه اربعین گفت: «از مهم‌ترین محورهای این توافق می‌توان به تسهیل خدمات رومینگ، اختصاص فرکانس برای رادیو اربعین و رادیو امام رضا(ع) و استفاده از کد سه‌رقمی برای خدمات‌رسانی به زائران اشاره کرد.»

همراه با غول‌های فناوری

■ ایلان ماسک با انتشار پستی در ایکس اعلام کرد که ابزار Grok Imagine تا پیش از پایان سال ۲۰۲۶، یک فیلم بلند کامل از «ادیسه» اثر هومر تولید خواهد کرد؛ فیلمی که به گفته او از نظر تاریخی دقیق و به متن این حماسه باستانی وفادار خواهد بود.

■ شرکت «متا» (Meta) در حال کار کردن روی یک اپلیکیشن هوش مصنوعی قصه‌گویی به نام «استوری‌کیت» (StoryKit) است که داستان‌های کودکانه تولیدشده توسط هوش مصنوعی را با شخصیت‌ها، تنظیمات، درس‌ها و موسیقی سفارشی خلق می‌کند.

خبرهای علم

■ پژوهشگران با ترکیب دوده کربنی و نانولوله‌های کربنی در مقیاس نانو، موفق به تولید پوششی فوق‌سیاه شده‌اند که بیش از ۹۹.۹ درصد نور مرئی را جذب می‌کند. این فناوری که با روش‌های رایج رنگ‌آمیزی خودرو سازگار است، می‌تواند نسل تازه‌ای از رنگ‌های فوق‌تیره و بادوام را برای صنعت خودروسازی به ارمغان آورد.

■ پژوهش‌ها نشان می‌دهد موج‌های گرما با افزایش ۱۲ تا ۱۷ درصدی مرگ‌ومیر قلبی‌عروقی مرتبط هستند و قرارگرفتن طولانی‌مدت در معرض ذرات معلق هوا نیز احتمال اختلال عملکرد قلب را حدود ۳۲ درصد افزایش می‌دهد.

کوتاه از فناوری

■ پژوهشگران دستگاهی کوچک و کم‌هزینه مبتنی بر هوش مصنوعی توسعه دادند که فقط با شنیدن صدای بال‌زدن پشه‌ها، گونه‌های خطرناک ناقل بیماری‌هایی مانند مالاریا و تب دنگی را شناسایی می‌کند.

■ شرکت xMEMS از فن خنک‌کننده فوق‌العاده کوچکی رونمایی کرده است که درون عینک‌های هوشمند قرار می‌گیرد.

■ نخستین آمبولانس خورشیدی جهان با نام «استلا جووا» رونمایی شد. این خودروی امدادی می‌تواند تجهیزات پزشکی مورد نیاز را هم بدون وابستگی به شبکه برق یا سوخت فسیلی، فعال نگه دارد.

■ شرکت گارمین بالاخره با ارائه دستبند هوشمند سیرکا (Cirqa)، یک ردیاب تناسب اندام بدون صفحه نمایش ساخت.

کهکشان

■ ناسا تصویری از ابرمولکولی «تاج جنوبی» و «خوشه لوستر» را در دل آسمان به عنوان عکس روز خود منتشر کرد. ابرمولکولی تاج جنوبی، ترکیبی از سحابی‌های بازتابی و گسیلشی در سمت چپ این عکس است. این ابر مولکولی با فاصله ۴۳۰ سال نوری از زمین، یکی از نزدیک‌ترین مناطق تشکیل ستاره به زمین است. این ابر حاوی گاز به قدری سرد است (منفی ۲۶۰ درجه سلسیوس) که می‌تواند به پیش‌ستاره‌ها تبدیل شود.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ سرویس توسعه فونت Mixfont، فونتی به نام Decoy Font منتشر کرده که برای انسان‌ها قابل خواندن است، اما برای هوش مصنوعی به شکل کاراکترهای متفاوتی دیده می‌شود. هوش مصنوعی حالا می‌تواند تاریخ و زمان را از تصاویر رویدادها بخواند و متن را از اسکرین‌شات‌های اسناد استخراج کند که این موضوع، نگرانی‌هایی ایجاد کرده است. حالا فونت فریبگر Decoy این مشکل را حل کرده است.

■ تیم Qwen وابسته به علی بابا، از نسل سوم مدل تصویرسازی خود با نام Qwen-Image-3.0 رونمایی کرد. تمرکز اصلی بر تولید تصاویر کاربردی برای طراحی روزنامه، استوری‌بورد و رابط کاربری است. پشتیبانی از دستورهای متنی طولانی تا ۴۵۰۰ توکن به مدل اجازه می‌دهد تصاویر بسیار پیچیده را در یک مرحله خلق کند.

■ سامسونگ ابزار جدیدی به نام Health Assistant را در قالب نسخه آزمایشی برای کاربران Samsung Health در آمریکا منتشر کرد. این سرویس مبتنی بر هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های مربوط به خواب، فعالیت بدنی، تغذیه، ذهن‌آگاهی و علائم حیاتی، توصیه‌های شخصی‌سازی‌شده‌ای برای بهبود سبک زندگی ارائه می‌دهد.

علم

رها منفرد
گروه علم و فناوری

تیغ دولبه رژیم کتوژنیک برای سلامت

رژیم کتوژنیک که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین شیوه‌های کاهش وزن و کنترل قند خون تبدیل شده، این بار نه به دلیل مزایای آن، بلکه به خاطر یافته‌ای نگران‌کننده در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهشگران مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) در مطالعه‌ای تازه دریافتند تأثیر این رژیم غذایی پرچرب و کم‌کربوهیدرات در بافت‌های مختلف دستگاه گوارش متفاوت است. به عنوان مثال هرچند با وادار کردن بدن به سوزاندن چربی به جای قند، به کاهش وزن کمک می‌کند و برای روده بزرگ مفید است اما می‌تواند باعث تحریک رشد تومورها یا پولیپ‌های روده کوچک شود. به همین دلیل برخی پژوهشگران، این رژیم غذایی را یک تیغ دولبه می‌دانند و معتقدند نباید این رژیم غذایی را بدون در نظر گرفتن شرایط فردی و ویژگی‌های بافت‌های مختلف بدن تجویز کرد.

پژوهشگران در این مطالعه، موش‌هایی را که از نظر ژنتیکی مستعد ابتلا به سرطان روده بودند، تحت رژیم‌های غذایی متفاوت قرار دادند. نتیجه، نشان داد موش‌های دارای رژیم کتوژنیک، بیش از گروه کنترل در معرض خطر تشکیل تومورهای روده کوچک قرار دارند. در مقابل، همین رژیم غذایی در روده بزرگ نتیجه‌ای کاملاً متفاوت داشت و پژوهشگران مشاهده کردند که رژیم کتوژنیک برخلاف روده کوچک، از رشد تومورهای روده بزرگ جلوگیری می‌کند.

در این نوع رژیم برای تولید انرژی، اسیدهای چرب به جای کربوهیدرات‌هایی مانند گلوکز می‌سوزد و اجسام کتونی تولید می‌شود. بررسی‌های تکمیلی نشان داد برخلاف تصور اولیه، عامل اصلی تحریک تومورهای روده کوچک، اجسام کتونی نیستند بلکه انگشت اتهام به سوی نحوه سوخت‌وساز چربی در سلول‌های روده می‌رود. وقتی سلول‌ها برای تأمین انرژی به سوزاندن اسیدهای چرب روی می‌آورند، مسیر متابولیکی خاصی فعال می‌شود که پروتئین‌هایی از خانواده PPAR را تحریک می‌کند. این پروتئین‌ها به سلول‌های بنیادی روده پیام می‌دهند با سرعت بیشتری تقسیم شوند. «عمر ییلماز»، سرپرست این پژوهش، دراین باره گفت: «تکثیر سلول‌های بنیادی می‌تواند در موقعیت‌هایی خاص مانند زمانی که پوشش روده نیاز به ترمیم دارد، مفید باشد اما تکثیر بیش از حد، می‌تواند سلول‌ها را به سمت سرطانی شدن و تشکیل تومور سوق دهد. او در ادامه یادآور شد: سؤال عمیق‌تر این است که چرا یک رژیم غذایی مشابه، پیامدهای متضادی در روده بزرگ و کوچک دارد؟ این چیزی است که ما در مرحله بعد برای درک آن تلاش خواهیم کرد.

منبع: MIT

یک گوشی با دکمه اختصاصی هوش مصنوعی

موبایل

برند نوبیا از اولین گوشی هوشمند مبتنی بر ایجنت هوش مصنوعی خود با نام NaviX Ultra رونمایی کرد؛ دستگاهی که به‌گفته این شرکت، با یک دکمه اختصاصی هوش مصنوعی برای دسترسی مستقیم به دستیار Doubao عرضه می‌شود.

نوبیا پیش‌تر وعده داده بود که وارد این مسیر خواهد شد و حالا اولین نمونه خود با این رویکرد جدید را معرفی کرده است. البته NaviX Ultra اولین گوشی ایجنت‌محور دنیا نیست و پیش از آن نیز استارتاپ چینی StepFun که در سال ۲۰۲۳ و توسط تعدادی از کارمندان سابق مایکروسافت راه‌اندازی شد، گوشی StepX Neo را به‌عنوان اولین گوشی هوشمند ایجنت‌محور جهان معرفی کرده بود.

فکر جایگزین کردن اپلیکیشن‌های کلاسیک با ایجنت‌های هوشمند، موضوع تازه‌ای در صنعت فناوری نیست. با این حال، محصولاتی که تا امروز به بازار آمده‌اند، در عمل معمولاً همچنان بر پایه همان اپلیکیشن‌ها کار کرده‌اند و فقط دسترسی و استفاده از آنها را از طریق دستیارهای هوشمند ساده‌تر کرده‌اند. اکنون ZTE با معرفی نوبیا NaviX Ultra می‌خواهد این الگو را تغییر دهد. نوبیا NaviX Ultra به دستیار هوش مصنوعی Doubao مجهز است اما هنوز توضیح دقیقی درباره توانایی‌های این دستیار ارائه نشده و مشخص نیست که آیا این سیستم بر پایه اندروید اجرا می‌شود یا همچنان از اپلیکیشن‌های سنتی اندرویدی پشتیبانی خواهد کرد یا نه. این شرکت همچنین تاکنون جزئیات مربوط به سخت‌افزار، قیمت و زمان عرضه گوشی را هم اعلام نکرده است.

پیش‌تر تصویری از این گوشی منتشر شده بود که آن را در چهار رنگ سفید، صورتی، آبی و مشکی نشان می‌داد. این گوشی از نمایشگری با حاشیه‌های بسیار باریک و یک حفره مرکزی در بالای صفحه بهره می‌برد. فریم دستگاه حالتی کمی خمیده دارد و به‌نظر می‌رسد از فلز ساخته شده باشد؛ موضوعی که وجود خطوط آنتن روی بدنه هم آن را تأیید می‌کند.

کشف سه مقبره عصر فراعنه در مصر

برسام جنتی/ باستان‌شناسانی که در گورستان سقاره مصر مشغول به کار هستند، سه مقبره سنگی مربوط به دوران پادشاهی جدید را کشف کرده‌اند. این مقبره‌ها توسط یک هیأت مصری در حین کاوش در بخش شرقی گورستان بوباستیون واقع در استان جیزه در جنوب قاهره، کشف شده‌اند. این یافته شواهد جدیدی درباره افرادی که در مصر باستان دارای مناصب بالا بوده‌اند، ارائه می‌دهد.

بر اساس اعلام وزارت گردشگری و آثار باستانی مصر، آثار به‌دست‌آمده همگی به دوره سلسله هجدهم یعنی دورانی تعلق دارند که از درخشان‌ترین مقاطع تاریخ مصر باستان محسوب می‌شود.

به گفته باستان شناسان اولین مقبره کشف‌شده متعلق به فردی به نام «منتوهوتپ» است. دیوار شمالی این آرامگاه با نقش‌برجسته‌هایی از صحنه‌های شکار و حمل نذورات تزئین شده و اطلاعات مهمی درباره آیین‌های تدفین و جایگاه اجتماعی صاحب مقبره ارائه می‌کند. مقبره دوم متعلق به تاجری بزرگ به نام پاریم‌وایا، معروف به ساموت است. مقبره سوم هم متعلق به مردی به نام نهسی است. یکی از مهم‌ترین یافته‌های مقبره نهسی، ستونی دارای کتیبه هیروگلیف در مورد بازگشت یک فرمانده نظامی از شمال سوریه است و شواهد جدیدی از ارتباط مصر با مناطق خاور نزدیک باستان ارائه می‌دهد. دکتر «عمر الطیبی»، مدیرکل آثار باستانی سقاره، این کشف را نقطه عطفی در پژوهش‌های باستان‌شناسی منطقه توصیف کرد و گفت: «این اولین بار است که چنین مقبره‌هایی در بخش شرقی سقاره شناسایی می‌شوند.»

«هشام اللیثی»، دبیرکل شورای عالی آثار باستانی مصر نیز با اشاره به اهمیت این کشف اظهار کرد: «یافته‌های جدید، اطلاعات ارزشمندی درباره زندگی افرادی که در این محل دفن شده‌اند، ارائه می‌دهد و بخش‌هایی از تاریخ مصر را که هزاران سال زیر شن‌ها پنهان مانده بود، روشن می‌کند.» وی افزود: «این آثار، پژوهش‌های مربوط به جامعه مصر در دوره پادشاهی جدید را توسعه خواهد داد و شناخت دقیق‌تری از ساختار اجتماعی و اداری آن دوران فراهم خواهد کرد.»

البته گودال تدفین درون مقبره هنوز به طور کامل حفاری نشده است و باستان‌شناسان قصد دارند در فصل بعدی کاوش به کار خود ادامه دهند.

ممدوح الداماتی، وزیر پیشین آثار باستانی مصر هم با اشاره به اهمیت این کشف گفت: «سقاره همچنان گنجینه‌های تازه‌ای از سراسر تاریخ طولانی مصر باستان را در دل خود پنهان کرده است.» به گفته او، اگرچه این محوطه تاریخی بیشتر با آثار مربوط به پادشاهی قدیم شناخته می‌شود، اما شواهد فراوانی از دوره‌های بعدی تاریخ مصر نیز در آن وجود دارد.

فضا

دفاع از زمین در برابر سیارک‌های تهدیدکننده

پژوهشگران چینی قرار است در یک مأموریت فضایی جدید، گام بزرگی برای توسعه سامانه‌های دفاع از زمین در برابر سیارک‌های بالقوه خطرناک بردارند. این مأموریت، برخلاف آزمایش معروف DART ناسا که تنها با هدف تغییر مدار یک سیارک انجام شد، قرار است در شرایطی نزدیک‌تر به یک سناریوی واقعی، مسیر حرکت یک سیارک را نسبت به زمین تغییر دهد و توانایی بشر برای مقابله با اجرام تهدیدکننده زمین را محک بزند. «لی مینگتائو»، پژوهشگر ارشد برنامه دفاع سیارکی در سازمان ملی فضایی چین که هدایت این پروژه را به عهده دارد، می‌گوید: «در این مأموریت، قرار است دو فضاپیما به کار گرفته شوند. یک کاوشگر، سیارک تهدیدکننده زمین را پیش از برخورد، هنگام اصابت و پس از آن به‌دقت زیر نظر می‌گیرد. این فضاپیما وظیفه دارد تغییرات مدار، شکل ظاهری و ویژگی‌های سطح سیارک را ثبت کند و هم‌زمان با استفاده از تجهیزات علمی، اطلاعاتی درباره ساختار داخلی آن به دست آورد.» به گفته او، فضاپیمای دوم در این مأموریت، مستقیماً به سیارک هدف برخورد خواهد کرد تا مدار این جرم آسمانی، تغییر جهت بدهد و با زمین برخوردی نداشته باشد. محققان معتقدند چنین برخوردی، حتی می‌تواند ساختار داخلی سیارک را نیز دچار اختلال کرده یا آن را تا حدی متلاشی کند. «لی مینگتائو» می‌گوید: «هدف اصلی این مأموریت توسعه فناوری‌هایی است که در آینده بتوانند از زمین در برابر اجرام نزدیک و بالقوه خطرناک محافظت کنند و آمادگی بشر را برای مقابله با تهدیدهای فضایی افزایش دهند.»

براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، فضاپیمای برخوردکننده با سرعتی بیش از ۵.۶ مایل بر ثانیه به سیارک اصابت خواهد کرد؛ سرعتی که به‌مراتب بیشتر از مأموریت DART ناسا است. پژوهشگران پیش‌بینی کرده‌اند این عملیات هم‌زمان با عبور سیارک از نزدیکی زمین، در سال‌های ۲۰۲۹ یا ۲۰۳۰ میلادی انجام شود. در آن زمان، این جرم آسمانی در فاصله حدود ۴.۳ میلیون مایل از زمین قرار خواهد داشت و شرایط مناسبی برای اجرای آزمایش فراهم می‌شود. گفتنی است فضاپیمای ناسا در سال ۲۰۲۲ با سرعت حدود ۳.۸ مایل بر ثانیه به سیارک «دیمورفوس» برخورد کرد و برای اولین بار موفق شد مدار یک جرم آسمانی را به‌طور قابل اندازه‌گیری تغییر دهد.

دانشمندان معتقدند داده‌های حاصل از این مأموریت، می‌تواند نقش مهمی در طراحی سامانه‌های آینده دفاع سیاره‌ای ایفا کند و درک دقیق‌تری از نحوه واکنش سیارک‌ها به برخوردهای پرسرعت در اختیار پژوهشگران قرار دهد؛ دانشی که در صورت شناسایی یک سیارک واقعاً تهدیدکننده، می‌تواند برای حفاظت از زمین حیاتی باشد.

ایران در «ایران»

آتش‌نشانی اصفهان خواستار تشکیل «پلیس رودخانه» شد

جان‌باختن ۲۲ نفر از زمان جریان یافتن آب زاینده‌رود

بازگشایی زاینده‌رود و جریان یافتن آب در کانال‌های انتقال اصفهان از خرداد سال‌جاری، هر چند به کشتزارها و مزارع اصفهان رنگ خرمی و تازگی بخشید و لبخند را بر لبان شهروندان اصفهانی و میهمانان و گردشگران نصف جهان نشاند، اما کانال‌های آبرسانی و بستر به‌ظاهر آرام زاینده‌رود، با آغاز فصل گرم سال و بازگشایی آب، به کمینگاهی خطرناک تبدیل شده‌اند.

مدیر گروه مدیریت بحران و پدافند غیرعامل شرکت آب منطقه‌ای اصفهان با اشاره به جان‌باختن ۲۲ نفر بر اثر غرق‌شدگی از زمان جریان یافتن آب در زاینده‌رود و کانال‌های انتقال، بر لزوم رعایت نکات ایمنی توسط شهروندان و هم‌افزایی دستگاه‌های متولی برای ایمن‌سازی نقاط حادثه‌خیز تأکید کرد.

مجید نصر با اشاره به وسعت گستره آبی استان، افزود: «مسیر زاینده‌رود بیش از ۴۰۰ کیلومتر طول دارد و افزون بر ۱۲۰۰ کیلومتر کانال اصلی و فرعی در استان اصفهان وجود دارد که با جریان یافتن آب، هر نقطه از آنها ظرفیت خطرآفرینی دارد که با توجه به این حجم گسترده، حفاظت مستقیم و فیزیکی از تمام مسیر در عمل امکان‌پذیر نیست و تمرکز اصلی ما بر آگاهی‌رسانی، نصب بنر و تابلوهای هشداردهنده و پایش میدانی قرار گرفته است.

مدیر گروه مدیریت بحران شرکت آب منطقه‌ای اصفهان با بیان اینکه بخش عمده‌ای از حوادث در بافت شهری و مناطق پرتراکم رخ می‌دهد، تصریح کرد: «به‌رغم نصب تابلوهای متعدد هشدار با همکاری شهرداری، برخی شهروندان به این علائم توجه نکرده و وارد دهانه‌ها و بستر رودخانه می‌شوند.»

نجات ۱۰۸ غریق

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان با اشاره به استقرار گسترده اکیپ‌های تخصصی غواصی در طول مسیر زاینده‌رود گفت: «از زمان بازگشایی رودخانه تاکنون بیش از ۱۰۸ شهروند با تلاش نیروهای نجات از خطر مرگ حتمی رهایی یافته‌اند، اما متأسفانه بی‌توجهی برخی افراد به هشدارهای ایمنی موجب بروز حوادث ناگوار جانی شده است.»

امید باقری در پاسخ به برخی ابهامات درباره نحوه حضور اکیپ‌های امدادی و امدادرسانی‌های مردمی توضیح داد: «در برخی موارد که شهروندان اقدام به خارج کردن افراد از آب کرده‌اند، نیروهای مستقر آتش‌نشانی بلافاصله وارد عمل شده و عملیات احیا را انجام داده‌اند و اکنون ۱۵ اکیپ غواصی مجهز و دارای مدارک بین‌المللی به همراه و روبات غواص در حاشیه رودخانه مستقر هستند و بین ۲۷ تا ۲۸ درصد از توان عملیاتی سازمان به صورت مستمر صرف ایمنی زاینده‌رود می‌شود.»

وی با تأکید بر ظاهر آرام اما عمق بسیار خطرناک رودخانه، به کمبود ظرفیت نیروها برای پوشش کامل تمامی نقاط اشاره کرد و افزود: «برای جبران این محدودیت‌ها، نیازمند تشکیل ساختاری تحت عنوان «پلیس رودخانه» یا «نگهبان رودخانه» در کنار ارتقای فرهنگ ایمنی جامعه هستیم.»

پیکرهای تازه شناسایی‌شده شهدای مدرسه «شجره طیبه» میناب روی دوش مردم تشییع شد

پایان فصل طولانی انتظار

۶۷ قطعه پیکر شناسایی‌شده متعلق به ۳۲ شهید بوده است

عکس: ایسنا

فرماندار ویژه شهرستان میناب در گفت و گو با «ایران»: با وجود گرمای شدید، مردم شهرستان میناب و شهرستان‌های همجوار حضوری گسترده، پرشور و حماسی در این آیین داشتند و مسیر میدان امام خمینی(ره) تا گلزار شهدای میناب مملو از جمعیتی بود که برای بدرقه فرزندان این سرزمین آمده بودند

گزارش

بیتا میرعظیمی
گروه ایران زمین

صبح روز گذشته، میناب بار دیگر در سوگ فرزندانش غرق شد؛ سوگی که این‌بار نه با چشم‌انتظاری، بلکه با یقین به بازگشت آخرین نشانه‌های عزیزان از دست‌رفته همراه بود. از اولین ساعات صبح، خیابان‌های منتهی به چهارراه امام خمینی(ره) تا گلزار شهدای میناب، مملو از مردمی شد که برای بدرقه پیکرهای تازه شناسایی‌شده شهدای مدرسه «شجره طیبه» گرد هم آمده بودند؛ پیکرهایی که پس از ماه‌ها عملیات تفحص، انجام آزمایش‌های تخصصی ژنتیک و تطبیق نمونه‌های DNA هویتشان احراز شد. در این فرآیند، ۶۷ قطعه از پیکرهای مطهر کشف و شناسایی شد که متعلق به ۳۲ شهید این مدرسه بود و با احتساب این شناسایی‌ها، آمار رسمی شهدای حادثه «شجره طیبه» به ۱۵۵ نفر رسید. فضای شهر آکنده از نوای مرثیه و عطر اسپند بود. پرچم‌های سیاه بر فراز خیابان‌ها در اهتزاز بود و تابوت‌های مزین به پرچم جمهوری اسلامی ایران، بر دوش مردمی حرکت می‌کرد که اشک و صلابت را در کنار هم به نمایش گذاشته بودند. هر گام این تشییع، روایت ماه‌ها جست‌وجو، انتظار و امید خانواده‌هایی بود که سرانجام نشانی از عزیزان خود یافته بودند. در میان خیل عزاداران، مادران و پدرانی دیده می‌شدند که با چشمانی اشکبار خود را به تابوت فرزندانشان می‌رساندند؛ گویی می‌خواستند برای آخرین بار سنگینی پیکرهایی را بر دوش بکشند که ماه‌ها تنها خاطره و یادشان در خانه‌هایشان باقی مانده بود. دستانی که بر تابوت‌ها کشیده می‌شد، لب‌هایی که نام شهدا را زمزمه می‌کرد و اشک‌هایی که بی‌وقفه بر گونه‌ها جاری بود، تصویری ماندگار از یکی از تلخ‌ترین بدرقه‌های تاریخ معاصر میناب را رقم زد. مراسم تشییع روز گذشته تنها آیین وداع با پیکر شهدا نبود؛ بلکه پایان فصلی طولانی از بلاتکلیفی و آغاز آرامشی تلخ برای خانواده‌هایی بود که ماه‌ها چشم‌انتظار بازگشت حتی کوچک‌ترین نشانی از عزیزان خود مانده بودند. حضور گسترده مردم از اقشار مختلف، بار دیگر همدلی و همراهی مردم هرمزگان با خانواده‌های شهدا را به نمایش گذاشت و میناب را در صحنه‌ای سرشار از اندوه، احترام و وفاداری به خاطره جانباختگان این حادثه، یکپارچه کرد.

«محمد رادمهر» فرماندار ویژه شهرستان میناب با تشریح حال‌وهوای آیین تشییع و خاکسپاری پیکرهای تازه شناسایی‌شده شهدای مدرسه «شجره طیبه» به «ایران» گفت: «روز گذشته مردم شهیدپرور شهرستان میناب، قلب ایران، گلستان خلیج فارس، دروازه ورودی پایتخت طلایی توسعه مکران و سرزمین مرزبانان تنگه هرمز، بار دیگر صحنه‌ای باشکوه از همدلی، وفاداری و ایثار را به نمایش گذاشتند.»

میناب بر عهد خود با شهدا ماند

فرماندار ویژه شهرستان میناب در گفت‌وگو با «ایران» و با اشاره به برگزاری مراسم تشییع پیکرهای تازه شناسایی‌شده شهدای مدرسه «شجره طیبه» میناب اظهار کرد: «پیکرهای این شهدا که در حمله موشکی دشمن آمریکایی- صهیونیستی در تاریخ نهم اسفند ۱۴۰۴، به شهادت رسیده بودند، پس از طی مراحل قانونی شناسایی، با حضور گسترده مردم تشییع و در گلزار شهدای میناب به خاک سپرده شدند.»

«محمد رادمهر» با بیان اینکه مراسم در شرایط آب‌وهوایی بسیار گرم و با دمای بالای ۵۰ درجه سانتی‌گراد برگزار شد، اظهار کرد: «با وجود گرمای شدید، مردم شهرستان میناب و شهرستان‌های همجوار حضوری گسترده، پرشور و حماسی در این آیین داشتند و مسیر میدان امام خمینی(ره) تا گلزار شهدای میناب مملو از جمعیتی بود که برای بدرقه فرزندان این سرزمین آمده بودند.»

وی با قدردانی از حضور مردم، خانواده‌های معظم شهدا، مسئولان و اصحاب رسانه، تأکید کرد: «این حضور باشکوه نشان داد که مردم این منطقه همچنان بر عهد خود با شهدا و آرمان‌های انقلاب اسلامی استوار هستند و اجازه نخواهند داد یاد و راه شهیدان به فراموشی سپرده شود.»

فرماندار ویژه میناب درباره پیام این حضور مردمی نیز گفت: «پیام این اجتماع عظیم، ایستادگی و مقاومت مرزبانان همیشگی خلیج فارس و تنگه هرمز است. مردم این دیار بار دیگر اعلام کردند که تا پای جان از سرزمین خود دفاع خواهند کرد و در مسیر پاسداشت خون شهدای مدرسه «شجره طیبه» و دیگر شهدای این مرز و بوم، استوار خواهند ماند.»

وی در پایان از مردم استان هرمزگان بویژه مردم میناب که در دوران جنگ تحمیلی اخیر در خط مقدم دفاع از کشور قرار داشتند، قدردانی کرد و گفت: «از همه مردم عزیز که در میدان و در پشتیبانی از نیروهای مسلح، حضوری مؤثر و مسئولانه داشتند، صمیمانه سپاسگزارم.»

بدرقه باشکوه شهدای «شجره طیبه»

در همین حال، «عطا ناوکی» مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران هرمزگان نیز با توصیف فضای مراسم تشییع پیکرهای تازه شناسایی‌شده شهدای مدرسه «شجره طیبه» در گفت‌وگو با «ایران» اظهار کرد: «با وجود گرمای بالای ۵۰ درجه و نگرانی از کاهش استقبال مردم، حضور گسترده شهروندان همه پیش‌بینی‌ها را تغییر داد.»

طبق گفته مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران هرمزگان، جمعیت حاضر در آیین تشییع نه‌تنها کمتر از مراسم اول در اسفندماه ۱۴۰۴ نبود، بلکه در طول مسیر لحظه‌به‌لحظه بر شمار عزاداران افزوده می‌شد و میناب بار دیگر صحنه یکی از پرشورترین بدرقه‌های شهدای این حادثه شد. او با اشاره به صحنه‌های جانسوز این مراسم افزود: «پس از اقامه نماز میت و حرکت کاروان تشییع به سمت گلزار شهدا، خانواده‌ها تابوت فرزندانشان را بر دوش گرفتند؛ تابوت‌هایی که متناسب با سن دانش‌آموزان ساخته شده بود و بر شانه‌های پدران، مادران، خواهران و برادرانشان حرکت می‌کرد.»

به گفته ناوکی، اشک و اندوه خانواده‌ها با صبر، استقامت و روحیه‌ای آمیخته بود که در سراسر مراسم موج می‌زد. طبق گفته این مقام مسئول، «در جریان عملیات تخصصی تفحص، خاک و آوار محل حادثه در چندین مرحله جابه‌جا و با دقت الک شد. حاصل این فرآیند، کشف ۶۷ قطعه از پیکر مطهر شهدا بود که برای انجام آزمایش‌های تخصصی ژنتیک (DNA) به مراکز ذی‌صلاح ارسال شد. نتایج بررسی‌های آزمایشگاهی نشان داد این ۶۷ قطعه متعلق به پیکر ۳۲ نفر از شهدای مدرسه «شجره طیبه» است.»

از لالایی مادران تا پیام وحدت ملی

مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران هرمزگان با بیان اینکه در گلزار شهدا برخی مادران پس از گشودن تابوت‌ها، بقایای پیکر فرزندانشان را که در برخی موارد تنها قطعه‌ای استخوان بود، در آغوش گرفتند، گفت: «مادران با زمزمه لالایی، خاطرات کودکی فرزندانشان را مرور می‌کردند؛ صحنه‌هایی که اوج داغ و مظلومیت این خانواده‌ها را به تصویر کشید، اما در کنار آن، نشانی از پایداری و مقاومت نیز در رفتار و گفتارشان دیده می‌شد.»

«عطا ناوکی» حضور گسترده اقشار مختلف مردم، مسئولان، فرهنگیان، طلاب و خانواده‌های شهدا را نشانه همبستگی ملی دانست و افزود: «بازار میناب در زمان برگزاری مراسم عملاً تعطیل شده بود و مردم با حضور خود نشان دادند که حادثه «شجره طیبه» همچنان زخمی مشترک برای همه ایرانیان است.» طبق گفته این مقام مسئول، مردم هرمزگان در ماه‌های گذشته، افزون بر سوگ از دست دادن شمار زیادی از هم‌استانی‌های خود، داغ شهادت دانش‌آموزان، فرهنگیان، رزمندگان هوافضا، نیروهای سپاه و شهدای ناو زاگرس را نیز بر دل داشته‌اند. حضور پرشور و گسترده آنان در این آیین، تنها ادای احترام به مقام والای شهدا نبود، بلکه پیامی صریح و روشن در محکومیت این جنایت و اعلام همبستگی با خانواده‌های داغدار به افکار عمومی جهان مخابره کرد. وی همچنین با اشاره به حضور میهمانانی از استان‌های مختلف کشور و نمایندگانی از نهادهای مختلف، از جمله دفتر مقام معظم رهبری، تأکید کرد: «تماس‌های فراوان مردم از نقاط مختلف کشور در شب قبل از مراسم و حضور پررنگ آنان در آیین تشییع نشان داد که دل ملت ایران با خانواده‌های شهدای دانش‌آموز است.» طبق گفته مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران هرمزگان، این حضور گسترده، پیام روشنی از وحدت، همدلی و ایستادگی مردم ایران بود و نشان داد هیچ اقدامی نمی‌تواند انسجام ملی را خدشه‌دار کند.

بنگاه

در آیین گرامیداشت روز ملی صنعت و معدن؛

تقدیر رئیس جمهوری از مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران

رئیس جمهوری در آیین گرامیداشت روز ملی صنعت و معدن، با اهدای تندیس زرین و لوح تقدیر، از دکتر سیدمصطفی فیض، مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران، به پاس نقش‌آفرینی در حوزه اکتشاف و توسعه ذخایر مس ایران تقدیر کرد.

به گزارش پایگاه خبری مس‌پرس، آیین گرامیداشت روز ملی صنعت و معدن، صبح سه‌شنبه ۳۰ تیرماه با حضور دکتر مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری، مهندس سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رضا علیزاده، رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس و جمعی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران ارشد و فعالان و چهره‌های برجسته حوزه صنعت، معدن و تولید کشور در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما برگزار شد.

در این مراسم، دکتر پزشکیان با اهدای لوح تقدیر و تندیس زرین روز ملی صنعت و معدن، از دکتر سیدمصطفی فیض، مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران، به‌عنوان برگزیده بخش اکتشاف در توسعه معدن مس سریدون در استان کرمان تقدیر کرد.

براساس گزارش عملیات اکتشاف تفصیلی معدن شماره۲ سرچشمه (سریدون) که اخیراً از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت تأیید شده است، ذخیره قطعی این معدن ۳میلیارد و ۶۶ میلیون تن کانسنگ مس سولفیدی با عیار متوسط ۰.۴۲ درصد برآورد شده که معادل ۱۲.۸ میلیون تن محتوی مس است. این دستاورد اکتشافی، از مهم‌ترین ظرفیت‌های جدید شرکت ملی صنایع مس ایران در توسعه ذخایر معدنی کشور به‌شمار می‌رود و می‌تواند پشتوانه‌ای راهبردی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای، افزایش ظرفیت تولید و تقویت جایگاه صنعت مس ایران در زنجیره ارزش جهانی این فلز باشد.

مجمع عمومی عادی سالیانه هلدینگ صباانرژی با تأکید بر توسعه ارزش‌آفرینی برای سهامداران برگزار شد

مجمع عمومی عادی سالیانه گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری (هلدینگ صباانرژی) برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ با حضور سهامداران، نمایندگان صندوق بازنشستگی کشوری، اعضای هیأت‌مدیره، مدیرعامل، حسابرس و بازرس قانونی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری(هلدینگ صباانرژی)، در ابتدای این مجمع، گزارش هیأت‌مدیره از عملکرد سال مالی ۱۴۰۴ ارائه شد که نشان می‌دهد هلدینگ صباانرژی در شرایط پیچیده اقتصادی و نوسانات بازار، با تمرکز بر مدیریت فعال پرتفوی، ارتقای بهره‌وری شرکت‌های تابعه، کنترل هزینه‌ها و توسعه سرمایه‌گذاری‌های مولد، موفق به ثبت یکی از مطلوب‌ترین دوره‌های عملکرد خود شده است.

در این مجمع، علی پناهی مدیرعامل هلدینگ صباانرژی عملکرد مالی و عملیاتی در سال ۱۴۰۴ را تشریح کرد و مدیران شرکت با ارائه گزارشی از تحقق بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان سود، پیشبرد پروژه‌های راهبردی، ساماندهی پرونده‌های حقوقی بزرگ و برنامه عرضه اولیه برخی شرکت‌های تابعه، چشم‌انداز صباانرژی برای سال ۱۴۰۵ را تبیین کردند. همچنین علی پناهی با تأکید بر رویکرد ارزش‌آفرینی پایدار، ارتقای بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش ثروت سهامداران را از مهم‌ترین راهبردهای هلدینگ عنوان کرد. در ادامه، مدیرعامل هلدینگ صباانرژی با تشریح مهم‌ترین اقدامات سال گذشته، از تحقق بیش از ۱۴ هزار میلیارد تومان سود در سطح هلدینگ خبر داد و این دستاورد را نتیجه اصلاح ساختار مدیریتی، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر تحلیل، مدیریت دارایی‌ها و بهبود عملکرد شرکت‌های زیرمجموعه دانست.

علی پناهی همچنین از برنامه‌ریزی برای عرضه اولیه تعدادی از شرکت‌های تابعه در بازار سرمایه خبر داد و این اقدام را یکی از مهم‌ترین برنامه‌های هلدینگ برای افزایش شفافیت، تأمین مالی و آزادسازی ارزش دارایی‌ها عنوان کرد.

بخش دیگری از گزارش ارائه‌شده در مجمع به دستاوردهای حقوقی هلدینگ اختصاص داشت؛ جایی که مدیران صباانرژی با اشاره به پیگیری مستمر پرونده‌های مهم حقوقی، از تعیین تکلیف و پیشرفت پرونده‌های بزرگ و اثرگذار خبر دادند و تأکید کردند صیانت از حقوق سهامداران و بازگرداندن مطالبات هلدینگ، یکی از محورهای اصلی مدیریت در سال گذشته بوده است.

در این مجمع همچنین روند اجرای پروژه‌های توسعه‌ای در حوزه‌های نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، معدن و نیروگاهی مورد بررسی قرار گرفت و بر تسریع در بهره‌برداری از طرح‌های پیشران، استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه برای تأمین مالی و توسعه سرمایه‌گذاری‌های سودآور تأکید شد.

در پایان مجمع، پس از استماع گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی، صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۴ به تصویب سهامداران رسید و سایر دستورهای جلسه مطابق الزامات قانونی بررسی و تصویب شد. مدیران هلدینگ صباانرژی در پایان با تأکید بر استمرار راهبرد «خلق ارزش پایدار»، اعلام کردند این هلدینگ در سال ۱۴۰۵ نیز با تمرکز بر توسعه سرمایه‌گذاری‌های راهبردی، تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام، تقویت حاکمیت شرکتی، افزایش شفافیت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازار سرمایه و ارتقای سودآوری شرکت‌های تابعه، مسیر رشد و ارزش‌آفرینی برای سهامداران و ذی‌نفعان را با قدرت دنبال خواهد کرد.

نجات نارنگی سیاهو آغاز شد

ایران آنلاین- بندرعباس- نارنگی سیاهو، میراثی ژنتیکی و نشان هویت کشاورزی هرمزگان، اینک در آستانه تحولی راهبردی قرار گرفته است. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان، با اعلام بسته‌ای فوری و همه‌جانبه، از احیای قنوات تا ساماندهی نهالستان‌ها و مبارزه با آفات نوظهور، عزمی جدی برای نوسازی باغ‌های فرسوده و حفظ این سرمایه ملی به کار بسته است؛ طرحی که نه فقط پاسخ به بحران‌های امروز، بلکه نقشه راهی برای تداوم هویت کشاورزی جنوب ایران خواهد بود. به گزارش خبرنگار ما، مسعود گرگیج، معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان هرمزگان، در نشست تخصصی با نمایندگان بهره‌برداران منطقه سیاهو، از اجرای طرح‌های فوری برای حمایت از باغداران نارنگی سیاهو بندرعباس خبر داد و بر لزوم حفظ این محصول با ثبت ملی به‌عنوان یک ذخیره ژرم‌پلاسمی ارزشمند تأکید کرد. وی با اشاره به چالش‌های آبی منطقه، گفت: «درخواست‌های احیای قنوات و چشمه‌ها در دهستان سیاهو، بر اساس معیارهایی چون تعداد بهره‌بردار و سطح زیر کشت اولویت‌بندی شده و به‌زودی اقدامات اجرایی آن آغاز خواهد شد.»

گرگیج در ادامه به موضوع سلامت و اصالت نهال‌ها پرداخت و افزود: «نظارت بر نهالستان‌های مجاز تشدید می‌شود و با مراکز غیرمجاز برخورد قانونی صورت خواهد گرفت. همچنین فرآیند معرفی متقاضی رسمی برای توزیع نهال مجوزدار آغاز شده است تا کشاورزان از اصالت رقم اطمینان پیدا کنند.» معاون بهبود تولیدات، با یادآوری اقدامات پیشین سازمان از جمله اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار، توزیع نهال‌های یارانه‌دار و برگزاری دوره‌های ترویجی، بر حل ریشه‌ای مسائل کشاورزان تأکید کرد و افزود: «در این نشست، تخصیص اعتبار ویژه برای مبارزه شیمیایی و بیولوژیک با آفات و بیماری‌های نوظهور، با همکاری مدیریت حفظ نباتات مصوب شد. همچنین برنامه بلندمدتی برای نوسازی باغات فرسوده از طریق جایگزینی ارقام پربازده تدوین خواهد شد.» در پایان این جلسه، نماینده باغداران با قدردانی از پیگیری‌های مسئولان، بر تداوم حمایت‌های عملیاتی تا رفع کامل چالش‌های موجود تأکید کرد و خواستار نظارت مستمر بر اجرای مصوبات شد.

احیای امید با آبادانی

علی میرسپاسی در کتاب چگونه به آبادانی ایران فکر کنیم؟ می‌کوشد گفت‌وگو درباره ایران را از گذشته باز پس گیرد و به آینده تحویل دهد

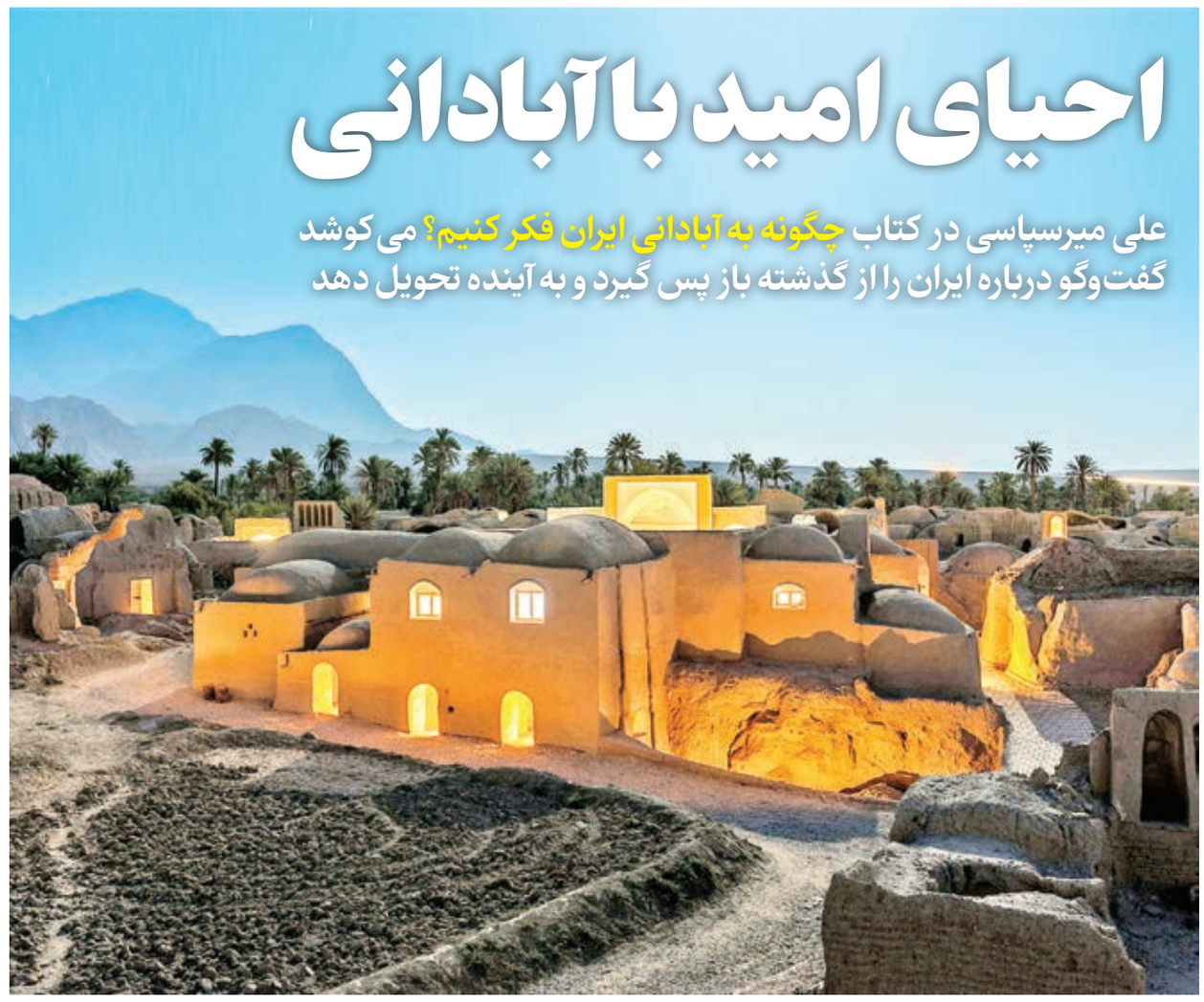

اصفهک، روستایی در استان خراسان جنوبی که در جریان زلزله طبس ویران شد، در سال‌های اخیر با اصول معماری پایدار احیا و در فهرست بهترین روستاهای گردشگری در سازمان گردشگری ملل متحد ثبت شده است

جامعه‌شناسی ایران معاصر

سمیرا دردشتی
روزنامه‌نگار

آنچه تا به امروز روشنفکران و متفکران ایرانی پیرامون توسعه و دلایل عقب‌ماندگی به رشته تحریر درآورده بودند، گویی دست کم در لحظه اکنون این سرزمین به حالت تعلیق درآمده است. از زمان مشروطه واکاوی پیرامون چرایی توسعه نیافتگی، نوعی گفتمان مسلط در حوزه مطالعات اجتماعی ایران بوده و اگرچه گاه منبعی برای خودآگاهی نیز محسوب می‌شد اما همزمان ابزار تشدید کینه‌توزی‌های تاریخی و حتی احساس تحقیر بوده است. گسست‌باوری، امتناع تفکر، انحطاط اندیشی و جست و جوی دلایل عقب‌ماندگی، ما را به نوعی تاریخ‌اندیشی افراطی سوق داده و از جست‌وجوی افق‌های امکان برای آینده دور کرده است. این گفتمان‌ها عمدتاً به نزاع‌هایی دایره‌وار و بسته منجر می‌شوند که فهم و نقد را دشوار کرده و به حاشیه می‌رانند و در این حالت زمینه تازه‌ای برای پرسشگری و راهکاری برای برون‌رفت از وضع موجود به ظاهر تثبیت شده فراهم نمی‌شود. به علاوه برخی از پاسخ‌هایی که متفکران به این پرسش‌ها می‌دهند، آنقدر متافیزیکی و رازآلود و گاه رمانتیک است که فهم تاریخی، اجتماعی، چندلایه و موقعیت‌مند را ناممکن می‌کند.

علی میرسپاسی در کتاب «چگونه به آبادانی ایران فکر کنیم؟» که انتشارات طرح نو آن را منتشر کرده، تلاش دارد از آن گفتمان مسلط در حوزه عقب‌ماندگی ایران عبور کرده و به امکان‌های آینده نظر داشته باشد. میرسپاسی در این کتاب که بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر و جلد اول از یک مجموعه پنج جلدی است (که قرار است در آینده منتشر شود)، درباره آبادانی می‌اندیشد و در جست‌وجوی یک «افق نیک» برای جامعه ایران است تا گذشته دیگر زندان امروز نباشد. عنوان فرعی کتاب «تأملاتی درباره سرنوشت مشترک ما ایرانیان» است و نویسنده تلاش دارد که کتاب را از یک محدوده تخصصی و دانشگاهی خارج کرده و ایران را به مثابه سوژه اندیشیدن برای همه ایرانیان در نظر بگیرد که فارغ از تخصص، حرفه یا جایگاه اجتماعی در آفرینش «ما» جمعی، سرنوشت مشترک و آبادانی ایران سهیم باشند. میرسپاسی در این کتاب مدعی است که از راهکارهای مبتنی بر نوستالژی فاصله گرفته و افق‌های بدیل عرضه می‌کند که به واقعیت‌های متکثر جامعه ایرانی بی‌توجه نیست. اینکه تا چه اندازه به این ادعا نزدیک شده، نیازمند زمان است تا مجلدات جدید اثر نیز منتشر شود و گفت‌وگوهای آکادمیک و عمومی بیشتری پیرامون آن شکل گیرد.

در فراسوی ایده‌های گذشته

نویسنده بخش مهمی از این کتاب را به نقد آثار دیگر متفکران ایرانی اختصاص می‌دهد و معتقد است قرائت خاص آنان از مدرنیته، این پروژه را به جهت ذهنی و نظری در ایران ناممکن جلو می‌دهد. به‌ویژه روایت‌های تاریخی که بار تاریخ را بر دوش امروز می‌اندازد را مورد نقد قرار داده است. ایده‌هایی چون «چرا از اعراب شکست خوردیم؟»، یا طرح روایت‌های اندوهبار از حمله مغول یا اسطوره‌سازی از لحظه عباس میرزایی و مرثیه‌سرایی برای واگذاری قفقاز که همگی به نوعی روایت شکست هستند، به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرند و فاقد امکان برای آینده ایران تلقی می‌شوند. میرسپاسی آثار افرادی چون صادق زیباکلام، مقصود فراستخواه، داریوش رحمانیان، عبدالهادی حائری، سیدجواد طباطبایی، آرامش دوستدار، ماشاالله آجودانی و... را واکاوی می‌کند و نشان می‌دهد کاستی‌های روایت‌های آنان درباره علل عقب‌ماندگی چگونه به بازتولید عقب‌ماندگی انجامیده است. البته در کتاب اذعان می‌شود که «شناخت دشمنان تاریخی، تحلیل شکست‌ها و مرور آسیب‌های تاریخی مهم است اما اگر قرار است آینده‌ای خلق شود، باید گفتمانی شکل گیرد که نه صرفاً انتقادی یا سوگوار بلکه آینده‌نگر و سازنده باشد.»

در همین راستا به باور نویسنده؛ دوره قاجار برخلاف برساخته تصویر شده توسط بسیاری از این متفکران، دوره بدبختی و حقارت و آغاز عقب‌ماندگی ایرانیان نبود و این تصویر ناقص و ایدئولوژیک است. نویسنده به شکل‌گیری ایده اصلاحات و به‌ویژه جنبش مشروطه در این دوره نظر دارد و آن را به عنوان «بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین تحول سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر» قلمداد می‌کند که در جریان آن نهادهایی ساخته شدند که جامعه ایران تا امروز نیز از آن بهره می‌برد. به تعبیر میرسپاسی «ملی شدن سیاست و شکل‌گیری شهروند ایرانی» در همین زمان آغاز شد و این جنبش چشم‌اندازی بازگشت‌ناپذیر برای ایران ایجاد کرد.

نویسنده در امتداد «فرارفتن از گفتمان عقب‌ماندگی، توسعه و انحطاط» که عنوان بخش دوم کتاب است، با الهام از جان دیویی فیلسوف آمریکایی می‌کوشد نگاهی باز و کثرت‌گرا و همدلانه از مدرنیته ارائه کند و نشان دهد «مدرنیته در حقیقت تقلید از دیگر فرهنگ‌ها نیست بلکه نتیجه مشارکت اجتماعی مداوم و شکوفایی بصیرت جمعی است.» چیزی که درون مشروطه ایرانی وجود دارد. این جنبش محصول سفر، مطالعه، ترجمه، مشورت و همکاری بود که نهادهای مهم مانند مجلس، قانون اساسی و انتخابات را در ایران ممکن کردند و توصیه به بازاندیشی توأم با امید این تجربه می‌کند. بر این اساس ایران برای ایده آبادانی به نهادینه کردن همکاری اجتماعی و تقویت همبستگی انسانی نیازمند است. نویسنده در ادامه دو چالش بزرگ را فراروی جامعه ایران برای خلق چنین گفتمانی متصور است: «نخست پراکندگی و ناانسجامی اجتماعی و دوم فقدان پیامی الهام‌بخش که بتواند میان نیروهای اجتماعی متنوع پیوندی ایجاد کند. گفتمانی که از درون تجربه زیسته ما ایرانیان برآمده و در دل تعامل و گفت‌وگو ظرفیت بازنگری و تحول را نیز در خود داشته باشد.» آنچه در هدف نگارش این اثر آمده در حقیقت داشتن سهم نظری و مشارکت در شکل‌دهی به چنین چشم‌اندازی است.

آبادانی چیست؟

آبادانی در این کتاب طرحی جامع است که ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی را در بر می‌گیرد و همزمان یک پروژه آینده محور و یک گفت‌وگوی تاریخی محسوب می‌شود که مدعی است می‌تواند ما را از تنگناهای مفهومی گفتمان‌های توسعه، عقب‌ماندگی و انحطاط عبور دهد. میرسپاسی در شرحی که جای دیگری درباره کتاب می‌دهد، به تفصیل ایده آبادانی را درکتاب تشریح می‌کند. به نظر او واژگانی چون توسعه، رشد، پیشرفت یا نوسازی به‌رغم آنکه هریک تاریخی دارند، دانشی می‌سازند و بخشی از واقعیت را روشن می‌کنند اما در کاربردهای اداری و تکنوکراتیک به سرعت سرد، بی‌چهره و تبدیل به اعداد و ارقام می‌شوند و به این اعتبار انسان به شاخص، شهر به پروژه، طبیعت به منبع، محله به واحد برنامه‌ریزی و زندگی به جدول‌ها و نمودارها برای نشان دادن کیفیت، تبدیل می‌شود. در برابر سردی این واژگان، آبادانی ظرفیت متفاوتی را عرضه می‌کند. این واژه از آغاز با مکان گره خورده اما به مکان بی‌جان محدود نمی‌شود. آبادانی به جایی نظر دارد که در آن امکان زندگی فراهم شده باشد؛ جایی که آب، راه، کشت، خانه، بازار، مدرسه، میدان، امنیت، دادگری، همسایگی، خاطره و امید به هم می‌رسد و از این منظر شاید نزدیک‌ترین واژه به آبادانی نه توسعه و پیشرفت بلکه واژه زندگی باشد، البته نه به معنای شکل زیستی یا خصوصی بلکه زندگی عمومی و تجربه زیستن درکنار دیگران و ساختن با دیگران به معنای اعتماد کردن، مراقبت کردن و به یادگار گذاشتن دستاوردهایی که از عمر فردی فراتر می‌رود.

ایده مرکزی این کتاب آن است که آبادانی را می‌توان به مثابه زبان ما ایرانیان برای اندیشیدن به زندگی مشترک و عمومی فهمید. زبانی که عناصر مادی و معنوی را از زندگی جدا نمی‌کند. در آبادانی خشت، پل، قنات، بازار و باغ مهم هستند ولی نه به مثابه زیرساخت به معنای اداری آن بلکه چون ظرف تجربه انسانی به آن نظر می‌شود. در آبادانی، رفاه اهمیت دارد اما رفاه چهره مالی ندارد بلکه فضیلت‌هایی نظیر آسایش، عدالت، امنیت، خیر عمومی، فراغت، همدلی، رواداری، مدارا و امکان حضور در جهان مشترک و عمومی است که به رفاه تعبیر می‌شود. به این اعتبار آبادانی از توسعه کمتر نیست بلکه از آن دقیق‌تر و به مراتب انسانی‌تر است. آبادانی آن‌گونه که میرسپاسی در شرح آن سخن می‌گوید، قابل زیست شدن جهان مشترک است و از دو سوء تفاهم جلوگیری می‌کند، نخست آنکه آبادانی به مثابه ساختمان‌سازی نیست یعنی شهری ممکن است برج‌های فراوان، بزرگراه‌های متعدد و پروژه‌های پرخرج داشته باشد اما اگر مردمانش امکان گفت‌وگوی آزاد، جمع شدن و دیدن افق‌های آینده را نداشته باشند، آن شهر آباد نیست. دوم آنکه آبادانی را نباید به احساسات شاعرانه تقلیل دهیم. چرا که آبادانی بدون زیرساخت مادی جامعه ممکن نیست و با آب، خاک، انرژی، راه، مسکن، آموزش، درمان، کار و نظم نهادی پیوند مستقیم دارد اما این زیرساخت مادی زمانی آبادانی گفته می‌شود که در خدمت زندگی عمومی مردم قرار گیرد و از این جهت آبادانی ترکیبی از پنج ساحت است که نویسنده آن را به تفصیل در کتاب شرح می‌دهد. نخست «ساحت مادی» که شامل آب، زمین، مسکن، غذا، راه، ابزار، فناوری و محیط‌زیست می‌شود. دوم «ساحت مدنی» یعنی اعتماد، تعاون، قانون و نهادهای مرتبط، امکان مشارکت و مسئولیت جمعی مدنظر قرار می‌گیرد. سوم «ساحت اخلاقی» که شامل داد و دادگری، عدالت و انصاف، رحمت و رعایت ضعیفان می‌شود. چهارمین «ساحت مربوط به زیبایی شناختی» است. یعنی باغ، میدان، بنا، منظر، آیین، مناسک، هنر و کیفیت محسوس زندگی و ساحت آخر «حافظه» با تأکید بر مراقبت از میراث و ساختن آینده‌ای که فقط مصرف امروز نداشته باشد.

در کتاب سه پیش فرض اساسی برای آبادانی در نظر گرفته شده است. نخست آنکه آبادانی باید امکان شکل‌گیری یک سرنوشت مشترک را فراهم آورد به گونه‌ای که ایرانیان فارغ از سبک زندگی و نظام ارزشی باید بتوانند در مواجهه با این ایده بگویند: «آبادانی ایران، آینده من است؛ آینده ماست.» همچنین این ایده باید امکان «مراقبت معنادار از میهن» را ایجاد کند. میهن در این تعریف صرفاً جغرافیایی و سیاسی نیست بلکه یک عرصه عاطفی و اخلاقی است که شایسته مراقبت، حفاظت و حتی فداکاری محسوب می‌شود. فردی که به آبادانی نظر دارد فراتر از شعارهای رایج ایران‌دوستی، به کنشگری مدنی به منظور بهبود شرایط دست می‌زند. در نهایت ایده آبادانی باید منجر به «تولید امید اجتماعی» شود.

نکته مهمی که در تعریف آبادانی بر آن تأکید شده تکثر و مشارکت است و این مفهوم در پیوند با ارزش‌های درون جوامعی و بومی تعریف می‌شود. در مجموع در طرح این ایده تلاش شده تا هم تجربه زیسته معتبر تلقی شود و هم به نیروهای ساختاری بی‌توجهی نشود. به این منظور نویسنده همزمان به جهانی ایران نیز نظر دارد. یعنی برخلاف ایده‌هایی که ایران را یک استثنا حتی درون خاورمیانه می‌بینند و تلاش می‌کنند از درون این تفاوت هویتی، تاریخ، سیاست و جامعه ایران را تشریح و گاه توجیه کنند، میرسپاسی ایده آبادانی را در ارتباط مؤثر و همراه با زیست در جهان پیش می‌برد. به باور او برخی از این نگاه‌های استثناگرایانه در دل نهادهای رسمی و با عنوان علم مطرح می‌شوند درحالی‌که حامل نگاه ضد علمی و ضد تحلیلی نسبت به مفهوم مدرن علوم اجتماعی هستند.

کوچ نظریه‌ها و خلق جامعه نیک

میرسپاسی در جای جای این کتاب از نظریات اندیشمندان غربی در حوزه علوم اجتماعی بهره‌گرفته و به صورت‌بندی ایده آبادانی پرداخته است. او می‌کوشد این ایده‌ها را به تناسب موضوع در تفکر پیرامون آبادانی ایران به خدمت گیرد و نوعی بازخوانی نقادانه در ربط با جامعه ایرانی از این آثار داشته باشد. مارکس وبر، جان دیویی، تیموتی میچل، آرتور اسکوبار، آمارتیاسن، مارتا نوسباوم، محمد آرکون و.... هریک از دل نظریه‌های خود سازوکارهایی برای چگونگی اندیشیدن در باب آبادانی بومی ایران عرضه می‌کنند. نویسنده بر این باور است که ما نیاز داریم با ذهنی باز و بدون واهمه به سراغ گفتمان‌های متکثر و پیشرو علوم اجتماعی مدرن برویم چرا که آنها ابزارهایی در اختیار ما می‌گذارند که به کمک‌شان بتوانیم از نو به مسائل ایران بیندیشیم، نظریه‌پردازی کنیم، نقد کنیم و از دل تجربه ایرانی، افق‌های تازه‌ای برای آینده بگشاییم.

نویسنده بازسازی فرهنگی گذشته را مستلزم روایت انتقادی از سنت با احترام و شجاعت می‌داند که نه اسطوره می‌سازد و نه تحقیر می‌کند. نقد باید توأم با مراقبت باشد نه بدبینی و ستایش و در همین راستا ایده‌های احیاگرانه چه از جنس ایرانشهری و چه بازگشت به خویشتن را اگرچه دارای نیت‌های اصلاحی ارزیابی می‌کند اما ناکارآمد می‌داند. کتاب پیشنهاد می‌کند طرح اندیشه ایرانی باید از دل علوم اجتماعی مدرن و با آگاهی از دشواری‌های این عصر بازتعریف شود. براین اساس علوم اجتماعی می‌تواند چارچوبی برای صورت‌بندی پرسش‌های جدید و نیز شکل‌دادن به افق‌هایی برای جامعه‌ای بهتر فراهم آورد.

کتاب در فصل دیگری با عنوان «کوچ نظریه‌ها و سرگذشت ترجمه؛ جغرافیای فکری ایران معاصر» با الهام از مفهوم «سفر نظریه‌ها» که ادوارد سعید طرح می‌کند، فرآیند پیچیده جابه‌جایی و بازتفسیر ایده‌ها را دنبال می‌کند. از فلسفه هایدگر و خوانش‌های متفاوت آن در ایران گرفته تا مفهوم «غرب‌زدگی» که از هایدلبرگ و پاریس به تهران و مشهد و حتی هند کوچ کرده و هربار صورتی نو یافته است. با تکیه بر این ایده ادوارد سعید، نویسنده کتاب تأکید می‌کند که «نظریه‌ها در جابه‌جایی خود نه اصالت می‌بازند و نه به شکلی ثابت و واحد باقی می‌مانند بلکه در گفت‌وگوی پویا میان فرهنگ‌ها و تاریخ بازآفرینی می‌شوند.» همچنین موضوع ترجمه در علوم انسانی ایران که مسیر آشنایی تاریخی و معرفتی ما با مدرنیته است، در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که ترجمه در ایران چگونه «بیش از آنکه فرآیندی خلاق باشد، نوعی تقلید و تسلیم معرفتی بوده است و دوگانه‌های ساده‌انگارانه‌ای چون سنت و مدرنیته و ایران و غرب را بازتولید کرده است.»

این بحث موضوع فصل هفدهم کتاب نیز هست که نویسنده طی آن تأکید دارد «تجربه ما از مدرنیته بیش از آنکه حاصل گفت‌وگویی دوسویه و خلاق با جهان باشد، عمدتاً از مسیر ترجمه و انتقال مفاهیمی شکل گرفته است که نه تنها امکان‌های تازه‌ای نگشوده بلکه در مواردی خود به سرچشمه بحران فکری نیز بدل شده است.» ترجمه در این معنا فرآیندی تاریخی و معرفتی است که پرسش‌های بنیادین ما درباره «چگونه اندیشیدن» و «چگونه نظریه پردازی کردن» را شکل داده است.

تأمل پایانی کتاب درباره «جامعه نیک در روزگار بحران» است. طرح موضوعاتی چون «آبادانی ایران» و «جامعه نیک» در این فضا ممکن است تجملی و بی‌ربط با روندهای جاری به نظر برسد اما نویسنده به تاریخ ایران و متفکرانی نظر دارد که از درون همین بحران‌ها امکان‌هایی به سوی آینده برای این سرزمین گشودند. به گفته میرسپاسی «ما ایرانیان اکنون در لحظه تاریخی ایستاده‌ایم که بدون افق‌های الهام‌بخش جامعه در تکرار شکست‌های گذشته گرفتار می‌ماند.» و همین ضرورت است که سخن گفتن از «جامعه نیک» را توجیه‌پذیر می‌کند.

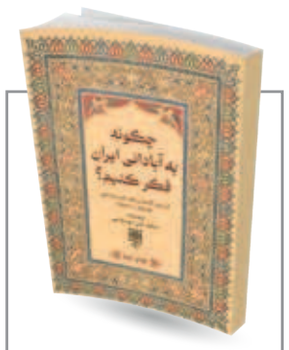

چگونه به آبادانی ایران فکر کنیم؟
فراسوی گفتمان‌های عقب‌ماندگی توسعه و انحطاط
- نویسنده: علی میرسپاسی
- انتشارات: طرح نو
- تعداد صفحات: ۳۹۸
- قیمت: ۱۳۰۰۰۰۰ تومان

ایده جذاب اما نامنسجم

به نظر می‌رسد نویسنده در نقد گفتمان‌های مربوط به توسعه، گذار به مدرنیته و عقب‌ماندگی بیش از اندازه به وجوه بن‌بست این ایده‌ها تأکید دارد و معتقد است آنها با ارائه تصویر آرمانگرایانه از مدرنیته یا به تقابل کشانیدن سنت و مدرنیته نتوانسته‌اند تجربه تاریخی ایران را به تحولی که مد نظر دارند، پیوند بزنند. او می‌کوشد برای صورت‌بندی ایده آبادانی همه این نظرگاه‌ها را فاقد وجوه امکان نشان دهد، در حالی‌که دست‌کم برخی از این رویکردها چنین انفعالی را نمی‌پذیرند و داعیه‌هایی برای گشایش افق آینده نیز دارند. البته نویسنده معتقد است نقد این نوشتار ناظر بر محتوای این روایت‌ها نیست بلکه بر کارکرد بازتولیدی آنها متمرکز است که در این صورت بیشتر معطوف به خوانش او از این آثار است.

نکته قابل توجه دیگری که در مطالعه کتاب به چشم می‌خورد، سیمای آن به عنوان مجموعه‌ای از درسگفتارهایی است که طرح اول این کتاب را ساخته‌اند و در صورت‌بندی نهایی نیز همچنان ردآن باقی مانده و از انسجام اثر برای دستیابی به ادعایی که طرح می‌کند تا حدودی کاسته است. این امر در پراکندگی نقدها به آثار دیگران و تکرار غیرضروری برخی از موضوعات آشکار می‌شود که گاه منجر به سردرگمی خواننده و گم کردن سیر استدلالی کتاب می‌شود.

کتاب چند فصل را به نقد ایده سایر متفکرین ایرانی اختصاص می‌دهد که برای ورود به بحث در باب آبادانی ضروری است ولی به نظر می‌رسد حجم پردازش به ایده‌های این متفکران متناسب با وزن صدایی که در ایده‌های مرتبط با توسعه داشته‌اند، به درستی انتخاب و پردازش نشده است. به طور مثال در چندین فصل به ایده پرسش عباس میرزایی در افق نگاه متفکرین ایرانی پرداخته شده ولی در نقد برخی از ایده‌های دیگر درباره علل توسعه و عقب‌ماندگی که دست‌کم امروز در افق اندیشه ایرانی صداهای بیشتری دارند، اهتمام کمتری داشته است. همچنین در بخش سوم که عنوان «علوم اجتماعی در ایران و غربت چشم‌انداز مشروطه» برای آن انتخاب شده، نویسنده در چند فصل به ماکس وبر و تولستوی می‌پردازد تا نگاهی انتقادی به اروپامحوری و دریافت و غیر نقادانه نسبت به پذیرش اندیشه‌های وبر در ایران داشته باشد. اگرچه او این بخش را طرح بحثی برای ورود فعالانه و دیالوگ محور به گفت‌وگو با سنت فکری غرب می‌داند اما گاه به نظر می‌رسد در جریان آن از موضوع اصلی پژوهش درباره آبادانی ایران فاصله می‌گیرد.

> علی میرسپاسی در کتاب «چگونه به آبادانی ایران فکر کنیم؟» تلاش دارد از گفتمان مسلط در حوزه توسعه‌نیافتگی ایران عبور کرده و به امکان‌های آینده نظر داشته باشد. میرسپاسی در این کتاب درباره آبادانی می‌اندیشد و در جست‌وجوی یک «افق نیک» برای جامعه ایران است تا گذشته دیگر زندان امروز نباشد

> ایده مرکزی کتاب میرسپاسی آن است که آبادانی را می‌توان به مثابه زبان ما ایرانیان برای اندیشیدن به زندگی مشترک و عمومی فهمید. زبانی که عناصر مادی و معنوی را از زندگی جدا نمی‌کند

دولت بازیگر درکار و پنهان

علی میرسپاسی در انتهای یکی از فصول کتاب «چگونه به آبادانی ایران فکر کنیم؟» معتقد است: «اگر بتوانیم ایده آبادانی را جایگزین مفاهیمی چون توسعه شکلی یا عقب‌ماندگی کنیم، می‌توانیم شکاف میان جامعه مدنی، مردم، شهروندان و دولت را کاهش دهیم. شکافی که هیچ‌گاه به سود ایران نبوده است و سرانجام باید بپذیریم که مسأله ایران مسأله آبادانی است.» با این حال به دقت توضیح نمی‌دهد که با چه سازوکاری این جایگزینی امکان‌پذیر است و چه ضمانت‌هایی برای کاهش این شکاف و فاصله در صورت جایگزینی ایده آبادانی در صورت پذیرش صورت‌بندی آن از سوی این گروه‌ها (جامعه مدنی، مردم و دولت) وجود دارد.

از این منظر آبادانی گویی بر نوعی اصلاحات نهادی از پایین نیز استوار است. به گونه‌ای که همه مردم جامعه به نوعی در آن درگیر باشند. ایده‌هایی نظیر حمایت از کسب و کارهای کوچک، کاهش وابستگی به صادرات مواد خام، سیاست صنعتی وابسته به ایجاد ارزش افزوده بومی، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و اجتماعی از طریق بهبود کیفیت آموزش و بهداشت و غنی‌سازی حیات فرهنگی، توانمندسازی اجتماعی، اصلاح سازوکارهای حکمرانی توسعه از طریق پافشاری بر افزایش شفافیت، پاسخگویی و مشارکت واقعی مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، توجه به ملاحظات پایداری زیست‌محیطی و حفظ میراث فرهنگی، احترام به هویت‌های محلی و... به عنوان پیشنهاد به منظور حرکت در جهت نظریه بومی توسعه برای ایران معاصر عرضه می‌شوند.

اگرچه طرح این پیشنهادها متعالی به نظر می‌رسد اما نویسنده کمتر مشخص می‌کند که مردم چگونه باید از درون برخی ساختارهای غیرهمراه به سمت این تحولات حرکت کنند. ایده آبادانی که میرسپاسی طرح می‌کند در واقع یک چشم‌انداز سیاست‌گذارانه با مشارکت مردم است ولی گاه نقش مردم در آن بسیار پررنگ‌تر از سیاست‌گذار به نظر می‌رسد. انداختن بار توسعه یا به تعبیر نویسنده آبادانی بر دوش مردم اگرچه مسئولیت‌پذیری و حساسیت نسبت به جامعه و سرنوشت را نزد آنان بالا می‌برد و شاید در چشم‌اندازی بلندمدت منجر به تحولات پایدار شود اما همزمان این خطر را نیز دارد که شکست در پیشبرد این ایده در غیاب اراده سیاست‌گذار، به سرخوردگی پایداتری نزد جامعه بینجامد. همچنین گاه به نظر می‌رسد که چنین طرح‌هایی، بار فشار را از دولت به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی به منظور تحقق تغییر و پیشبرد اهداف برمی‌دارد. این درحالی است که باوجود سامان‌های جدید اجتماعی بویژه در جوامع امروزی که نظام‌های بوروکراسی گسترده و ابزارها عمدتاً در اختیار دولت قرار دارد، حتی بازتوزیع ایده‌ها و ابزارها بیش از گذشته وابسته به سیاست‌گذاری و اراده دولت‌ها است.

به علاوه زمینه‌گرایی در انتقال آبادانی و کم‌توجهی به داده‌های کمی رشد، سنجه‌های مشخصی را به منظور درک از آبادانی فراهم نمی‌آورد چرا که احتمالاً همه چیز اغلب به احساس واگذاشته می‌شود. خود «ایده توسعه» در حقیقت در تقابل با «ایده رشد» که عمدتاً کمی در نظر گرفته شده، مطرح شد تا برخی از وجوه مغفول‌مانده نیز در این فرآیند اندازه‌گیری و بررسی شوند و در حقیقت توسعه درون خود نقد این کتاب را در مورد افراط در کمی شدن کیفیت زندگی به رسمیت می‌شناسد اما کتاب همچنان توسعه را درگیر اعداد و ارقام ارزیابی می‌کند.

البته عددگرایی افراطی در فرآیندهای توسعه مناقشه‌ای چند دهه‌ای در علوم اجتماعی ایجاد کرده که مفاهیم کیفی موجود در طرح آبادانی را گاه شامل نمی‌شود یا دست‌کم به آن بی‌توجه است اما همواره این خطر را نیز دارد که روایت بر واقعیت سلطه پیدا کند. طرح یک روایت پرصدا با پشتوانه‌های رسانه‌ای همچنان می‌تواند گروه‌هایی که اتفاقاً این پژوهش دغدغه آنها را دارد، در حاشیه نگه دارند یا نامرئی کند. چرا که سنجه‌های مقایسه‌ای و عددی عمدتاً بی‌اعتبار یا دست‌کم، کم اهمیت فرض می‌شود. همچنین مشخص نیست چگونه می‌توان از درون این شاخص‌های عمدتاً کیفی و مبتنی بر تجربه زیسته یا روایت، دولت را پاسخگو و متعهد به آبادانی نگه داشت. به علاوه آنکه بخش عمده‌ای از وجه زیرساختی آبادانی مورد انتظار نویسنده را که بر آن تأکید نیز دارد، دولت باید عهده‌دار شود. به کارگیری ایده آبادانی توسط جامعه مدنی و مردم به منظور خلق امید در چشم‌انداز زیست جامعه ایرانی، بدون همکاری و خواست دولت ناممکن خواهد بود.

به این تعبیر به نظر می‌رسد اگرچه دولت در زمین واقعیت هنوز جایگاه محوری در پیشبرد آبادانی دارد و البته نویسنده نیز به نقش آن معترف است اما پرداختن به آن در کتاب، وزن کافی پیدا نکرده است. حتی در گریزی که در این اثر به تجربه تاریخی مشروطه وجود دارد نیز این موضوع مشهود است. اگرچه نیروهای اجتماعی در جریان این جنبش بار تحول را از منظر حرکت به سمت قانونمداری و مشارکت شهروندان عهده‌دار بودند اما این نیروها در غیاب برخی ساختارهای مدرن بوروکراسی حرکت خود را آغاز کردند و البته نهایتاً با رساندن آن به سطح سیاست‌گذاری بود که موفق به ایجاد تغییر و اصلاحات شدند. حال آنکه به نظر می‌رسد جامعه ایران نسبت به لحظه مشروطه با توجه به سطح سواد، امکانات اجتماعی، اقتصادی و ارتباطات بین‌المللی هم به لحاظ عددی و هم از وجه کیفی، کنشگران مدنی بیشتری دارد اما این کنشگران نتوانسته‌اند آنگونه که مشروطه‌خواهان موفق به پیشبرد طرح‌های اصلاحی خود شدند، ایده‌های خود را درون ساختارهای حکمرانی اجرایی کنند. شاید پاسخ به این پرسش‌ها و سهم‌دهی به نقش شهروندان، کنشگران مدنی و دولت در پیشبرد ایده آبادانی، در جلدهای آتی این اثر بتواند نقشه راه دقیق‌تری برای این گروه‌ها فراهم آورد.

irannewspaper.ir

پنجشنبه • ۱ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۰۸۱
• اذان ظهر ۱۲/۱۱ • اذان مغرب ۱۹/۳۶ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۱ • اذان صبح فردا ۰۳/۲۶ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۰۶

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام حسین (ع):
بر شما باد به تفکر، که تفکر مایه حیات قلب شخص بصیر و کلید در حکمت است.

إعلام الدین، ص ۲۹۷

نقل قول

من عاشق وطنم

هیچ‌وقت خارج از کشور چمدان‌هایم را باز نکردم؛ برای اینکه می‌دانستم جای من اینجاست. از من ۲۰ سال خارج از کشور زندگی کرده بپرسید هیچ خبری نیست! می‌خواهند یک شماره به شما بدهند همه عِرق ملی و غیرتتان را می‌گیرند؛ شک نکنید! ما برای جایی هستیم که آشناست و نامش «ایران» است. وقتی می‌گوییم «خلیج فارس» یک عِرق ملی خوبی در وجودمان شکل می‌گیرد؛ وقتی می‌بینید به یک جایی می‌خواهند تجاوز کنند و یا هواپیمای ما را یک جایی زده‌اند یک کاری می‌خواهید انجام دهید. شاید این روزها آنهایی که سختی غربت را چشیده‌اند بیشتر قدر وطن را می‌دانند. این سرمایه بزرگ با هیچ چیز در این دنیا قابل قیاس نیست. من عاشق وطنم. حتی اگر همه از ایران بروند، سعید راد می‌ماند.

برشی از مصاحبه سعید راد
به بهانه یک مرداد دومین سالمرگ این بازیگر

«هادی حجازی‌فر» در مسیر یک عاشقانه تاریخی

هادی حجازی‌فر این روزها با «کلاغ» به کارگردانی محمدحسین مهدویان در شبکه نمایش خانگی دیده می‌شود و حالا نامش به سریال تازه برادران ارک هم رسیده است. بهمن و بهرام ارک، سازندگان «پوست» و «سویوق»، این بار سراغ یک عاشقانه تاریخی رفته‌اند؛ سریالی ۱۲ قسمتی با نام موقت «مینا و پلنگ» که احتمال تغییر دارد و مهسا حجازی، مهدی حسینی نیا و بانیپال شومون هم در آن بازی می‌کنند. از جمله دیگر آثار برادران ارک می‌توان به فیلم کوتاه «نجس» و فیلم کوتاه «حیوان» اشاره کرد. / **ایرنا**

«ریچارد گیر» و اخطار درباره پایان آونگ قدرت

ریچارد گیر، بازیگر سرشناس هالیوود و منتقد دیرینه دونالد ترامپ، با توصیف ترامپ به عنوان «شخصیتی آسیب‌دیده»، گفت که دوران اقتدارگرایی در آمریکا رو به پایان بوده و امیدوار است جامعه آمریکا از این تجربه درس بگیرد. او گفت: «ما مدتی در مسیر اقتدارگرایی پیش رفتیم، اما این روند به نهایت خود رسیده و اکنون در حال بازگشت است. امیدوارم این بازگشت با آگاهی و خرد همراه باشد و احساس مسئولیت نسبت به همه انسان‌ها بخشی از بافت زندگی ما شود.» / **خبرآنلاین**

درگذشت «اصغر پورزاد» در ۱۰۰ سالگی

اصغر پورزاد مشهور به محمدی که از تأثیرگذارترین نوازندگان تار در جهرم بود در سن ۱۰۰ سالگی درگذشت. او بیش از هشت دهه از عمر خود را وقف اعتلای موسیقی اصیل ایرانی و آموزش هنرجویان این دیار کرد و در طول سال‌ها فعالیت هنری، شاگردان بسیاری را تربیت کرد نقشی ماندگار در حفظ و انتقال هنر موسیقی سنتی ایفا کرد. به پاس بیش از ۸۰ سال تلاش هنرمندانه، از او در دهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در کرمان وجشنواره موسیقی فجر، تقدیر شده بود. / **ایسنا**

گزارش «ایران» از رویداد هنری **مشق ناتمام**

وقتی پل طبیعت به صحنه روایت تبدیل می‌شود

عکس‌ها: سجاد صفری / ایران

گزارش

گروه فرهنگی

از غروب، هنگامی که هوا رو به تاریکی می‌رود، پل طبیعت چهره‌ای دیگر به خود می‌گیرد. مکانی که در بیشتر شب‌های سال محل عبور، قدم زدن و تماشای چشم‌انداز تهران است، این روزها میزبان اجرایی محیطی شده که می‌کوشد روایت خود را نه بر صحنه‌ای محدود، بلکه در امتداد مسیر حرکت مخاطب تعریف کند.

«مشق ناتمام» از همان ابتدا برایده بهره‌گیری از فضای شهری بنا شده است. مخاطب نه با خرید بلیت و نشستن روی صندلی، بلکه با قدم زدن در مسیر پل وارد نمایش می‌شود و هر چند متر با بخشی از روایت روبه‌رو می‌شود. همین ویژگی، این اثر را به تئاتر محیطی نزدیک می‌کند؛ جایی که مرز میان فضای روزمره شهر و فضای نمایش تا حد زیادی از میان برداشته می‌شود.

موضوع اصلی اثر، یادبود کودکانی است که در جنگ جان باخته‌اند؛ کودکانی که عنوان «مشق ناتمام» به دفترها، کلاس‌ها و آینده ناتمامشان اشاره دارد. اجرا با تلفیق نمایش، موسیقی، چیدمان‌های محیطی و بخش‌های تعاملی می‌کوشد این مضمون را از قالب روایتی صرفاً کلامی خارج کرده و در فضای پل گسترش دهد. در بخش‌های مختلف مسیر، اجراهای نمایشی با الهام از خاطره‌های مشترک چند نسل شکل گرفته‌اند؛ از شخصیت‌ها و داستان‌هایی که بسیاری از مخاطبان با آنها خاطره دارند تا روایت‌هایی که به زندگی کودکان و مفهوم فقدان می‌پردازند. این بخش‌ها، در کنار موسیقی زنده و طراحی محیط، ساختاری چندلایه پدید آورده‌اند که مخاطب، بسته به مسیر حرکت و زمان حضور خود، تجربه‌ای متفاوت از آن خواهد داشت.

انتخاب پل طبیعت، مهم‌ترین امتیاز این پروژه است. در اینجا مخاطب تنها کسی نیست که برای تماشای نمایش آمده باشد؛ رهگذران، خانواده‌ها، گردشگران و افرادی که به‌طور اتفاقی از روی پل عبور می‌کنند نیز بخشی از مخاطبان اثر می‌شوند. نمایش خود را به شهر تحمیل نمی‌کند، بلکه در دل جریان عادی زندگی شهری شکل می‌گیرد و هر رهگذر می‌تواند از چند دقیقه تا چند ساعت با آن همراه شود.

استقبال مخاطبان در روزهای برگزاری نشان داد که اجرای محیطی همچنان می‌تواند تجربه‌ای متفاوت برای شهروندان رقم بزند؛ تجربه‌ای که بیش از آنکه بر دیالوگ و روایت خطی متکی باشد، بر فضا، حرکت و مواجهه مستقیم مخاطب با اثر استوار است.

«مشق ناتمام» را می‌توان تلاشی برای بهره‌گیری از ظرفیت یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی تهران در راستای روایت یک موضوع فرهنگی دانست؛ روایتی که فارغ از میزان موفقیت هنری آن، نشان می‌دهد تئاتر محیطی همچنان این ظرفیت را دارد که مخاطب خود را بیرون از سالن‌های تئاتر بیابد و شهر را به بخشی از صحنه اجرا تبدیل کند.

هنرمندان، راویان مشق‌های ناتمام

اتابک نادری، مدیرکل هنرهای نمایشی، در گفت‌وگو با «ایران» درباره این اجرا گفت: «این ۴۰۰ مشق ناتمام، تنها برگی از هزاران برگ تاریخ ایران است؛ برگی که باید پیوسته تکرار و یادآوری شود. اگر بخواهم از سر احساس سخن بگویم، باید فریاد بکشم. وقتی عکس این بچه‌ها را می‌بینید، اولین حسی که به ذهن‌تان می‌رسد چیست؟ اولین چیزی که با دیدن این کودکان به دل من، به‌عنوان یک پدر، می‌نشیند این است که می‌گویم: بمیرم برای پدر و مادر این بچه‌ها؛ پدر و مادرهایی که هنوز چشم به راه‌اند و هنوز باورشان نشده است. خیلی‌ها با هزار امید و آرزو فرزندانشان را راهی مدرسه کردند و سرنوشت‌شان اینگونه رقم خورد.»

او ادامه داد: «این صحنه، یک جنایت است؛ جنایتی که به پهنای تاریخ ماندگار شده است. این زخمی است که باید درباره آن فریاد کشید.»

مدیرکل هنرهای نمایشی همچنین درباره نقش هنر و هنرمندان در بازتاب این فاجعه اظهار کرد: «هنرمندان روایت‌های مختلفی از این اتفاق خواهند نوشت، زیرا نباید فراموش شود و فراموش هم نخواهد شد. این فریاد، به معنای داد زدن نیست؛ بلکه به معنای خلق کردن و آفریدن اثر است. این هنرمند است که با نوع نگاه خود روایتگری می‌کند؛ چه در سینما، چه در تئاتر و چه در دیگر گونه‌های هنری، تا این اتفاق ثبت شود.»

نادری در پایان گفت: «اگر این بچه‌ها شهید شدند، ما صدای آنها را نشنیدیم؛ تنها خبرشان را شنیدیم. این هنرمندان هستند که با آثارشان، فریاد این کودکان را به گوش همه دنیا خواهند رساند؛ در عرصه ادبیات، تئاتر و دیگر هنرها.»

«مشق ناتمام» را می‌توان تلاشی برای بهره‌گیری از ظرفیت یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی تهران در راستای روایت یک موضوع فرهنگی دانست

برش

«مشق ناتمام»، پلی میان خاطره جمعی و یک فاجعه انسانی

حسین جابری‌انصاری، مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره نمایش محیطی «مشق ناتمام» گفت: «لحظات بسیار شیرین و در عین حال بسیار تلخی بود؛ لحظاتی که نمی‌توان آنها را با کلمات توصیف کرد. اجرای بسیار خوبی بود و توانست میان خاطره جمعی همه ما، کتاب‌های درسی و داستان‌های مشهوری که خوانده‌ایم، با یک حادثه بزرگ و در حقیقت فاجعه‌ای انسانی که با شهادت کودکان رقم خورد، پیوند برقرار کند.»

او ادامه داد: «این اجرا مخاطب را همزمان به گذشته می‌برد و به امروز بازمی‌گرداند؛ هم فلش‌بکی به خاطرات جمعی است و هم او را در لحظه اکنون نگه می‌دارد. فکر می‌کنم اشک را به چشم هر بیننده‌ای می‌آورد. در مجموع، ایده‌ای بسیار موفق بود و اجرای موفقی هم داشت. این اثر توانست میان خاطره‌های مشترک چند نسل از دانش‌آموزان ایران پیوند برقرار کند و ذهن، روح و روان همه ما را با این فاجعه انسانی درگیر سازد.»

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اهمیت اجرای آثار هنری در فضاهای عمومی اظهار کرد: «کار بسیار خوبی است که هنر را به میان جامعه و مردم بیاوریم. چنین اتفاق‌هایی می‌تواند گذشته و امروز را به هم پیوند بزند و روح و روان جامعه ایران را به حرکت درآورد. باید بیشتر تلاش کرد تا مردم از برگزاری چنین رویدادهایی مطلع شوند و برای تماشای آنها حضور پیدا کنند.»

جابری‌انصاری در ادامه گفت: «حضور ما به‌عنوان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و همراهی همکارانم، تلاشی است تا هم وظیفه وجدانی خود را در قبال این رویداد بزرگ و این حرکت فرهنگی و هنری انجام دهیم و هم به‌عنوان رسانه ملی کشور، در چارچوب رسالت خبری خود، به پوشش و ترویج این ایده کمک کنیم تا گروه‌های بیشتری از جامعه از آن مطلع شوند و آن را ببینند.»

او در پایان تأکید کرد: «هر یک از این روایت‌ها، روایت مظلومیت و در عین حال ایستادگی و اقتدار ملت ایران است. امیدواریم بتوانیم در برابر خون شهیدان‌مان پاسخگو باشیم و در این شرایط خاص و استثنایی، در میانه یک جنگ بزرگ میهنی، وظیفه خود را در قبال کشور به‌درستی انجام دهیم.»

نگاهی به نمایشنامه **شعله‌های سرکش تاریکی**

مسئولیت انسان در برابر حقیقت

یادداشت

فرهاد فریدنیا
منتقد تئاتر

بسیاری از نمایشنامه‌های ماندگار جهان، هربار که روی صحنه می‌آیند، بیش از آنکه گذشته را یادآوری کنند، زمان اکنون را به پرسش می‌کشند. «شعله‌های سرکش تاریکی» به کارگردانی هوشمند هنرکار نیز از همین جنس آثار است؛ نمایشی که اگرچه دهه‌ها پیش توسط آنتونیو بوئرو نوشته شده، اما هنوز می‌تواند تماشاگر امروز را با پرسشی اساسی روبه‌رو کند: انسان حقیقت را نمی‌بیند یا نمی‌خواهد ببیند؟

در ظاهر، همه چیز روشن است. گروهی از نوجوانان نابینا در یک آموزشگاه شبانه‌روزی زندگی می‌کنند؛ محیطی منظم، آرام و قانون‌مند که سال‌ها بر اساس قواعدی مشخص اداره شده خیلی زود چهره دیگری از خود نشان می‌دهد. آموزشگاه تنها مکانی برای زندگی چند نوجوان نابینا نیست، بلکه جهانی بسته است که در آن، هرگونه تفاوت، پرسش یا میل به تغییر به چشم تهدید دیده می‌شود. از همین جا نمایش از یک روایت واقع‌گرایانه فاصله می‌گیرد و به استعاره‌ای از جامعه و وضعیت انسان تبدیل می‌شود.

در مرکز این جهان، ایگناسیو ایستاده است؛ شخصیتی که بیش از آنکه یک قهرمان باشد، یک پرسش است. او به نظمی که دیگران آن را طبیعی و تغییرناپذیر می‌دانند، مشکوک است. می‌پرسد چرا باید تفاوت را انکار کرد؟ چرا باید جهانی ناقص را کامل فرض کرد؟ چرا نباید آرزوی دیدن داشت؟ همین پرسش‌ها کافی است تا آرامش ظاهری جمع فروبریزد.

قدرت نمایش دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد؛ جایی که نشان می‌دهد گاه بزرگ‌ترین تهدید برای یک ساختار بسته، نه خشونت، بلکه اندیشیدن است. تاریخ بارها ثابت کرده است که پرسش، بیش از پاسخ می‌تواند نظم‌های تثبیت‌شده را به لرزه درآورد زیرا پاسخ را می‌توان رد کرد، اما پرسش، اگر در ذهن جای بگیرد، آرام نمی‌نشیند. ایگناسیو حامل همین پرسش است؛ شعله‌ای کوچک که تاریکی را نه با قدرت، بلکه با امکان دیدن به چالش می‌کشد.

از سوی دیگر، نویسنده با هوشمندی، دیگر شخصیت‌ها را نیز صرفاً در جایگاه مخالفان حقیقت قرار نمی‌دهد. آنها انسان‌هایی هستند که میان امنیت و آزادی گرفتار شده‌اند. جهانی را که می‌شناسند، هرچند محدود، بر جهانی ناشناخته ترجیح می‌دهند. این انتخاب، انتخابی اخلاقی یا غیراخلاقی نیست؛ انتخابی انسانی است. انسان اغلب به آنچه به آن خو گرفته، وفادار می‌ماند، حتی اگر همان عادت، او را از حقیقت دور نگه دارد.

شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نمایشنامه، پرهیز از دوگانه‌سازی‌های ساده باشد. در اینجا حقیقت چهره‌ای رمانتیک ندارد و آگاهی الزاماً به رستگاری ختم نمی‌شود. دیدن، هزینه دارد؛ همان‌گونه که نادیدن نیز بهایی سنگین بر انسان تحمیل می‌کند. تراژدی اثر نیز دقیقاً از همین تعارض شکل می‌گیرد؛ تعارض میان آرامشِ جهل و رنجِ آگاهی.

در اجرای این اثر، آنچه بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند، حفظ همین لایه‌های معنایی است. اگر اجرا تنها به روایت زندگی چند نابینا محدود شود، بخش مهمی از ظرفیت متن از دست خواهد رفت. اما زمانی که کارگردان بتواند این فضای استعاری را در میزانسن، نور، سکوت‌ها و روابط میان شخصیت‌ها جاری کند، نمایش از یک داستان شخصی فراتر می‌رود و به تجربه‌ای مشترک برای همه تماشاگران بدل می‌شود. ارزش چنین اجرایی در آن است که مخاطب، خود را پشت دیوارهای آموزشگاه نمی‌بیند، بلکه دیوارهای ذهن خویش را به یاد می‌آورد.

انتخاب دوباره این نمایشنامه در روزگاری که مرز میان حقیقت و روایت، آگاهی و انکار، بیش از هر زمان دیگری محل مناقشه است، انتخابی معنادار به نظر می‌رسد. جهان امروز، بیش از کمبود اطلاعات، از فراوانی روایت‌های متناقض رنج می‌برد و انسان معاصر هر روز بیش از گذشته باید میان دیدن و نخواستنِ دیدن یکی را انتخاب کند. از این منظر، «شعله‌های سرکش تاریکی» تنها درباره نابینایی نیست؛ درباره مسئولیت انسان در برابر حقیقت است.

شاید راز ماندگاری این اثر نیز در همین باشد که هر نسل، ایگناسیوی تازه در آن پیدا می‌کند و هر جامعه، دیوارهای تازه‌ای پیش روی خود می‌بیند. نمایش، مخاطب را به پذیرش یک پاسخ دعوت نمی‌کند؛ او را به زیستن با یک پرسش فرامی‌خواند و شاید هنر، درست در همین لحظه معنا پیدا می‌کند؛ جایی که به جای آسوده کردن ذهن، آن را بیدار می‌کند.

در پایان، «شعله‌های سرکش تاریکی» بیش از آنکه درباره فقدان نور باشد، درباره فقدان شهامت دیدن است. یادآوری می‌کند که تاریکی همیشه بیرون از انسان نیست؛ گاه در جایی شکل می‌گیرد که حقیقت را می‌شناسیم، اما چشم بر آن می‌بندیم. در چنین جهانی، هر شعله‌ای که علیه عادت برمی‌خیزد، تنها روشنایی نمی‌آفریند؛ امکان دوباره اندیشیدن را نیز زنده می‌کند و شاید این، بزرگ‌ترین رسالت تئاتر باشد.

«شعله‌های سرکش تاریکی» بیش از آنکه درباره فقدان نور باشد، درباره فقدان شهامت دیدن است که امکان دوباره اندیشیدن را نیز زنده می‌کند

تحلیل فرهنگی روز

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

چرا ملودی «پلنگ صورتی» در حافظه جمعی ایرانیان ماندگار شد؟

نوستالژی یک آهنگ کارتونی

«پلاس جانسون»، نوازنده برجسته ساکسوفون جاز آمریکایی که با ملودی ماندگار خود در فیلم کلاسیک «پلنگ صورتی» (۱۹۶۳) جاودانه شد، در ۹۴ سالگی در لس‌آنجلس درگذشت. درگذشت پلاس جانسون، فرصتی است برای بازخوانی اهمیت قطعه‌ای که شاید بسیاری از شنوندگان نام نوازنده‌اش را نمی‌دانستند، اما صدای ساز او را به‌خوبی در ناخودآگاه خود ثبت کرده‌اند. این یکی از ویژگی‌های شگفت‌انگیز موسیقی است. گاهی نام خالق و اجراکننده در حاشیه می‌ماند، اما خود اثر در زندگی اجتماعی مردم حضور پیدا می‌کند و معنایی فراتر از نیت اولیه سازندگانش می‌یابد. در واقع گاهی یک قطعه موسیقی بیش از آنکه یک اثر شنیداری باشد، به یک نشانه فرهنگی تبدیل می‌شود، نشانه‌ای که با شنیدن چند نت ابتدایی‌اش، نه فقط یک فیلم یا یک دوره تاریخی، بلکه مجموعه‌ای از خاطرات، تجربه‌های جمعی و احساسات فراموش‌شده در ذهن ما زنده می‌شود. ملودی مشهور «پلنگ صورتی» ساخته هنری مانچینی و با اجرای ماندگار ساکسوفون پلاس جانسون، از همین جنس است؛ قطعه‌ای که از مرزهای سینما عبور کرد و به بخشی از حافظه فرهنگی چند نسل بدل شد.

از منظر جامعه‌شناسی موسیقی، ماندگاری یک قطعه فقط به کیفیت فنی یا زیبایی‌شناسی آن مربوط نیست؛ بلکه به مسیرهایی وابسته است که یک اثر از طریق آنها وارد زندگی روزمره مردم می‌شود. «پلنگ صورتی» برای بسیاری از ایرانیان، صرفاً موسیقی متن یک فیلم آمریکایی محصول ۱۹۶۳ نبود، این قطعه در دهه‌هایی وارد خانه‌ها شد که تلویزیون، سینما و دوبله، مهم‌ترین دروازه‌های آشنایی ایرانیان با فرهنگ جهانی بودند. موسیقی، در این فرآیند، از یک محصول فرهنگی خارجی به بخشی از تجربه زیسته ایرانی تبدیل شد.

برای نسلی از ایرانیان که در دهه‌های گذشته با تلویزیون و برنامه‌های کودک رشد کردند، صدای ساکسوفون آرام و بازیگوش این قطعه یادآور لحظه‌هایی است که خانواده‌ها دور یک قاب کوچک جمع می‌شدند و جهان دیگری را تجربه می‌کردند. «پلنگ صورتی» فقط یک شخصیت کارتونی نبود، یک موقعیت اجتماعی بود. زمانی برای کنار هم بودن، برای خندیدن و برای تجربه نوعی از سرگرمی که با ریتم زندگی روزمره پیوند خورده بود. به همین دلیل، شنیدن این ملودی امروز می‌تواند مانند باز شدن یک آلبوم عکس قدیمی عمل کند.

قدرت این قطعه در ایجاد حس نوستالژی، بیش از هر چیز به زبان موسیقایی آن بازمی‌گردد. ساکسوفون در اجرای پلاس جانسون، صدایی مرموز، شوخ‌طبع و در عین حال صمیمی دارد. گویی سازی است که همزمان قصه تعریف می‌کند و لبخند می‌زند. همین ویژگی باعث شد موسیقی «پلنگ صورتی» بتواند شخصیت مستقل پیدا کند. بسیاری از مردم حتی اگر فیلم را ندیده باشند، با شنیدن این ملودی تصویری از آن فضای کنجکاوانه، فانتزی و کمی شیطنت‌آمیز در ذهنشان شکل می‌گیرد. در فرهنگ ایرانی، نوستالژی اغلب با رسانه‌های جمعی گره خورده است. تلویزیون در چند دهه گذشته نقشی فراتر از یک ابزار سرگرمی داشت، بخشی از حافظه مشترک جامعه را می‌ساخت. موسیقی‌هایی که از این مسیر وارد خانه‌ها شدند، به نوعی «موسیقی خاطره» تبدیل شدند. «پلنگ صورتی» نیز یکی از همین قطعات است؛ قطعه‌ای که در ذهن بسیاری از ایرانیان نه با سالن‌های سینمای آمریکا، بلکه با عصرهای کودکی، برنامه‌های تلویزیونی، دوبله‌های خاطره‌انگیز و حال‌وهوای یک دوران خاص پیوند خورده است.

نکته مهم این است که ماندگاری چنین آثاری فقط نتیجه تکرار نیست. بسیاری از قطعات در رسانه‌ها پخش می‌شوند اما در حافظه جمعی باقی نمی‌مانند. آنچه یک موسیقی را ماندگار می‌کند، پیوند آن با احساسات انسانی است. «پلنگ صورتی» توانسته میان یک ملودی ساده و تجربه‌های عمیق عاطفی ارتباط برقرار کند. این قطعه برای هر نسل ممکن است معنای متفاوتی داشته باشد، اما یک وجه مشترک میان همه شنوندگان وجود دارد: احساس بازگشت به گذشته. در جهانی که مصرف فرهنگی روزبه‌روز سریع‌تر می‌شود و آثار فراوانی خیلی زود جای خود را به آثار تازه می‌دهند، ماندگاری یک ملودی شش دهه‌ای پدیده‌ای قابل تأمل است. «پلنگ صورتی» نشان می‌دهد که موسیقی می‌تواند از زمان و مکان عبور کند و در حافظه جوامع مختلف زندگی تازه‌ای پیدا کند. این قطعه دیگر فقط متعلق به سینمای آمریکا یا یک فیلم کلاسیک نیست، بخشی از خاطرات مشترک میلیون‌ها انسانی است که با آن خندیده‌اند، خیال‌پردازی کرده‌اند و بخشی از گذشته خود را در نت‌های آن یافته‌اند.

شاید بزرگ‌ترین میراث پلاس جانسون همین باشد: او با چند دقیقه نواختن ساکسوفون، صدایی خلق کرد که تبدیل به زبان مشترک خاطره شد، صدایی که هر بار شنیده می‌شود، گذشته را نه به شکل یک تاریخ دور، بلکه همچون لحظه‌ای زنده به اکنون بازمی‌گرداند.